

تاریخ‌افت و خیز اینماد

بازی در محدوده خاکستری‌ها

اختلاف ده‌ها برابری حجم بازار تتر با دیگر رمزارزها در صرافی‌ها نشان‌دهنده چیست؟

دروازه‌های تتری

پرونده‌ای درباره اعتیاد به اینترنت

بانوشتارها و گفتارهایی از:

داود زارعیان، محمد خوانساری، محمود لیاثی، نیما نامداری، محمد کشوری
صابر فیضی، مازیار نوربخش، یاسر رضاخواه، صالح خواجه دلویی
اسدالله امیراصلانی، مرتضی موذنی، امیر بیات، بردیا احمدنیا، محمد یعقوبی
وال استریت ژورنال، دکانورسیشن، پی‌دابلیوسی، دیجیتال اینفورمیشن ورلد



تیر
ژوئن و جولای
۱۴۰۳
۲۰۲۴

شماره
صفحه
۱۲۴
۱۳۰

قیمت
۱۵۰۰۰ تومان

ISSN: 2423-6667



ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی، تحلیلی و فرهنگی

www.peivast.com

وزیر ترافیک داخلی یا خارجی؟

فراز و نشیب‌های کارنامه ناتمام عیسی زارع پور





راه اول

www.mci.ir

همراه لحظه‌های دیجیتالی



اینترنت فیبر نوری مبین نت
اتصال به سرعت نور

تا 1000

مگابیت بر ثانیه



مبین نت 

پیشرو در مسیر سبز تحول دیجیتال

www.mobinnet.ir

سیم کارت های سازمانی رایتل



امکان پیاده سازی ضوابط مرتبط با سازمان ✓

ارائه شماره در محدوده درخواستی ✓

اتصال یکپارچه به پنل پیامکی هوشمند ✓

اتصال دائمی کارکنان به شبکه درون سازمانی ✓

تعرفه های اختصاصی ✓

رایتل
RighTel

www.rightel.ir
یک ارتباط هوشمند



دستان آزاد

آسودگی و آرامشی خاطر با دستانی آزاد



صندوقی هوشمند برای نگهداری
وسایل همراه در مراکز فرهنگی،
ورزشی و مجتمع های تجاری

DD
شرکت پویا



کبالت، بستری بر پایه‌ی اتصال سرویس‌های بانکداری باز

www.parsian-bank.ir

مرکز تماس و صدای پارسیان: ۸۱۱۵۱۰۰۰۰





ارائه‌دهنده کامل‌ترین راهکارهای ارتباطی به سازمان‌ها در ایران

تماس رایگان
۹۰۰۰ ۰۰۰۰
بدون نیاز به کد
www.asiatech.ir

آسیاتک
asiatech



داده‌ورزی فرادیس البرز
Faradis Alborz Informatics Corp.

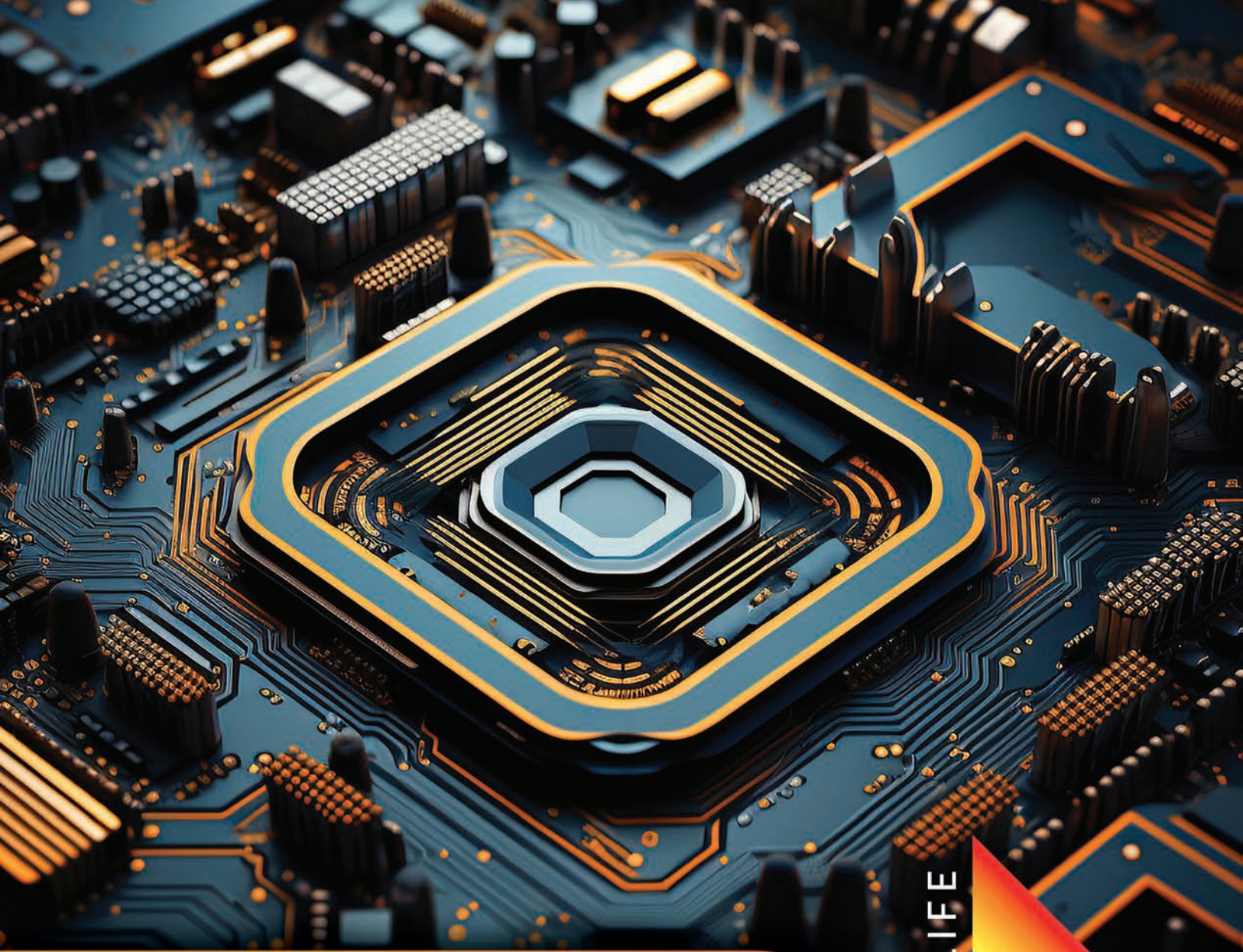
تولید ایرانه، برنده‌ما



دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از میدان ونک، خیابان خلیل زاده، پلاک ۲۰

☎ (۰۲۱) ۸۵۹۱۰ 🌐 www.faradis.com 📞 (۰۲۱) ۸۸۲۰۷۰۷۲

🌐 Faradis-alborz ✉ info@faradis.net 📷 faradis.alborz



LIFE

DIGITAL

مسیری نو در
زندگی دیجیتال...



www.fanaptech.ir



fanap.ir ■ سکوی خلق آینده





شرکت مخابرات ایران

(سهامی عام)

ارتباطی خدمات



ایوتل فن آوری هوشمند

پراز تخفیف
و جایزه ناب

ازکی
کلاب



digikala | تپسی | ضوی | شب
الویک | اگلا | فیڈیو



راهکارهای سازمانی:

اتوماسیون فرایندهای اجرایی بانکی و مدیریت مالی کلان

- مدیریت تمامی فرایندهای حوزه سرمایه‌های انسانی ۶۰ هزار نفر از همکاران شبکه بانکی
- مدیریت و ساماندهی اطلاعاتی بیش از ۵ میلیون قلم منقول و غیرمنقول بانک‌های کشور



دسترس پذیر کردن اپلیکیشن ها یک آپشن نیست. یک ضرورت است.

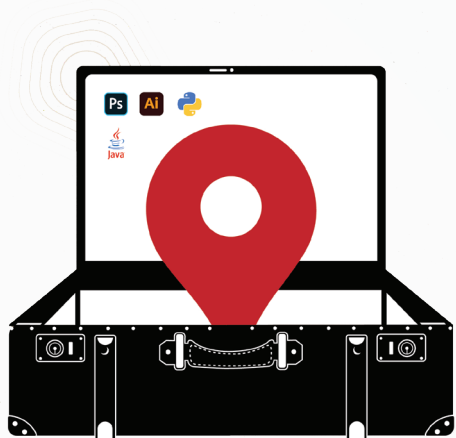
برای مطالعه راهنمای دسترس پذیر کردن برنامه ها اسکن کنید





گزارش ماه

- ۲۶ باختن و آن «چیزی» که ارزش هایمان کم می‌شود
- ۲۹ میراث دو دوره‌ای
- ۳۰ تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جوامع و رشد اقتصادی



۲۱



ورودی

- ۱۶ طعم شیرین IT یا CT
- ۱۶ عیسی پس از ابراهیم
- ۱۷ ارتباطات دور در دولت سیزدهم

۱۶



ناداستان

- ۳۷ یک زن بدون مردها
- ۴۱ پشت صحنه تاس و تخت
- ۴۴ در مسیر بانکداری پلتفرمی

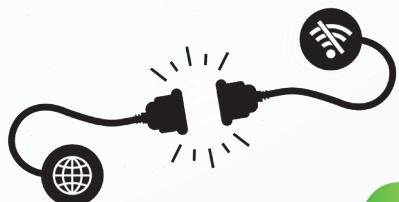


معرفی صوتی مجله



خدمت و تجارت

- ۶۶ لحظه استمرار
- ۶۷ ۷ در مقابل ۱۲
- ۷۰ بازی در محدوده خاکستری‌ها
- ۷۲ فردی که مسیر بانکداری الکترونیکی را تغییر داد



۶۵



۳۵

ذره بین



وزیر ترافیک داخلی یا خارجی؟
دستگاه‌ها دوست دارند اپ مستقل ایجاد کنند
یک ارزیابی متصفانه
اختلال‌های زبان آور
در صورت توسعه تعرفه پست کمتر می‌شود
چهار رگولاتور برای سه سال
قدرت فیبر و ضعف اینترنت



۴۹

حقوق فناوری



نزاع بر سر صدای اسکارت
زایش صنعتی
بندبازی بر ریسمان ناستوار

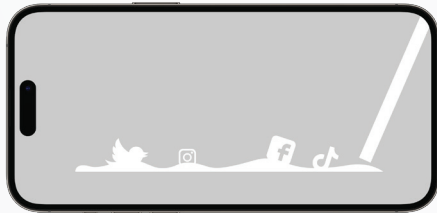


۸۹

پیوست جهان



جعبه‌ابزاری برای همه
از گل‌ولای تا موفقیت
همه ما اسکرول می‌کنیم
روی تاریخ وب
ما نشئه‌های فلک‌زده
غرق در مجازی
فوج فوج کاربر
سرت را بالا بیاور!
پارادوکس ارتباط
این غول به چراغ بر نمی‌گردد
چه کسی مغز مرا دزدید؟
اینترنت هروثین و شیشه نیست
خط پایان
کلید گذراندن زمان کمتر با تلفن همراه چیست؟

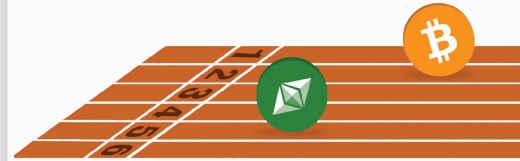


۹۷

رمزارز



دروازه‌های تتری
مفهوم لایه‌های بالاتر در بیت‌کوین
آرامش بیشتر در مواجهه با مرگ



۷۹



پیوست
ماهنامه اطلاع‌رسانی، پژوهشی و فرهنگی
ISSN 2423-6667

صاحب امتیاز:
موسسه پرسش
(پویندگان راه ستاره شمال)
مدیر مسئول:
محمدباقر اثنی عشری
مدیر عامل:
مجتبی محمودی
سر دبیر:
مهرک محمودی
دبیر تحریریه:
میثم قاسمی
دبیر نااستان:
سمانه سمیع
دبیر خدمت و تجارت:
ابوالفضل رجبی
دبیر رمزآرز:
سروش کرمان
دبیر حقوق فناوری:
حسام‌الدین ایبکیچی
دبیر پیوست جهان:
مینا پاکدل
دبیر آنلاین:
بابک نقاش
تحریریه:
آرش برهمنند، پسنا امان‌پور
فائزه فتحی‌رستمی
مصطفی مسجدی آرانی
دلارام سلطانیان، زهرا فکرانه
ساجده عرفانی
ویرایش:
نگار استادآقا
طرح‌ها:
علی رومانی
تصویر:
علی حسینی، متین طالب‌زاده
مهدی خدابنده
گرافیک و صفحه‌آرایی:
سیدسبحان‌علی ثابت
مدیر توسعه تجاری:
کامبیز برید
امور مالی:
شاپور رهبری
محمد کاظمی‌نیا
امور اداری:
راضیه محمودی



مهراک محمودی، سردبیر
mehrak.mahmoodi@peivast.com



طعم شیرین CT یا IT

عیسی زارع‌پور در همان روزهای اولی که پا به ساختمان کلاه‌فرنگی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گذاشت، از طعم شیرین فناوری اطلاعات سخن گفت و بارها اعلام کرد در طول دوره وزارتش می‌خواهد مردم طعم شیرین فناوری اطلاعات را بچشند. اما به نظر می‌رسد معنای «طعم شیرین فناوری اطلاعات» در ذهن مدیران وزارتخانه با مفهومی که در ذهن کاربران عادی و فعالان اقتصادی این حوزه نقش بسته متفاوت است.

طعم شیرین فناوری اطلاعات برای کاربران عادی یعنی دسترسی آسان و باکیفیت به شبکه جهانی اینترنت اما طعم شیرین فناوری اطلاعات برای دولتمردان یعنی گسترش زیرساخت در قالب توسعه فیبر نوری به منظور افزایش و توسعه پهنای باند داخلی نه پهنای باند خارجی، این در حالی است که عموم کاربران نهایی به دنبال دسترسی باکیفیت به اینترنت بدون اختلال با کمترین فیلترینگ هستند.

طعم شیرین فناوری اطلاعات برای فعال و بازیگران اقتصادی در حوزه فناوری اطلاعات یعنی هموار شدن مسیر توسعه کسب‌وکار فناورمحورش، اما برای دولت گاه این طعم شیرین به شکل تنظیم‌گری کسب‌وکارهای فناورانه با نگاه سلبی و کنترلی معنا پیدا کرده است. از همین رو می‌توان گفت ما با دو برداشت مفهومی از معنای طعم شیرین فناوری مواجه هستیم.

چنانچه اکنون از فعالان حوزه سی‌تی‌بی‌بی‌سی‌دی که عملکرد وزارت ارتباطات در خصوص توسعه فیبر نوری چگونه بوده است، معتقدند وزارت ارتباطات تمام تلاش خود را برای پیاده‌سازی زیرساختی نه کاربری توسعه فیبر نوری به کار بسته است چراکه شخص وزیر یا معاون پارلمانی آن توانسته‌اند با کمترین تغییر مصوبات قانونی لازم را چه در بودجه سالانه و چه در برنامه توسعه

به دست آورند و در نهایت فعالیت عملیاتی پروژه ملی توسعه فیبر روی غلتک افتاد. حال اگر هنوز برنامه‌های وعده داده‌شده تحقق نیافته، بخش عمده‌ای از آن به دلیل کسر ۳۶۵ روز از عمر دولت سیزدهم است.

دلیل دیگری که معنای طعم شیرین را در ذهن فعالان بخش فناوری اطلاعات از نگاه وزارت ارتباطات متمایز کرده است به میزان مسئولیت‌پذیری این وزارتخانه و توجه آن به IT برمی‌گردد زیرا عده‌ای معتقدند وزیر نتوانسته در مقابل وزارتخانه‌های دیگر مانند وزارت صمت و وزارت اقتصاد به خوبی از آنها دفاع کند و اگر خروجی‌ای نیز به دست آمده، طی چند ماه اخیر در نتیجه فعالیت کمیسیون اقتصاد دیجیتال بوده است. از سویی کاربران نیز از آنجا که همچنان با فیلتر و اختلالی مواجه بودند که طبق گفته وزیر رفع این اختلال‌ها یا رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی در زمره اختیارات و وظایفش نیست، چندان دل خوشی از وزارت ارتباطات ندارند چراکه برنامه توسعه فیبر نوری نیز هنوز نتوانسته امکان دسترسی فرآگیر شهروندان را برای چشیدن طعم شیرین سرعت و کیفیت بهتر اینترنت فراهم کند. از همین رو باید پرسیم میزان قدرت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و در رأس آن وزیر ارتباطات چقدر است؟

شاید با توجه به عملکرد این وزارتخانه می‌توان گفت هیات دولت و مجلس تمامی خواسته‌ها و برنامه‌های این وزارتخانه برای توسعه CT را پذیرفته اما در مقابل این وزارتخانه نتوانسته چندان در بخش IT موفق شود و اگر قرار است وظایف این بخش نیز به وزارتخانه مزبور محول شود، باید جایگاه وزیر این وزارتخانه و همچنین وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ارتقا یابد در غیر این صورت این وزارتخانه کماکان در لایه توسعه زیرساخت شبکه‌های ارتباطی و به شکل یک وزارتخانه زیربنایی باقی می‌ماند.

آرش برهمند
arash.barahmand@peivast.com

عیسی پس از ابراهیم

وقتی هلیکوپتر ابراهیم رئیسی سقوط کرد، در میان بخش بازمانده کابینه شاید کمتر کسی به اندازه عیسی زارع‌پور انگیزه شخصی برای سوگواری داشت.

وزیر ارتباطات این دولت ناتمام نه تنها کم و بیش تمامی حیات سیاسی‌اش زیر نگین رئیس‌جمهوری هشتم ایران سپری شده بلکه وقتی به سیدخندان رسید نشان داد یار وفادار دولتی که در آن خدمت می‌کند هم باقی خواهند ماند. وفاداری که هرگز به پاداش نرسید.

در حالی که بقیه اعضای کابینه با نزدیک شدن به انتخابات باید از خود دفاع می‌کردند زارع‌پور یکی از معدود وزیرانی بود که بخش دشوار دوره وزارتش تازه در حال هموار شدن بود. دوره‌ای که طرف چندان از فیلترینگ و قطعی اینترنت تا تحریم بین‌المللی را برایش رقم زده بود. اگر فقط چند قدم به عقب بازگردیم عیسی جوان یکی از معدود وزرای کرد اقلیم سیاسی این روزهاست. به خصوص این روزها که به خاطر انتخابات دوباره بحث سهم اقوام ایرانی در قدرت مطرح شده باید دقت کنید این دانش‌آموخته دانشگاه رازی یکی از اندکی است که توانسته‌اند از مرز تا عرش برسند.

هرچند اولین نشانه‌های سیاسی و عقیدتی زارع‌پور در دولت پدیده‌ای به نام محمود احمدی‌نژاد ظهور پیدا کرد ولی گویا منش خاموش و دیوان‌سالار او برای جنجال‌های «جبهه پایداری» بیش از حد متعادل بود. این شد که برای یک دکتر با سیدنی رفت و وقتی برگشت خط سیاسی جدیدش آشکارتر شده بود. موفق‌ترین دوره کارشناسی او موقعی رقم خورد که در زمانی که ابراهیم رئیسی به ایجاد تحول و اصلاح نسبی در قوه قضاییه کمر بسته بود و نتیجه یکی از محدود جهش‌هایی بود که به لحاظ روال الکترونیکی در این قوه اتفاق افتاد. بعید است حتی خود زارع‌پور فکر می‌کرد می‌رود که جانشین پرخبرترین وزیر کابینه حسن روحانی شود؛ محمد جواد آذری جهرمی.

جهرمی حتی تا همین امروز هم اثبات کرده است که برنامه سیاسی بلندمدتی برای حضور در بالاترین سطح سیاسی ایران دارد و شخصیت رسانه‌ای و مسیر به دقت تنظیم شده‌اش برای رسیدن به صدر قدرت باعث شد از همان بدو ورود زارع‌پور به وزارت ارتباطات او بازی روابط عمومی را به سختی ببازد. زارع‌پور فقط یک سال از «وزیر جوان» بزرگتر بود ولی هرگز قدرت بازی رسانه‌ای MJ را نداشت که می‌توانست از تیم فوتبال پرسپولیس را گرفته تا درگذشت محمدرضا شجریان را برای چهره سیاسی خود به خدمت بگیرد.

زارع‌پور هوشمندانه کوشید از این مبارزه پیش‌باخته فاصله بگیرد ولی وقتی تیغ اعتراضات مردمی بر پیکر شبکه‌های اجتماعی



داود زاریان
معاون امور مشتریان و تجاری شرکت مخابرات ایران



ارتباطات دور در دولت سیزدهم

در بخش توسعه زیرساخت‌های اینترنت، رتبه ایران به دلیل سرعت پایین در سطح جهانی خوب ارزیابی نمی‌شود و در داخل هم، کاربران از آن گله‌مند هستند. بر همین اساس، در دولت سیزدهم به‌درستی سیاست توسعه ۲۰ میلیون دسترسی فیبر نوری در دستور کار قرار گرفت و به عنوان برنامه راهبردی وزارت ارتباطات به تصویب رسید.

باید یادآوری کنم از ۱۰ سال قبل اکثر کشورهای دنیا این سیاست را با حمایت دولت، از سوی بخش خصوصی پیش بردند و امروز ضریب نفوذ فیبر نوری در اروپا بیش از ۵۰ و در برخی کشورها مثل قطر و امارات تا ۹۵ درصد است. در سایر کشورها هم رشد توسعه شبکه فیبر نوری بسیار سریع ارزیابی می‌شود. اما در ایران به‌جز شرکت مخابرات ایران که از سال ۹۶ فعالیت خود را در این زمینه شروع کرد، دولت اقدام خاصی نکرده بود، بنابراین ضروری بود در این باره اقدامی جدی شروع شود.

دولت سیزدهم در بخش فضای، توسعه شبکه انتقال، تقویت پیام‌رسان‌های داخلی و هزینه اعتبارات به‌دست‌آمده از طرح خدمات عام یا همان USO در روستاها و مناطق محروم هم اقدامات مثبت و درخور دفاعی داشته است و آثار آن کاملاً مشهود است. اما سیاست فیلترینگ که وزارت ارتباطات نقشی در آن ندارد یا نقش کمی دارد اجازه نمی‌دهد مشتریان مزه توسعه را خوب احساس کنند.

موضوع کاربرد ارتباطات هم از بحث‌های اساسی هر کشوری است و اتحادیه جهانی مخابرات نیز توجه ویژه‌ای به آن دارد. سه شاخص اعلامی اتحادیه مذکور در توسعه‌یافتگی ارتباطات، زیرساخت، مهارت و کاربردهاست. با وجود اینکه هنوز در همه شاخص‌ها عقب هستیم لیکن رتبه کاربرد ارتباطات و فناوری اطلاعات در همه سال‌ها وضع به‌مراتب وخیم‌تری در ایران داشت. اما در سه سال گذشته تلاش خوبی برای توسعه این بخش انجام شد و رتبه جهانی ایران تا آنجا که اطلاع دارم ۶ پله رشد کرد.

به هر روی دولت سیزدهم با حادثه تاسف‌بار شهادت رئیس‌جمهور و همراهان یک سال زودتر در تیرماه به پایان می‌رسد و شاید اگر فرصت می‌شد نتایج برنامه‌های دولت بهتر قابل ارزیابی بود

دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی، سال‌های توسعه تلفن ثابت در ایران بود. در حالی که ضریب نفوذ تلفن در ایران کمتر از سه و تعداد مشترکان در اول انقلاب فقط ۷۵ هزار بود، با همت مهندس غرضی تقریباً اکثر خانوارهای ایرانی صاحب یک خط تلفن شدند یا به‌راحتی می‌توانستند از این وسیله ارزشمند ارتباطی استفاده کنند. دهه ۸۰، دهه توسعه تلفن همراه و ارتباطات روستایی بود و دهه ۹۰ را باید دهه توسعه اینترنت و خدمات برخط نامید. اما دهه ۹۰ تفاوت جدی دیگری با سال‌های قبل داشت و آن اینکه نقش دولت در توسعه ارتباطات به حداقل رسیده بود و با خصوصی‌سازی مخابرات و حضور دیگر اپراتورهای بخش خصوصی عملاً دولت به یک مقررات‌گذار و ناظر تبدیل شده بود و کار عملیاتی او هم محدود به شرکت ارتباطات زیرساخت می‌شد. لیکن دولت در این زمینه به دلایل گوناگون از جمله جوانی رگولاتوری و عدم سابقه مقررات‌گذاری در ایران و دیگر موانع موجود موفقیت نبود.

ارتباطات دور در دولت سیزدهم چگونه بود؟ چه سیاست‌هایی باید اعمال می‌شد؟ آیا دولت به اهداف خود رسید؟ به اعتقاد من دولت سیزدهم از ابتدا باید سه سیاست راهبردی را دنبال می‌کرد:

الف- بهبود سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری در بخش ارتباطات

ب- توسعه زیرساخت‌های اینترنت در ایران

ج- توسعه کاربرد ارتباطات و فناوری اطلاعات در ایران

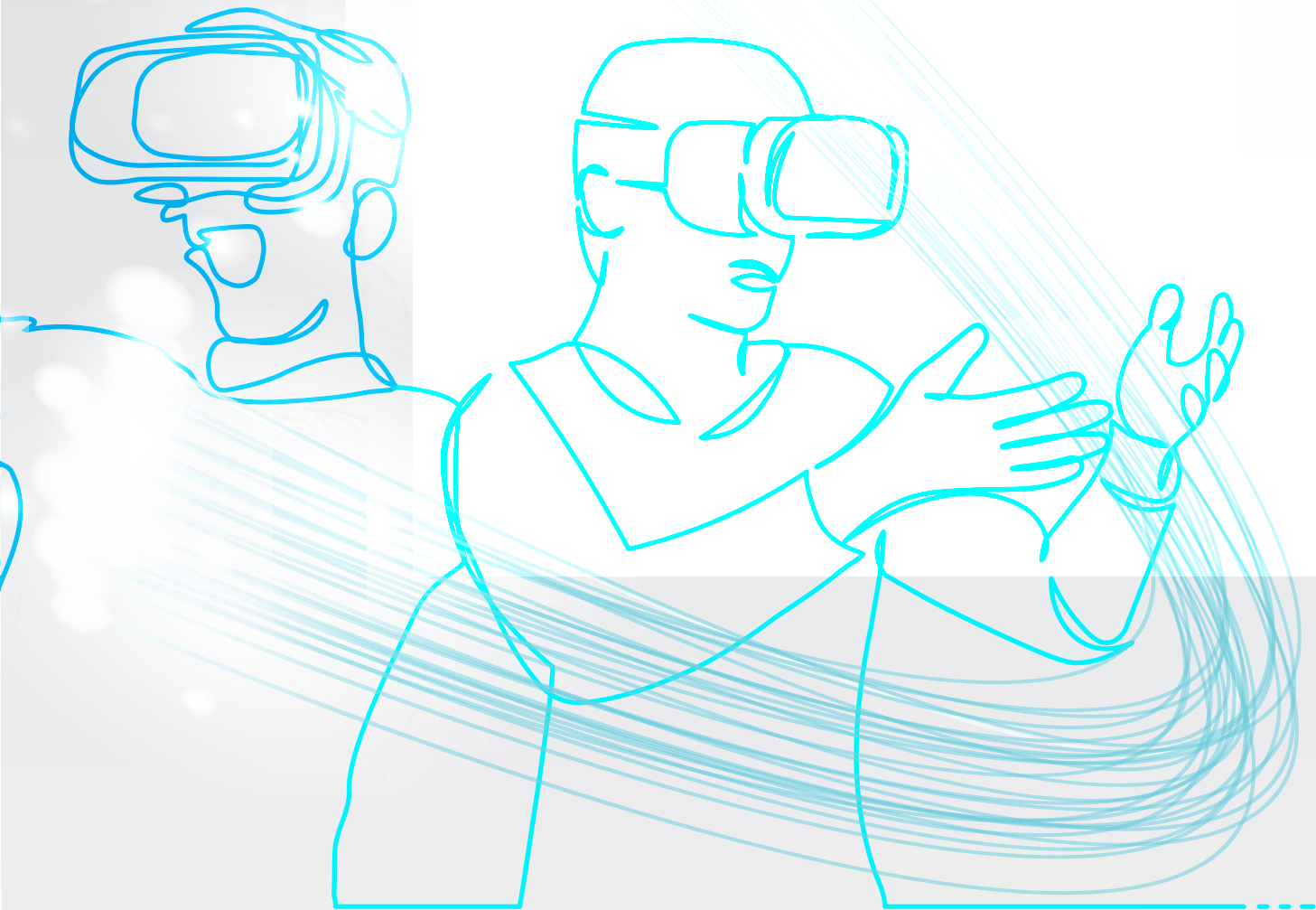
در بخش مقررات‌گذاری ارتباطات دور در سه سال از عمر دولت سیزدهم عملاً چهار نفر به عنوان مدیر رگولاتوری انتخاب شدند که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام فرصت ایجاد تغییر ساختار اساسی در این بخش را به دست نیاوردند و درگیر کارهای روزمره شدند و البته تصمیمات خوبی در بخش توسعه فیبر نوری و چند حوزه دیگر گرفته شد که در ادامه به آن می‌پردازیم. پس من همچنان عقیده دارم سیاست‌گذاری بخش ارتباطات دور در ایران ناقص است و در آینده می‌تواند توسعه ارتباطات را دچار بحران جدی کند. معتقدم اگر رگولاتوری در ایران مستقل نشود، هرگز در سیاست‌گذاری و مدیریت بخش نمی‌تواند موفق باشد.

فرود آمد و ایران طولانی‌ترین خاموشی و سپس اختلالات گسترده اینترنت را در دوران معاصر را تجربه کرد به کل جریان امور از دستش خارج شد. برای نزدیک به یک سال ناگزیر حتی اظهار نظر درباره ارتباطات جهانی هم از دست سیدخندان خارج شد و به پاستور رفت؛ جایی که شورای امنیت کشور یا به خلاصه «شاک» نشست بود. از زمان جهرمی و ژست‌های سیاسی سر تلگرام مردم با این قصه تکراری که وزیر در زمینه فیلترینگ کاره‌ای نیست گرفته بودند ولی دست‌کم جهرمی این فضای سیاسی را داشت که در برابر کابینه‌ای که عضو آن بود نقش یک اپوزیسیون را بازی کند ولی عیسی به ابراهیم وفادار ماند و حاضر نشد نقش شاک «شاک» را بازی کند. در نتیجه کسی که در دانشگاه نیو ساوت ولز گرایش شبکه‌های رایانه‌ای خوانده ابتدا توسط خزانه‌داری آمریکا و سپس توسط اتحادیه اروپایی تحریم شد. حتی جهرمی هم از این تیغ نجسته بود. تقریباً هیچ تردیدی نیست که با چنین جدید امنیتی سال‌های اخیر ایران وزارت ارتباطات کوچکترین تاثیری در سیاست‌های بنیادین اینترنت کشور ندارد و شاید همین‌جاست که بالاخره پس از یک دوران وزارت سخت زار‌پور توانست یک باریکه طلایی برای آنکه هم وزارت کند و هم آماج حملات نباشد پیدا کند و شد «وزیر ترافیک داخلی».

مجموع سیاست‌های زار‌پور در حوزه داخلی از فیبرهای مشهورش گرفته تا تعرفه، پیام‌رسان‌های داخلی و همگی تلاش برای احیای نقش فنی وزارت ارتباطات و عقیدتی خودش برای وزیری غیر سیاسی بود و می‌توانید روایت دقیق آن را در نوشته زیبای میثم قاسمی در صفحه ۵۰ بخوانید.

عیسی زار‌پور یکی از معدود دفعاتی که به دلایلی شخصی در رسانه‌ها مطرح شد زمانی بود که از سوی شورای اداری استان قزوین به عنوان «وزیر نمونه جمعیتی» معرفی شد.

از دید رسانه‌ها شاید زار‌پور وزیری باشد که فضا و حتی زمان محدودی برای قضاوت شدن داشت ولی از دید تاریخی شاید باید سوال را از فعل پنج فرزندی پرسید که این وزیر واقعاً جوان دارد. پدر آنها برای تاریخ آینده ایران چگونه وزیری بود؟



بدون نیاز به
زیرساخت مخابرات



پشتیبانی
۲۴ ساعته



برقرار ماندن
ارتباط پایدار



امکان استفاده از
IP Static



نامحدود
واقعی



پرسرعت و
بایثبات

اینترنت پرسرعت و پایدار بر بستر تکنولوژی فیبر نوری

Zitel **Fiber**

مناسب برای برجها و مجتمعهای اداری، تجاری و مسکونی



 zitel

 zi.tel

Tel: 1739

www.zi-tel.com

شرکت فرابرد داده‌های ایرانیان (سهامی خاص) دارنده پروانه انتقال داده مبتنی بر فناوری بی‌سیم (WTTX) به شماره ۱۴-۱۲۰-۱۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور



زی‌نهایت راهکار

طراحی محصول مطابق نیاز هر سازمان

اینترنت اختصاصی زی‌تل

Dedicated Broadband



بیشترین تعداد
پاپ سایت



پایش پیش‌دستانه
کیفیت اینترنت



برقرار ماندن
ارتباط پایدار



ارسال و دریافت
متقارن

zitel

zi.tel

Tel: 1739

www.zi-tel.com

شرکت فرابرد داده‌های ایرانیان (سهامی خاص) دارنده پروانه انتقال داده مبتنی بر فناوری بی‌سیم (WTTX) به شماره ۱۴-۱۰۰-۱۴۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور

باختن و آن «چیزی» که ارزش هایمان کم می شود ۲۶

ساماندهی فضای مجازی از مجلس دهم تا دوازدهم به طول انجامید
میراث دو دوره ای ۲۹

تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جوامع
ورشداقتصادی ۳۰



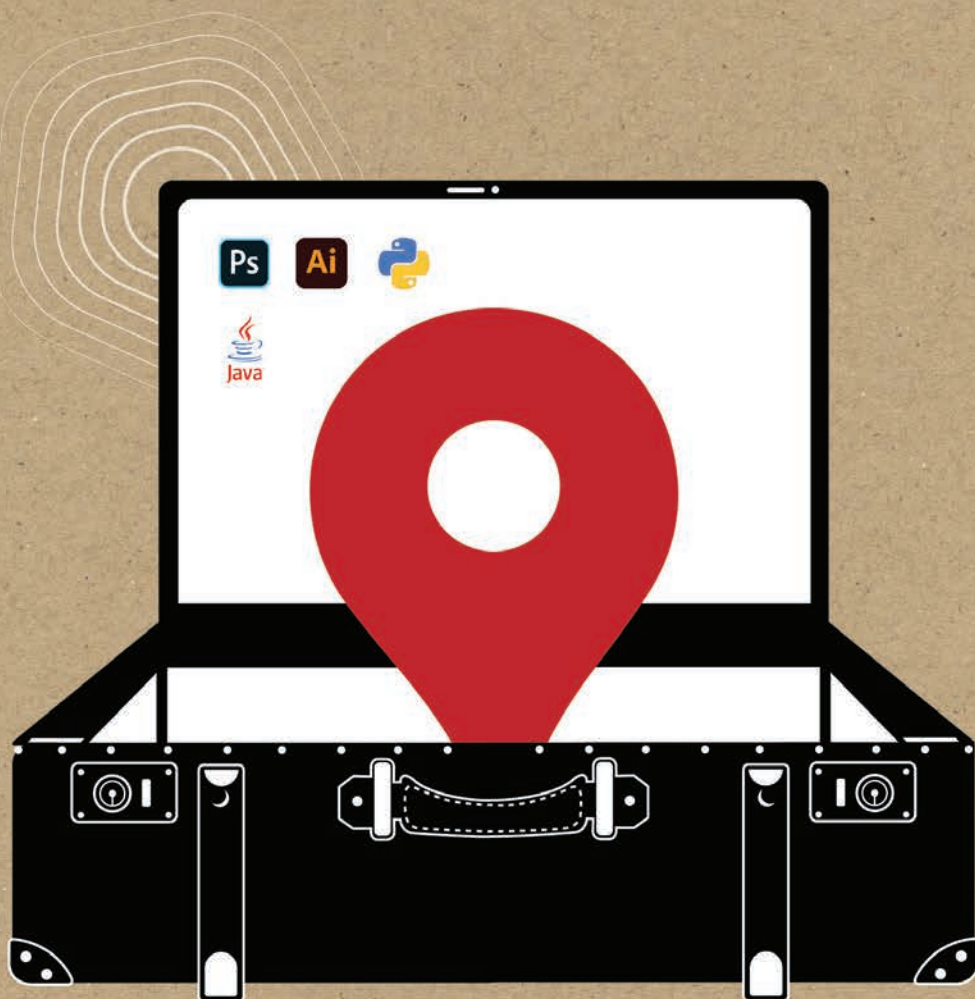
تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

گزارش ماه

www.peivast.com





مسیر ارسال گوشی‌های سرقتی به کشورهای شرقی مسدود می‌شود

فارس- دادستان تهران از دو وزارتخانه ارتباطات و امور خارجه خواست تفاهم‌نامه‌هایی با کشورهای همسایه شرقی مبنی بر ممانعت از ورود گوشی‌های سرقتی ایرانی به این کشورها امضا کنند. دادستان تهران اعلام کرده است با توجه به افزایش شکایات‌های مربوط به سرقت تلفن همراه مقرر شده وزارت صمت امکان دسترسی برخط پلیس به اطلاعات شناسه بین‌المللی تجهیزات موبایل (IMEI) گوشی‌های مسروقه برای ردیابی این گوشی‌ها را فراهم کند. در همین راستا نیز وزارت خارجه و وزارت ارتباطات مکلف شده‌اند با کشورهای همسایه برای مسدودسازی IMEI مربوط به گوشی‌های سرقتی از ایران تفاهم‌نامه امضا کنند.



علی صالحی
دادستان تهران

سلب امتیاز سیم‌کارت و خطوط تلفن ممنوع است

ایسنا- رئیس دیوان عدالت اداری گفت: مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی که منجر به سلب امتیاز سیم‌کارت‌ها و خطوط تلفن ثابت بلااستفاده می‌شد خلاف قانون بوده و قانون‌گذار هرگز چنین اجازه‌ای را به این کمیسیون نداده است. مظفری همچنین از اعمال ماده ۱۳ درباره این مصوبه خبر داد و گفت: بر این اساس تمامی اقداماتی که بر اساس این مصوبه انجام شده غیرقانونی بوده و شرکت مخابرات باید ضرر و زیان افرادی را که متضرر از این مصوبه هستند پرداخت کند.



حکمت‌علی مظفری
رئیس دیوان عدالت اداری

امکان فعال‌سازی گوشی‌های جامانده در طرح رجیستری

ایسنا- رئیس کل گمرک از آغاز دستورالعمل جدید طرح جاماندگان رجیستری تلفن همراه خبر داد و گفت: بر اساس مجوزی که از ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گرفته شده است، این امکان فراهم شد که جاماندگان و کسانی که نتوانسته‌اند فرایند ثبت تلفن همراه خود را در روش واردات مسافری نهایی کنند، می‌توانند از ۲۰ خرداد فرایند ثبت تلفن همراه خود را بر اساس دستورالعمل ابلاغ‌شده نهایی کنند. به گفته رضوانی‌فر، متقاضیان می‌توانند از طریق نزدیک‌ترین گمرک اجرایی یا میدئی که به کشور وارد شده‌اند، فرایند ثبت تلفن همراه خود را نهایی کنند.



محمد رضوانی‌فر
رئیس کل گمرک

رشد چشمگیر تراکنش‌های تجارت الکترونیکی در سال گذشته

ایسنا- معاون امور دولت، مجلس و استان‌های وزیر ارتباطات اعلام کرد رشد چشمگیر تراکنش‌های تجارت الکترونیکی در سال ۱۴۰۲، نشان‌دهنده توسعه اقتصاد دیجیتال با محوریت بخش خصوصی و حمایت ویژه دولت از این بخش مهم اقتصادی است. باقری اصل افزود: افزایش ۷۴ درصدی ارزش تراکنش‌ها و ۳۰.۶ درصدی تعداد در حالی است که شاخص‌های متناظر در شاپرک ۳۳ درصد ارزش و ۱۰ درصد تعداد در این سال رشد کرده است.



رضا باقری اصل
معاون پارلمانی وزیر ارتباطات

۷۶٪

جدیدترین نتایج به‌دست‌آمده از بررسی دامنه‌های دارای اینماد نشان می‌دهد ۵۹ درصد ۳۳ هزار دامنه ایرانی دارای CDN، از آروان کلاد سرویس می‌گیرند. کلادفلر با سهم ۳۲ درصدی بازار در جایگاه دوم و دیگر ارائه‌دهندگان CDN با سهم ۹ درصدی، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این بررسی مشخص شده است ۷۶ درصد از وبسایت‌های فعال دارای «اینماد» به طور کلی از CDN استفاده نمی‌کنند.

۶۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰

آپارات اعلام کرد آن دسته کاربران این پلتفرم که از سیستم درآمدزایی استفاده کرده‌اند، سال گذشته در مجموع ۶۳ میلیارد تومان درآمد کسب کرده‌اند. بر اساس آمار اعلامی آپارات، از زمان راه‌اندازی سامانه درآمدزایی آپارات، اقبال کاربران به این شبکه ویدئویی افزایش یافته و تا پایان سال ۱۴۰۲ بالغ بر چهار هزار و ۳۰۰ کاربر فعال در سیستم درآمدزایی داشته که از این آمار ۸۸۳ کاربر تنها در سال ۱۴۰۲ وارد این حوزه شده‌اند.

۱۰۰۰۰۰۰

کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات در جلسه شماره ۳۵۳ خود پیشنهاد سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی را در خصوص تعیین مصارف حساب توسعه فیبر نوری تصویب کرد که بر اساس آن به ازای هر خانوار متصل به شبکه فیبر نوری (FTTH) در سال ۱۴۰۳، به میزان ۱۰ میلیون ریال (یک میلیون تومان) به هر دارنده پروانه UNSP تخصیص داده می‌شود.

۸۳٪

بر اساس گزارش اندیشکده حکمرانی شریف، تعداد مخالفان فیلترینگ در سال گذشته افزایش یافته است. همچنین میزان استفاده از فیلترشکن در پایان سال به بیش از ۸۳ درصد کاربران اینترنت رسیده است. این گزارش نشان می‌دهد میزان استفاده از فیلترشکن در میان کاربران اینترنت در اسفند سال گذشته نسبت به شهریور همان سال، حدود ۹ درصد افزایش یافته است.



ظرفیت پهنای باند بین الملل در دولت سیزدهم ۲ برابر شده است

مهر - رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی گفت: ظرفیت پهنای باند بین الملل در دولت سیزدهم تقریباً دو برابر شده است. در پاسخ به یکی از کاربران مبنی بر افزایش پهنای باند اینترنت بین الملل و کاهش فیلترینگ گفت: ظرفیت پهنای باند بین الملل در دولت سیزدهم تقریباً دو برابر شده است و البته با توسعه زیرساختی‌ها دهمین دولت میزان ترافیک داخلی بیش از سه برابر شده است.



**امیر محمدزاده
لاجوردی**
رئیس رگولاتوری

میزان مجوزهای صادره از درگاه ملی مجوزها، رکورد زد

پیوست - امیر سیاح در توییت خود از شکسته شدن رکورد صدور سه میلیون مجوز الکترونیکی خبر داد و با انتشار عکسی از درگاه ملی مجوزها نوشت: تعداد مجوزهای الکترونیکی «شناسه یکتا» صادره از درگاه ملی مجوزها از سه میلیون گذشت. او پیش از این اعلام کرده بود طبق قانون تسهیل صدور مجوزهای تمام کسب و کارها دو سال پس از لازم الاجرا شدن این قانون باید همه مجوزهای کاغذی به مجوزهای الکترونیکی تبدیل شوند؛ در غیر این صورت، از نظر قانونی فاقد اعتبار خواهند بود.



امیر سیاح
رئیس مرکز بهبود محیط کسب و کار

هشت بسته حمایتی در صندوق نوآوری برای دانش بنیان‌ها

محمدصادق خیاطیان با اشاره به برنامه این صندوق در راستای تحقق شعار «جهش تولید با مشارکت مردم» گفت: در این راستا، برنامه‌ای تحت عنوان «جهش تولید دانش بنیان» در صندوق نوآوری و شکوفایی تدارک دیده شده که شامل هشت بسته حمایتی است. او افزود: اعطای کمک‌هزینه بلاعوض تحقیق و توسعه (موسوم به گرنت) تا سقف سالانه پنج طرح، هرکدام به میزان حداکثر ۵۰۰ میلیون تومان، اعطای تسهیلات قرض الحسنه ودیعه رهن تا سقف سه میلیارد تومان به هر شتاب‌دهنده، اعطای تسهیلات بلندمدت با نرخ ۱۶ درصد برای خرید تجهیزات فنی و آزمایشگاهی در مقیاس محدود تا سقف ۵۰ میلیارد تومان از جمله دیگر خدمات صندوق در بسته حمایتی «رویش» است.



**محمدصادق
خیاطیان**
رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی

ایجاد پلتفرم برای رصد جزئیات فرایند مرسولات پستی تا مقصد

ایرنا - مدیرعامل شرکت ملی پست گفت: در حال طراحی یک پلتفرم هستیم تا مشتریان از همان ابتدا نزدیک‌ترین، به‌صرفه‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر را به شکل هوشمند برای ارسال مرسوله انتخاب کند و سامانه به صورت هوشمند تشخیص دهد که مرسوله چه سیری را برای رسیدن به مقصد طی کند. لیائی ادامه داد: برنامه ما این است که به محض دریافت مرسوله در باجه، سیستم تشخیص دهد که بسته چه فرایندی را طی کند و حتی نامه‌رسان نیز در همان ابتدا مشخص شود.



محمود لیائی
مدیرعامل شرکت ملی پست

تصویب پیش نویس نحوه فعالیت کسب و کارهای حوزه سلامت

فارس - در چهل و پنجمین جلسه کمیسیون راهبری اقتصاد دیجیتال، پیش نویس آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت سکوها و کسب و کارهای حوزه سلامت تایید شد. پیش از این «آیین‌نامه اجرایی، ضوابط و اصول حاکم بر کاروران سلامت رقومی» نیز به تصویب کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال رسیده بود و حال با تایید کمیسیون، تصویب آیین‌نامه اجرایی نحوه فعالیت سکوها و کسب و کارهای حوزه سلامت رقومی نیز در همان راستا در دستور کار کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال قرار گرفت.

مالک موبایل موسوی دستگیر شد

پیوست - فرمانده انتظامی استان مازندران از دستگیری مدیر و موسس موبایل استقلال آمل به دلیل کلاهبرداری از شهروندان خبر داد. حسن مفخمی شهرستانی در این باره توضیح داد: در پی مراجعات مردمی به مراجع قضایی و انتظامی مبنی بر کلاهبرداری و متعهد نبودن مدیر و موسس موبایل استقلال آمل به قراردادهای موضوع در دستور کار فرماندهی انتظامی آن شهرستان قرار گرفت.

گمرک: ممنوعیت واردات آیفون را شفاف کنید

پیوست - گمرک طی نامه‌ای از رئیس سازمان توسعه تجارت درخواست کرد موضوع ممنوعیت واردات نشان تجاری اپل و سود بازرگانی آن را شفاف و ابهامات پیش آمده در این خصوص را برطرف کند. پیش از این دولت اعلام کرده بود در صورت لغو ممنوعیت واردات آیفون، سود بازرگانی آن ۹۶ درصد تعیین شود؛ اما بعد از گذشت چند روز گمرک اعلام کرد واردات اپل ممنوع است، با این حال مشخص نشد دقیقاً واردات کدام مدل آیفون ممنوع شده است.

حکیم جوادی رئیس نصر کشور شد

پیوست - علی حکیم جوادی طی حکمی از سوی سرپرست ریاست جمهوری، رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور شد. علی حکیم جوادی که با کسب ۲۰ رأی به عنوان رئیس هیات مدیره سازمان نصر تهران انتخاب شده بود حالا با حکم سرپرست ریاست جمهوری به ریاست نصر کشور منصوب شده است.



گزارش ماه

سرمایه صندوق نوآوری به ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت

۸ خرداد

معاون توسعه اکوسیستم صندوق نوآوری و شکوفایی گفت سرمایه این صندوق با تصویب هیات دولت امسال به ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. طبق مصوبه هیات امنای صندوق تا سال ۱۴۰۶ این عدد به ۱۰۰ هزار میلیارد می‌رسد. سیاوش ملکی‌فرگفت: سرمایه صندوق نوآوری در سال جاری افزایش یافت. طبق آمارهای معاونت علمی ریاست‌جمهوری، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به حدود ۱۰ هزار عدد رسیده که فروش سال گذشته این شرکت‌ها ۸۷۸ هزار میلیارد تومان است. معاون توسعه اکوسیستم صندوق نوآوری و شکوفایی با اشاره به تعداد نیروی انسانی شرکت‌ها توضیح داد: تعداد نیروی انسانی و اشتغال مستقیم شرکت‌های دانش‌بنیان به ۳۷۰ هزار نفر نزدیک شده است. ۴۵ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان در دو گروه نوآوری اطلاعات و ارتباطات و برق و الکترونیک فعالیت می‌کنند.



۲۰ خرداد



۸ خرداد



۲۰ خرداد

بیش از تمام دولت‌های قبلی ماهواره به فضا فرستادیم

۲۰ خرداد

در مراسم گردهمایی فعالان بخش خصوصی حوزه فضایی، وزیر ارتباطات، عیسی زارع‌پور، با مرور عملکرد دولت سیزدهم در صنعت فضایی گفت: تعداد پرتاب‌هایی که در دولت سیزدهم انجام شد، بیشتر از دولت‌های پیش از خود بوده است؛ به طوری که از سال ۸۸ تا تیر ۱۴۰۰ تنها ۱۲ پرتاب صورت گرفته بود اما از سال ۱۴۰۰ تاکنون توانسته‌ایم ۱۲ ماهواره پرتاب کنیم. او افزود: در دولت سیزدهم کار ساخت بزرگ‌ترین پایگاه پرتاب غرب آسیا شروع شد و امسال فاز اول آن افتتاح می‌شود و اولین پرتاب را از این پایگاه انجام خواهیم داد. فاز اول این پایگاه ۵۶ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. زارع‌پور گفت: در این حوزه بیش از هزار میلیارد تومان با بخش خصوصی قرارداد بسته شده است و امیدوارم حوزه صنعت فضایی پرشتاب دنبال کنیم



۲۲ خرداد

به دانش‌بنیان‌ها تا ۹۰۰ میلیون تومان وام می‌دهیم

۲۲ خرداد

مدیرعامل بانک قرض الحسنه مهر ایران خبر از وام ۹۰۰ میلیون تومانی برای کسب‌وکارهای دانش‌بنیان داد و گفت این بانک آماده همکاری با استارت‌آپ‌های حوزه فن‌تک است و به منظور افزایش کیفیت در امر تسهیلات و فراگیری مالی داده‌های خود را در اختیار استارت‌آپ‌های فعال و قانونمند این حوزه می‌گذارد. سعید شمس‌نژاد در نخستین رویداد مرکز نوآوری این بانک اعلام کرد: در سه سال اخیر منابع بانک قرض الحسنه مهر ایران از ۷۰ همت به ۲۹۰ همت افزایش پیدا کرده و تعداد مشتریان این بانک از ۱۰ میلیون به ۱۸ میلیون نفر رسیده است. طبق گفته شمس‌نژاد، مبلغ تسهیلات این بانک از ۶۰ همت به ۲۱۴ همت رسیده است و آنها از رتبه ۱۵ در شبکه بانکی کشور (شاپرک) به رتبه ۵ دست یافته‌اند. شمس‌نژاد در این باره افزود: به صورت میانگین بیش از ۷۸ درصد منابع استان‌ها نزد ماست و هدف غایی ما این است که ۵۰ میلیون ایرانی عضو بانک قرض الحسنه مهر شوند. شمس‌نژاد درباره همکاری با استارت‌آپ‌ها در این بانک توضیح داد: انبوهی از اطلاعات دقیق بانکی در اختیار ماست و ما می‌توانیم آن را در اختیار فن‌تکی‌های فعال این حوزه قرار دهیم، این یکی از برنامه‌های مهمی است که در مرکز نوآوری دنبال می‌کنیم.

کردستان و بوشهر کمترین سهم فروش را در «خانومی» دارند

۲۰ خرداد

سهم فروش پلتفرم «خانومی» از کل بازار زیبایی ایران در سال ۱۴۰۲، یک درصد عنوان شده است و مدیرعامل خانومی می‌گوید استان‌های کردستان و بوشهر به دلیل مساله قاچاق، کمترین سهم فروش آنلاین خانومی در ایران را به خود اختصاص داده‌اند. مدیرعامل خانومی مسعود شاه‌مردادی در نشست خبری ۱۰سالگی خانومی اعلام کرد: سهم فروش کانال آنلاین بازار زیبایی در ایران چهار درصد است و استان کردستان و بوشهر به دلیل مساله قاچاق کمترین سهم فروش آنلاین خانومی در ایران را به خود اختصاص داده‌اند. سارا میرسالاری هم‌بنیان‌گذار خانومی گفت: درآمد صنعت زیبایی تا سال ۲۰۲۷ در جهان ۵۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است و خاورمیانه و آفریقا با نرخ رشد مرکب سالانه ۱۲ درصد تا سال ۲۰۲۷ بیشترین میزان رشد را بین مناطق مختلف جهان دارند.

تجارت الکترونیکی ۲۵ درصد معاملات خرده‌فروشی را به خود اختصاص داد

۲۱

خرداد

حجم تجارت الکترونیکی سال ۱۴۰۲ با ۷۴ درصد رشد نسبت به سال ۱۴۰۱ به سه هزار و ۱۰۰ همت رسید که این مبلغ تقریباً ۲۵ درصد تراکنش‌های خرده‌فروشی کل کشور است. امین کلاهدوزان، رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، در مراسم رونمایی از گزارش تجارت الکترونیکی اعلام کرد این مبلغ تقریباً معادل ۵۱ میلیارد دلار است. او طی مقایسه این رقم با گردش تجارت الکترونیکی در ترکیه گفت: سال گذشته حجم تجارت الکترونیکی در ترکیه ۷۸ میلیارد دلار اعلام شده است. هرچند این رقم در شرایط فعلی از حجم تجارت الکترونیکی در ترکیه کمتر است اما در منطقه رقم چندان بدی نیست و می‌خواهیم با برنامه‌ریزی‌هایی که اجرا می‌کنیم طی سال‌های آینده حجم تجارت الکترونیکی در کشور با ترکیه برابری کند.



۲۲

خرداد

۱۲۰ میلیون دلار به واردات کالای فاوا اختصاص پیدا کرد

۲۲

خرداد

سال ۱۴۰۲، حدود دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار به واردات کالا ارزش داده شده که ۱۲۰ میلیون دلار از این عدد به واردات کالای آی‌تی رسیده است. یکی از اعضای هیات مدیره کمیسیون تامین ارز نظام صنفی گفت برای رشد اقتصاد دیجیتال باید واردات کالای فاوا به دو میلیارد دلار در سال برسد. مسعود شکرانی، رئیس کمیسیون تامین تجهیزات و کالای فاوای فواوی نصر تهران، درباره نبود کارشناس در تصمیم‌گیری‌های تخصیص ارز گفت: بدنه کارشناسی دولت از کارشناس تخلیه شده است. دولت برای تصمیم‌گیری‌ها از مراجع ذیصلاح مشورت نمی‌گیرد و این موضوع فضا را ملتهب می‌کند. دولت اگر کارشناس ندارد باید از اتاق بازرگانی و سازمان نظام صنفی مشورت بگیرد. شکرانی با اشاره تعدد سامانه‌ها گفت: تولد روزانه مجوزها و سامانه‌ها فعالیت تولیدکنندگان و واردکنندگان را سخت کرده است.



۲۲

خرداد



۲۳

خرداد

ماجرای ورود سخت زنان به حوزه کارآفرینی

۲۳

خرداد

اولین روز رویداد پاندورا با حضور کارآفرینان و مدیران استارت‌آپی برگزار شد. در این رویداد کارآفرینان زن «مردانه بودن» محیط کسب‌وکارها را از اصلی‌ترین موانع پیش روی زنان در این حوزه دانستند. مدیران کسب‌وکارها در پنل «استارت‌آپ یا SME» به چالش‌های خود در مسیر داشتن یک استارت‌آپ پرداختند.

شیوا ناصری، بنیان‌گذار ویپان، گفت: به عنوان کسی که یک استارت‌آپ راه‌اندازی کرده می‌توانم بگویم مشکلات فرهنگی و اجتماعی باعث شده است حضور زنان در مسیر استارت‌آپی و کارآفرینی کم‌رنگ باشد یا دیده نشود. ناصری درباره سختی‌های دریافت مجوز ویپان گفت: گرفتن مجوز برای ویپان به مدرک برق ساختمان فنی و حرفه‌ای نیاز دارد اما با پیگیری‌های مدام متوجه شدم این مدرک برای زنان ارائه نمی‌شود و این رشته فقط مختص آقایان است؛ در حالی که دریافت مدرک یکی از اولین گام‌ها برای کسب‌وکارهای کوچک است.

مرجان مبین، مدیرعامل شرکت امردادیان، اصلی‌ترین وظیفه استارت‌آپ را کار کردن برای همه مردم دانست و گفت: استارت‌آپ باید بداند که برای خودش کار نمی‌کند و برای همه کار می‌کند و استارت‌آپی شدن یک فرهنگ است. ما با پارادایمی مواجه هستیم که اصول و استراتژی‌های تولیدشده در خارج از کشور را بعد از ۵۰ سال وارد ایران می‌کنیم و می‌خواهیم آنها را بومی کنیم.



باختن و آن «چیزی» که از ارزش‌هایمان کم می‌شود

مختصری درباره وضعیت نیروی انسانی در منطقه «منا» و خام‌فروشی منابع انسانی ایرانی به کشورهای دیگر

را تحت تاثیر قرار خواهد داد. نیروی انسانی در کنار زیرساخت و منابع فناورانه، یکی از سه رکن اساسی اقتصاد دیجیتالی را تشکیل می‌دهد. با این مقدمه پرداختن به رقابت ایران با همسایگان جنوبی‌اش بر سر نیروی انسانی در طرح‌های اقتصاد دیجیتالی ضروری به نظر می‌رسد؛ تلاشی برای پاسخ دادن به اینکه آیا کشورهای حاشیه خلیج فارس برنده رقابت جذب نیروی انسانی در منطقه خاورمیانه شده‌اند؟ جای ایران در این بازار کجاست؟ و آیا راهی می‌توان متصور شد که نقشی جز نظاره‌گر در این رقابت داشته باشیم؟

نیروی انسانی؛ مهم‌ترین مؤلفه اقتصاد دیجیتالی ایران

دسترس‌پذیری به انواع کارکردهای اینترنت در جوامع مختلف، همواره جزئی از شاخص‌های ثابت «توسعه» محسوب می‌شود. به طوری که در گزارش «اقتصاد دیجیتال ۲۰۲۱» سازمان ملل نیز دسترسی و مشارکت همگانی به جریان آزاد داده‌ها به عنوان مهم‌ترین دغدغه در زمینه اقتصاد دیجیتال معرفی می‌شود. اهمیت این موضوع به‌ویژه پس از همه‌گیری کرونا و در سال‌های اخیر با چهره متفاوت «هوش مصنوعی»، منجر به جریانی گسترده‌تر از رشد تاثیر اینترنت در روند شکل‌گیری هویت اقتصادی دولت‌ها (مانند کلان‌برنامه‌های چشم‌اندازساز و مدل‌های پیشنهادی ارتباطی) شده است، چیزی که از آن به عنوان انقلاب صنعتی پنجم یاد می‌شود.

به همین دلایل است که فعالان اقتصادی کشورهای با اقتصاد پیشرفته و توسعه‌یافته، از مرحله ضرورت بهبود اقتصاد دیجیتالی-به‌عنوان یک امر بدیهی- عبور کرده‌اند. آنها در تلاش‌اند اعتماد ذی‌نفعان اصلی این صنعت را به‌طور ویژه به ظرفیت‌های بازار دیجیتالی جلب کنند و از این راه سهم بیشتری را به جامعه هدفشان اختصاص دهند؛ بازاری که مدیریت و خلق آن با نیروی انسانی است و به همین دلیل کیفیت و مدیریت بهره‌مندی از نیروی انسانی در این کشورها از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ای قلمداد می‌شود.



در این یادداشت تلاش می‌کنم به وضعیت مهاجرت و جذب نیروی انسانی در منطقه «منا» بپردازم؛ اینکه سیاست‌های کلی پرورش و نگهداری نیروی انسانی به‌طور خاص در کشورهای حاشیه خلیج فارس چگونه است؟

اهمیت اقتصاد دیجیتالی تا کجاست؟

اندازه اقتصاد دیجیتالی از کل تجارت جهانی سهم زیادی نیست اما سرعت رشد و اثرگذاری آن نشان می‌دهد به‌عنوان روندی مهم، یکی از شاخص‌های اصلی تعیین‌کننده اقتصادی دنیا خواهد بود؛ آخرین برآوردهای خوش‌بینانه از سهم بازار اقتصاد دیجیتالی نیز نشان می‌دهد تا پایان سال ۲۰۳۰ میلادی، بیش از ۲۰ درصد مشاغل در کشورهای توسعه‌یافته و ۱۰ درصد در کشورهای نوظهور (emerging countries)

ماندگاری نیروی انسانی در ایران بیش و پیش از هر توصیفی، یادآور این بیت مولاناست که «ما در این انبار گندم می‌کنیم، گندم جمع آمده گم می‌کنیم». تامل برانگیز است که کشورهای حاشیه خلیج فارس با شرایط مشابه از حیث دسترسی به منابع نفت و گاز، در سال‌های اخیر از مقاصد جدی مهاجرت کاری جوانان ایرانی شده‌اند؛ آنها شهرهای مدرنی را در مگا پروژه‌هایشان ترسیم و اجرایی می‌کنند که با نیروی انسانی مهاجر ساخته می‌شود اما در خدمت رفاه اقتصادی و روانی شهروندان‌شان است. از شواهد چنین برمی‌آید که این کشورها به‌زودی قطب پرورش تک‌شاخ فناوری منطقه خواهند شد درحالی‌که طبق آمارها، بازار فروش فیلترشکن در ایران تنها بازاری است که تک‌شاخ شدن را تجربه می‌کند.



ابیلیا وکیلی
نایب رئیس هیات مدیره
و CGO آروان کلاهد

پرترفدار سال‌های گذشته که به سرعت در حال رنگ باختن است: «تجربه توسعه برای کشورهای متمول حاشیه خلیج فارس با پول پاشی نفتی ناممکن است و خریدن باشگاه در انگلستان یا به خدمت درآوردن بازیکنان پرترفدار اروپایی تنها یک برندینگ تھی از معناست.»

مگا پروژه‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس گواهی بر گفتمانی توسعه‌ای است. این کشورها (عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی و حتی بحرین) با طرح‌هایی مانند نمایشگاه‌های دهکده جهانی یا اکسپو دویی، پویایی و سهل‌گیری قانونی با توجه به ضرورت‌های روز جهان، تعریف ویزاهای متنوع برای جذب متخصصان، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و پایدار، ابتکارات رسانه‌ای و برندسازی، جایزه‌های ۱۰ میلیون دلاری شیخ حمدان و... سعی می‌کنند مرکز تعاملات نیروهای متخصص در زمینه‌های مختلف باشند و نگاه استعدادهای جوان جهان را به سمت خود بکشانند.

برای مثال در طرح‌های بلندپروازانه‌ای مانند طرح توسعه‌ای صد ساله امارات متحده عربی که در خدمت استقلال از اقتصاد نفتی و رفتن به سمت یک برند معتبر ملی است، داشتن جامعه‌ای شاد، با حفظ آرمان‌های اماراتی برای نسل آینده، جزو شاخص‌های مهم توسعه‌ی شهرهای هوشمند و... محسوب می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که امارات متحده عربی (با ۲۱۵۹۷۵ دانشجوی بین‌المللی)، بعد از ایالات متحده آمریکا، انگلستان، استرالیا، آلمان، کانادا، فرانسه و چین، هشتمین کشور پذیرنده دانشجویان بین‌المللی است. از سوی دیگر، عربستان سعودی نیز طرح توسعه‌ای را از سال ۲۰۱۷ با هدف رسیدن به آن در ۲۰۳۰ شروع کرده که با ایده‌هایی مانند توسعه مهارت‌های بنیادین، پیشرفت علم و تقویت ارزش‌ها و... هدف‌گذاری شده است؛ طرحی که در ابرپروژه «نئوم» عصری جدید از بلندپروازی‌های تکنولوژیک این کشور بوده و در کنار سایر طرح‌های جذب نیروی انسانی، توانسته است نگاه‌های بین‌المللی را به سمت خود بچرخاند. ایده‌ها و طرح‌هایی که این کشورها دنبال می‌کنند در واقع یک ایده کلی با تمام ضرورت‌های لازم زندگی آسان و ایده‌آل است؛ ایده‌ای که در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای کشورهای در وضعیت مشابه اقتصادی و سیاسی اجرایی نشده یا به شکل واقعی به آن عمل نمی‌شود.

می‌رسیم؛ چیزی که موجب «خروج ناامیدانه نیروی انسانی ایرانی» می‌شود:

◀ بزرگ‌ترین خام‌فروش نیروی انسانی در منطقه شده‌ایم

به نظرم ایران در بخش صنایع فناورانه و به طور خاص در پرورش نیروی انسانی دچار توسعه نامتوازن یا نوعی بیماری «توسعه‌بخشی» است که در ادبیات توسعه به نسبت توسعه میان بخش‌های صنایع یک کشور اطلاق می‌شود. به این معنا که ایران در زمینه پروراندن نیروی انسانی توسعه‌یافته است اما در پیوند دادن این حلقه از سرمایه‌های کشور به بازار کسبوکار و اقتصاد کلان، نه تنها دچار ضعف جدی است، که موجب پس راندن آن به مسیر مهاجرت می‌شود.

در ادبیات مهاجرت، جریان مغزها از اساس مفهومی خلاف توسعه نیست و اتفاقاً از نشانه‌های مطلوب پیشرفت یک کشور به شمار می‌رود، اما آنچه هم‌اکنون در ایران رخ می‌دهد نوعی خروج ناخواسته و به زعم بسیاری از کارشناسان، فرار مغزهاست. دقیقاً به همین دلیل است که ایران در نرخ «رشد» و «توانمندسازی» نیروی انسانی در جایگاه بهتری نسبت به «نگهداشت» و «جذب» نیروی انسانی قرار دارد. ایران نوزدهمین کشور دانشجویفروست دنیاست، اما زمانی این عدد نگران‌کننده می‌شود که بدانیم برای بررسی آسیب‌پذیری آینده اقتصاد دیجیتال کشور باید نرخ دانشجویفروستی در حوزه ICT را در کنار نرخ بازگشت این افراد به کشور گذاشت؛ برای نمونه حدود ۹۳.۵ درصد ایرانی‌هایی که طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ موفق به اخذ ویزای موقت تحصیلی در مقطع دکتری در ایالات متحده آمریکا شده‌اند، در رشته‌های مرتبط با علوم و مهندسی تحصیل کرده‌اند و این در حالی است که ۹۱.۷ درصدشان میل به ماندگاری در آمریکا دارند. وضعیتی که در مجموع موجب سقوط چهار پله‌ای ایران در شاخص فناوری و نوآوری نسبت به سال ۲۰۲۱ شده است.

◀ ریال‌های نفتی یا استراتژی؟

هنگامی که آمارهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد کشورهای حاشیه خلیج فارس یکی از مقاصد محبوب جوان‌های ایرانی شده‌اند، ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم میزان دریافت حقوق و مزایای هنگفت تنها شاخص ارزشمندی این کشورهاست؛ مانند این ایده

برای بررسی کیفیت نیروی انسانی سنجه‌های مختلفی وجود دارد؛ میزان، تعداد و رشته‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، مشارکت زنان در اقتصاد، حتی وضعیت آزادی‌های فردی و اجتماعی و... از آن‌جا که در این یادداشت سعی می‌شود ارزشمندی نیروی انسانی در اقتصاد دیجیتالی و ابعاد آن بررسی شود، نیاز است شاخصی را با شمول بیشتری از توسعه و نمودهای اقتصاد دیجیتال انتخاب کرد؛ «شاخص اکوسیستم ابری» تقریباً چنین ویژگی‌ای دارد. این شاخص در تعریف نسل پنجم اقتصاد دیجیتالی در کنار مفاهیمی مانند ICT، ابر داده‌ها، محاسبات ابری و اینترنت اشیا به عنوان یکی از الزامات توسعه‌پذیری اقتصادی در یک گستره جغرافیایی قرار می‌گیرد و یک کلان‌شاخص مهم از مؤلفه‌های مرتبط با انرژی، زیرساخت‌ها و نیروی انسانی در ارزیابی دسترسی به فناوری‌های نوین مرتبط با توسعه اقتصاد دیجیتال است.

به همین دلایل است که هرچه یک کشور در میزان بهره‌مندی از اکوسیستم ابری امتیاز بالاتری داشته باشد، در پذیرش فناوری‌های نوظهور نیز موفق‌تر عمل کرده است. در جدول طبق گزارشی (global cloud ecosystem index: MIT:2022) وضعیت ایران و چند کشور منتخب همسایه را مشاهده می‌کنید.

همان‌طور که در این جدول مشخص است، ایران در شاخص‌های مرتبط با توانایی نیروی انسانی (فارغ‌التحصیلان مهندسی، توسعه انسانی و نوآوری) در وضعیتی مشابه یا بهتر از کشورهای دیگر منطقه است. این وضعیت بیانگر پتانسیل نیروی انسانی ایرانی در عرصه‌هایی است که لزوماً نیازی به حمایت یا مدیریت مستقیم دولتی ندارند و با دانش و خلاقیت منابع انسانی بروز و پیشرفت پیدا می‌کنند؛ جایگاه ایران در شاخص شرکت‌های SaaS و نوآوری مصداق این مساله است. جایگاه ایران در شاخص‌هایی مانند اثربخشی دولت (اعمال نظر و قدرت دولتی)، کیفیت نظارت و آزادی مطبوعات اما اختلاف معناداری نسبت به این کشورها دارد که نشان می‌دهد اگر ایران به سمت خصوصی‌سازی به معنای واقعی آن برود یا به دانش و توانایی نیروی انسانی اعتماد کند، می‌تواند در عرصه‌های فراملی حرفی برای گفتن داشته باشد. واقعیت و جریان مهاجرت در کشور به گونه‌ای است که وقتی دو سر طیف این اعداد را کنار وضعیت مهاجرت جوانان ایرانی قرار می‌دهیم به تکه‌های کشف‌شده جدیدی از یک پازل بزرگ‌تر

وضعیت اکوسیستم ابری در کشورهای منتخب

شاخص اکوسیستم ابری	زیرشاخص	ایران	ترکیه	چین	روسیه	امارات	عربستان
نمره کلی	---	۵.۸	۶.۴	۶.۵	۸.۶	۷.۳	۵.۸
۱. زیرساخت	۱.۱ زیرساخت مخابراتی	۶.۱	۶.۲	۷.۳	۷.۷	۹.۳	۸.۴
	۲.۱ دیپتاسنتر	۴.۳	۵.۶	۲.۳	۳.۸	۵.۸	۵.۳
	۳.۱ سرویس‌های امنیتی	۶	۶.۹	۵.۲	۷.۵	۵.۶	۴.۱
	۴.۱ آی‌پی آدرس	۶	۷	۷.۲	۵.۴	۸	۷.۱
	۵.۱ سرعت اینترنت	۳.۳	۴.۲	۳.۹	۵.۹	۵.۵	۴.۷
	۶.۱ برق‌رسانی	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲. پذیرش اکوسیستم	۲.۱ پذیرش دیجیتالی	۸	۱۰	۲.۹	۹	۸	۴.۳
	۲.۲ آمادگی هوش مصنوعی دولت	۳.۷	۴.۲	۷.۵	۶.۳	۷.۹	۵.۶
	۳.۲ قیمت پهنای باند	۳.۷	۶.۹	۷.۳	۸	۴.۴	۶.۹
	۴.۲ نوآوری	۴.۲	۵.۲	۸.۱	۴.۸	۶	۴
	۵.۲ مشارکت الکترونیکی	۴.۳	۸.۹	۹.۶	۸.۶	۹.۴	۷
۳. امنیت و تضمین	۶.۲ شرکت‌های SaaS	۱۰	۶.۳	۵.۹	۵.۴	۵.۷	۷
	۷.۲ شاخص آینده سبز	۲.۹	۳.۸	۴.۵	۲.۹	۴.۶	۴
	۱.۳ امنیت سایبری	۸	۹.۷	۹.۲	۹.۸	۹.۸	۱۰
	۲.۳ محافظت از داده	۵	۶	۱۰	۵	۹	۲
	۳.۳ کیفیت نظارت	۱.۰	۵.۴	۵.۲	۳.۸	۸.۳	۶.۳
۴. استعداد نیروی انسانی	۴.۳ اثربخشی دولت	۲.۱	۴.۴	۴.۷	۴.۵	۷.۶	۴.۸
	۵.۳ آزادی مطبوعات جهانی	۱.۸	۴.۶	۱.۰	۴.۸	۵.۴	۳
	۱.۴ شاخص توسعه انسانی	۶.۹	۷.۷	۶.۵	۸.۴	۶.۴	۸.۲
	۲.۴ کاربران اینترنتی	۹.۷	۷.۶	۶.۹	۸.۶	۹.۴	۸.۱
	۳.۴ فارغ‌التحصیلان مهندسی	۱۰	۳.۹	۷	۷.۳	۷.۳	۴.۷

مشابه‌شان درک کرده‌اند؛ برای نمونه آنها درباره رفع محدودیت‌های زنان و دگراندیشان در جامعه‌شان به تعریف بسترهایی برای زیست مطلوب شهروند مدرن رسیده‌اند و به نظر می‌رسد از چارچوب‌های سنتی خود در حال عبورند. این استراتژی‌ها در واقع کلان‌مؤلفه‌هایی است در خدمت خیز بلندشان برای تبدیل شدن به قطب جذب نیروهای متخصص فناوری در منطقه.

سازمان کنشگر

باید پذیرفت که بدرقه دوستان تا فرودگاه‌ها، غیر از اینکه بخشی از برنامه امروزان شده، هر بار «چیزی» از ارزش‌های آینده ایران هم خواهد کاست. اگر این وضعیت برآمده از نوع و شیوه حکمرانی و سیاست‌گذاری کلان کشور باشد، راه‌حل بدیهی و ایده‌آل آن نیز تغییر این شیوه سیاست‌گذاری خواهد بود. اما یافتن راه‌حل پراگماتیک چنین مسأله‌ای دشوار است. در شرح راه‌حل احتمالی، من کمی ناامیدتر از کسانی هستم که به نوعی «روزنه‌گشایی» قائل‌اند؛ به این معنا که در مواجهه با شهروندانی که در زندگی روزمره‌شان با فشارهایی مانند تورم، احتمال جنگ، تویخ قضایی به علت پوشش و... دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اساساً تجویز نسخه «شهروند کنشگر» خیال‌پردازانه و دور از انصاف است. در چنین شرایطی شاید چاره برون‌رفت از این بحران «سازمان کنشگر» باشد. اگر سازمان‌ها و شرکت‌ها را بازندگان مستقیم پدیده مهاجرت ببینیم، حتی لیبرال‌ترین سرمایه‌گذاران و کارآفرینان و مدیران نیز ناگزیر از تلاش برای تغییر این زمین بازی خواهند بود. سازمان‌ها به عنوان بازیگرانی احتمالا ایمن‌تر از شهروندان می‌توانند- و باید- دست به کنشگری برای تغییر سیاست‌های پیشران مهاجرت بزنند. به عنوان مثال تشکیل کمیسیون اینترنت و ارائه گزارش‌های وضعیت اینترنت در انجمن تجارت الکترونیکی را می‌توان اقداماتی از این دست ارزیابی کرد. این کنشگری را نباید منحصر به بیرون سازمان و سیاست‌های کلان دانست. سازمان‌ها در درون خود به عنوان عرصه زیست کارکنان‌شان و در رقابت با مقاصد مهاجرت ناچارند برای ایجاد شهروندی مطلوب دست به کنش جدی بزنند. پیشگیری از بازتولید پدیده‌هایی مانند تبعیض، نبود شفافیت، نقض آزادی‌های فردی، بهره‌کشی و... هم‌چنان‌که در کوتاه‌مدت بر حفظ نیروی انسانی موثر است، در بلندمدت نیز می‌تواند متضمن تغییر در مقیاسی بزرگ‌تر باشد. **۲**

آینده‌ای ایده‌آل از کشورشان را به تصویر درآورند؛ طرح‌هایی که تنها محدود به برنامه‌های توسعه‌ای مبتنی بر افزایش نقدینگی یا رفاه نیست. آنها شاخص‌های کیفیت شهروندی، حفظ و انتقال ارزش‌ها و حتی تغییر قوانین بر اساس نیازهای روز را هم هدف گرفته و اجرایی می‌کنند. نکته‌ای که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی ایران به آن نیازی اساسی داریم، بازنگری‌های جدی در برخی از قوانین و رویه‌های سلبی است.

به گواه تاریخ معاصر می‌توان ادعا کرد سهل‌گیری اجتماعی به رفاه اقتصادی هم منتج می‌شود، نمونه «گفتمان امید اجتماعی و تساهل» در دوران تصویب برجام از این نوع است. دوره‌ای که اوج بازگشت نیروی انسانی متخصص و کارآفرین در ایران از سوئی و از آن مهم‌تر فراهم شدن بستری برای رشد ایده‌های فناورانه در راستای بهبود زیست شهروندی در ایران معاصر بوده است.

شواهد نشان می‌دهد همسایگان حاشیه خلیج فارس اما این الزام به تساهل در زیست شهروندی را بیشتر و عمیق‌تر از کشورهای

آنها چه می‌کنند که ما نمی‌توانیم؟ آن دقیقه مهم، ایجاد شهروندی مطلوب است

دوباره به ایران برگردیم، وضعیت مهاجرت نیروی انسانی در ایران تراژیک است. چنان‌که گفته شد جریان نیروی انسانی در ادبیات مهاجرت یعنی مهاجرت نیروی انسانی در یک جامعه دست‌کم عادی، لزوماً به معنای پایان یا قطع ارتباط آن فرد با موطنش نیست، بلکه اتفاقاً او سفیر دانش و فناوری کشورش خواهد شد؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد درباره مهاجرت نیروی انسانی ایرانی لزوماً رخ نمی‌دهد. نکته افتراق ایران و کشورهای دیگر در زمینه مهاجرت دقیقاً همین امر است: ایران نیروی انسانی با کیفیتش را به معنی واقعی کلمه از دست می‌دهد و شاید به همین دلیل باشد که ما ایرانی‌ها نسبت به مفهوم مهاجرت برون‌ریزی‌های دراماتیکی در شبکه‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهیم. این مسأله زمانی برای مای جمعی ایرانی دردناک می‌شود که کشورهای مشابه ما در منطقه، با استراتژی‌های اقتصادی در چنین موقعیت نابرابری قرار می‌گیرند. آنها یاد گرفته‌اند که در مگاپروژه‌های توسعه‌ایشان



ساماندهی فضای مجازی از مجلس دهم تا دوازدهم به طول انجامید

میراث دو دوره‌ای

صورت آنلاین پخش می‌شد؛ اما ناگهان در جایی به بن‌بست رسید و طی سال‌ها خبری از آن نشد تا آنکه در روزهای آخر مجلس دوازدهم در دستور کار صحن علنی قرار گرفت.

برخی از نمایندگان مخالف این طرح، مطرح شدن دوباره این طرح را «بدون موضوعیت» خواندند؛ اما موافقان گفتند برای تصویب آن به زمان زیادی نیاز نیست.

اول خرداد ۱۴۰۳ در جلسه علنی مجلس نمایندگان با سرعت زیادی، طرح و لوابیح معطل‌مانده را به تصویب رساندند و حتی موافقان و مخالفان طرح صیانت نیز نام خود را در سامانه ثبت کردند. شاید اگر رسیدگی فوری به قانون انتخابات ریاست‌جمهوری نبود، طرح صیانت فرصت مطرح شدن می‌یافت؛ اما در نهایت ساعت ۱۶ شد مجلس به مراسم اختتامیه رفت.

سرنوشت طرح صیانت چه می‌شود؟ غلامرضا نوری قزلقه نماینده‌ای که عضو کمیسیون ویژه بررسی این طرح بود و از ابتدا با آن مخالفت می‌کرد، در این باره به خبرنگاری ایسنا گفت: «تمامی طرح‌ها و لوابیحی که مجلس بررسی آنها را شروع نکرده یا بررسی‌شان نیمه‌تمام باقی مانده باشد، به دوره بعدی منتقل نمی‌شود و منتفی است.»

اما حتی اگر این نظر نماینده دوره پیشین و فعلی مجلس را ملاک قرار دهیم، باز هم نمی‌توان به صورت قطعی گفت طرح صیانت برای همیشه به بایگانی رفته است.

صیانت یا آن‌طور که موافقانش می‌گویند «ساماندهی فضای مجازی» موضوعی است که بخشی از فعالان سیاسی پرنفوذ در ایران به دنبال آن هستند و تجربه نشان داده است به‌سادگی دست از هدف خود برنمی‌دارند.

نکته‌ای که در تصویب نشدن طرح‌های پیام‌رسان‌ها و صیانت وجود داشت، تاثیر گرفتن از رخداد‌های روز بود. طرح پیام‌رسان‌ها علاوه بر مخالفت اکثریت مجلس دهم با شرایط خاص ناشی از همه‌گیری کرونا روبه‌رو شد و طرح صیانت با وجود موافقت اکثریت نمایندگان دور یازدهم از اعتراضات سال ۱۴۰۱ تاثیر گرفت.

بدین ترتیب باید دید میراثی که از مجلس دهم تا دوازدهم دست‌به‌دست شده آیا سرانجام به مقصد مورد نظر نگارندگانش می‌رسد یا نه. آن هم در شرایطی که از ۲۲ نماینده عضو کمیسیون مشترک بررسی طرح صیانت، نیمی از آنها در مجلس دوازدهم حضور دارند که در میان این افراد، نام برخی از جدی‌ترین موافقان این طرح نیز دیده می‌شود.

را آماده کردند که در نام، ساماندهی پیام‌رسان‌ها را در دستور کار داشت، اما در محتوا موضوعات دیگری و از جمله دروازه‌بانی اینترنت را نیز شامل می‌شد. این طرح با توجه به ترکیب مجلس دهم و به خصوص هیأت‌رئیس آن، هیچ‌گاه فرصت مطرح شدن نیافت؛ اما نویسندگانش در داخل و خارج مجلس، دست از تلاش برای رسیدن به مقصود خود برنداشتند و در مجلس یازدهم با طرح صیانت به میدان برگشتند. طرح صیانت با همه جنجال‌ها و نسخه‌های دیده‌شده و دیده‌نشده سرانجام به کمیسیون ویژه‌ای رفت که از نمایندگان کمیسیون‌های مختلف تشکیل شده بود و جلسات آن به

مثل دنده‌ای که فقط یکی دو گام تا اول شدن در مسابقه فاصله دارد، مجلس یازدهم برای تصویب طرح صیانت، تنها چند دقیقه کم آورد. آخرین تلاش‌ها در آخرین روز مجلس برای تصویب این طرح به جایی نرسید تا صیانت‌گری اینترنت یا آن‌طور که موافقانش می‌خوانند «ساماندهی» اینترنت همچون میراثی به مجلس دوازدهم سپرده شود؛ ارثیه‌ای که از مجلس دهم به جا مانده بود و کم‌کم به ددرس وارثان تبدیل شده است.

طرح «پیام‌رسان‌های اجتماعی» را می‌توان نیای طرح صیانت قلمداد کرد. در دور دهم مجلس، برخی از نمایندگان پیش‌نویس طرحی

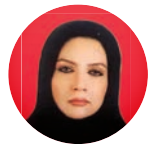
اعضای کمیسیون ویژه طرح صیانت در مجلس یازدهم

عضو کمیسیون ویژه	کمیسیون اصلی	حوزه انتخابیه (استان)
رضا تقی‌پور (رئیس)	صنایع و معادن	تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس (تهران)
سید علی یزدی‌خواه (نایب رئیس اول)	فرهنگی	تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس (تهران)
حسن نوروزی (نایب رئیس اول)	حقوقی و قضایی	بهارستان و رباط‌کریم (تهران)
لطف‌الله سیاهکلی (سخنگو)	صنایع و معادن	قزوین و آبیک (قزوین)
بیژن نوباوه وطن (دبیر اول)	فرهنگی	تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس (تهران)
مهرداد ویس کرمی (دبیر دوم)	آموزش و تحقیقات	خرم‌آباد و دوره (لرستان)
غلامرضا نوری قزلقه	کشاورزی	بستان‌آباد (آذربایجان شرقی)
علی جدی	صنایع و معادن	شیروان (خراسان شمالی)
مصطفی طاهری	صنایع و معادن	زنجان و طارم (زنجان)
احمد امیرآبادی	اقتصادی	قم (قم)
محمد باقری بنابی	اقتصادی	بناب (آذربایجان شرقی)
غلامرضا منتظری	فرهنگی	گران و آق‌قلا (گلستان)
حسین میرزایی	فرهنگی	اصفهان و ورزنه (اصفهان)
احمدحسین فلاحی	آموزش و تحقیقات	همدان و فامنین (همدان)
الیاس ناداران	برنامه و بودجه	تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس (تهران)
مهرداد گودرزوند چگینی	برنامه و بودجه	رودبار (کیلان)
محسن زنگنه	برنامه و بودجه	تربت حیدریه و مه ولات (خراسان رضوی)
جلال رشیدی	شوراهای	مرودرشت، پاسارگاد و ارسنجان (فارس)
علی‌اصغر عنابستانی	اجتماعی	سبزوار و جغتای و جوبین (خراسان رضوی)
نصرالله پژمانفر	کمیسیون اصل ۹۰	مشهد و کلات (خراسان رضوی)
موسی غضنفرآبادی	حقوقی و قضایی	بم، ریگان، فهرج و نماشیر (کرمان)
محمدتقی نقدعلی	حقوقی و قضایی	خمینی‌شهر (اصفهان)

* نمایندگانی که در دور دوازدهم مجلس حضور ندارند با رنگ قرمز مشخص شده‌اند.



تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جوامع و رشد اقتصادی



نجیبه طهرانی
منزه



محمد رضا
ابراهیمی نژاد

گسترش ICT و تاثیر آن بر سیستم‌های اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دو دهه اخیر بسیار سریع اتفاق افتاده است. در حال حاضر، ICT نماد تداوم انقلاب‌های تکنولوژیکی و عامل کلیدی محرک رشد اقتصادی در جوامع صنعتی است. ICT مفهومی است شامل رایانه‌ها و تجهیزات مرتبط با اطلاعات و نرم‌افزارهای رایانه‌ای که رایانه‌ها، تجهیزات جانبی و سایر تجهیزات اداری مرتبط با اطلاعات (فتوکپی، صندوق‌های پول، ماشین‌حساب)، ابزارهای ارتباطی را پوشش می‌دهد. به طور کلی، ICT فناوری‌ای است که رایانه‌ها، ابزارهای ارتباطی و سایر تجهیزات را برای جمع‌آوری، تولید، پردازش، ذخیره، مدیریت، تولید و انتشار اطلاعات به هم متصل می‌کند. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند یک سیستم ICT وب توسعه‌یافته نقش کلیدی در رشد اقتصادی و بهره‌وری ایفا می‌کند. به عنوان مثال، فناوری اطلاعات و ارتباطات ممکن است به شرکت‌ها کمک کند تا سهم بازار را به دست آورند، دامنه محصولات خود را گسترش دهند، خدمات ارائه‌شده را سفارشی کنند و به تقاضای مشتریان خود پاسخ بهتری بدهند. ممکن است ناکارآمدی در استفاده از سرمایه و نیروی کار را کاهش دهد؛ با کاهش موجودی‌ها در این مطالعه، علاقه اصلی ما بررسی تاثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی، با استفاده از یک شاخص به‌روز شده از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است که به طور فشرده تمام جنبه‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر اساس تعریف آن پوشش می‌دهد. این مطالعه بر تقاضا از دیدگاه مصرف‌کننده متمرکز شده و موقعیت نسبی دو شاخص مرتبط با اقتصاد دیجیتال (دسترسی به اینترنت و داشتن تلفن همراه) را تحلیل می‌کند.

تاثیر ICT بر توسعه اجتماعی-اقتصادی
مادون (۲۰۰۰) چارچوب مفهومی را پیشنهاد کرده که تعامل بین اینترنت و توسعه اجتماعی-

اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را توضیح، و نشان می‌داد اینترنت تاثیر مثبتی بر چهار عامل اصلی دارد: رشد اقتصادی شامل بهره‌وری اقتصاد؛ رفاه اجتماعی شامل بهداشت، آموزش و کاهش فقر؛ رفاه سیاسی شامل دموکراسی؛ و محیط فیزیکی از طریق توسعه پایدار. مادون بر اهمیت نهادهای واسط، از جمله اقدامات دولتی که تاثیر اینترنت بر توسعه اجتماعی-اقتصادی را تسهیل می‌کنند، تاکید داشت.

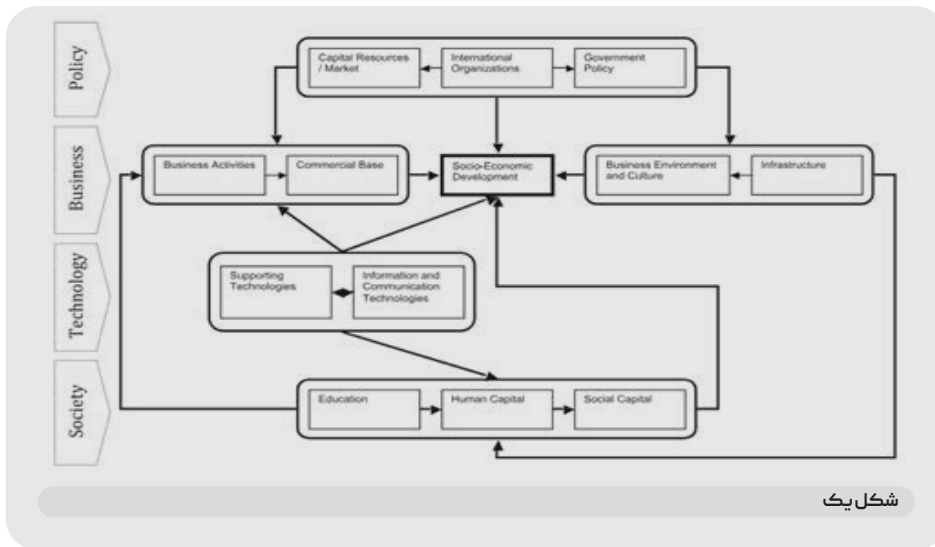
اوتاما (۲۰۱۲) مدلی را پیشنهاد کرد که تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اجتماعی-اقتصادی در کشورهای اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) را توصیف و ادعا می‌کند سرمایه‌گذاری خارجی موتور محرکه قدرتمندی برای توسعه اقتصادی-اجتماعی است که با تاثیر بر رشد بازار محصول، بازار کار و بازار سرمایه، منجر به بهبود درآمد، اشتغال، بهره‌وری و توسعه انسانی می‌شود. چارچوب اوتاما بر تاثیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی متمرکز است و به بافت کشورهای آسه آن محدود می‌شود. با وجود این، این چارچوب به طرز جالبی نقش مبهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تاثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، اما تاثیر منفی آن بر توسعه اجتماعی را نیز بیان می‌کند Weistroffer و Roztocki (۲۰۱۶) چارچوبی را پیشنهاد دادند که ICT و توسعه اجتماعی-اقتصادی را به هم مرتبط می‌کرد. این چارچوب نشان می‌داد فعالیت‌ها و خدمات تجاری مانند تجارت الکترونیکی، دولت الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی آنلاین و آموزش آنلاین به وسیله ICT از قبیل منابع محاسباتی، اینترنت، تلفن همراه، GPS و Wi-Fi امکان‌پذیر می‌شود. طبق این چارچوب، این فعالیت‌های تجاری بر توسعه اجتماعی-اقتصادی افراد، سازمان‌ها و کل کشور تاثیر می‌گذارند و در آموزش، سلامت، درآمد، کیفیت زندگی، رقابت، منابع جهانی سازمان‌ها و محصول ملی کشور، آزادی

سیاسی، ثروت، عزت و بازار کار تجلی می‌یابند. اشرف، گرونفلد، هوک و علم (۲۰۱۷) چارچوبی را برای توضیح توسعه اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر ICT ایجاد کردند. آنها به سه مرکز اجتماعی در بنگلادش توجه کردند که برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی برای مردم و جامعه در شرایط فقر عرضه می‌کردند. در حالی که ICT ابزاری برای توسعه اجتماعی-اقتصادی است، محدودیت‌های اجتماعی، مانند محدودیت‌های زنان، باید برای بهبود دسترسی به اطلاعات، فرصت‌های شغلی، موقعیت اجتماعی، آموزش و آگاهی اجتماعی در کانون توجه قرار گیرد.

پالویا، باقر و نعمتی (۲۰۱۸) چارچوبی را پیشنهاد کردند که بر تاثیر اینترنت بر توسعه اجتماعی و اقتصادی تمرکز دارد. این چارچوب بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در پاکستان است و توضیح می‌دهد شهروندان یک کشور چگونه تاثیر ICT بر توسعه اجتماعی و اقتصادی را درک می‌کنند. به گفته آنها، دیدگاه‌های شهروندان را می‌توان به پنج دسته عمده طبقه‌بندی کرد: مخاطب اجتماعی، تحول اقتصادی، تحول فرهنگی، امنیت شخصی و توانمندسازی.

مطابق چارچوب Palvia (۲۰۱۸)، فناوری اطلاعات و ارتباطات تاثیر عظیمی بر سرمایه اجتماعی می‌گذارد که در این چارچوب، مخاطب اجتماعی نام‌گذاری شده است، زیرا ICT می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای حفظ ارتباط با خانواده، دوستان و شرکای تجاری مورد استفاده قرار گیرد. ICT همچنین بر فعالیت‌های تجاری اثر می‌گذارد که تحول اقتصادی نام‌گذاری شده است، زیرا ICT منجر به مدیریت موثر کسب‌وکار و پیگیری فرصت‌های تجاری با ورود به بخش‌های جدید بازار می‌شود. این چارچوب همچنین تاثیر ICT بر تکامل فرهنگی را آشکار می‌کند که با تغییر رفتار انسان نشان داده می‌شود. به علاوه چارچوب فوق تاثیر ICT بر امنیت شخصی را مد نظر قرار می‌دهد. در نهایت، چارچوب نشان می‌دهد ICT بر آموزش، یادگیری و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و همچنین سرگرمی اثر دارد که توانمندسازی در حوزه‌های زندگی نامیده شده است.

تقریباً همه چارچوب‌ها در زمینه اقتصادهای در حال توسعه، نوظهور یا در حال گذار هستند، گرچه می‌توان حدس زد بسیاری از جنبه‌ها برای اقتصادهای توسعه‌یافته نیز اعمال می‌شوند. دلیل اینکه اکثر چارچوب‌ها و تحقیقات در



شکل یک

زمینه اقتصادهای کمتر توسعه یافته است، این است که این اقتصادها نیاز بیشتری به توسعه اجتماعی-اقتصادی دارند. با این حال، توسعه اجتماعی-اقتصادی یک فرایند مستمر است که در همه کشورها و جوامع رواج داشته و ICT در همه این زمینه‌ها تأثیر دارد، گرچه نوع و درجه توسعه ممکن است متفاوت باشد.

نقش ICT در توسعه اجتماعی-اقتصادی

توسعه اجتماعی-اقتصادی به صورت فرایند تغییر یا بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی تعریف می‌شود که به یک فرد، یک سازمان یا جامعه به عنوان یک کل مربوط می‌شود. بنابراین تحلیل توسعه اجتماعی-اقتصادی را می‌توان در سطوح مختلف افراد، سازمان‌ها یا کشورها انجام داد. توسعه اجتماعی-اقتصادی نقش متغیر وابسته را در چارچوب پیش رو بازی می‌کند. در توسعه این چارچوب، چهار بعد مهم مرتبط با توسعه اجتماعی-اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد: اجتماعی، فناوری، تجارت و سیاست. این چهار بعد نشان‌دهنده متغیرهای مستقل هستند که با تغییر متغیر وابسته، توسعه اجتماعی-اقتصادی را توضیح می‌دهند. این چارچوب در شکل یک نشان داده شده است.

بعد سیاست: در این بعد، سه حوزه سیاستی که بر توسعه اجتماعی-اقتصادی تأثیر می‌گذارد عبارت‌اند از: منابع سرمایه/بازار، سازمان‌های بین‌المللی و دولت. در خصوص منابع سرمایه/بازار، به در دسترس بودن و ساختار کلی تأمین مالی فعالیت‌های تجاری اشاره می‌شود. این منابع، کسب‌وکارها و سازمان‌های دولتی را قادر می‌سازد هزینه ایجاد یا توسعه تولید و خدمات را تأمین کنند. نحوه اداره و تنظیم این بازارهای سرمایه نقش زیادی در فعالیت‌های تجاری دارد.

بعد تجارت: در این بعد، بین آنچه جریان دارد، یعنی فعالیت‌های تجاری و جایگاه تجاری ایجاد شده به وسیله این فعالیت‌ها، و زیربنایی که این فعالیت‌ها را ممکن می‌سازد، یعنی محیط کسب‌وکار، فرهنگ و زیرساخت فیزیکی تفاوت قائل می‌شود. فعالیت‌های تجاری فعالیت‌هایی هستند که نهادهای مختلفی مانند افراد، شرکت‌ها و موسسات انجام می‌دهند و پتانسیل ایجاد منافع اقتصادی را دارند. جایگاه تجاری که گاهی به آن پایه اقتصادی نیز می‌گویند، مجموع فعالیت‌های تجاری را نشان می‌دهد، اما تسهیل‌کننده فعالیت‌های درآمدزای کسب‌وکار است. ایده

تعریف گسترده‌تری، فناوری را نمی‌توان به چند شکل بیرونی و نسبتاً مکانیکی محدود کرد و می‌توان آن را «هر چیز، ملموس یا ناملموس، که بتواند به توسعه اقتصادی، صنعتی یا فرهنگی یک کشور کمک کند» تعریف کرد و این تعریف را به فناوری اطلاعات (IT) نیز بسط داد. به طور کلی، ICT به عنوان ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار و شبکه‌های ارتباطی شناخته می‌شود که امکان ضبط، ذخیره، پردازش و انتقال اطلاعات الکترونیکی را فراهم می‌کند. فناوری حفظ فعالیت‌های تجاری و توسعه اجتماعی-اقتصادی از هم پیروی می‌کنند.

اصلی پایه اقتصادی این است که یک اقتصاد در یک منطقه معین از طریق صادرات به خارج از آن منطقه حمایت می‌شود و این تقاضای خارجی برای محصولات یک منطقه اقتصاد آن را به حرکت درمی‌آورد. به طور کلی، محیط کسب‌وکار به عنوان یک سیستم پیچیده با شرایط سیاسی، قانونی، نهادی و نظارتی که بر فعالیت‌های تجاری حاکم است تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، محیط کسب‌وکار را می‌توان مجموعه‌ای از عوامل خارجی تأثیرگذار بر بنگاه‌ها دانست. فرهنگ کسب‌وکار به ارزش‌ها و باورهای جمعی بازیگران تجاری اشاره دارد که بر نحوه تجارت تأثیر می‌گذارد. فرهنگ کسب‌وکار به سبک مدیریت مربوط می‌شود، اما تحت تأثیر فرهنگ ملی، مذهب و تاریخ نیز قرار دارد. زیرساخت به امکانات و خدمات اساسی در دسترس برای عملکرد یک اقتصاد اشاره دارد و شامل شبکه‌های ارتباطی مانند جاده‌ها، راه‌آهن، تلفن و دسترسی به اینترنت و همچنین موسساتی می‌شود که خدماتی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و اجرای قانون عرضه می‌کنند. این زیرساخت تأثیر عمده‌ای بر محیط کسب‌وکار می‌گذارد زیرا مبنایی برای ساده‌سازی فرایندهای کسب‌وکار و همکاری بین سازمانی است.

بعد فناوری: در این بعد، فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز فناوری‌های پشتیبان آن شمولیت دارند که افراد و سازمان‌ها را قادر می‌سازد حداکثر سود را از فناوری اطلاعات و ارتباطات به دست آورند. مفهوم فناوری در طول زمان تغییر کرده است و موضوعاتی که از نظر فناوری محل بحث قرار می‌گیرد در گذشته در قالب‌هایی مانند هنر، ساخت، صنعت، اختراع، علم کاربردی و ماشین جا می‌گرفت. علاوه بر این، فناوری را می‌توان مجموعه‌ای از ماشین‌آلات و روال‌ها به حساب آورد. اما در

با در نظر گرفتن نقش جوانان در کسب فناوری‌های جدید، می‌توان رابطه بین دسترسی به اینترنت و میزان توسعه اقتصادی را در جوامعی که به آن تعلق دارند، تحلیل کرد

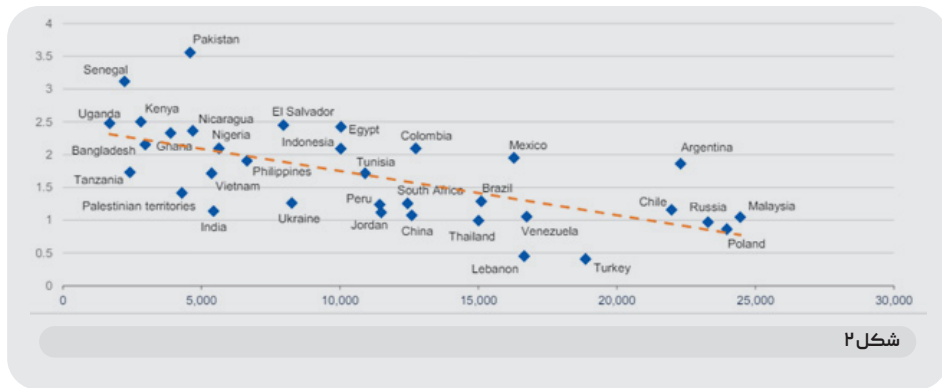
بعد اجتماعی: این بعد عبارت از آموزش، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی است. دگنان و جاکوبز تعلیم و تربیت را به عنوان «کسب مادام‌العمر دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که باعث رشد و رضایت شخصی، دوام اقتصادی (در سطح فردی و اجتماعی) و غنی‌سازی جامعه می‌شود» تعریف می‌کنند. این تعریف تأکید می‌کند آموزش فرایندی است که می‌تواند در محیط‌های رسمی و غیررسمی، در داخل و خارج از مدارس و دانشگاه‌ها انجام شود. گود (۱۹۵۹) سرمایه انسانی را به عنوان «دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها، استعدادها و سایر ویژگی‌های اکتسابی که به تولید کمک می‌کند یا به کار خاصی که منجر به ارزش اقتصادی شود» تعریف می‌کند. سرمایه

مسافرت و همچنین داشتن ماشین و تلفن همراه در رأس هرم قرار دارند.

کسب فناوری و توسعه اقتصادی

نتایج نشان می‌دهد توسعه اقتصادی ممکن است جزء مهمی در تخصیص نیاز مصرف‌کنندگان باشد. دسترسی به اینترنت در مقایسه با تلفن همراه در این مجموعه از کشورها در مرحله اولیه کسب فناوری است. علاوه بر این، برای برخی از کشورها، اینترنت ممکن است همچنان یک فناوری گران‌قیمت با محدودیت باشد. در نظر گرفتن نقش جوانان در کسب فناوری‌های جدید، می‌توان رابطه بین اهمیت دسترسی به اینترنت را بین نیازهای این گروه از مصرف‌کنندگان و میزان توسعه اقتصادی جوامعی که به آن تعلق دارند، بر اساس سرانه تولید ناخالص داخلی، تحلیل کرد. شکل ۲ رابطه منفی بین دسترسی به اینترنت و سلامت و تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. ارزیابی مصرف‌کنندگان جوان‌تر، سیگنال خوبی برای درجه توسعه اقتصادی کشورهاست.

این نتایج به ما می‌گوید رابطه بین توسعه اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات با انواع دیگر نوآوری‌ها مانند تلفن، تلویزیون و ماشین یکسان است. کسب فناوری‌های جدید (و ارزیابی آنها در مقایسه نیازها) ارتباط مستقیمی با توسعه اقتصادی دارد تا زمانی که فناوری به اندازه‌ای گسترش یافته باشد که توده بحرانی به اندازه کافی بزرگی از پذیرندگان ایجاد کند که این فناوری را یک عنصر اساسی در نظر می‌گیرند. هرم نیازهای آنها در آغاز، فناوری گران است و پذیرش آن با درآمد مرتبط است. هنگامی که توده بحرانی استفاده از فناوری وجود دارد، معمولاً در میان مصرف‌کنندگان با درآمد بالا، فناوری در اکثر موارد محبوب و در دسترس‌تر است. درک کامل پویایی فناوری اطلاعات و ارتباطات از طرف مصرف‌کننده می‌تواند ابزار قدرتمندی در فرایند ارزش‌گذاری اقتصادی باشد. لازم است بین فناوری‌هایی که در ICT گنجانده شده‌اند، بسته به مرحله توسعه آنها، مانند دسترسی به تلفن همراه و اینترنت، تمایز قائل شد. یک راه نسبتاً خوب برای تقریب پیشرفت اقتصادی یک کشور در مقابل کشور دیگر، تحلیل فناوری‌هایی است که بیشترین تفاوت پذیرش را در جامعه دارند. این یافته اهمیت الگوهای رفتاری در پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید در میان افراد جوان را تایید می‌کند. ۲



شکل ۲

نقش اینترنت در جامعه از نگاه مازلو

ایده مطلوبیت نسبی مازلو (۱۹۴۳) هنگام تعریف نظریه انگیزش انسانی با استفاده از فهرستی از نیازهای اساسی بزرگسالان ارائه شد. هنگامی که نیازهای فیزیولوژیکی ارضا شد، نیازهای ایمنی مطرح می‌شود. نیازهای ایمنی به شرایط اضطراری و سطوح بی‌نظمی در فرد، خانواده یا جامعه مربوط می‌شود. سطح سوم به نیازهای مرتبط با عشق، محبت و تعلق اشاره دارد. سطح چهارم با نیازهای احترام نشان داده می‌شود و در آخر مواردی هستند که با خودشکوفایی مرتبط هستند، مانند خلاقیت و اخلاق. از نظر مصرف، منافع رفاهی حاصل از مصرف برخی کالاها و خدمات مانند دسترسی به اینترنت و داشتن تلفن همراه را می‌توان در این هرم قرار داد.

برای ارزیابی اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در بین نیازهای مردم، لازم است رتبه‌بندی نسبی بین این نیازها و مقوله‌های مازلو انجام شود. از اطلاعات داده‌های نظرسنجی بهار ۲۰۱۴ در مورد نگرش‌ها و روندهای جهانی (مرکز تحقیقات پیو) استفاده می‌شود که شامل اطلاعاتی برای ۳۴ کشور در حال توسعه و بیش از ۳۵ هزار نفر درباره اهمیت برخی اقسام اساسی است. پایگاه داده شامل وزن دهی برای هر مصاحبه‌شونده برای ارائه تصویری واقعی از جامعه در هر کشور است که در نظرسنجی گنجانده شده است. این مجموعه داده شامل اطلاعاتی در مورد دسترسی به اینترنت، مالکیت تلفن همراه، و مالکیت خودرو و خانه، در میان گزینه‌های دیگر است. پاسخ گزینه‌ها بر اساس اهمیت نیاز در مقیاس صفر تا ۱۰ سنجیده شده و هر گزینه مستقل از بقیه بود.

با پیروی از فلسفه مازلو، میانگین ارزیابی افراد این کشورها برای موارد به دست آمد. نتیجه اهمیت مسائل فیزیولوژیکی، عشق و محبت و نیازهای ایمنی را به عنوان اولویت برای افرادی که اینها را در پایه هرم قرار می‌دهند تایید می‌کند. در مقابل، دسترسی به اینترنت،

انسانی مهارت و دانش برای تولید یک خروجی خاص است. ایجاد و نگهداری آن مستلزم صرف هزینه و زمان مالی است.

مدل تجربی: این مطالعه از مدل رشد سولو و نایت برای بررسی تاثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی استفاده می‌کند. سه متغیر کنترلی شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، باز بودن تجارت و بهره‌وری کل عوامل (TFP) به منظور کنترل تاثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی اضافه شده است.

روش برآورد: این مطالعه از داده‌های ۷۸ کشور برای ۱۵ سال بهره می‌برد و از روش GMM استفاده می‌کند. وقتی تعداد مشاهدات مقطعی بسیار زیاد است و بعد سری زمانی نسبتاً کوچک است، مانند مطالعه حاضر، برآوردگر GMM می‌تواند تخمین‌های منسجم‌تری نسبت به سایر تکنیک‌ها انجام دهد. اگرچه برآوردگر GMM بین محققان محبوب است، ضعف بالقوه این برآوردگر از نظر دقت، تخمین در پل‌های نسبتاً کوتاه با داده‌های بسیار پایدار است. برای حل این مشکل باید یک سیستم تخمین‌گر GMM توسعه داده شود که از شرایط اضافی استفاده کند تا منجر به افزایش کارایی شود.

داده‌ها و اندازه‌گیری: IDI که به عنوان پروکسی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌شود بر اساس مولفه اصلی برای ترکیب چند شاخص در یک مقدار واحد محاسبه می‌شود. این مطالعه IDI را محاسبه کرده و از هشت شاخص ICT شامل خطوط تلفن ثابت، اشتراک تلفن همراه، کاربران اینترنت، مشترکین اینترنت پهن‌بند ثابت و اشتراک پهنای باند تلفن همراه همگی به ازای هر ۱۰۰ نفر، پهنای باند اینترنت بین‌المللی به ازای هر کاربر اینترنت، نسبت خانوارهای دارای رایانه، نسبت خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت در خانه استفاده می‌کند و سه شاخص آموزشی و مهارتی شامل نرخ باسوادی بزرگسالان، نسبت ثبت‌نام ناخالص متوسطه و نسبت ثبت نام ناخالص دوره سوم است.



راهبر
گروه خدمات انفورماتیک



راهبر آینده هوشمند

بیشتر
بخوانید



www.raahbar.com info@raahbar.com

راهبر
گروه خدمات انفورماتیک



تنها یک کلیک تا ابری شدن

در پلتفرم اختصاصی ابر آسیاتک **cloud.ir**



کلیک کنید

عصر داده‌های
آسیاتک

cloud.ir

۹۰۰۰۵۵۵۵

سوده چیدری نسب بتیان گذار نقدینه و رایان از داستانش می گوید
یک زن بدون مردها ۳۷

روزگار پرفراز و نشیب استودیو بازی سازی کاریزما
پشت صحنه تاس و تخت ۴۱

یک روز باتوسن، هلدینگ که بورسی شده است
در مسیر بانکداری پلتفرمی ۴۴



تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

ناداستان

www.peivast.com





سوده حیدری نسب بنیان‌گذار نقدینه و رایان از داستانش پس از کرمان تابلو می‌گوید

یک زن بدون مردها*

حسابی زمین خورده، بلند شده حرف زده و ادامه داده تا امروز همچنان جاه طلب و خوشحال مقابل دوربین ماهنامه پیوست بنشیند. نه روایتش از زنان در فناوری اغراق شده است و نه امیدی واهی به آینده دارد ولی باور دارم جایی میان سطور این گفت‌وگو شما هم مثل من زنی را پیدا می‌کنید که خودش می‌گوید قهرمان نیست ولی می‌تواند قهرمان هر دختری باشد که می‌خواهد سرانجام رویایی خودش را در کنار پدرش زندگی کند. خوشحالم هنوز هم این بخش را می‌خوانید. منتظر داستان شما هم هستیم.

گپ زدن با سوده حیدری نسب ساده است. شخصیت صیقل خورده‌اش در میانه جهان، کار و خانواده باعث شده است آسودگی و سبکی ملموسی هنگام گفت‌وگو داشته باشد. می‌دانم اسم خانوادگی‌اش روی کرمان تابلو، شرکت با سابقه الکتریکی و تاسیساتی ایران، است و مدتی حتی مدیرعامل آنجا بوده ولی کنجاوم بدانم داستان خروجش از یک تجارت خانوادگی را چطور تعریف می‌کند. خیلی محدود ولی واقعی از داستان خانواده می‌گذرد و به سوده امروز می‌رسد. حرف‌هایش بدون شک برای شما هم جالب است چون چندباری درست و

کرمان تابلو از شرکت‌های بسیار قدیمی و دانش‌بنیان است که از دهه ۶۰ در حوزه تولید برق و الکترونیک فعالیت می‌کند و در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد نرم‌افزارهای کنترل بومی نیروگاه‌های آبی کشور را تامین می‌کند. وقتی به ایران برگشتم شرکت ما در مزایده نرم‌افزارهای بومی فازهای ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی تازه برنده شده بود. این اتفاق با اوج بیماری پدرم همزمان شده بود.

اینکه مهندسی برق خواندید هم به تبعیت از پدرتان بود؟ این انتخاب برای ادامه دادن تجارت خانوادگی‌تان بود؟

واقعیت این است که آن زمان ادبیات دانش‌بنیان وجود نداشت و محصول بومی اصلاً معنی نداشت و خریداران برای محصول بومی ارزشی قائل نبودند و ترجیح می‌دادند محصولات خارجی را از شرکت‌های معتبر بخرند. یادم هست پدرم در حالی که داروهای شیمی‌درمانی‌اش زیر کتش به‌اش وصل بود ساعت‌ها در جلسات درباره اهمیت محصولات بومی بحث می‌کرد تا خریداران را مجاب کند اعتبار شرکت‌های خارجی، نتیجه اعتماد داخلی آن کشورها به محصولات بومی

سرمایه اقدام کردیم. تا جایی که یادم می‌آید خانواده حیدری نسب بنیان‌گذار و مالک بخش بزرگی از کرمان تابلو بودند. برایم جالب است که باز هم دنبال تامین سرمایه بودید.

بله چون همان زمان هم بحث تامین مالی برایم خیلی جذاب بود. با وجود اینکه می‌توانستم از خانواده هم سرمایه مورد نیازم را تامین کنم اما ترجیح دادم سرمایه‌گذار بیرونی جذب کنم. این کار برای من به عنوان یک جوان صاحب فکر و ایده بسیار جذاب و اثرگذار بود. آن هیجان برای همیشه با من ماند.

سرمایه‌ای را که لازم داشتید از پلاگ اند پلی گرفتید؟

نه من آن سرمایه را در نهایت نگرفتم و به‌رغم مخالفت شدید خانواده تصمیم گرفتم برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به آمریکا بروم. علت مخالفت‌شان این بود که پدرم به‌شدت وطن‌پرست بودند و معتقد بود من باید برای مملکت خودم کار کنم. در نهایت به علت بیماری پدرم ترجیح دادم در کنار خانواده بمانم بنابراین در شرکت «کرمان تابلو» قائم‌مقام پدرم شدم.

حس می‌کنم شما هم مثل خیلی از سوژه‌های این بخش شغل مشخصی ندارید!

خب من مهندس برقم اما در واقع مهندس تامین مالی هستم! قصه من هم همین‌طوری است. من لیسانس و فوق‌لیسانسم را در رشته «مهندسی برق مخابرات و میدان» در دانشگاه شارجه گذرانده‌ام. حدود سال ۲۰۰۶ یعنی ۱۸ تا ۱۹ سال پیش وقتی در دانشگاه شارجه دانشجو بودم برای ثبت دو اختراع در آمریکا اقدام کردم. یکی از ایده‌هایم این بود که می‌خواستیم از سیگنال‌های هوا در اپلیکیشن‌های مختلف انرژی بگیریم. در یک نمایشگاه پشت میزی برای پیدا کردن یک سرمایه‌گذار و تامین‌کننده مالی نشسته بودم و طرحم را معرفی می‌کردم که آقای سعید عمیدی بنیان‌گذار پلاگ اند پلی آن زمان برای بازدید از دانشگاه ما آمده بود. ظاهراً از طرح من خیلی خوش‌شان آمده بود به طوری که دعوتم کرد با هم شام بخوریم و درباره طرح بیشتر توضیح بدهم. بعدها از طریق آقای عمیدی به آقای احمد مسرور و تیم حقوقی‌شان معرفی و متصل شدیم و برای تامین



آرش برهمند

پدرم، ناصر حیدری نسب، من و دو برادرم را طوری تربیت کرد که همواره به ایرانی بودن و وطن پرستی خودمان افتخار کنیم. حتی لایب‌هایی که برای ما می‌خواند اشعار وطن پرستانه بود. او انتظار داشت ما این حس را با ادامه بیزینس خانوادگی خودمان پیاده کنیم. پدرم ماشین داخلی سوار می‌شد و حتی از ظروف خارجی استقبال نمی‌کرد. او فقط پدرم نبود بلکه مربی و الگویم بود. ما حتی در روابط خانوادگی و برای گرفتن پول توجیبی از پدرمان هم تمرین مذاکره می‌کردیم.

خودشان است و این راهی است که باید در شرکت‌های ایرانی هم طی شود.
پدرتان متولد کرمان بودند. شما و برادریاتان متولد کجا هستید؟

همه ما متولد کرمان هستیم. من متولد سیزده به در سال ۶۲ هستم. پنج سال بعد همگی تهران آمدیم اما شرکت کرمان تابلو همچنان در کرمان مستقر ماند. وقتی به ایران برگشتم تلاش کردم به این تجارت پدرم کمک کنم ولی تصمیمی برای ماندن در ایران نداشتم. متأسفانه بیماری پدرم به شدت اوج گرفت و او را از دست دادیم. برای همین تصمیم گرفتم مدت بیشتری در ایران بمانم و در پی آن به مدیرعاملی شرکت انتخاب شدم.

چه دلیلی داشت که دختر خانواده حیدری نسب به عنوان مدیرعامل انتخاب شد؟ به نظر می‌رسد شما یکی از آن دخترانی بودید که ذاتاً مدیر و رئیس زاده می‌شوند.

نه این تئوری را قبول ندارم. واقعیت این است که مدیرعامل شدن من دلایلی مختلفی داشت از جمله اینکه من قائم مقام پدرم در شرکت بودم و دیگر اینکه تنها کسی بودم که رشته مرتبط با پروژه فازهای پارس جنوبی را خوانده بودم و آقای مهندس زنگنه نسبت به این موضوع بسیار حساسیت داشتند که حتماً مدیرعامل مرتبط باشد. اتفاقاً موضوع مدیرعاملی من در خانواده چندان هم با استقبال مواجه نشد و در نهایت هم دیدید که ادامه پیدا نکرد.

چند سال تان بود که مدیرعامل شدید؟

در ۳۰ سالگی مدیرعامل شدم و مجبور شدم برای امتیاز رسمی شرکت در کنکور ایران هم شرکت کنم و به دانشگاه بروم چون بعد از فوت پدرم حجم مدارک تحصیلی و مرتبط شرکت کاهش پیدا کرده بود و یک نفر باید این موضوع را جبران می‌کرد. اینجا خانواده مرا کاندیدای ادامه

تحصیل معرفی و اسامی را بدون اینکه مطلع باشم در کنکور ثبت نام کردند. شب قبل از کنکور مادرم گفت فردا دنبالت می‌آیند چون باید کنکور دکتری بدهی!

یعنی یک مدرک هم در ایران گرفتید؟

در حال حاضر دو مدرک نیمه در ایران دارم. یکی اینکه در شهید بهشتی دکتری برق خوانده‌ام اما هنوز امتحان جامع را نداده‌ام و از ترم دفاع نکرده‌ام. راستش دیگر علاقه‌ای به رشته برق ندارم و دوست دارم تغییر رشته بدهم که با آن موافقت نکرده‌اند. الان در دانشگاه تهران هم سال آخر DBA هستم و امیدوارم به زودی تمام شود.

وقتی به ایران آمدید وضعیت شرکت چگونه بود؟

آن زمان اوج کاری شرکت بود و وضعیت در بهترین سطح ممکن بود. کلی پروژه ملی و خارجی داشتیم. در همین پروژه «نیروگاه سنگ تودر» که اخیراً افتتاح شده، بخش کنترل آن به شرکت کرمان تابلو واگذار شده بود. بیش از ۳۰ پروژه در حوزه آب و برق و نفت و گاز داشتیم و حتی برای ورود به سیگنالینگ مترو آماده می‌شدیم اما به هر حال ما لیدر تیم را از دست داده بودیم و در تمام صنایع تقریباً دچار چالش شده بودیم چون پدرم در جریان تمامی جزئیات این صنایع بود و طبعاً ما نمی‌توانستیم مثل او مدیریت کنیم.

چقدر در مدیرعاملی کرمان تابلو دوام آوردید؟

این را بگویم که با وجود همه چالش‌ها من در مدیرعاملی موفق بودم و صرفاً به دلیل برخی مسائل داخلی کمتر از دو سال این پست را ترک کردم. در واقع مجبور شدم

نه تنها آن پست را بلکه کل مسیر قبلی زندگی را ترک کنم. واقعیت این است که دانشجوی شهید بهشتی بودن مرا نجات داد و باعث شد با وجود مشکلات مالی بتوانم زندگی حداقلی و دانشجویی برای خودم بسازم، رفتم خوابگاه و از صفر شروع کردم.

چطور شد که دوباره سوده جدید را کشف کردید؟

اصلاً نمی‌خواهم این موضوع را شاعرانه کنم، واقعیت این است که صرفاً توانستم از همه آن سختی‌ها و مشکلات خودم را نجات بدهم. من از دانشجویی که به فکر کارآفرینی و تامین سرمایه برای ایجاد تغییر در جهان بودم به مدیرعاملی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدی و الکترونیکی در ایران رسیدم.

همین زمان‌ها بود که از طرف شرکت ایران ترانسفو به عنوان مشاور دعوت به کار شدم. از طرف بسیاری از شرکت‌های رقیب با حقوق بالا از من دعوت به همکاری می‌شد ولی مطمئن بودم در آن علاقه‌ای به دانش و توان شخص من نیست بلکه دلیلش تمایل شدید به تصرف برند خانوادگی ما در کرمان تابلو بود. هیچ وقت نمی‌توانستم چنین کاری در حق پدرم انجام بدهم. به هر حال دعوت از ایران ترانسفو را به چشم یک روزه تازه باز شده در حوزه مشاوره برای خودم دیدم و با آنها شروع به همکاری کردم.

چطور مشاور صنعتی تبدیل به تخصص در تامین سرمایه شد؟

بعد از ترک سمت مدیرعاملی کرمان تابلو یک روز از معاونت علمی ریاست جمهوری مرحوم شیخ زین‌الدین معاون دکتر ستاری

سرنوشت

وقتی از کرمان تابلو بیرون آمدم پس از مدتی فهمیدم در واقعیت این اتفاق برای من با وجود همه سختی‌هایش بسیار مثبت و عجیب بود. چون دختری بودم که در اوج امکانات زندگی کرده بودم و به جایی رسیدم که باید مترو و اتوبوس سوار می‌شدم و بلد نبودم. وجه مثبت این اتفاق نه در دوباره بلند شدن و از صفر شروع کردن من بلکه از نظر آشنایی با زاویه‌های مختلف زندگی است. من دختری بودم که در ایتالیا به راحتی خرید می‌خریدم- پدرم معتقد بود چون خودم پول در نمی‌آورم این قدر راحت خرج می‌کنم- اما به جایی رسیدم که بعضی از شب‌ها پول غذا خوردن و تاکسی گرفتن همزمان را نداشتم.



با من تماس گرفتند. آن زمان در حال تکمیل پروژه وارد کردن دانش سیگنالینگ ریلی به کشور بودیم و قراردادش تمام شده بود. مرحوم شیخ زین‌الدین به من گفتند چرا در جلسات نیستید گفتیم از مدیرعاملی کناره‌رفته‌ام. خیلی ناراحت شدند و پیشنهاد دادند به دلیل تسلط و دانشم در حوزه تجاری‌سازی و کمک به شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه فروش محصول از طرف معاونت علمی مشغول به کار شوم.

همان زمان معاونت علمی دو شرکت را برای کمک به تجاری‌سازی در حوزه برق به من معرفی کرد. از همان دو شرکت ده‌ها شرکت بعدها برای کسب‌وکار من در شرکت رایان توسعه پایا پیدا شد.

الان وضعیت شرکت رایان توسعه پایا چطور است و با چند نفر مشغول کارید؟

خدا را شکر وضعیت شرکت خیلی خوب است. ما ۳۰ نفر تمام‌وقت و چند نفری هم به صورت پاره‌وقت و پروژه‌ای هستیم که در دو سطح با هم کار می‌کنیم. اول اینکه به شرکت‌های استارت‌آپی و یک شخص صاحب ایده مشاوره می‌دهیم. از صفر تا صد این شرکت از تهیه بیزینس پلان تا ارزش‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار را در یک پکیج خدماتی به او ارائه می‌دهیم. بنابراین یک سطح مشاوره و تجاری‌سازی و راه‌اندازی کسب‌وکارها و ایده‌هاست. در سطح دوم هم سرمایه‌گذاران پشت میز ما نشسته‌اند که می‌توانیم به آنها ایده‌ها و استارت‌آپ‌های مختلف را پیشنهاد کنیم. شرکت ما جزو اولین گروه‌هایی بود که کار ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود را انجام داد و ما از اعضای اصلی کمیته معاونت علمی هستیم. بحث ارزش‌گذاری از موضوعاتی است که باعث جلب اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود. تعداد زیادی سرمایه‌گذار داریم که به مهر و امضای ما اعتماد دارند و سرمایه‌گذاری می‌کنند و از مجموعه‌های بانکی مثل گردشگری و پاسارگاد تا شرکت‌های بزرگی مثل شستا و... جزو مشتریان ما هستند.

برای کدام یک از بخش‌های جذب سرمایه یا سرمایه‌گذاری تقاضا بیشتر است؟

الان برای جذب سرمایه تقاضا بسیار زیاد شده اما در بخش سرمایه‌گذاری هم کسانی که می‌خواهند همان اندک

می‌آیند هم کمک‌هایی می‌کنیم و هم سرمایه‌گذارها ما را گروهی می‌دانند که خودش سرمایه‌گذاری را می‌فهمد و آن را تجربه کرده است.

سهامداران نقدینه چه کسانی هستند و سهم رایا در آن چقدر است؟

سرمایه‌گذار اصلی صندوق نقدینه شرکت هلدینگ «سمگا» است که گروه سرمایه‌گذاری میراث فرهنگی و گردشگری ایران است. ما مجوزمان را اردیبهشت امسال دریافت کردیم اما در همان مدت هم بیکار نبودیم. پروژه‌هایی را برای گروه مالی با آورده غیرنقدی اجرا کرده‌ایم چون

سرمایه‌گذاری را به عرصه بیاورند باید انتخاب هوشمندانه‌ای داشته باشند بنابراین می‌توانم بگویم در هر دو بخش تقاضای زیادی وجود دارد. ما برای هر دو بخش پکیج‌های مناسبی داریم.

فکر می‌کنم یک کار دیگر هم اخیراً راه انداخته‌اید که دوست داریم در موردش بشنویم.

علاوه بر کارآفرینی و مشاوره حالا جای سرمایه‌گذار هم نشسته‌ام. مدتی است مدیرعامل صندوق جسورانه نقدینه هم هستم. علاوه بر این به‌تازگی یک صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه یا VC راه‌اندازی کرده‌ایم که شرکت رایان هم عضو آن است.

آیا با کاری که در شرکت رایان انجام می‌دهید تضاد منافی ندارد؟

تضادی ندارد. شاید در ظاهر این تضاد وجود داشته باشد ولی می‌دانید که اکثر سرمایه‌گذاران می‌گویند اگر خودتان به چنین پروژه‌ای باور دارید چرا در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنید. اتفاقاً ما در رایان به همین دلیل ناگزیر وارد سرمایه‌گذاری هم شدیم. شرکت رایان سال‌هاست مجوزها و ابزارهای مختلف تامین مالی را در سبد خدماتش دارد برای اینکه مشتری ما اینها را می‌خواهد. نه تنها با گروه‌های مختلف از جمله رایان که من صرفاً رئیس هیات مدیره‌اش هستم تضاد منافع نداریم بلکه به استارت‌آپ‌هایی که به سمت ما

صنعت

همان اوایل پیشنهاد مدیرعاملی از ایران ترانسفو داشتم که بسیار جذاب و وسوسه‌کننده بود اما یک روز کامل به این سوال جواب می‌دادم که دوست دارم صاحب کسب‌وکار باشم یا کارمند بمانم؟ با خودم فکر کردم حتی اگر سنم بالا برود می‌توانم برای دیگری کار کنم اما طبعاً جسارت راه‌اندازی کسب‌وکار خودم را نخواهم داشت. در نهایت تصمیم گرفتم کارآفرین باقی بمانم و کسب‌وکار خودم را راه بیندازم. چون من چاره‌ای جز موفقیت در کسب‌وکارم نداشتم و محکوم به موفقیت هستم.

این چهار طرف میز نشستن به من زوایای مختلفی از زندگی داده است. یک فوت کوزه‌گری دارم و آن این است که در انجام یک معامله نه به صاحب کسب‌وکار و نه سرمایه‌گذار اهمیت نمی‌دهم بلکه به خود کسب‌وکار اهمیت می‌دهم. همیشه برای خود کسب‌وکار در معامله یک صندلی خالی در نظر می‌گیرم. به نظرم دستیابی به این زاویه دید حاصل مسیری است که طی کرده‌ام و اینکه به جای همه طرف‌های معامله یک بار روی صندلی نشسته‌ام. این مهم‌ترین چیزی است که سعی دارم در کتابی که دو سال است دارم می‌نویسم به مخاطبم بگویم.

مجوز نداشتیم. بالغ بر سه هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان از طریق نقدینه در حوزه‌های صنعتی، معادن و فلزات و سلامت و پزشکی سرمایه‌گذاری شده است. در حوزه‌های هوش مصنوعی و رباتیک و همچنین در حوزه تولید محتوا و گیم و انیمیشن هم وارد شده‌ایم.

خب حالا که داستان را شنیدیم به نظر خودتان چه کاره‌اید؟

راستش هنوز هم که با عنوان‌های مختلف کارآفرین، سرمایه‌گذار و مشاور و... چهار طرف میز نشسته‌ام نمی‌توانم بگویم دقیقاً چه کاره هستم! هنوز هم وقتی یک جوان صاحب ایده برای جذب سرمایه به ما مراجعه می‌کند برق چشمان «سوده» را در چشمان او می‌بینم که می‌خواهد دنیا را عوض کند.

بیرون از کار خودتان را چطور تعریف می‌کنید؟

صاحب‌خانه دفتری که اولین بار اجاره کرده بودیم هم یک بار با تعجب به من گفت شما مگر زندگی نمی‌کنید که تمام وقت در دفتر هستید؟ هنوز هم به نظرم سوال عجیبی است. صادقانه‌اش این است که چیزی خارج از کارم ندارم. هرچند کتاب زیاد می‌خوانم و فیلم زیاد می‌بینم اما به هر حال مستندها را بیشتر دوست دارم. الان دارم همه خیال‌پردازی‌های تصویرشده در فیلم‌های مختلف از قدیم تا امروز را که درباره AI و رباتیک بوده و به فیلم تبدیل شده است می‌بینم تا زوایای بیشتری از آن را بشناسم.

چه چیزی در کار شما را بیشتر از همه خوشحال می‌کند؟

وقتی از یک آدم معتاد به کار این سوال را بکنید می‌تواند جواب‌های مختلفی بدهد.

گرانی است درباره بخش بزرگی از جامعه انسانی کشور که همین الان و با همین وضع اقتصادی بار به دوش می‌کشند. فراموش نکنید که زن‌ها در ایران یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری نیروی انسانی کشور بوده‌اند چون آقایان به نسبت راحت‌تر و بیشتر مهاجرت می‌کنند. برعکس خانم‌ها به دلایل مختلف و شاید حتی از سر ترس کمتر مهاجرت می‌کنند. حالا در چنین شرایطی کشور نیروی تحصیل کرده بزرگی از زنان دارد که در عین برخورداری از توان و دانش، پایداری بیشتری هم در کشور دارند اما متأسفانه از سوی سیاست‌گذاران پس زده می‌شوند و این جای تأسف دارد.

حرف آخر؟

به جوانی که می‌خواهد از ایران برود می‌گویم تصمیم سختی است اما ماندن و دوام آوردن آن قدرها هم سخت نیست و شدنی است. به سرمایه‌گذاری که به جای سرمایه‌گذاری روی اقتصاد کشور ارز و طلا می‌خرد و سرمایه‌گذاری غیرپویا می‌کند فقط می‌گویم در بین همه این کارها به یک جوان صاحب ایده هم شانس بده. به مسئول دولتی که یادش می‌رود سلول به سلول این کشور نیازمند نگهداری است می‌گویم باید نگران مهاجرت کارآفرینان باشید. با رفتن او ده‌ها نفر و صدها شغل از بین می‌رود. امیدوارم رسانه‌هایی مثل شما بتوانند به ایجاد یک شبکه ارتباطی بین کارآفرینان و آگاهی بیشتر از داستان‌های یکدیگر کمک کنند.

«عنوان الهام‌گرفته از داستان کوتاهی است با عنوان «یک زن با مردها» از سیمین دانشور. دانشور به روایتی نخستین زنی است که در ادبیات معاصر ایران به صورت حرفه‌ای داستان می‌نوشت.

واقعیت این است که در کارم خوبم و از پیشرفت پروژه‌ها و ایده‌های افراد لذت می‌برم. شاید چون دوست داشتم شرکت پدرم را بعد از فوتش خیلی بزرگ کنم و توسعه بدهم و الان در موقعیتی هستم که دارم همان هدف را با ده‌ها شرکت مثل آن پیش می‌برم. به نظرم این با تربیتی که در ناخودآگاهم وجود دارد بسیار مرتبط است. در عین حال کار دیگری هم بلد نیستم و متأسفانه خیلی تک‌بعدی هستم و چیز بیشتری یاد نگرفته‌ام. خودم را پذیرفته‌ام و زندگی‌اش می‌کنم.

فکر می‌کنید در این مسیر که آمده‌اید «زن بودن» به شما کمک کرده یا باعث پایین آمدن‌تان شده است؟

«زن بودن» قطعاً مانع رشد من شده است. در ایران بارها پروژه از دست داده‌ام برای اینکه ترجیح داده‌اند با زن کار نکنند. دو سال پیش پروژه منحصربه‌فردی را در حوزه توکنیزه کردن تعریف کردیم. مذاکرات خیلی خوب پیش رفت. قرار شد این پروژه را در شعبه مرکزی آن مجموعه پرزنت کنیم. یک روز قبل از جلسه به من گفتند شما خودتان برای جلسه نیایید و فرد دیگری را بفرستید. من نپذیرفتم و بحث کردم و حرف زدم که در نهایت گفتند «ما معتقدیم در کشوری که مرد بیکار داریم زن‌ها نباید کار کنند!»

جای دیگری برای پاسخگویی به یک مقام قضایی مراجعه کردم. لیست افراد بیمه را هم با خودم بردم. آقای محترم به من گفت فکر کردی لیست ۴۰ نفره بیمه افتخار است؟ شما الان باید ۴۰ بچه برای کشور به دنیا می‌آوردی!

وقتی اینها را می‌شنوید چه حسی دارید؟

برای تمام ضررهایی که کشور دچارش می‌شود متأسفم. متأسفم که این درس

قهرمان نیستیم

به نظرم خصوصیت غیرانسانی دادن به کارآفرین‌ها و دیدن آنها به چشم یک ابرقهرمان اصلاً درست نیست. همه ما در مواجهه با چنین چالش‌هایی حتماً ناراحت می‌شویم و کم می‌آوریم اما جز ادامه دادن ولو با رنج کشیدن چاره‌ای نداریم. اتفاقاً جذابیت ماجرا این است که با وجود همه ضعف‌های انسانی باز هم موفق می‌شود و دوباره به سر کار برمی‌گردد؛ به خصوص برای زنان کشور و توانی که دارند اما فضای نمایش آن را ندارند یا جوانی که با وجود شنیدن چنین ادبیاتی سرخورده می‌شود.



استارت آپ

روزگار پرفراز و نشیب استودیو بازی سازی کاریزما پشت صحنه تاس و تخت



سمانه سمیع

دیگر از دوستان مان شرکت بازی سازی راه اندازی کردیم، در واقع می خواستیم بتوانیم مدل جدیدی از بازی موبایلی ارائه کنیم که پس از مدتی مجبور به ترک آن شدیم چون در برخی زمینه ها با هم به توافق نرسیدیم. اما خیلی خوش شانس بودیم که از طریق یکی از دوستان شهره با گروه سرمایه گذاری فیروزه آشنا شدیم و از سال ۹۶ ایده جذب سرمایه را به صورت جدی دنبال کردیم و اینجا بود که ایده هایمان از سال ۹۷ با سرمایه گذاری فیروزه رنگ و لعاب تازه ای به خود گرفت.»

شهره هم در تایید صحبت های ایمان بازی سازی را جزو علاقه مندی های کودکی اش به شمار می آورد و ورود فیروزه را نقطه عطف کاریزما می داند: «من و ایمان در یک دانشگاه درس می خواندیم و دقیقاً دانشگاه بود که به من این حس را داد که می توانم از علاقه ام به بیزینسی که می خواهم برسم. من متولد ۱۳۷۱ هستم و زمانی که نوجوان بودم پدر و مادرم برای تقویت زبان برایم کامپیوتر خریده بودند، اما من بیشتر از آموزش زبان با آن بازی های کامپیوتری انجام می دادم. در همان بچگی هم به کنسول بازی و این جور چیزها علاقه داشتم، اما هیچ وقت خانواده ام زیر بار خرید کنسول بازی نرفتند و به نوعی آن را اتلاف وقت می دانستند. من با کامپیوتر بازی های مورد علاقه ام را انجام می دادم. در حقیقت من همیشه به دنیای هنر و تلفیق آن با بازی و کسب و کار فکر می کردم. اما این ایده با ورود به دانشگاه مجسم شد. از سال ۹۲ با ورود به دانشگاه اصفهان بازی در نظر من شکل جدی تری گرفت و من در این فضا توانستم نقطه اتصال بازی، هنر و بیزینس را پیدا کنم.»

شهره همان طور که ایمان هم گفته بود با حضور در کارگاه بازی سازی ایمان به طور رسمی با دنیای بازی و بیزینس آشنا می شود: «تجربه ای در این باره نداشتم اما کم کم و به کمک ایمان تجربه های تازه ای در این حوزه شکل گرفت و همکاری مان از آن نقطه آغاز شد. چند سالی مشغول ساخت بازی های کوچک و متوسط شدیم. علاوه بر اینکه سال ۹۵ از طریق یکی از دوستان مان با یک شرکت استرالیایی که در زمینه بازی فعالیت می کردند آشنا شدیم. شرکتی فرهنگی که فعالیت هایش زیر نظر یونیسف بود. کار در این فضا فرصت های خوبی برای یادگیری در اختیار ما گذاشت. در همین اثنا به دنبال جذب سرمایه برای استودیو بازی سازی خودمان و از سویی در تلاش برای گرفتن اسپانسرشیپ از شرکت استرالیایی بودیم.»

بازی در دانشگاه مسیر کاری کاریزما را رقم زدیم.» موضوع فعالیت های کاری ایمان و شهره به دانشگاه اصفهان برمی گردد، سال هایی که آنها در یک دانشگاه تحصیل می کردند. ایمان از خود و ورود به حوزه بازی سازی می گوید: «من متولد ۱۳۶۸ هستم و از بچگی به بازی علاقه داشتم، آن زمان ها به کلوب می رفتم. بعدها پدرم برایم کنسول بازی خرید و من همچنان به بازی و دنیای بازی ها علاقه مندم. به صورت خلاصه بخواهم بگویم حوزه IT و گیم همیشه در دایره علاقه مندی های من بوده است.»

ایمان در دانشگاه اصفهان ارشد مهندسی فناوری اطلاعات خوانده است: «در سال هایی که من فوق لیسانس می خواندم شهره در دانشگاه اصفهان مهندسی سخت افزار می خواند. من در دانشگاه کارگاه ساخت بازی های رایانه ای را برگزار کردم و شهره یکی از دانشجویانی بود که در این کارگاه حضور داشت، همکاری های دوفره ما با ساخت بازی راهرو شروع شد. بازی موفق که در سال ۹۴ نامزد بهترین بازی کافه بازار شد. در این مدت با هم پروژه های موفق تقریباً کوچک و متوسطی در حوزه بازی ساختیم. بعد از بازی راهرو به کمک چند نفر

در میان فصل ها و ماه هایی که صنعت بازی سازی در کشور با مسائل جدی مثل فیلترینگ گوگل پلی، تحریم و نبود نیروی متخصص دست و پنجه نرم می کند یکی از استودیوهای بازی سازی را برای استارت آپ گردی این شماره انتخاب کردیم و پای صحبت های شهره اسماعیلی و ایمان گلکار هم بنیان گذاران استودیو بازی سازی کاریزما نشستیم تا به قول خودشان از نبرد با روزهای سخت و تصمیم های سختی که تا امروز کسب و کار آنها را زنده نگه داشته صحبت کنند. استودیو بازی سازی کاریزما یکی از اولین پروژه های استارت آپ های کنترل تک است که سه بازی شاه دزد، تاس و تخت و آچمز را در کارنامه خود دارد. کاریزما در سال ۱۳۹۷ کار خود را به طور رسمی آغاز کرد و با دریافت سرمایه از شرکت سرمایه گذاری فیروزه روند توسعه متفاوتی در پیش گرفت.

ایمان گلکار بنیان گذار و مدیرعامل استودیو بازی سازی کاریزماست که در اصفهان زندگی می کرده و از سال ۹۴ و پس از خدمت سربازی در تهران ماندگار شده است: «من و شهره اسماعیلی که در کنار هم حالا از بنیان گذاران کاریزما هستیم، از سال ۹۴ با تجربه ساخت چند



زمینه کاری: ارائه‌دهنده بازی‌های رایانه‌ای
نیروی انسانی: ۳۵ نفر
سال تاسیس: ۱۳۹۷



شهره اسماعیلی هم‌بنیان‌گذار

کرونا و ادامه بازی

روال کار کاریزما طبق برنامه‌ها پیش می‌رود تا اینکه کرونا ایران را هم مثل سایر جهان درگیر می‌کند و این بار محمد بهتر می‌تواند با دورکاری با کاریزما ارتباط برقرار کند و این ایده شکل منطقی‌تری به خود می‌گیرد: «اصفهان بودم و دیگر با وجود کرونا که دورکاری را ممکن کرده بود، من هم توانستم به تیم اضافه شوم. بازی شاه دزد و پس از آن بازی تاس و تخت وارد جریان شده بود و من هم ریموت با تیم همکاری می‌کردم.»

اما شهره از مشکلاتی که پس از دورکاری پیدا کردند صحبت می‌کند: «تیم ما به قدر کافی بزرگ نشده بود و ما در آن زمان به قدر کافی برای دورکاری بالغ نشده بودیم، ما با دورکاری نمی‌توانستیم ایده‌هایمان را اجرایی کنیم، باید به کار در دفتر بازمی‌گشتیم. برایند کرونا برای تیم ما مثبت نبود، تعداد دانلود و تعداد کاربران مان بیشتر شده بود اما ما نیاز داشتیم در کنار یکدیگر فعالیت کنیم. البته اوضاع الان فرق کرده است اما آن زمان برای دورکاری آماده نبودیم.»

کم‌کم با تجربه‌هایی که در تیم کاریزما شکل می‌گیرد مجبور می‌شوند پروژه شاه دزد را متوقف کنند: «دومین تصمیم سختی که در این مسیر گرفتیم متوقف کردن پروژه شاه دزد بود. پروژه‌ای که با جان و دل آن را آغاز کرده بودیم به دلیل

را در استودیو بازی‌سازی به کل تغییر می‌دهد. شهره از آن روزها می‌گوید: «بازی شاه دزد را ساختیم، یک بازی که تجربه خوبی برای ما رقم زد و توانست چشم‌انداز ما برای ورود به بازارهای جهانی باشد. در ابتدا به انتشار بازی در ایران فکر نمی‌کردیم. نگاهمان جهانی بود و هر جشنواره‌ای که شرکت می‌کردیم بازی دیده می‌شد و جایزه می‌گرفت. اما از لحاظ اقتصادی بازی موفقیت‌آمیز نبود و ما باید استراتژی آن را تغییر می‌دادیم.»

ایمان باور داشتن فیروزه را یکی از ارکانی می‌داند که کاریزما را پابرجا نگه داشته است: «سرمایه‌گذار این نیست که فقط آورده نقدی با خود بیاورد، بیش از پول یک سرمایه‌گذار، عاملی که یک استارت‌آپ را به موفقیت می‌رساند سرمایه‌های هوشمندی است که سرمایه‌گذار آن را وارد چرخه فعالیت‌های یک استارت‌آپ می‌کند. برای مثال خود آقای ربیعی در بخش‌هایی از مسیر خودشان به ما ایده می‌دادند و از طریق ارتباط نزدیکی که برقرار شده بود، ما راجع به کلیت بازی و حتی دیزاین هم با ایشان صحبت می‌کردیم. ایشان دست ما را برای تصمیم در هر موضوعی که بتواند به توسعه کاریزما کمک کند باز گذاشته بودند.»

روند فعالیت‌های کاریزما به گونه‌ای پیش می‌رود که فعالیت‌های کاریزما گسترده‌تر می‌شود و در این نقطه خلاء نیاز مدیر فنی که در کنار آن ایمان بتواند به فعالیت‌های استراتژیک کاریزما بپردازد بیش از پیش احساس می‌شود: «توسعه و تعداد کاربران مان هر روز بیشتر می‌شد، من و شهره باید مشغول فعالیت‌های استراتژیکی کاریزما می‌شدیم و وجود مدیر فنی می‌توانست در این مسیر برایمان کارگشا باشد.» محمد شمس از سال ۱۴۰۰ به عنوان مدیر فنی وارد استودیو بازی‌سازی کاریزما می‌شود، کسی که مثل شهره و ایمان به دنیای بازی و فناوری علاقه داشته و دارد: «من از دوازده سیزده سالگی به برنامه‌نویسی علاقه داشتم و برایم فعالیت در این حوزه از همان بچگی جالب بود. در دوره‌ی استارت‌آپ و یکند سال ۹۳ شرکت کرده بودم و در همان جمع با ایمان بیشتر آشنا شدم، البته او را قبلاً از طریق یک فروم برنامه‌نویسی هم می‌شناختم. با ایمان راجع به بازی شاه دزد صحبت کردیم و همان‌جا حرف‌هایی راجع به همکاری‌های آینده هم زدیم. اما در آن زمان من علاقه‌ای نداشتم به تهران بیایم و دوست داشتم اگر قرار بر همکاری باشد به صورت دورکاری و فریلنس با کاریزما همکاری کنم.»

روزی که فیروزه سرمایه‌گذاری در استودیو بازی‌سازی شهره و ایمان را می‌پذیرد روزی است که شرکت استرالیایی هم به آنها تأییدیه و مجوز کار می‌دهد: «۶ ماه مداوم از یک سو برای جلب نظر سرمایه‌گذاران و از یک سو برای گرفتن اسپانسرشیپ تلاش کردیم. یک روز صبح دیدیم شرکت استرالیایی تأییدمان کرده و از یک سو فیروزه قول سرمایه‌گذاری داده است. واقعاً نمی‌دانستیم خوشحال باشیم یا ناراحت.



ایمان گلکار هم‌بنیان‌گذار

تصمیم سختی بود اما در نهایت موفق شدیم تصمیم خوبی در این باره بگیریم. فیروزه به ما آزادی عمل داده بود و این بهترین اتفاقی است که می‌تواند برای بنیان‌گذاران یک استارت‌آپ بیفتد و این اتفاق برای ما رخ داده بود. برای ما کاری که دوستش داشتیم از مهاجرت و کار در شرکت خارجی جذاب‌تر بود و اگر حالا هم به عقب بازگردیم همین تصمیم را می‌گیریم.»

با فیروزه

کار کاریزما با فیروزه آغاز می‌شود: «کارمان را در استارت‌آپ استودیو فیروزه به نام کنترل‌تک در سال ۹۷ شروع کردیم. قرار شد ما درگیر نگرانی‌های مالی نشویم و روی ساخت بازی متمرکز باشیم و همین آسودگی می‌توانست ایده‌های ما را عینیت بخشد. دو سال اول تمرکزمان فقط روی ساخت بازی بود. به نظر همه چیز خوب پیش می‌رفت و ما با دلار سه هزار تومان شروع کرده بودیم که ناگهان نرخ دلار رو به افزایش رفت و تورم تأثیر خود را بر کسب‌وکار ما هم گذاشت. گرچه دو راند دیگر نیز فیروزه روی کسب‌وکار ما سرمایه‌گذاری کرد.» ورود سرمایه‌گذار تجربه کاری شهره و ایمان



محمد شمس مدیرفنی



بحث درآمدزایی متوقفش کردیم. بازی محبوب بود و هنوز هم کاربران زیادی آن را بازی می‌کنند اما برای ما در تیم بازی‌سازی منفعتی نداشت و نمی‌صرفید. الان بازی را متوقف کرده‌ایم و برنامه توسعه‌ای در آن انجام نمی‌شود و تمرکزمان بر بازی تاس و تخت معطوف شده است.»

تاس و تخت

تیم کاریزما از دو سال قبل تمرکز خود را روی بازی تاس و تخت گذاشته‌اند و تاس و تخت را به عنوان بازی پرچمدار کاریزما می‌شناسند، فیلترینگ را هم از موانع جدی فعالیت‌هایشان می‌دانند. محمد می‌گوید: «فیلتر گوگل پلی یکی از لطمات جدی است که در حوزه بازی‌سازی، بازی‌سازان را تهدید می‌کند. در کنار این کسب‌وکارها در ایران با بحران‌ها و اتفاقات پیش‌بینی‌ناپذیر هم مواجه‌اند. بعد از اتفاقات شهریور ۱۴۰۱ کیفیت اینترنت به شکل جدی افت کرد. امکان توسعه محدود شده و مدتی است بازی‌ساز جدیدی وارد مارکت ایران نمی‌شود.» ایمان هم از خروج

نبروها و مهاجرت‌شان و کمبود نیروی متخصص صحبت می‌کند: «بحث مهاجرت حرف تازه‌ای نیست که کسی از آن بی‌خبر باشد اما آن قدر کشورهای همسایه در سال‌های اخیر روی حوزه بازی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که ایران از آنها عقب افتاده است. عربستان، ترکیه و امارات هریک به خودی خود تمرکز زیادی روی این حوزه گذاشته‌اند، چون می‌دانند که بازی چقدر در درآمدزایی برای کشورهایشان موثر است. محدود شده‌ایم و حتی برای تبلیغات هم چند آژانس محدود در اختیار داریم. استورهای ایرانی هم به جای اینکه حالا که پلی‌استور را از دست داده‌ایم همکاری بیشتری با ما داشته باشند، کمی از سهم درآمد خود کم نمی‌کنند. به خاطر همین مسائل است که بازیگر جدیدی وارد این حوزه نمی‌شود.» شهره اما در نهایت همچنان بر ایده ایران ماندن و تلاش برای زنده نگه داشتن و توسعه کاریزما پافشاری می‌کند: «ایده بازی‌سازی رویایی است که ما در کاریزما دنبال می‌کنیم و فکر می‌کنم فرهنگی که کاریزما را تاکنون سر پا نگه داشته فرهنگ وفاداری و صبوری است. ما برنامه‌های جدی برای آینده کاریزما داریم و دوست داریم استودیو بازی‌سازی کاریزما را در اختیار تیم‌های فعال این حوزه قرار دهیم تا تجربه‌مان در این مسیر را با کسانی که در ابتدای راه هستند به اشتراک بگذاریم.»



داشتن اینترنت با کیفیت آرزو نیست
پهنای باند اختصاصی رسپینا

شرکت‌گردی



یک روز با توسن، هلدینگی که بورسی شده است

در مسیر بانکداری پلتفرمی

در اولین ماه از تابستان ۱۴۰۳ توسن را برای شرکت‌گردی انتخاب کردیم. توسنی که با شرکتی که ۱۰ سال قبل به شرکت‌گردی آن رفته بودیم، فرق زیادی کرده است و حالا به عنوان یک شرکت بورسی، تولد ۲۵ سالگی خود را جشن می‌گیرد. بیش از دو دهه از عمر فعالیت‌های توسن می‌گذرد و توسن طی این سال‌ها دوره‌های مختلفی از توسعه را پشت سر گذاشته است.

آرش بابایی حالا مدیرعامل توسن است و برای ما از دوره‌های سپری‌شده توسن می‌گوید: «من به عنوان چهارمین مدیرعامل توسن تقریباً در دهه سوم فعالیت شرکت، این وظیفه را بر عهده گرفتم و به نظرم می‌توانم فعالیت‌های توسن را با توجه به سال تاسیس آن از سال ۷۸، در سه دهه بخش‌بندی کرد. دهه اول در واقع توسن به عنوان یک استارت‌آپ فعالیت خود را آغاز کرده و با توجه به بازار آن زمان و توسعه بانک‌های خصوصی، با پیروزی در مناقصات متعدد بانک‌های زیادی را به شبکه مشتریان خود اضافه کرده است. دهه دوم توسن بیشتر به تثبیت فعالیت‌های مجموعه و رشد در سایر بازارهای فناوری گذشته است. اما دهه سوم با دو دهه گذشته تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. در حال حاضر ما به یک شرکت باثبات با بیش از ۹۵ پرسنل تبدیل شده‌ایم و به عنوان یک شرکت سهامی عام، در بازار سرمایه فعالیت کرده و IPO شده‌ایم و بر همین اساس نیز بخشی از ملاحظات ما تغییر کرده است.»

پس‌ا IPO

به باور بابایی، شرکت‌ها زمانی که بورسی می‌شوند ساختارشان دچار تغییرات زیادی می‌شود: «زمانی که سهامدار خرد وارد شرکت می‌شود و سهام در بازار سرمایه عرضه می‌شود، شرکت باید نظم و ملاحظات بیشتری را از منظر مختلف مالی، استراتژی، کسب‌وکاری و امثال آن در قالب یک شرکت سهامی عام و با صیانت از حقوق سهامدار لحاظ کند. در حقیقت من IPO شدن توسن را یک نقطه عطف مثبت در شرکت می‌دانم که انضباط بسیار دقیقی در شرکت جاری کرده است. برای مثال الزامات بازار سرمایه مثل ارائه گزارش‌های ماهانه و نشان دادن زنجیره تداوم رشد به سهامداران خرد بخشی از این نظم‌بخشی‌های بورسی شدن است. گرچه بورسی شدن شرایط محتاطانه‌تری در کسب‌وکارها ایجاد می‌کند اما ما به هر حال در فضای فناوری فعالیت می‌کنیم و این فضا





زمینه کاری: تولید نرم افزار و ارائه راهکارهای جامع بانکی و مالی
نیروی انسانی: ۹۵۰ نفر
سال تاسیس: ۱۳۷۸



سامانه سمیع

تلاشیم یکی دو لاین کسب و کاری B2C جدید هم در توسن تعریف کنیم.»

روی مدار کرپنکینگ

مدیرعامل توسن از سبقه نگین و فرانکینگ و بنکو و چالش های آن نیز صحبت می کند: «سال ۷۸ محصول نگین تولید شد و تقریباً ۱۲ سال کار کرد. محصول بنکو نیز اوایل دهه ۹۰ به بلوغ نسبی رسید و در بازار کاملاً جای خود را پیدا کرد، گرچه تقریباً از سال ۹۳ دیگر هیچ مشتری جدیدی را به سمت نگین نبردیم. اما برخی از مشتریان بنا بر اقتضا و شرایط کسب و کاری و زمانی، تمایلی به تغییر لایه CORE خود نداشتند و همان معماری برایشان جواب می داد و هنوز هم می دهد. به همین خاطر نگین را حذف نکردیم. ضمن اینکه ما بانکی را مجبور به مهاجرت نکرده ایم و نگه داشتن دو Core همزمان تا همین امروز هم انرژی زیادی از ما گرفته است. اما محصول نگین معایبی در مدل، معماری و امنیت داشت و به همین خاطر محصولی به اسم فرانکینگ تولید و فعالیتش از اوایل دهه ۹۰ شروع شد. در واقع این مهاجرت نبود تقریباً یک به روزرسانی و تغییر رابط کاربری با تکنولوژی جدیدتر در راستای رفع ایرادهای نگین بود.

به صورت تدریجی در سه چهار سال ابتدای دهه ۹۰، فرانکینگ به طور کامل جایگزین نگین شد. یعنی مشتریانی که از معماری قبل استفاده می کردند، بدون تغییر جدی در سطح پایگاه داده و درگیر شدن با مسائل مرتبط با مهاجرت از یک سامانه به سامانه دیگر، توانستند از خدمات بهتری با یک رابط کاربری به روزتر و امنیت بیشتر استفاده کنند. بنکو نیز که از



مریم یاقوتی معاون توسعه محصول

آنها هم هست. در واقع با بیش از ۹۵۰ نفر نیروی انسانی که تقریباً بالغ بر ۵۰۰ نفر نیروهایمان در معاونت تولید مشغول فعالیت هستند، موظفیم فعالیت مان را بر اساس نیازهای مشتریان و درخواست های رگولاتوری، اولویت گذاری کنیم.»

تمرکز روی بانکداری پلتفرمی است

بابایی در ادامه بحث بانکداری پلتفرمی را از مهم ترین برنامه های توسن به شمار می آورد: «واقعیت این است که نگاه ما در ارائه سرویس و API های بانکی، صرفاً محدود به تولید یک موبایل اپلیکیشن از سوی بانکها نبوده است. بیشتر رویکرد ما این بوده که محصولاتی از جنس پلتفرمی در کنار بانکها شکل بگیرد و بتواند به کسب و کارها کمک کند و خدماتی متمایز ارائه دهد. محصول فوربیکس که اخیراً از آن رونمایی کردیم و لانچ اصلی اش نیز به زودی انجام می شود، در واقع بستری برای ارائه خدمات مالی به کسب و کارهای کوچک و متوسط است که سرویس های بانکی نیز بر حسب نیاز در آن فعال خواهند شد. هدف این است که شرکتها و حتی حقیقی هایی که کسب و کارهای کوچک و متوسطی دارند بتوانند از صفر تا صد کارهای حسابداری و مالی خود را پیش ببرند، فاکتور صادر کنند، فروشگاه آنلاین و دفاتر حسابداری داشته باشند و حتی اگر بخواهند آن را مستقیم به سیستم مالیاتی وصل کنند. ضمن اینکه کنارش می خواهیم یکسری خدمات پایه بانکی نیز ارائه دهیم تا افراد بتوانند حساب های بانکی خود را چک کنند و حتی درخواست تسهیلات غیرحضوری بدهند؛ این یعنی پلتفرمی در حوزه بانکداری شرکتی که می خواهد گامی برای کسب و کارهای کوچک بردارد.»

البته به عقیده بابایی، این ترندی است که دنیا به سمت آن حرکت می کند: «ممکن است بانک حذف شود، اما خدمات بانکداری حذف نخواهد شد. در آینده عمده خدمات بانکی در پلتفرمها ارائه می شود. همراه شدن با مفهوم Embedded Finance ترندی جهانی است که از طریق آن می توانیم سرویس هایی را که داریم مقیاس پذیر کنیم. گرچه به هر حال ما شرکت فناورانه ای هستیم که عمده فعالیت و تجربه مان در صنعت بانکی و پرداخت است اما به عنوان لاین های جدید کسب و کاری، تمایل داریم در جایگاه شرکت فناور در حوزه های غیربانکی نیز فعالیت کنیم. مثل حالا که در حوزه دولت الکترونیکی هم فعال هستیم، یا در

همیشه ریسک های خود را دارد؛ ریسک هایی مثل تغییر تکنولوژی، ریسک نیروی انسانی و اخیراً ریسک های مرتبط با امنیت اطلاعات و غیره. با این رویکرد در تلاشیم طبق پایه هایی که بنا گذاشته ایم کسب و کار خود را توسعه دهیم.



آرش بابایی مدیرعامل

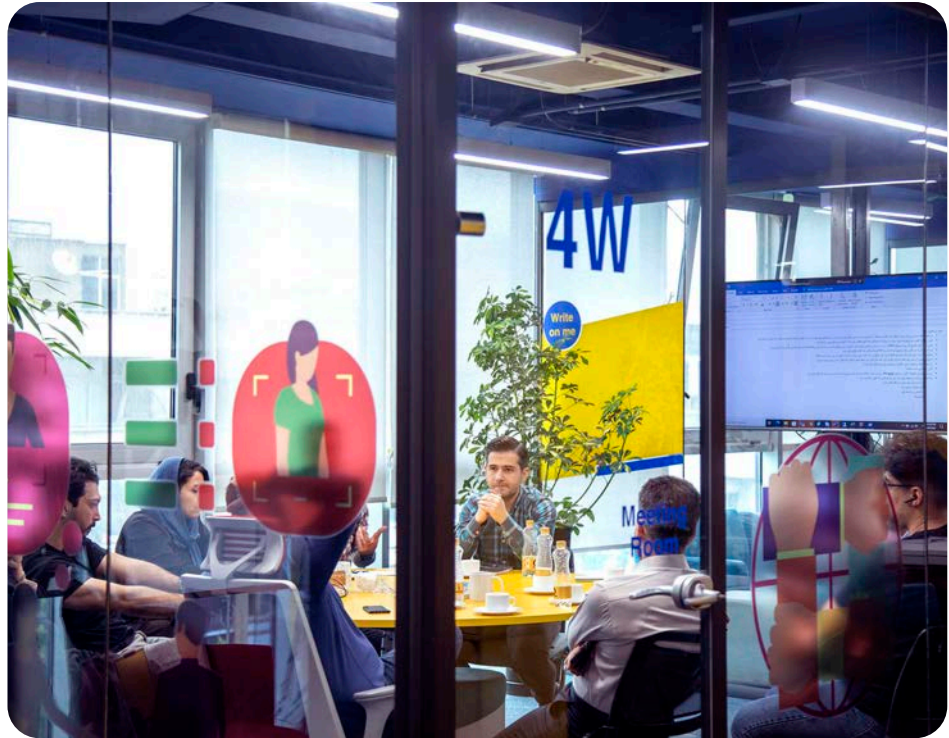
همین حالا در حوزه های جدیدی شروع به فعالیت کرده ایم که بی زینس لاین های جدیدی است. حتی ممکن است در سرمایه گذاری هایی که می کنیم در آینده یا به موفقیت برسیم یا شکست بخوریم. اما ترس از شکست ما را در توسعه متوقف نکرده است.»

بابایی بخشی از تغییرات توسن را که به ظاهر آن را محتاط تر از گذشته نشان می دهد مرتبط به فضای کسب و کاری کشور نیز می داند: «در زمان شکل گیری توسن شرکت های فناور کمتری در کشور وجود داشتند، در حال حاضر بسیاری از بانکها هلدینگ فناوری اطلاعات دارند و خیلی از آنها سعی می کنند برخی از محصولات را خودشان ارائه کنند. علاوه بر اینکه با توجه به فضای اقتصادی و قانون های حاکم بر شبکه بانکی، در سال های اخیر تنوع چندانی در خدمات و محصولات بین بانک های مختلف دیده نمی شود. آنچه از ما و شرکت های مشابه هم طی سنوات اخیر خواسته شده، اولویت در توسعه حوزه های نظارتی و سامانه های حاکمیتی بوده است، خود این موضوع هم منجر به این شده که نوآوری در شبکه بانکی کندتر شود. در واقع فضای کسب و کاری و نگاه رگولاتوری نسبت به گذشته عوض شده است. طی چند سال اخیر ظرفیت عمده سبدهای تولیدمان را به درخواست های رگولاتوری اختصاص دادیم که خیلی از آنها هم نیازمند تغییرات بنیادی بوده اند. این موضوع را با بانک های طرف قرارداد خود نیز در میان گذاشتیم و طبیعتاً خواسته رگولاتور اولویت

است و ما در توسن محصولات کرینک و وابسته به کرینک را توسعه می‌دهیم.»
 به گفته یاقوتی تمرکز اصلی توسن بر بانکداری پلتفرمی است: «ما مسئول پشتیبانی و نگهداری دو کرینک و بالغ بر ۱۱ مشتری بانک ایرانی هستیم. فرانکین و بنکو را در کنار سایر محصولات توسعه می‌دهیم و دو سال است روی بانکداری پلتفرمی متمرکزیم. ما طبق پایه فعالیت‌هایمان که فناورانه است باید خودمان را با تکنولوژی روز مطابقت دهیم و نیاز بازار را شناسایی کنیم و به آن پاسخ دهیم. از سوی دیگر نیازمندی صنعت هوشمند بانکداری بحث زیرساخت دیجیتالی است و ما در حالی که نسل چهارم صنعت بانکداری را طی می‌کنیم در واقع از اولین نسل در کنار مشتریان بوده‌ایم.»
 یاقوتی هوش مصنوعی را نیز از لازمه‌های اصلی بانکداری پلتفرمی به حساب می‌آورد: «هوش مصنوعی و تحول دیجیتالی لازمه بانکداری هوشمند است و ما تا سال ۱۴۰۴ در

حوزه هوش مصنوعی محصولات ویژه‌ای به مارکت عرضه خواهیم کرد. در حقیقت مؤلفه مهم هوشمندسازی بانکداری، هوش مصنوعی و کلان‌داده است و از آنجا که در حال حاضر داده‌های خوبی از بانک‌ها و تراکنش‌ها در اختیار داریم، این موضوع می‌تواند ما را در تولید محصولات جدید یاری دهد. تاکید می‌کنم که با یکی دو محصول هم نمی‌توان از هوش مصنوعی صحبت کرد بلکه باید روح هوش مصنوعی بر صنعت مستولی شود. اگر این اتصال برقرار شود، توسعه و صادرات به بهترین شکل ممکن رخ می‌دهد.»

به باور یاقوتی، صنعت بانکداری دیجیتالی ایران در سال‌های اخیر دچار چالش‌های زیادی شده است: «کاهش ارزش پول ملی، تحریم و مهاجرت نیروی انسانی کار در مسیر توسعه را سخت‌تر کرده است و برای رسیدن به کیفیت قابل قبول، باید بیش از پیش انرژی صرف



بشود و ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم. چون سطح سرویس صد درصدی در دنیای فناوری معنایی ندارد. حتی شرکت‌های بزرگ مثل متا یا گوگل هم در دنیا ممکن است گاهی در سرویس دچار اختلال شوند که آن هم در چابوب SLA باید قابل کنترل باشد.»

به گفته بابایی، دورنمای پیش روی مشتریان توسن مهاجرت به بنکو است: «اگر روند توسعه بانک‌ها منظم پیش برود، در نهایت تمامی مشتریان به محصول بنکو مهاجرت خواهند کرد. در حال حاضر هم این جریان در بانک‌های فرانکین ما به خواست خودشان شروع شده است. قابلیت میکروسرویس در بنکو به ما اجازه می‌دهد محصولات را با سرعت بالاتری به مشتریان خود عرضه و امکان سرویس‌دهی بهتری فراهم کنیم و طبعاً محصولاتمان را هم بر اساس استفاده از فناوری‌های روز توسعه می‌دهیم.»

در بستر هوش مصنوعی

معاون توسعه محصول توسن، مریم یاقوتی که از قدیمی‌های توسن است، معتقد است اساس فعالیت‌های توسعه‌محور شرکت‌های مالی و بانکی باید روی کلان‌داده و هوش مصنوعی باشد: «حالا ۲۰ سال شده که من در توسن مشغول فعالیتیم. ابتدا به عنوان کارشناس و بعدها سرپرست و مدیر و در نهایت حالا معاونت توسعه محصول را بر عهده گرفته‌ام. من توسن را شرکت بالغی می‌دانم که بستر دیجیتالی‌یزه شدن را برای بانک‌ها فراهم کرده

اوایل دهه ۹۰ با یک نگاه جدید و جدا کردن کامل حسابداری از بیزینس با معماری جدید و امکان ارائه سرویس به بانک‌های مقیاس بزرگ آغاز به کار کرد، تا به امروز تغییرات زیادی کرده است. خیلی از قسمت‌های محصول از آن زمان تا به حال ری‌فکتور و دوباره بازنویسی شده است؛ یعنی در واقع ما تا به حال سه مرتبه برای ارتقای محصول Core خود اقدام کرده‌ایم: یک بار با تولید محصول فرانکین، یک بار با شروع خود بنکو و در چند سال اخیر هم با ری‌فکتور کردن بنکو و میکروسرویس کردن بسیاری از ماژول‌های مرتبط با آن.»

بابایی می‌گوید این تغییرات برایشان هزینه بالایی دارد، اما آنها از زاویه دیگری به موضوع نگاه کرده‌اند: «هنوز بانک‌هایی داریم که حاضر به پذیرفتن تغییر، ریسک ارتقا و هزینه‌های مرتبط با آن نیستند و همچنان تمایل دارند روی همان نسل قبلی محصولات باقی بمانند. اما در کنار آن بانک‌هایی داریم که مقیاس گرفته‌اند و بدیهی است معماری قدیم دیگر جواب نیازهایشان را ندهد و گریزی جز مهاجرت به نسل جدیدتر محصولات ندارند. در این سطح از خدمات، راهکاری که برخی دیگر از شرکت‌های پیمانکار مد نظر قرار می‌دهند، افزایش سخت‌افزار و زیرساخت تجهیزات است که عمدتاً آن هم کفایت لازم را ندارد. ولی ما در بنکو با همان تجهیزات و زیرساخت موجود، به خاطر تفاوت در معماری نرم‌افزار، سطح مقیاس بالاتری می‌توانیم به بانک‌ها ارائه کنیم. البته هر سیستمی ممکن است دچار اختلال و تنش هم



عباس تمیزی معاون توسعه بازار و ارتباط با مشتریان

معماری بانکداری باز



یوسف رجبیان معاون پشتیبانی و عملیات

کرد. در واقع ما مثل یک ارکستر در تلاشیم همه چیز در هماهنگی با هم باشد و لازمه این اتفاق برطرف کردن چالش‌ها و نگاه به فرصت‌هاست. برای مثال مدتی قبل‌تر زمانی که هر بار به‌روزرسانی در نرم‌افزارهایمان انجام می‌دادیم سرویس بانک‌ها ناپایدار می‌شد، اما حجم downtime را ۷۰ درصد کاهش دادیم و می‌خواهیم این زمان را به صفر برسانیم. حالا به بلوغی رسیده‌ایم که حتی به‌روزرسانی هم زمان زیادی نمی‌برد، در این به‌روزرسانی‌ها باید کمترین تغییر احساس شود چون مشتری از هویت ما جدا نیست و برای رسیدن به اقتصاد دیجیتال و بانکداری هوشمند همه بخش‌های اکوسیستم باید هماهنگ کنار هم فعالیت کنند. در واقع توسن به عنوان توسعه‌دهنده نرم‌افزار، بانک به عنوان کارفرما و بانک مرکزی به عنوان قانون‌گذار باید همسو با هم تحول دیجیتال را پیش ببرند و ما نیز بر همین اساس مسیر توسعه بازار و فروش‌مان را تعیین کرده‌ایم.

عباس تمیزی معاون توسعه بازار و ارتباط با مشتریان توسن است. بخشی در توسن که مدتی است بیش از گذشته بر خدمت به مشتریان نهایی متمرکز شده است: «ما تابع بازار و نیازمندی‌هایی هستیم که در بازار وجود دارد. تحولات بانکداری دیجیتال به مرزهای بانک‌ها محدود نمی‌شود و حتی اگر بانک‌ها از بین بروند بانکداری به جای خود باقی می‌ماند. در نتیجه اقتضای صنعت این است که خود را با ساختار جدید وفق دهد. گرچه ورود به حوزه C و مشتریان نهایی بیش از گذشته برای ما جدی شده اما توسن همیشه به عنوان پلتفرم تأمین‌کننده با صنعت بانکی همکاری می‌کند و این بدان معنا نیست که حوزه B را فراموش کنیم، تجربه و تخصص ما B2B است و فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب فعالیت حوزه C برنامه‌ریزی‌های خاص خود را می‌طلبد.»

به باور تمیزی، فعالیت در حوزه مشتری نهایی فرصت اشتباه کردن را از سازمان‌ها می‌گیرد و حساسیت به‌شدت بیشتری می‌طلبد: «فعالیت در حوزه مشتریان نهایی به وسواس بیشتری در کار نیاز دارد و فعالیت‌های ما تلفیق خدمات مالی در حوزه‌های B و C است. علاوه بر اینکه به توسعه و حضور در بازارهای منطقه‌ای نیز فکر می‌کنیم و محصولات نوآورانه ما ادامه محصولات گذشته‌مان هستند. چندین سال است روی معماری بانکداری باز متمرکز شده‌ایم و در فعالیت‌های این بخش تجدید نظر اساسی کرده‌ایم چون در بانکداری باز مقیاس‌پذیری بهتر و بیشتری در جریان است.»

تمیزی اما فشار رگولاتوری را از چالش‌های مهم فعالان این حوزه به شمار می‌آورد: «فشار سنگین رگولاتور امکان نوآوری را محدود می‌کند و ما در سال‌های اخیر بیش از گذشته روی انجام الزامات بانک مرکزی و سیستم‌های حاکمیتی متمرکزیم. به عقیده شخصی خود من، شاید بانک مرکزی بیش از پیش وارد جزئیات شده و اگر این رویکرد ادامه پیدا کند، بدیهی است فعالان بانکی و مالی با چالش‌های جدی‌تری مواجه شوند.» این اتفاق می‌تواند بخش پشتیبانی و عملیات سازمان‌ها را نیز دچار چالش‌های جدی کند و باید بیش از پیش برای آن آماده باشند.

معاون پشتیبانی و عملیات توسن یوسف رجبیان است که از سال ۸۴ وارد توسن شده: «برای ورود به حوزه B2C و ارائه سرویس به مشتریان نهایی لازم است تغییرات زیادی در بحث فرهنگ و فرایندهای سازمانی فعالیت‌هایمان رقم بزنیم و چابک‌تر رفتار کنیم. توسن پس از ۲۵ سال فعالیت در حال حاضر در ارتباط و سرویس‌دهی به مشتریان بزرگ به سطح قابل قبولی از بلوغ سازمانی رسیده است. طوری که در سال گذشته بیش از ۴۵ ریلیز در محیط عملیاتی مشتریان راه‌اندازی شد (به طور میانگین چهار بسته کامل برای هر بانک) و این نشان از بالا رفتن سطح کیفی نسخه‌ها در عین تطابق با نیاز مشتریان بود.

به‌طبع مشتریان نهایی هم انتظار دارند همین سطح از کیفیت در محصولاتی که در حوزه B2C از جانب توسن ارائه می‌شود، در بخش C هم موجود باشد. در حقیقت اقداماتی که به این منظور انجام می‌دهیم مشابه انجام تعمیرات روی قطار در حال حرکت است، در عین حال که انجام این تعمیرات اجتناب‌ناپذیر است نباید خللی در عملکرد محصولات پیش بیاید که البته این کار بدون اتکا به توانایی و تخصص منابع

انسانی متخصص امکان‌پذیر نخواهد بود.» مدیر منابع انسانی توسن سودابه تیمورزاده است که از سال ۹۰ به عنوان کارشناس منابع انسانی و حالا در سمت مدیر منابع انسانی در توسن فعالیت می‌کند: «مدیریت کردن و تدوین استراتژی برای سازمان‌ها هر قدر بزرگ‌تر باشند، پیچیده‌تر می‌شود، چون به‌تبع تنوع سلیقه و تنوع فرهنگ در آن بیشتر است و در زمان طرح‌ریزی و تدوین استراتژی‌ها باید با دقت بیشتری برنامه‌ریزی کرد. خوشبختانه میانگین ماندگاری و حضور نیروهایمان تا اینجا نشان می‌دهد در این زمینه درست عمل کرده‌ایم. در حال حاضر میانگین حضور مدیران ارشد در توسن ۱۳ سال، سرپرستی ۱۰ سال و کارشناسی پنج سال است و ۴۸ درصد نیروهای ما زن و ۵۲ درصد مرد هستند که ۳۰ درصد پست‌های مدیریتی بر عهده خانم‌هاست. ۵۰ درصد نیروهایمان در حوزه تولید نرم‌افزار و ۳۰ درصد در پشتیبانی و بقیه در بخش فروش و ستادی مشغول فعالیت‌اند.»



سودابه تیمورزاده مدیر منابع انسانی

به باور تیمورزاده، در حال حاضر مهاجرت اصلی‌ترین چالش شرکت‌های حوزه فناوری است: «۷۵ درصد خروج‌هایی که در توسن اتفاق می‌افتد، به خاطر عواملی است که از اختیار ما در توسن خارج است و دست ما نیست. نیروهای حوزه فناوری بیش از سایر نیروها مستعد مهاجرت هستند و ما مجبوریم به همین خاطر روی جانشین‌پروری و مدیریت استعداد متمرکز باشیم تا اگر نیرویی را از دست دادیم نیروی جانشین برای انجام فعالیت‌ها وجود داشته باشد. مضاف بر اینکه توسعه مهارت‌های فردی نیروهایمان هم از برنامه‌های جدی ما در منابع انسانی است تا با این روش‌ها بتوانیم حال و شرایط حضور بهتری در تیم‌هایمان ایجاد کنیم.»

طاقچه

نزدیک‌ترین کتابفروشی تهر

دسترسی به کتاب‌های روز مدیریت و کسب‌وکار
با اشتراک طاقچه بی‌نهایت



دریافت اشتراک یک‌ساله با ۷۰٪ تخفیف

pvst

با کد

۵۰۰,۰۰۰ تومان
۱۵۰,۰۰۰ تومان



taaghche.com



فرار و نشیب‌های کارنامه ناتمام عیسی زارع پور
وزیر ترافیک داخلی یا خارجی؟ ۵۰

دستگاه‌های دولتی دوست دارند
اپ مستقل ایجاد کنند ۵۴

عملکرد دوره سیزدهم و نقشه راه دوره چهاردهم
یک ارزیابی منصفانه ۵۷

از شرکت ارتباطات زیرساخت در پایان دولت سیزدهم چه به یادگار می‌ماند؟
اختلال‌های زیان‌آور ۵۸

در صورت توسعه زیرساخت‌ها
تعرفه پست کمتر می‌شود ۵۹

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در دولت سیزدهم
چهار رگولاتور برای سه سال ۶۲



تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

ذره‌بین

www.peivast.com





فراز و نشیب‌های کارنامه ناتمام عیسی زارع‌پور

وزیر ترافیک داخلی یا خارجی؟

نبود و اینترنت ثابت به دوره دایال‌آپ برگشته بود، واتس‌آپ هم فیلتر شد تا آخرین ارتباط ایرانیان با پیام‌رسان‌های مهم دنیا نیز قطع شود. اضافه بر این دو حتی بازی‌هایی که امکان گفت‌وگو داشتند نیز فیلتر شدند و بدتر از همه گوگل پلی به این لیست بی‌انتهای پیوست.

هرچند وزارت ارتباطات مانند همه دوره‌های گذشته در قبال فیلترینگ از خود سلب مسئولیت کرد، اما وزیر ارتباطات در همان روزهای پرتلهاب تاکید کرد پلتفرم‌های خارجی باید قواعد درون‌سرزمینی را رعایت کنند و در ایران نماینده داشته باشند و کیست که نداند چنین شرط‌هایی در موقعیت فعلی تحقق‌پذیر نیستند. البته پیش از آنکه رأی بسته شدن همه پنجره‌ها صادر شود هم وزارت ارتباطات نوع نگاه خود به اینترنت را با اعمال قفل کودک روی گوگل نشان داده بود.

در ادامه این راه سه‌ساله، بارها کاربران از وضعیت اینترنت و فیلترشکن‌ها گلایه کردند و کارشناسان از ایجاد اختلال عمدی روی پروتکل‌های اینترنت خبر دادند. همچنین انجمن تجارت الکترونیکی دو گزارش درباره وضعیت اینترنت در ایران و مقایسه آن با دیگر کشورها منتشر کرد که هیچ‌کدام از سوی وزیر و معاونانش تایید نشدند. در مقابل، زارع‌پور هر بار به آمار و اعداد سایت اسپیدتست استناد کرد. گرچه برخی از کارشناسان این سایت را سنجح مناسبی برای ارزیابی سرعت اینترنت نمی‌دانند.

وضعیت اینترنت و کیفیت نامناسب آن باعث شد بقیه اقدامات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و زیرمجموعه‌هایش تحت تاثیر قرار بگیرند.

به سوی پیروزی

در مقابل ایده نامحبوب وزیر و همکارانش درباره اینترنت، طرح ملی فیبر نوری منازل و کسب‌وکارها قرار دارد که کمتر مخالفی در این سه سال داشته و حداکثر انتقادهای متوجه تعداد کم اتصال‌ها می‌شود که برنامه امسال وزارتخانه بود.

زارع‌پور از همان ابتدای کار با برگزیدن صادق



داخلی معطوف کرد. ارتباطات همراه را از مرکز به حاشیه برد و فیبر نوری را بر صدر نشانند. در دوره او اینترنت، لباسی مانند موجودی ناخواسته و پرزحمت پوشید و در مقابل، ترافیک داخلی ارج فراوان یافت و در این راه، رخداد‌های سیاسی به کمک آمدند.

از پس این سه سال، آنچه می‌ماند کارنامه وزیر است. وزیری که مشخص نیست در کابینه دولت چهاردهم حضور داشته باشد یا نه.

شکست بی‌انکار

قطعاً پاشنه آشیل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم، اینترنت بود. همان‌گونه که پیش از آغاز دولت نیز انتظار می‌رفت و به‌رغم سخنان رئیس‌جمهوری درباره استفاده دخترانش از اینستاگرام، شایعه فیلتر شدن این شبکه اجتماعی از همان روز آغاز به کار دولت سیزدهم رواج یافت تا اینکه سرانجام در مهر ۱۴۰۱ رنگ واقعیت به خود گرفت.

در همان روزها که اینترنت همراه دیگر همراه

مثل یک فیلم ناتمام یا رمانی که صفحات آخر آن چاپ نشده، ماجرای دولت سیزدهم، و به تبع آن وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ناگهان به پایان رسید. تا روزی که تیتراژ پایانی به نمایش درآید، اندکی مانده است؛ اما برنامه‌هایی که وزیر و معاونانش در دستور کار داشتند ناتمام ماند. در چنین وضعیتی عیسی زارع‌پور در مقام وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌تواند بگوید کارنامه‌اش سزاوار ارزیابی نیست؛ اما آنچه در سه سال گذشته به زمین واقعیت رسیده است، جهت‌گیری وزارتخانه را نشان می‌دهد و می‌توان چنین برداشت کرد که اگر اتفاق نامنتظره‌ای رخ نمی‌داد، ادامه راه نیز طی می‌شد.

عیسی زارع‌پور که بعد از وزیر پرهیاهوی دولت قبل به ساختمان سپیدخندان رفت، با صدایی آرام و چهره‌ای عموماً خندان، سیاست‌هایی بسیار متفاوت با سلف خود در پیش گرفت. او دنیای استارت‌آپ‌ها را به دیگر ارکان دولت واگذار و در عوض توجه خود را به پلتفرم‌های



میثم قاسمی

زمان بعدی برای تغییر، پایان آذرماه تعیین شد و سرانجام بعد از چند روز تاخیر، در روز هفتم دی‌ماه رگولاتوری اعلام کرد اپراتورها می‌توانند ۳۴ درصد بسته‌های اینترنتی خود را گران‌تر کنند؛ آن هم پس از اخذ حداقل سه تعهد از اپراتورهای همراه در زمینه سرعت اینترنت، افزایش تعداد سایت‌های 5G و افزایش پوشش نسل چهارم. برای تعهد اول ۶ ماه و برای دو تعهد دیگر تا پایان ۱۴۰۳ زمان تعیین شد.

این تغییر پس از فضاسازی‌های رسانه‌ای سنگین و نامه‌های مکرر اپراتورها با نهادهای مختلف و از جمله رئیس جمهوری صورت گرفت؛ اما به دنبال آن تعرفه اینترنت شرکت زیرساخت نیز ۳۰ درصد افزایش یافت. آن هم در شرایطی که مصوبه رگولاتوری در این زمینه در اردیبهشت ۱۴۰۳ منتشر شد ولی اپراتورها موظف شدند تفاوت قیمت را از دی‌ماه سال گذشته پرداخت کنند.

رفاقت سخت

تعرفه دیگری که در دوره وزارت زار عیور تغییر کرد تلفن ثابت بود. وضعیت تلفن ثابت به مراتب بدتر از اینترنت بود و ناترازی حساب‌های شرکت مخابرات ایران از فاصله دور هم دیده می‌شد.

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، تصور بر این بود که نزدیکی سیاسی دولت و مالکان شرکت مخابرات منجر به باز شدن قفل تعرفه تلفن ثابت می‌شود. همچنین حضور محمد مخبر در دولت، امیدها را بیشتر کرد. مخبر تا پیش از آنکه معاون اول رئیس‌جمهوری شود، رئیس ستاد اجرایی فرمان امام بود که عمده سهام شرکت مخابرات ایران را در اختیار دارد.

با این حال، کار افزایش تعرفه تلفن ثابت با بن‌بست‌های متعددی روبه‌رو بود و در حالی که شورای رقابت ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ فرمولی برای محاسبه هزینه تلفن ثابت تعیین و کمیسیون تنظیم مقررات نیز مصوبه خود در این زمینه را تهیه کرده بود؛ اما اجرای آن منوط به تایید ستاد تنظیم بازار بود که به دلایل نامعلومی این کار را تا ماه آخر تابستان ۱۴۰۱ به تاخیر انداخت و سرانجام از ابتدای شهریور ۱۴۰۱ برای استفاده از تلفن ثابت، حداقل هزینه تعیین شد.

شرکت مخابرات در ازای این افزایش درآمد، تعهدهایی را برای توسعه شبکه پذیرفت که فیبر نوری نیز شامل آن می‌شد؛ اما زمانی که پروانه UNSP به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات رسید، چالش جدیدی میان مخابرات و وزارت ارتباطات پیش آمد. تمدید نکردن

بود. بر اساس همین نگاه نیز تاکید زیادی بر توسعه فیبر نوری شد و اپراتورهای همراه از مرکز توجه خارج شدند.

در میانه این تغییرات، نسل ۵ تلفن همراه نیز از مرکز به حاشیه رفت و گرچه وزارت ارتباطات اپراتورها را ملزم به افزایش تعداد سایت‌های 5G کرد، اما نه تکلیف نهایی فرکانس این فناوری مشخص شد و نه مشکل گوشی‌های تلفن همراه رفع شد. علاوه بر این، فرکانس‌های ۷۰۰ و ۸۰۰ همچنان در اختیار صداوسیما ماندند و در نهایت می‌توان گفت کمتر شهروندی در ایران تجربه استفاده از 5G را دارد.

در جمع‌بندی ارتباطات همراه در دولت سیزدهم می‌توان گفت همین که توانستند در مسیر قبلی خود بمانند، دستاورد بزرگی است. آن هم در وضعیتی که مدت‌ها برای افزایش تعرفه‌ها تلاش کردند.

فرار از ورشکستگی

ثابت ماندن تعرفه‌ها، مهم‌ترین شاخص اقتصاد دستوری است. این موضوع آن قدر ادامه می‌یابد که وقتی دولت مجبور به تغییر تعرفه‌ها می‌شود، توجیه افکار عمومی مدت‌ها طول می‌کشد. ارتباطات و فناوری اطلاعات هم از این قاعده مستثنی نیست و هرگونه تغییر تعرفه خدمات با دشواری‌های بسیاری روبه‌روست.

انتشار صورت‌های مالی آن دسته از اپراتورهایی که در بازار سرمایه حضور دارند نشان می‌داد آنها با کاهش شدید حاشیه سود مواجه هستند و اخبار غیررسمی حتی از ورشکستگی برخی از اپراتورهای کوچک‌تر حکایت داشت. در کنار اینها صورت‌های مالی شرکت ارتباطات زیرساخت نیز وضعیت نامناسبی را منعکس می‌کرد.

در چنین شرایطی، افزایش تعرفه‌ها تقریباً ناگزیر بود؛ اما مانع بزرگ در این زمینه، قانع کردن افکار عمومی برای افزایش قیمت‌ها و ضمناً انتخاب زمان مناسب بود. اپراتورها تقریباً از میانه تابستان ۱۴۰۱ موافقت نهادهای مختلف برای افزایش تعرفه‌ها را دریافت کردند، اما انتخاب زمانی این تغییر، هر بار به مشکلی برخورد و کار را به ۱۴۰۲ رساند.

به نظر می‌رسد نیمه اول ۱۴۰۲ زمان مناسبی برای تغییر تعرفه‌هاست اما به دلایل نامعلومی این کار به تاخیر افتاد و هرچه روزها به پایان تابستان و سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ نزدیک شد، دست زدن به تعرفه‌ها غیرممکن‌تر می‌نمود.

عباسی شاهکوه به ریاست سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نشان داد توجه ویژه‌ای به فیبر نوری دارد و گرچه در ادامه راه عباسی جای خود را به دیگران داد، اما مسیر تغییر نکرد. پروانه (یا الحاقیه پروانه) UNSP راه را برای ورود بازیگران جدید به عرصه ارتباطات ثابت باز کرد. از سویی توجه به دغدغه اپراتورها و به خصوص ایرانسل در خصوص تعرفه خدمات فیبر و زمان بازگشت سرمایه، از نکات مثبت این طرح است.

کمیسیون تنظیم مقررات در این سه سال مصوبه‌های متعددی درباره فیبر نوری داشت که به وضوح با هدف افزایش سرعت ایجاد پوشش و اتصال بیشتر به فیبر نوری تصویب شدند.

بالادست مصوبات رگولاتوری، دولت و مجلس با پیگیری‌های وزارت ارتباطات توجه ویژه‌ای به موضوع فیبر نوری نشان دادند و تقریباً می‌توان گفت هر مصوبه‌ای را که وزارتخانه لازم داشت از نهادهای بالادستی گرفت. هرچند اخذ این مصوبات و تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی آنها زمان زیادی را به خود اختصاص داد اما در نهایت کار را به جایی رساند که وزارت ارتباطات می‌توانست در سال آخر خود، مزد تلاش‌هایش را دریافت کند؛ اما با نیمه‌کاره ماندن دولت، این اتفاق رخ نداد.

در پایان خرداد ۱۴۰۳ کمی کمتر از هفت میلیون و ۶۰۰ هزار خانوار تحت پوشش فیبر نوری قرار گرفته‌اند و حدود ۳۵۰ هزار اتصال به FTTH وجود دارد که رقم بسیار کمی است. همچنین در حالی که برنامه وزارتخانه ایجاد ۲۰ میلیون پوشش تا پایان سال جاری بود، اکنون وزیر از رسیدن به عدد ۱۴ میلیون سخن می‌گوید.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت اگر دولت آینده بخواهد در زمینه فیبر نوری فعالیت جدی کند، یک اسب زین‌شده در اختیار دارد؛ اما به هر اندازه که در زمینه ارتباطات ثابت پیشرفت حاصل شد، در ارتباطات همراه تغییری به چشم نیامد.

سرنوشت نامشخص

اپراتورهای همراه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نورچشمی بودند؛ اما پس از همه‌گیری کرونا و افزایش اجباری استفاده کودکان و نوجوانان از اینترنت، ناگهان ستاره بخت تلفن همراه در نگاه تصمیم‌گیران حوزه ICT افول کرد. دولت سیزدهم بدون آنکه رسماً اعلام کند، ایده مرکزی‌اش مهاجرت از گوشی به تلویزیون



عملکرد در سه شاخص

وظایف اصلی وزارت ارتباطات را می‌شود در سه فعالیت زیر خلاصه کرد که به گمان من وزیر فعلی در هر سه ناموفق بوده است:

۱- رگولاتوری حوزه‌های مرتبط با ارتباطات فناوری اطلاعات

۲- تسهیل‌گری توسعه فناوری اطلاعات در کشور

۳- حمایت از حقوق دیجیتالی شهروندان و کسب‌وکارها.

در حوزه رگولاتوری عملاً وزارت ارتباطات در این سه سال تنزل سطح پیدا کرد. رگولاتوری درون‌بخشی که عمدتاً بر عهده کمیسیون تنظیم مقررات است شاهد هیچ گشایش و جسارتی در زمینه‌سازی برای رشد و باز کردن گره از پای بخش خصوصی و بازیگران فعال صنعت نبود. حذف نماینده منتخب بخش خصوصی از این کمیسیون هم به اعتبار این نهاد لطمه زد.

در عین حال شخص وزیر هم در تعامل با رگولاتورهای بیرونی موثر در این صنعت، موفق عمل نکرد. رگولاتورهای بخشی تقریباً در همه صنایع دیگر تاثیر بیشتری بر وضعیت فناوری در آن صنعت گذاشتند و عملاً وزارت ارتباطات در سایه آنها قرار گرفت. مثلاً بانک مرکزی و سازمان بورس و بیمه مرکزی در صنعت مالی، وزارت ارشاد در صنعت تبلیغات، صداوسیما در حوزه محتوای چندرسانه‌ای، و وزارت صمت در حوزه تجارت الکترونیکی محدودیت‌های فراوانی برای کسب‌وکارهای حوزه فناوری ایجاد کردند و عملاً وزارت ارتباطات ناظر منفعل محدودیت‌ها و فشارهایی بود که این سازمان‌ها بر کسب‌وکارهای دیجیتال اعمال می‌کردند. وزیر ارتباطات در تسهیل‌گری توسعه فناوری اطلاعات در کشور هم کارنامه خوبی نداشته است. سه اقدام اصلی در این تسهیل‌گری اهمیت دارند که عبارت‌اند از: تامین مالی صنعت با هدف توانمندسازی کسب‌وکارها، توسعه زیرساخت با افزایش ظرفیت ارتباطی و گسترش دسترسی به اینترنت با هدف توانمندسازی کاربران. این سه اقدام از این رو اهمیت دارند که ضمن اینکه هر دو طرف عرضه و تقاضا در صنعت را تقویت می‌کنند رشد مقیاس‌پذیر در صنعت را هم ممکن می‌کنند.

اما متأسفانه در این سه سال نه تنها هیچ تغییری در سه ضلع مثلث تسهیل‌گری رخ نداد بلکه وضعیت در برخی موارد وخیم‌تر شد. در زمینه تامین مالی، بانک‌ها تغییری در سخت‌گیری‌ها و ضوابط خود نداشته‌اند و هنوز هم سهم این صنعت از تسهیلات بانکی بسیار اندک است. ضمناً حضور صنعت فناوری در بازار سرمایه هم چه در قالب عرضه اولیه سهام و چه در قالب انتشار اوراق، رشد معناداری نداشته است.

در زمینه توسعه زیرساخت ارتباطی اگرچه اقداماتی برای توسعه شبکه فیبر نوری کشور انجام شد اما رشد شبکه به خصوص در لایه دسترسی (Access) به شدت کند است. در عین حال کاهش قدرت خرید مشتریان و کنترل تعرفه‌ها هم باعث شده بخش خصوصی نیز توان سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت را نداشته باشد. ضمن اینکه ریسک‌های محیطی و سیاسی هم سبب فرار سرمایه از این صنعت شده است.

گسترش دسترسی به اینترنت هم تکلیفش روشن است. در شرایطی که در اغلب کشورهای دنیا دولت‌ها می‌کوشند پوشش جغرافیایی اینترنت پرسرعت در سطح همه کشور باشد در ایران مردم ناچارند از یک اینترنت محدود، گران، نامن و کند استفاده کنند. فیلترینگ گسترده و کندی سرعت باعث شده بسیاری از مردم رغبتی به استفاده از اینترنت نداشته باشند. در سومین محور یعنی حمایت از حقوق دیجیتالی شهروندان و کسب‌وکارها اوضاع آنچنان خراب است که نیاز به هیچ توضیحی نیست. هم در وزارت ارتباطات و هم در اغلب دستگاه‌های دولتی اساس نگاه حق‌محور به کاربری دیجیتالی وجود ندارد و کسی دغدغه حقوق مردم در زمینه‌هایی چون محرمانگی اطلاعات شخصی، حقوق مشتری، حق حفاظت از حریم شخصی، حق مالکیت و خیلی حقوق دیگر را ندارد. انفعال وزارت ارتباطات در این مدت موجب شد هر روز از یک گوشه مجلس و شوراها و نهادهای مختلف در بوروکراسی عریض و طویل اداره کشور، ضابطه جدیدی صادر شود که یک صدمه جدید به حقوق دیجیتالی شهروندان و کسب‌وکارها وارد کند.

سرویس‌های رایگانی که پیام‌رسان‌ها دریافت می‌کنند گرفته تا چشم‌پوشی بر اختلال‌های مکرر آنها، همه و همه نشان می‌دهند وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم بنا را بر حمایت همه‌جانبه از پلتفرم‌هایی گذاشته است که در چشم‌بخشی از کاربران، به واسطه فیلترینگ گسترده به وجود آمده‌اند و چاره‌ای جز استفاده از آنها نیست.

زارع‌پور در آخرین اقدام خود ۲۰ گیگ ترافیک داخلی از اپراتورهای همراه را رایگان کرد تا کاربران بتوانند برنامه‌های مربوط به کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری را از برخی پلتفرم‌های منتخب داخلی دنبال کنند. همچنین سرویس‌های متعددی که در این پیام‌رسان‌ها تعریف شد و کاربران مجبور به استفاده از آنها شدند نیز راه دیگری برای حمایت از این کسب‌وکارها بود.

در سوی دیگر ماجرا، زارع‌پور از پلتفرم‌هایی حوزه سلامت، خرید اینترنتی و... نیز دفاع کرد هرچند نه به اندازه پیام‌رسان‌ها.

همه اینها در شرایطی رخ داد که حوزه استارت‌آپ‌ها در دولت سیزدهم به صندوق نوآوری و معاونت علمی ریاست‌جمهوری سپرده شد.

خدمات عمومی

حوزه دیگری که زارع‌پور بیش از کسب رأی اعتماد و پس از رسیدن به مقام وزارت روی آن تاکید ویژه‌ای داشت خدمات الکترونیکی بود. در این حوزه می‌توان گفت دستاوردهای مهمی به نام این دولت ثبت شد. در این زمینه شورای اجرایی فناوری اطلاعات و سازمان فناوری اطلاعات مهم‌ترین مسئولیت‌ها را بر عهده داشتند و گرچه ناهماهنگی‌ها و مقاومت‌های زیادی در دستگاه‌های مختلف وجود دارد اما تحقق حدود ۷۰ درصد اهداف از پیش تعیین‌شده در پایان سال سوم دولت، قابل قبول به نظر می‌رسد.

در بخش پست نیز تلاش‌هایی برای تغییر صورت گرفت اما با توجه به مشکلات مالی شدید شرکت پست و روندی که از سال‌ها پیش برقرار بوده، تغییرات آرام‌تر از دیگر حوزه‌ها بود.

نگاه کارشناسان و فعالان حوزه ICT به عملکرد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم تا حدودی متناقض است؛ اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت بخش CT رضایت بیشتری از اقدامات انجام‌شده دارد و در مقابل، بخش IT با نارضایتی‌های فراوان همراه است ۲

هم نبوده است. آن هم در وضعیتی که وزارت ارتباطات و شخص وزیر، رابطه بسیار بهتری با برخی دیگر از فعالان این صنعت داشته است.

بازیگران عزیز

پلتفرم‌های داخلی و پیام‌رسان‌ها را می‌توان نورچشمی‌های عیسی زارع‌پور به شمار آورد. از

پروانه شرکت مخابرات از جمله اقداماتی بود که وزارتخانه انجام داد و برای نخستین بار در ایران، اپراتوری با ده‌ها میلیون مشترک، بدون پروانه فعالیت می‌کرد.

در طول سه سال فعالیت دولت سیزدهم، افت و خیزهای رابطه شرکت مخابرات و وزارت ICT نه به اندازه دولت‌های پیشین اما صفر

مروری بر برنامه‌های وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم در روز رأی اعتماد

عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات



عیسی زارع‌پور در مرداد ۱۴۰۰ پس از معرفی به مجلس به عنوان گزینه تصدی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم، فایلی ۴۵ صفحه‌ای مشتمل بر سوابق تحصیلی و کاری، اسناد بالادستی و برنامه‌های خود به مجلس ارائه کرد. هشت سرفصل مرتبط با ICT در این برنامه مورد اشاره قرار گرفته و در هر سرفصل، چالش‌ها و راهبردها برشمرده شده‌اند. همچنین در چهار سرفصل اهداف اجرایی برای افق ۱۴۰۴ ذکر شده‌اند. با توجه به پایان زودتر از موعد دولت، میزان تحقق اهداف تا پایان سال ۱۴۰۲ یا بهار ۱۴۰۳ آمده است.



۸ موضوع مهم مرتبط با حوزه ماموریتی وزارت ارتباطات

- ۱- حکمرانی دیجیتال و تعاملات بین‌المللی
- ۲- دولت هوشمند و تحول دیجیتال
- ۳- شبکه ملی اطلاعات و توسعه پایدار زیرساخت‌های ارتباطی
- ۴- اقتصاد دیجیتالی
- ۵- تنظیم مقررات حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات
- ۶- حفظ حریم خصوصی و امنیت فضای تبادل اطلاعات
- ۷- شتابدهی رشد صنعت فضایی
- ۸- خدمات پستی

عیسی زارع‌پور ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ به مجلس معرفی شد و ۳ شهریور ۱۴۰۰ با ۲۵۶ رأی موافق، ۱۷ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به عنوان وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، رأی اعتماد گرفت.



شبکه ملی اطلاعات و توسعه پایدار زیرساخت‌های ارتباطی

هدف‌گذاری در افق ۱۴۰۴ (درصد تحقق براساس آخرین آمار رسمی اعلام شده)

۱. اجرای صد درصدی تکالیف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در «طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات» (۵۹.۱۸٪)
۲. دسترسی صد درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار به شبکه ملی اطلاعات و افزایش کیفیت دسترسی (۸۷.۵٪) و تکمیل پوشش جاده‌ای (نامشخص)
۳. دسترسی ۸۰ درصد خانوارها به شبکه پرسرعت ثابت با سرعت حداقل ۲۵ مگابیت بر ثانیه (۳۸٪)
۴. دستیابی به سهم ۷۰ درصدی ترافیک داخلی از کل ترافیک (۵۰٪ ترافیک داخلی است)
۵. افزایش ظرفیت ترانزیت ترافیک بین‌الملل به میزان حداقل ۳۰ ترابایت بر ثانیه (۱۰۰٪) و تبادل ۱۰ ترابایت بر ثانیه (نامشخص)
۶. افزایش پهنای باند شبکه ملی اطلاعات از ۳۱ ترابایت بر ثانیه است به ۵۰ ترابایت بر ثانیه (۱۰۰٪)



اقتصاد دیجیتالی

هدف‌گذاری در افق ۱۴۰۴ (درصد تحقق براساس آخرین آمار رسمی اعلام شده)

دستیابی به سهم ۱۰ درصدی «اقتصاد دیجیتالی» در تولید ناخالص ملی است (۷۰.۹٪).



دولت هوشمند و تحول دیجیتال

هدف‌گذاری در افق ۱۴۰۴ (درصد تحقق براساس آخرین آمار رسمی اعلام شده)

الکترونیکی کردن ۱۰۰ درصد از خدمات پرکاربرد دولتی (۷۰٪) و ارائه تمامی خدمات به صورت یکپارچه از طریق درگاه ملی خدمات الکترونیکی و نیز ارتقای حداقل ۳۰ پله‌ای کشور در شاخص‌های جهانی دولت الکترونیکی است (گزارش جهانی، اواخر شهریور ماه منتشر می‌شود).



شتابدهی رشد صنعت فضایی

هدف‌گذاری در افق ۱۴۰۴ (درصد تحقق اهداف این بخش، اعلام نشده است)

۱. افزایش توان داخلی فناوری ساخت ماهواره‌های سنجنشی، مخابراتی مدار بالا به میزان ۸۰ درصد
۲. خرید/ساخت و بهره‌برداری ۳ ماهواره مخابراتی و سنجنش از راه دور
۳. ارائه ۱۵ خدمت نوین و با ارزش افزوده فضایی
۴. ساخت ماهواره سنجنش از دور با رزولوشن زیر ۱۰ متر
۵. ساخت یک ماهواره عملیاتی مخابراتی و قراردادن آن در مدار
۶. ایجاد حداقل یک اپراتور ماهواره مخابراتی



رئیس سازمان فناوری اطلاعات:

دستگاه‌های دولتی دوست دارند اپ مستقل ایجاد کنند

افراد واجد شرایط متصل هستند یا حداقل یک بار وصل شده‌اند.

احراز هویت آنها بر مبنای سه سطح احراز هویت است: در سطح اول احراز هویت بر مبنای تطبیق شماره ملی و شماره موبایل آنهاست. سطح دوم احراز هویت بر اساس زنده‌سنجی است که برای کارهای مالی و بورسی استفاده می‌شود و سطح سوم امضای الکترونیکی است و تقریباً همه نیازهایی که مردم به صورت الکترونیکی دارند و قرار است از طرف دستگاه‌ها ارائه شود در این سه سطح خلاصه می‌شود.

الان هر سه اینها در درگاه وجود دارد و ارائه می‌شود. نکته جالب توجه این است که تمام این کارها را بخش خصوصی انجام داده است.

چه تعداد دستگاه به پنجره ملی خدمات هوشمند متصل شده‌اند؟

الان از ۱۴۰ دستگاهی که باید متصل باشند ۱۳۸ دستگاه متصل هستند.

یعنی دو دستگاه متصل نشده‌اند؟

نه، ما برنامه‌مان اتصال کامل است، در بعضی اوقات ۱۴۰ دستگاه نیز متصل بوده‌اند، اگر دستگاهی از استانداردها تخطی کند اتصالش قطع می‌شود. در حال حاضر ۱۳۸ دستگاه متصل هستند.

چند خدمت از طریق پنجره ملی خدمات هوشمند ارائه می‌شود؟

خدماتی که دستگاه‌های دولتی متصل ارائه می‌دهند دو بخش است. یکی خدماتی است که دستگاه‌ها به صورت مستقیم در پنجره خدمات ارائه می‌دهند مانند اعلام‌هایی که شخص از طریق دستگاه‌های دولتی انجام می‌دهد که از آن جمله می‌توان به اعتبار دفترچه بیمه اشاره کرد. بخش دوم خدمات، خدماتی است که بر اساس درخواست مردم میان دستگاه‌های مختلف متصل به سامانه‌های گوناگون ایجادشده در سازمان فناوری اطلاعات ایران، چرخش یافته و نتیجه آن پس از بررسی‌های یکپارچه به مردم در زمان کوتاه‌تر و بدون نیاز به مراجعه حضوری ارائه

حرکت به سمت دولت الکترونیکی عمری نزدیک به ۲۰ سال دارد، در این مسیر در دوره‌هایی توسعه دولت الکترونیکی شتاب گرفته و در دوره‌هایی دیگر وضعیت ثابت مانده است اما هوشمندسازی دولت و یکپارچه شدن خدمات از ابتدای دولت سیزدهم به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت. ایجاد پنجره ملی خدمات هوشمند و وعده تحقق ۲۰ درصدی هوشمندسازی خدمات به صورت سالانه از برنامه‌های این دولت بود. در این باره با محمد خوانساری، رئیس سازمان فناوری اطلاعات، گفت‌وگو کرده‌ایم. او در این گفت‌وگو دولت را به مثابه پلتفرمی می‌بیند که امکان ارائه خدمات روی آن بستر باید فراهم شود.

شورای اجرایی فناوری اطلاعات حداکثر تا شهریورماه ۱۴۰۱ راه‌اندازی کنند و حداقل یک‌سوم خدمات اختصاصی خود را با اولویت خدمات پرکاربرد از طریق این پنجره ارائه دهند.

این یک تمهید قانونی بود که دستگاه‌ها را موظف می‌کرد. از سویی خود وزارت ارتباطات هم تکلیف پیدا کرد که این سامانه یکپارچه را به وجود بیاورد. یعنی از این سامانه پیش از این وجود نداشت. از اول سامانه پنجره واحد خدمات دولت شکل گرفت.

استانداردهای اتصال به این پنجره در شورای اجرای فناوری اطلاعات مطابق قاعده و قانون تصویب و در آن نوشته شد که سامانه و استانداردهای فنی آن باید از سوی وزارت ارتباطات ارائه شود تا دستگاه‌ها به آن متصل شوند.

بعد از آن به تدریج پاسخگو کردن دستگاه‌ها با استفاده از رسانه شروع شد چون قانون باید اجرا می‌شد. ظرفیت رسانه‌ای در این بحث اهمیت زیادی داشت چون اگر صداوسیما، رسانه‌ها و مطبوعات موضوعات را پیگیری نمی‌کردند ما نمی‌توانستیم در آن توفیقی کسب کنیم. ما در سال دوم افق دیگری را مشخص کردیم. اتصال تمامی دستگاه‌ها به پنجره ملی خدمات هوشمند ارائه و ارائه تمامی خدمات به شکل الکترونیکی و ارائه ۲۰ درصد خدمات به صورت هوشمند برنامه سال ۱۴۰۲ بود.

هم‌اکنون ۴۶ میلیون ایرانی بالای ۱۸ سال به پنجره ملی خدمات هوشمند متصل شده‌اند و از نظر آماری حدود ۸۴ درصد

در حکمی که وزیر برایتان زد یکی از وظایفی که به شما محول شده بود توسعه درگاه ملی خدمات یا پنجره ملی خدمات هوشمند بود، در اولین سوال می‌خواهم می‌پرسم وضعیت این پروژه چگونه است و در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ شما چه چیزی از دولت قبل تحویل گرفته بودید و به کجا رسیدید؟

در دولت گذشته هرچند سرویس‌های مختلفی در دستگاه‌های مختلف راه‌اندازی شده بود اما یکپارچگی اتفاق نیفتاده بود. نبود یکپارچگی باعث شده بود سایت‌ها و سرویس‌هایی در اشکال و متدهای مختلف ارائه شود و مردم برای دریافت هر سرویس از هر دستگاهی با تنوعی از خدمات مواجه بودند.

ما یک مبنای نظری برای یکپارچه‌سازی مد نظر قرار دادیم در واقع در این مدل دولت، یک پلتفرم شناخته می‌شود.

در دولت به عنوان سکو یا پلتفرم، نقش دولت بیشتر تجمیع توانمندسازی و رگولاتوری است و باید از نقشی که خودش اجراکننده باشد، خارج شود. در واقع اگر از نظر فنی نگاه کنیم دولت باید خدمات خودش را به شکل API در اختیار بخش خصوصی قرار بدهد و بخش خصوصی با استفاده و ترکیب این API‌ها برای مردم خدمات تولید کند و این خدمات به صورت ترکیبی باشد.

مثلاً در این بحث دولت در بند واو تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ آورده است، دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی مکلف‌اند «پنجره واحد خدمات هوشمند» خود را بر اساس الزامات مصوب



مهرك محمودی



درصد خدمات دولت روی پنجره ملی خدمات هوشمند ارائه می‌شود. اما مشکل اینجاست وقتی از آن طرف می‌خواهند ارزیابی کنند به دلیل حمله‌های مداومی که به ما می‌شود گاهی پنجره واحد خدمات دولت تنها از طریق ایران در دسترس است (ایران اکسس)؛ از همین رو در دوره‌هایی امکان ارزیابی درگاه ما را ندارند. در اصل آنها یک گزارش دریافت و برای ارزیابی آن گزارش، وبسایت‌ها و خدمات ذکرشده را بررسی می‌کنند که البته گاهی امکان بررسی وبسایت‌های ما را از خارج کشور ندارند. از همین رو ما محتواهایی آماده کرده‌ایم که از طریق پلتفرم‌های شناخته‌شده VOD به EGDی عرضه کرده‌ایم تا به وسیله آن بتوانند در جریان اقدامات صورت گرفته قرار گیرند و ارزیابی را انجام دهند. از سوی دیگر، ما در بخش مشارکت الکترونیکی طی دو سال گذشته اقدامات خوبی انجام داده و امکان نظرسنجی‌های مختلف نظیر نظرسنجی از کارکنان دولت، نظرسنجی در خصوص خدمات دستگاه‌های اجرایی و نظرسنجی در خصوص لویایح و قوانین مجلس را برای مردم فراهم کرده‌ایم، اما یکی از موضوعاتی که شاید در دوره بعد نمود یابد این است که این گزارش دوسالانه است. یک گزارش که امسال منتشر می‌شود در اصل بررسی‌هایش را در نیمه اول سال گذشته سال ۱۴۰۲ انجام داده‌اند که ممکن است بخشی مهمی از خدماتی که در یک سال گذشته در اختیار مردم قرار گرفته است، در آن دیده نشده باشد و رتبه واقعی ما نمایش داده نشود. در نتیجه ما خوشحال می‌شویم هر دولت دیگری که بیاید و مستقر شود موضوع

مردم در دستگاه‌های مختلف وارد شده جز با اتصال با ۲۷ پایگاه ملی داده میسر نبود. الان روی GSB یا مرکز ملی تبادل اطلاعات بیش از دو هزار و ۶۰۰ خدمت وجود دارد که در ابتدای دولت حدود هزار و ۴۰۰ عدد بود. اینها خدماتی است که دولتی‌ها به دولتی‌ها می‌دهند. تعداد دستگاه‌هایی که در دولت قبل این خدمات را ارائه می‌دادند ۶۳ دستگاه بود و الان به ۹۵ دستگاه رسیده، یعنی ۵۰ درصد افزایش یافته است. تعداد دستگاه‌هایی که روی GSB خدمت دریافت می‌کنند هم از ۲۱۱ به ۳۴۲ دستگاه رسیده است.

در ابتدای دولت ۲۸۵ میلیون تراکنش روی PGSB انجام می‌شده که این رقم چیزی حدود ۹۰۲ میلیارد است. یعنی ما توانسته‌ایم خدمات دولت را به بخش خصوصی هم ارائه بدهیم و از دو اپراتوری که برای این کار گرفته‌ایم استفاده کنیم. **در ابتدا شما وعده داده بودید که کارگزاری‌های ارائه خدمات به بخش خصوصی نیز ایجاد می‌کنید.**

ما دو اپراتور داریم. یکی با نام آستان و دیگری با نام سیتاد. این اپراتورها در یک مناقصه انتخاب شدند. یکی در زیرمجموعه شرکت توسن فعالیت می‌کند و دیگری در زیرمجموعه راهبر.

قرار نیست تعداد این اپراتورها افزایش یابد؟

مجوز این اپراتورها را هم شورای اجرایی فناوری اطلاعات و کمیته تعامل‌پذیری صادر می‌کند. مجوز اخیری که به اپراتورها داده شده مجوزی است که برای اپراتور ناجی صادر شده، این اپراتور به صورت تخصصی خدمات فراجا و نیروی انتظامی را به بخش خصوصی ارائه می‌دهد.

یکی از وظایفی که در ابتدا به شما واگذار شده بود ارتقای رتبه دولت الکترونیکی در شاخص‌های بین‌المللی بود، در این بخش چقدر موفق بودید؟

ما در بحث شاخص دولت الکترونیکی از ۲۰۲۰ به ۲۰۲۲، دو درجه تنزل رتبه داشتیم؛ یعنی از رتبه ۸۹ در سال ۲۰۲۰ رسیدیم به رتبه ۹۱. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که ما را دچار مشکل کرد بخش مشارکت الکترونیکی بود که از بین ۱۹۳ کشور رتبه ۱۶۷ را به دست آورده بودیم. از سویی در گذشته اولاً درگاه یکپارچه‌ای وجود نداشت و امکان ارزیابی نبود، الان ۷۵

می‌شود که از آن جمله می‌توان به خدمات عرضه‌شده از طریق پنجره ملی مجوزها که مدیریت اجرایی آن با وزارت اقتصاد بوده یا پنجره واحد مدیریت زمین که مدیریت آن با سازمان ملی منابع و آبخیزداری کشور است، اشاره کرد.

بر همین اساس اگر تمام اینها را به صورت تجمیعی در نظر بگیریم، بیش از چهار هزار خدمت الان روی پنجره ملی است و بالغ بر ۷۵ درصد خدمات دستگاه‌های دولتی روی آن ارائه می‌شود.

دستگاه دولتی چقدر همکاری کردند؟

دستگاه‌های دولتی موانع زیادی برای رسیدن به این موضوع داشتند. مهم‌ترین مانع این بود که برای این کار به بودجه نیاز داشتند تا بتوانند بر اساس آن بودجه فناوری اطلاعات‌شان را ارتقا بدهند و به این پنجره متصل شوند.

دستگاه‌ها پیمانکارانی داشتند که باید ابزارهایی را که تاکنون برای سازمان‌شان تولید کرده بودند با الزامات این پنجره تطبیق می‌دادند و از سوی دیگر باید نیروی فنی ماهر در خود مجموعه باشد تا بتواند نگهداری کند و توسعه بدهد. از همه اینها مهم‌تر این بود که رئیس دستگاه باید همراهی می‌کرد.

پنجره خدمات دولت هوشمند مهم‌ترین عاملی شد که تمام دستگاه‌ها به حرکت بیفتند و شناسنامه خدمات‌شان را بازتعریف کنند. آنها مجبور شدند خدمات‌شان را شفاف کنند و در یک پنجره کیفیت آنها را بسنجند و با نام کاربری و گذرواژه واحد ارائه دهند.

در همین راستا، خدمات دستگاه‌های اجرایی با راه‌اندازی پنجره ملی دولت هوشمند و الزام ارائه تمامی خدمات به صورت الکترونیکی از طریق این پنجره، با حسایت بیشتری از سوی دستگاه‌های اجرایی و با همکاری سازمان اداری و استخدامی بازنگری شد.

بر همین مبنا نیز خدمات غیرالکترونیکی که عملاً از طرف دستگاه به مردم ارائه نمی‌شد حذف یا در خدمات یا سامانه‌های الکترونیکی تجمیع و به صورت یکپارچه عرضه شد و همین امر به کاهش تعداد خدمات الکترونیکی شناسه‌دار انجامید.

چقدر داده‌هایی که از سمت دستگاه‌ها

آمده بود و در اینجا ارائه شد تمیز بود؟

امکان صحت‌سنجی داده‌هایی که از سوی



EGDI را به‌جد دنبال کند.

یکی از وظایفی به‌سازمان فناوری اطلاعات سپرده شده بود توسعه خدمات در لایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات بود، آیا اهداف پیش‌بینی شده محقق شد؟

در دولت سیزدهم، در تعامل با مرکز ملی فضای مجازی شاخص‌های فنی ارزیابی خدمات پایه که بخش مهمی از خدمات در لایه کاربردی شبکه ملی اطلاعات است تعریف شد و پس از تأیید مرکز ملی فضای مجازی، ارزیابی پیشرفت شبکه ملی اطلاعات به صورت سالانه براساس این شاخص‌های فنی انجام شده و از طریق مرکز ملی فضای مجازی به کمک رسانه‌ها به اطلاع عموم مردم رسیده است.

سوال را جزئی‌تر می‌پرسم، آیا در بخش پیام‌رسان‌ها موفق بوده‌اید؟ اگر دولت حمایت خود از پیام‌رسان‌ها را قطع کند آنها می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند؟

ما در ابتدای دولت و در شهریور ۱۴۰۰، آماری داشتیم که در مقایسه آن با آمارهای امروز به نتایج جالب توجهی می‌رسیم. مثلاً روبیکا رشد سه برابری داشته است و تعداد کاربران آن الان به ۴۵ میلیون نفر رسیده است. اپتا رشد ۱۳ برابری داشته و الان بالای ۳۰ میلیون کاربر دارد. بله رشد پنج برابری داشته و حدوداً ۱۲.۸ میلیون کاربر دارد. سروش پلاس هم رشد ۶ برابری داشته و الان ۱۰.۵ میلیون نفر از آن استفاده می‌کنند.

مردم در زندگی عادی و روزمره‌شان با توجه به نیازی که داشته‌اند به این ابزارها روی آورده‌اند و از آنها استفاده می‌کنند. در مقابل ابزارهای خارجی که قبل‌تر بوده، الان انحصار بازار شکسته شده و فضایی به وجود آمده که مردم در آن حضور دارند. اگر بخواهیم به صورت روزانه بررسی کنیم، روزانه حدود ۲۲ تا ۲۴ میلیون نفر در روبیکا فعالیت می‌کنند. اپتا هم بین ۱۸ تا ۱۹ میلیون کاربر روزانه دارد و کاربران روزانه بله بین ۵.۵ تا ۶ میلیون نفر هستند.

اگر الان تصمیم گرفته شود که دولت مستقیم از پیام‌رسان‌ها حمایت نکند، باز هم رشدشان را ادامه می‌دهند یا هنوز در دوران قبل از بلوغ‌اند؟

با کمک خود پیام‌رسان‌ها، برنامه استقلال اقتصادی آنها از زیرساخت‌ها تهیه شده است. در صورت اجرایی شدن، پس از آن کمک‌های دولت به این سمت می‌رفت که

به جای تسهیل‌گری که برای دولت هزینه‌بر هم هست، به سمت رگولاتوری برود. اما به سبب پایان یافتن دولت در این زمان و اینکه باید یک سال و نیم زودتر برنامه را تمام کنیم، کار در این وضعیت دشوار است. اگر بخواهیم افق درست را نگاه کنیم، نهایتاً یکی دو تا از اینها باید بالاخره فرابورسی یا بورسی شوند.

چرا دستگاه‌ها سرویس‌های خود را روی پیام‌رسان‌های داخلی ارائه نمی‌دهند؟

هر دستگاه ما به شکل سنتی علاقه دارد برنامه‌های موبایلی خودش را تولید کند. در صورتی که در یک نگاه پلتفرمی، دستگاه‌ها باید خدمات‌شان را جوری طراحی و تعبیه کنند تا در جاهایی قرار بگیرند که مردم بیشتری به آنها مراجعه می‌کنند.

پیام‌رسان‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند که به PGSB متصل شوند چون از آن طریق می‌توانند به خدمات دستگاه‌هایی که از قبل به مرکز ملی تبادل اطلاعات یا GSB متصل هستند دسترسی پیدا کنند.

در حال حاضر، خدمات مختلفی از سوی پیام‌رسان‌ها به مردم ارائه می‌شود؛ از جمله پرکاربردترین آنها می‌توان به خدمات در ایام خاص نظیر ایام حج و اربعین اشاره کرد که مردم می‌توانند به سرویس دریافت ارز اربعین و ارز مسافرتی دسترسی پیدا کنند، همچنین سرویس تماس صوتی و تصویری، سرویس رهگیری مرسولات پستی و خدمات کمیت‌ه امداد امام خمینی (ره) نیز از دیگر سرویس‌های پرکاربرد در دسترس مردم محسوب می‌شوند.

ما ۲۰ خدمت پرکاربرد مردم در دولت را به این پیام‌رسان‌ها اطلاع دادیم و گفتیم این مسیری است که مردم دوست دارند با آن بیشتر از شما استفاده کنند.

پس بخشی از آن خدمات دولت است و بحث دوم مدل‌های اقتصادی و درآمدی خود پیام‌رسان‌هاست. آنها باید بتوانند به عنوان مأخذ جدید، برای ارسال پیامک‌ها و پیام‌های دستگاه‌های دولتی مورد استفاده قرار بگیرند.

قرار بود سازمان تنظیم مقررات، مصوبه‌ای در مورد مدل درآمدی پیام‌رسان‌ها از حق‌السهم ترافیکی بنویسد؟

کمیسیون تنظیم باید حق‌السهم را تصویب کند که پیش‌نویس آن تهیه شده و در انتظار تصویب نهایی است.

اختلال‌های دوره‌ای پیام‌رسان‌ها به خاطر همین ضعف زیرساختی آنهاست؟

در اختلال موضوعات فنی، زیرساختی و نرم‌افزاری می‌تواند دخیل باشد.

یعنی به شما گزارش می‌دهند؟

زمانی که اختلال پیش می‌آید هم به صورت مفصل گزارش می‌دهند هم اگر نیاز به کمک داشته باشند اعلام می‌کنند. حتی اگر نیاز باشد ما تیم‌های متخصصی را که با آنها در ارتباط هستیم معرفی می‌کنیم تا مشکل‌شان برطرف شود.

یکی از اقداماتی که سازمان به صورت جدی آن را پیگیری می‌کرد، آیین‌نامه حمایت از کسب‌وکارها بود قرار بود یکسری خدمات بانکی یا یکسری معافیت‌های مالیاتی برای این شرکت‌ها فراهم شود، این مصوبه تا کجا پیش رفت؟

این آیین‌نامه چندوجهی است، یکی از بخش‌های آن مربوط به معافیت‌های مالیاتی است اما واقعیت این است که بسیاری از کسب‌وکارهایی که می‌توانند از این معافیت‌ها بهره ببرند در ابتدا علاقه‌ای به شناسایی شدن ندارند. در اصل باید پرونده مالیاتی باز کنند که بسیاری از کسب‌وکارها علاقه‌ای به باز کردن پرونده مالیاتی ندارند مگر اینکه شناسایی شوند. بانک مرکزی هم با گرچه فکر می‌کند بسیاری از اقداماتی را که در این آیین‌نامه لازم بوده انجام داده است اما هنوز بخشی از کارها باقی مانده است؛ مثلاً قرار بود حساب کاربری به عنوان وثیقه پذیرفته شود یا قابلیت حساب امانی ایجاد شود اما هیچ‌کدام از این کارها انجام نشده است. البته بانک مرکزی هم شاید نگرانی‌ها و محدودیت‌های خاص خودش را دارد.

از سویی به خاطر چندوجهی بودن این آیین‌نامه گاهی هماهنگی میان آنها سخت است؛ مثلاً شرکت پست اعلام کرد به کسب‌وکارهای مشمول این آیین‌نامه برای بخش لجستیک تخفیف می‌دهد اما این برای سکوها جذابیت نداشت و اعلام کردند ترجیح می‌دهند در این موضوع ورود نکنند.

ما در وزارتخانه نیز فراخوان زدیم و سکوه‌های فعال در این زمینه را شناسایی کردیم. سایت 1649.ir را راه‌اندازی کردیم. مرکز تماس و پشتیبانی راه انداختیم تا به درخواست‌های پیام‌رسان‌ها یا مشاغل که روی سکوهاست توجه کنیم



عملکرد دوره سیزدهم و نقشه راه دوره چهاردهم

یک ارزیابی منصفانه



محمد کشوری
رئیس گروه علمی-تحلیلی
طیف

شاید کمتر کسی تصور می‌کرد با یک رخداد ناراحت‌کننده، عمر دولت سیزدهم قبل از چهار سال پایان یابد و تبوتاب انتخابات ریاست‌جمهوری یک سال زودتر فرا رسد. حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات که زمانی در بین مردم با مطالبه و واگذاری خط تلفن ثابت (دهه ۷۰) و زمانی با واگذاری سیم‌کارت‌های ثبت‌نام‌شده (اوایل دهه ۸۰) و زمانی هم با کیفیت مکالمه همراه (اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰) شناخته می‌شد، امروزه بیش از هر چیز در گرو ارائه خدمات باکیفیت «اینترنت» است، از این رو و به دلیل وابستگی بخش عمده‌ای از زندگی روزمره به اینترنت، وزیر ارتباطات یکی از چهره‌های مشهور و مورد توجه رسانه‌ها و عموم است.

مساله‌ای که خیلی کوتاه در این نوشتار می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنیم، عملکرد وزارت ارتباطات است. بی‌راه نیست اگر بگوییم هر دوره از وزارت یک وزیر را با یک کار یا پروژه برجسته می‌شناسند. دوره وزارت سه‌ساله دکتر زارع‌پور در دولت آقای رئیسی هم از این قاعده مستثنی نیست. اما این عملکرد خاص در این سه سال که بیش از همه به چشم می‌آید چه بود؟ اگر از خود وزیر و مدیران وزارتخانه بپرسیم بدون شک پاسخ، پروژه توسعه فیبر نوری به عنوان زیرساخت ارتباطات ثابت است. من هم معتقدم شروع این پروژه را می‌توان کار ویژه دولت در عرصه ارتباطات قلمداد کرد هرچند شاید مخاطب بیرونی و به‌ویژه کاربران اینترنت دست‌کم به دو دلیل با این پاسخ موافق نباشند. دلیل اول تحت‌الشعاع قرارگرفتن توسعه زیرساخت ثابت با دور جدیدی از اعمال فیلترینگ در سال ۱۴۰۱ و محدودیت‌ها و نارسایی‌های مکرر و آزاردهنده در کیفیت خدمات است. دلیل دوم برجسته نشدن توسعه فیبر نوری در چشم مردم را هم می‌توان در این دانست که هرچند این پروژه در پوشش‌دهی شهرها رشد خوبی داشت، اما متأسفانه در اتصال مشترکین توفیق چندانی پیدا نکرد. البته طبیعی است که ایجاد پوشش مقدم بر اتصال است و انتظار آنکه کسر بالایی از پوشش در کوتاه‌مدت به اتصال

تبدیل شود منطقی نیست، اما شکاف قابل توجه بین حدود ۷.۵ میلیون خانوار پوشش با ۳۵۰ هزار اتصال هم بیشتر از آن است که بخواهیم اتصال نهایی مشترکین به فیبر نوری را از موفقیت‌های چشمگیر وزارت ارتباطات به حساب آوریم.

در هر صورت در یک ارزیابی منصفانه از عملکرد وزارت ارتباطات دولت سیزدهم باید آغاز پروژه فیبر نوری به عنوان یکی از پروژه‌های مهم زیرساختی کشور و تخصیص هشت درصد از درآمد اپراتورهای همراه به توسعه این شبکه را دستاورد بدانیم. مخصوصاً که این نحوه تخصیص مالی در واقع بازگشت بخشی از درآمدهای حوزه ارتباطات به داخل همین بخش است که فی‌نفسه اقدام قابل تقدیری است. اما در مقابل، بی‌توجهی یا دست‌کم ناتوانی در حل مشکلات ایجاد فیبر در کلانشهرها و به‌ویژه شهر تهران هم از نقاط ضعف این پروژه به شمار می‌رود که چنان‌که اشاره شد، در کنار نرخ اتصال پایین باعث شد اساساً توسعه شبکه فیبر نوری چندان در رسانه‌ها و پیش مردم یک پروژه موفق به چشم نیاید. متأسفانه همسویی سیاسی شهرداری در تهران با دولت سیزدهم نیز نتوانست موجب گشایش بخت توسعه زیرساخت فیبر نوری در تهران شود.

اما از منظر رضایت کاربران به نظر می‌رسد همچنان عملکرد وزارت ارتباطات در کلیت موضوع اینترنت رضایت‌بخش نیست. این نارضایتی تنها ناشی از نبود زیرساخت‌های بخش دسترسی شبکه (که بخشی از آن با توسعه شبکه فیبر نوری پاسخ داده می‌شود) نیست، بلکه به طور کلی ناشی از مشکلات فنی و غیرفنی در ارائه پایدار و باکیفیت خدمات شبکه است. از سوی دیگر تأکیدات مستمر وزیر ارتباطات مبنی بر تصمیم‌گیر نبودن در حوزه فیلترینگ (فارغ از درستی آن از نظر ضوابط قانونی در کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه) هم بیشتر انعکاس‌دهنده پیام ضعف و ناتوانی دولت در حل این مساله است تا جایی که گویا حتی دولت در حد باز کردن گوگل پلی نیز اختیارات کافی ندارد!

سوال مهمی که اکنون پیش می‌آید این است

که سرنوشت پرونده‌های باز وزارت ارتباطات در دولت بعد چه خواهد شد؟ شاید پاسخ به این سوال، که سوال مهم ناظر به آینده است، مهم‌تر از نقد وضعیت فعلی عملکرد دولت در این بخش باشد.

در بخش زیرساخت، به نظر می‌رسد دولت بعدی پروژه توسعه فیبر نوری را ادامه خواهد داد چه آنکه نیاز ضروری کشور به زیرساخت پرسرعت و به‌روز ربطی به این دولت و آن دولت ندارد. در نظر گرفتن منابع مالی حمایت از این پروژه که در بدترین حالت رقمی در حدود پنج هزار میلیارد تومان در سال می‌شود و سال به سال نیز افزایش خواهد یافت (بر اساس مصوبه تخصیص هشت درصد درآمد اپراتورهای همراه)، ابزار خوبی در اختیار وزارت ارتباطات است تا به وسیله آن با توسعه‌دهندگان زیرساخت تعامل برقرار و آنها را با اهداف خود همراه کند. البته تغییر در برخی سیاست‌ها از جمله اولویت‌بندی در شهرها و مقدار و نحوه تخصیص یارانه به پوشش یا اتصال و نیز سیاست‌های تأمین تجهیزات متناسب با آمدن وزیر جدید کاملاً محتمل است. در حوزه زیرساخت‌های همراه نیز به‌رغم اینکه در دولت فعلی بر ارائه خدمات نسل پنجم 5G تأکید شد، متأسفانه فرکانس لازم برای آن واگذار نشد و پرونده باز واگذاری فرکانس ۳۶۰۰-۳۸۰۰ مگاهرتز که از دولت دوازدهم به دولت سیزدهم منتقل شده بود علی‌الظاهر بدون تغییر به دولت چهاردهم منتقل خواهد شد.

در موضوع خدمات اینترنت و موضوع فیلترینگ بعید است تغییرات جدی و چشمگیری که مستلزم بازگشت به عقب و باز شدن عمومی پلتفرم‌های پرکاربرد بین‌المللی باشد، اتفاق بیفتد مگر آنکه رئیس‌جمهور یا وزیر جدید تأکید و استقامت خاص و ویژه‌ای بر موضوعی مشخص (مثلاً رفع فیلتر برخی از پلتفرم‌ها) داشته باشد. البته حل مساله فیلترینگ و تغییر در سیاست‌هایی که منجر به گسترش استفاده از فیلترشکن‌ها شده و عمومیت آن و تأثیرات منفی از نظر امنیت و هزینه دیر یا زود لازم است و چه بهتر که دولت جدید راه‌حلی برای آن ببیند.



از شرکت ارتباطات زیرساخت در پایان دولت سیزدهم چه به یادگار می‌ماند؟

اختلال‌های زیان‌آور

نیمه دوم آبان ۱۴۰۰ وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم، سه عضو هیات مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت را تغییر داد. این اولین تغییر در شرکت زیرساخت بود که مدیرعامل آن، تنها معاون وزیر باقی‌مانده از دولت دوازدهم در وزارت ICT بود. اما به‌رغم این آغاز دیرهنگام، زیرساخت در دولت سیزدهم دوره پرخبر و پرحاشیه‌ای را گذراند.

۱۳ اسفند ۱۴۰۰ یک آتش‌سوزی در مرکز مخابراتی انقلاب در خیابان شیخ‌بهایی تهران، اینترنت استان‌های تهران و البرز را مختل کرد. وزیر ارتباطات بی‌توجهی‌های گذشته را عامل این حادثه دانست و یک ماه و چند روز بعد یعنی ۱۷ فروردین ۱۴۰۱ امیرمحمدزاده لاجوردی را جانشین حمید فتاحی کرد که از دولت گذشته همچنان در سمت مدیرعامل زیرساخت مانده بود.

لاجوردی متولد ۲۰ دی ۱۳۶۸ در قم و فارغ‌التحصیل مقطع دکتری دانشگاه صنعتی شریف است که تا پیش از حضور در شرکت زیرساخت، سمت‌های اجرایی کمی را تجربه کرده بود.

هرچه بود و هرچه هست، شرکت زیرساخت و بالاتر از آن وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم در زمینه اینترنت نمره مناسبی نمی‌گیرد. هرچند در زمینه شبکه داخل کشور توسعه‌های فراوانی انجام شده

او حدود یک سال در این سمت باقی ماند که می‌توان گفت سخت‌ترین دوره اینترنتی دولت سیزدهم بود. اعتراضات گسترده پاییز ۱۴۰۱ که منجر به قطعی اینترنت همراه در تهران و برخی استان‌های دیگر شد و در نهایت به فیلتر دائمی اینستاگرام، واتس‌آپ و گوگل‌پلی رسید در این دوره رخ داد.

در نهایت ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ امیرمحمدزاده لاجوردی به سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی رفت و محمد جعفرپور جانشین او شد

که تا پیش از آن قائم‌مقام مدیرعامل بود. دوره جعفرپور آرامش بیشتری در فضای سیاسی حاکم بود؛ اما او با فشار فزاینده افکار عمومی و کاربران در مورد کیفیت و سرعت اینترنت روبه‌رو شد. فشاری که با گزارش‌های انجمن تجارت الکترونیکی افزایش یافت.

انجمن تجارت الکترونیکی اواخر تیر ۱۴۰۲ گزارشی درباره وضعیت اینترنت در ایران منتشر کرد که نشان می‌داد در لیگ بدهای اینترنت، ما قهرمان هستیم. طبعاً این گزارش به کام وزارت ارتباطات و زیرمجموعه‌هایش خوش نیامد.

نگاه‌ها به سمت شرکت ارتباطات زیرساخت به عنوان متولی اصلی تامین اینترنت کشور برگشت. آن هم در حالی که از ابتدای دولت سیزدهم گزارشی درباره میزان پهنای باند اینترنت کشور منتشر نشده بود و از پاییز ۱۴۰۱ سایت‌های IXP از دسترس خارج شده بودند (این وضعیت تاکنون ادامه دارد).

حدود یک ماه بعد انجمن تجارت الکترونیکی اعلام کرد در نتیجه گزارش و جلساتی که برگزار شده، وضعیت اینترنت اندکی بهبود یافته است؛ اما این سخنان هم به مذاق مدیرعامل زیرساخت خوش نیامد و او گفت اینترنت کشور نه اختلال دارد و نه داشته است.

انجمن، گزارش دوم خود را نیز در پاییز ۱۴۰۲ منتشر کرد که از استمرار وضعیت نامناسب اینترنت خبر می‌داد؛ اما این گزارش به اندازه نسخه اول سروصدا به پا نکرد و شرکت زیرساخت نیز واکنش جدی‌ای به آن نشان نداد. با وجود تکذیب‌های مکرر وزارت ارتباطات و شرکت زیرساخت همچنان کاربران از کیفیت اینترنت گلایه دارند و کارشناسان نیز معتقدند ایجاد اختلال در پروتکل‌های مختلف اینترنت با هدف مسدود کردن فیلترشکن‌ها دلیل اصلی اختلال‌های پایان‌ناپذیر است.

هرچه بود و هرچه هست، شرکت زیرساخت و بالاتر از آن وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم در زمینه اینترنت نمره مناسبی نمی‌گیرد. هرچند در زمینه شبکه داخل کشور توسعه‌های فراوانی انجام شده و ترافیک داخلی به خصوص در مناسبت‌هایی مانند فوتبال ملی افزایش چشمگیری می‌یابد.

صورت‌های مالی چه می‌گویند

در دولت سیزدهم صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی در چندین نوبت در سایت کدال قرار گرفت که اقدام مهمی به منظور شفاف‌سازی بود. صورت‌های مالی شرکت ارتباطات زیرساخت در پایان سال ۱۴۰۱ نشان می‌داد سود این شرکت نسبت به سال ۱۴۰۰ نصف شده است. هرچند می‌شد این کاهش را به اختلال گسترده اینترنت در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ و قطعی‌های مکرر اینترنت همراه در آن مقطع مربوط دانست، اما زمانی که صورت‌های مالی نیمه اول سال ۱۴۰۲ منتشر شد نیز کاهش سود تکرار شده بود و این نشان می‌داد مشکلی جدی‌تری در میان است.

سود شرکت زیرساخت از هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۵۷۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ کاهش یافت و در نیمه اول سال ۱۴۰۲ نیز نسبت به نیمه اول سال ۱۴۰۱ حدود ۲۹۰ میلیارد تومان کمتر شد.

مشکل از کجا بود؟ افزایش قیمت دلار و در نتیجه گران شدن پهنای باند ورودی به کشور، افزایش قیمت تجهیزات شبکه که بخش عمده آنها وارداتی هستند و افزایش هزینه‌های عمومی شرکت زیرساخت، همه با هم هزینه‌ها را بالا بردند و در مقابل، درآمدها متناسب با هزینه‌ها بیشتر نشد.

از همین‌جا بود که استارت افزایش قیمت اینترنتی که به اپراتورها ارائه می‌شود کلید خورد و در نهایت اردیبهشت‌ماه امسال مصوبه شماره یک جلسه ۳۵۱ کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات منتشر شد که بر اساس آن اینترنتی که زیرساخت ارائه می‌دهد ۳۴ درصد گران شد. اما جالب اینجاست که مصوبه رگولاتوری مربوط به دی‌ماه سال گذشته است و عجیب آنکه اپراتورها موظف شدند سرویسی را که پیش از ابلاغ این مصوبه از زیرساخت گرفته‌اند به قیمت جدید پرداخت کنند. این موضوع گرچه به اعتراض اپراتورهای ثابت و همراه منجر شد اما در نهایت قدرت شرکت زیرساخت بیشتر بود. هنوز صورت‌های مالی شرکت زیرساخت در پایان سال ۱۴۰۲ منتشر نشده و مشخص نیست این شرکت توانسته است با گران شدن اینترنت، جلوی روند کاهش سود خود را بگیرد یا خیر ۳



در صورت توسعه زیرساخت‌ها تعرفه پست کمتر می‌شود

ازای امتیازی که به پست‌های خصوصی می‌دهیم از آنها پول می‌گیریم و این خسارت را جبران می‌کنیم.

قیمت پست دولتی با خصوصی در آنجا خیلی اختلاف دارد؟ چطور با اینکه قیمت پست دولتی‌شان این قدر ارزان‌تر است، پست خصوصی رشد کرده است؟

آنها به سراغ تعریف سرویس‌ها و راهکارهایی رفته‌اند که بتوانند به عنوان مثال از طریق هوشمندسازی و روش‌های جدید خدمات خود را عرضه کنند.

در نهایت آیا امسال برنامه‌ای برای افزایش تعرفه‌های پست دارید؟

مرجع تصویب نرخ تعرفه‌های ما کمیسیون تنظیم مقررات است و این کمیسیون برای ما مشخص می‌کند که تعرفه‌مان را چقدر افزایش دهیم. بر اساس قولی که وزیر داده تلاش‌مان این است که کمتر از نرخ تورم هر سال تعرفه را به صورت خودکار افزایش دهیم. امسال هم منتظر هستیم نرخ تورم مشخص شود. از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ یعنی به مدت سه سال افزایش قیمت نداشتیم. نرخ تورم ما از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱، به ترتیب ۴۶.۲، ۴۶.۵ و ۴۶ درصد و تورم مرکب این سه سال ۲۰۰ درصد بوده است. این در حالی است که تعرفه‌های ما از سال ۱۴۰۱ تاکنون فقط ۷۶ درصد افزایش یافته و این موضوع قطعاً باعث ضرر و زیان ما شده است.

برنامه شما برای سرمایه‌گذاری در لجستیک پست چیست؟

امسال مهم‌ترین چالش لجستیکی ما، بحث نوسازی ناوگان است. سن مفید ناوگان ما که دولت برای دستگاه‌های دولتی ۱۵ سال تعیین کرده، به پایان رسیده است و باید حدود ۶۰ درصد ناوگان‌مان را نوسازی کنیم. اگر این کار را انجام ندهیم خودروهایی که در مسیرها هستند بیمه نمی‌شوند، معاینه فنی به آنها نمی‌دهند و هر اتفاقی بیفتد شرکت باید پاسخگو باشد. ما مجبور هستیم این ماشین‌ها را از رده خارج کنیم و ناوگان جدیدی را به جای آن بیاوریم.

مدیرعامل شرکت ملی پست باور دارد در صورت تامین و توسعه زیرساخت‌های پست، این شرکت می‌تواند تعرفه خود را کمتر کند و همچنان سودآور باشد. این در حالی است که برخی از اپراتورهای پست خصوصی به خاطر پایین بودن تعرفه‌های شرکت ملی پست از آن شکایت دارند. محمود لیائی در گفت‌وگو با پیوست از احتمال افزایش تعرفه پست پس از مشخص شدن نرخ تورم خبر می‌دهد.

دغدغه‌های مخاطب است و دغدغه اصلی قیمت است.

راهکار توسعه بخش خصوصی را چه می‌دانید؟

کاهش تصدی دولت که ما در اصل ۴۴ قانون اساسی هم آن را داریم. اگر خود ما در جایگاه مدیر دولتی به آن مقید باشیم و به سمتی برویم که کارهای قابل واگذاری را به بخش خصوصی و غیردولتی بدهیم، لطفی است که در حق پست کشور و بخش خصوصی کرده‌ایم.

اگر بخواهیم از زاویه پست خصوصی صحبت کنیم، دلیل موفق نشدن پست خصوصی را جز تصدی دولت چه می‌دانید؟

پست چیزی نیست که ما اختراع کرده باشیم و در هر کشور دنیا به پست به چشم یک زیرساخت نگاه می‌کنند. تقریباً می‌توانم ادعا کنم صد درصد دولت‌های دنیا قسمت حاکمیتی پست را در دست خودشان نگه داشته‌اند و حاضرند حتی روی آن ضرر کنند. پست خدمتی مثل آب و برق است که قیمتش واقعی نیست و خود حاکمیت یا دولت روی آن به مردم یارانه می‌دهند تا بتوانند از رفاه آن استفاده کنند در کنار آن بخش‌های توانمند خصوصی هستند که می‌توانند خلأ را جبران کنند و سرویس‌هایی را که شاید مثل پست دولتی توجیه اقتصادی نداشته باشد، با قیمت واقعی به مردم بدهند.

سال گذشته که من در کشور ترکیه بودم با مدیر بین‌الملل آنجا صحبت کردم و گفت ما ۱۳۰ اپراتور پستی بخش خصوصی و ۲۲ هزار کارمند پستی داریم. این در حالی است که ما در ایران با همان تعداد جمعیت ۱۷ هزار کارمند داریم. از آنها پرسیدم چطور به کارمندان حقوق می‌دهید؟ گفتند در

پایین بودن تعرفه‌های پستی همواره مطرح بوده است، آیا تغییر در تعرفه پست و افزایش آن در دستور کار بود؟

قیمت‌های پست الان واقعی نیست و هدف ما این است که واقعی‌سازی قیمت‌ها صورت بگیرد. تعرفه‌های پستی در اصل یارانه‌های پنهانی هستند که الان مردم از آن خبر ندارند و فکر می‌کنند همین هزینه‌ای که پرداخت می‌کنند هم زیاد است. طی سه سال گذشته تعرفه‌های ما ۷۶ درصد افزایش پیدا کرده و این در حالی است که قیمت‌های یک برنج فروش به عنوان مثال ۳۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است. افزایش تعرفه‌های ما به چشم می‌آید و به نظر می‌رسد ما گران‌فروش هستیم.

ما نیازمند این هستیم که زیرساخت‌هایمان را تامین کنیم. من می‌توانم ادعا کنم که اگر زیرساخت‌های ما به اندازه کافی توسعه یابد، شاید بتوانیم تعرفه را از چیزی که الان هست نیز کمتر کنیم و همچنان سودآور باشیم. متأسفانه زیرساخت‌های ما این جواب را به ما نمی‌دهد و مجبوریم با افزایش تعرفه کمتر از تورم سالانه، این خلأ را به نوعی پر کنیم.

چرا اپراتورهای پستی از تعرفه‌های پست ناراضی هستند؟

بر اساس اعداد و ارقام، تعرفه‌های ما در استان‌ها و شهرها همیشه زیر قیمت بوده است. قطعاً اپراتورهای پستی حق دارند معترض باشند چون ما به نوعی زیر قیمت کار می‌کنیم و این موضوع باعث می‌شود مشتری سمت آنها نرود. خود ما هم این موضوع را دوست نداریم چون ظرفیتی که ما داریم محدود است و می‌خواهیم مشتری‌ها را به سمت اپراتورهای بخش خصوصی سوق دهیم. کیفیت یکی از



سمانه سمیع



دلارام سلطانیان



چینی در سال، ۶۰۰ خدمت پستی از اپراتورهای این کشور دریافت می‌کند. این عدد در مدعیان پست دنیا که سوئیس و آلمان هستند، ۵۸۰ و ۵۶۰ است و سرانه پستی کشور سوئیس ۲۰ تا از چین کمتر است. سرانه پست در کشور آمریکا هم ۵۰۰ است اما در کشور ما متأسفانه بین ۱۰ تا ۱۱ تاست که تقریباً ۶۰ برابر کشورهای پیشرفته در حوزه پستی عقب هستیم. این خلأ را باید با استفاده از فرهنگ‌سازی و ارتباطات بین‌المللی و تجهیزاتی که داریم برطرف کنیم.

دلیل اختلاف سرانه پستی کشور ما با کشورهای دیگر چیست؟

فرهنگ پایین پستی، ضعفی است که در این بخش داریم. یعنی مردم ما آن قدر فرهنگ پستی‌شان بالا نرفته است که ببینند می‌توانند با کمترین هزینه و بدون صرف هزینه و وقت زیاد از پست استفاده کنند و مایحتاج خود را از طریق پست دریافت کنند و گرنه در تجارت الکترونیکی خیلی از کشورهای دیگر عقب نیستیم. عمده تلاش ما این است که سرانه پستی‌مان را بالا ببریم و برنامه‌ریزی‌مان برای ۲۰ سال آینده این است که ترافیک پست‌مان ۱۰۰ میلیارد شود. الان در کل کشور و با همه اپراتورها، ترافیک ما ۳۰۳ میلیارد است که اگر بخواهیم این عدد را ۳۰ برابر کنیم باز هم در آینده از کشورهای دنیا عقب هستیم.

پارسال که من تعرفه‌های پست چین و خودمان را مقایسه کردم، اختلاف زیادی با ما نداشتند. در حالی که پارسال بنزین در چین لیتری ۶۰ و در ایران سه هزار تومان بود. قاعدتاً این موضوع به عنوان یک فاکتور خیلی مهم روی لجستیک باید تأثیر می‌گذاشت و تعرفه پستی آنجا ۲۰، ۳۰ برابر ایران می‌شد اما یک و نیم تا دو برابر ایران بود. این نشان می‌داد آنها توانسته بودند با هوشمندسازی و ترافیک بالا، قیمت را پایین نگه دارند تا مردم راغب باشند به سمت خرید اینترنتی بروند و محصولات و نیازمندی‌هایشان را از طریق مرسولات پستی دریافت کنند.

یکی از پروژه‌هایی که سال‌هاست در پست پیگیری می‌شود پروژه جی‌نف است؛ شما گفته بودید جی‌نف هیچ وقت به صد درصد نمی‌رسد، اما ممکن است تا ۸۰ درصد تکمیل شود. برآوردی دارید که چقدر مانده

می‌کردیم در حالی که ۱۴۷ درصد رشد کرده‌ایم. این ۶۰ درصد اختلاف هنر ما بوده که توانستیم به غیر از تعرفه با تحول دیجیتال، هوشمندسازی، تعریف فرایندها و انضباط مالی به آن دست پیدا کنیم. در برنامه‌های اخیر پست خیلی از رونمایی‌ها مربوط به تجزیه هوشمند بود. از ربات‌هایی که در اسفند رونمایی کردید و ابزارهای هوشمندی که به‌تازگی به ناوگان پست اضافه شده، چقدر استفاده می‌کنید؟

خوشبختانه اولین روز حضور من با افتتاح تجزیه هوشمند مصادف شد. این نهضت ادامه پیدا کرد و ما موفق شدیم پنج هاب پستی هوشمند در کشور ایجاد کنیم که سه پروژه آن هوشمندسازی سورتینگ در مراکز تجزیه و مبادلات بود. این سه سورتینگ ۲۰ اسفند با حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات افتتاح شد و بالاترین تکنولوژی رونمایی‌شده در آنجا ربات‌های هوشمند بود که الان زیر بار هستند و کار می‌کنند.

پست چقدر تا از این دستگاه‌ها دارد؟

۴۴ تا از این ربات‌ها الان در پست ما مشغول کار هستند. این ربات‌ها عمدتاً در دو کشور آمریکا و چین استفاده می‌شود که البته تکنولوژی آنها قدیمی است و ما این ادعا را داریم که از نظر سرعت و تکنولوژی از آنها جلوتر هستیم.

سرانه پستی ایران با سرانه کشورهای دیگر چقدر متفاوت است؟

عدد ۶۰۰ سرانه پستی یک شهروند چینی در سال گذشته است. یعنی هر شهروند

چنین اتفاقی بار سنگینی روی دوش ما می‌گذارد زیرا ضمن اینکه قیمت‌ها به طرز سرسام‌آوری بالا رفته، قیمت‌های لجستیک و ماشین خیلی زیاد شده و ما را دچار چالش کرده است. اگر بخواهیم همین ناوگان کنونی را حفظ کنیم باید ۶۰ درصد آن را فقط نوسازی کنیم و این جدا از بحث توسعه است.

حجم مرسولات ما نسبت به سال گذشته تقریباً ۱۲ درصد افزایش یافته است که خوب این ۱۲ درصد کامیون‌های بزرگ‌تر و تعداد ماشین‌های بیشتری می‌خواهد. ما با همان تعداد مرسوله حدوداً ۱۰ درصد افزایش تناژ هم داشته‌ایم؛ یعنی مرسولات ما به سمت سنگین‌تر و حجیم‌تر شدن رفته‌اند.

این مسائل نیازمند زیرساخت بیشتر، توسعه لجستیک و نوسازی ناوگان است. بخشی از این نیاز را توانسته‌ایم با هوشمندسازی برطرف کنیم اما همه چیز با هوشمندسازی برطرف نمی‌شود و باید زیرساخت فیزیکی‌ای وجود داشته باشد که در بستر آن هوشمندسازی اتفاق بیفتد.

هوشمندسازی و تحول دیجیتال پست

الان در چه مرحله‌ای است و چقدر موفق شده است؟

از بهمن ۱۴۰۰ تا پایان ۱۴۰۲ ترافیک پستی پنج درصد افزایش یافت و با تورم مرکب ۲۰۰ درصد، رشد تعرفه ما ۷۸ درصد بوده است. ما اگر بخواهیم ۷۸ درصد را با رشد ترافیک پنج درصد فقط منوط به افزایش تعرفه کنیم، باید ۸۶.۹ درصد رشد پیدا

تا به این میزان برسد؟

جی‌نف در اصل یک موجود زنده است و ما حتی اگر یک بار همه را ژئوگد کنیم و پروژه تکمیل شود، آدرس‌ها دائم تغییر می‌کند. ساختمان‌های جدید ساخته می‌شود، شهرهای جدید شکل می‌گیرد، آدرس مناطق جابه‌جا می‌شود یا حتی شاید ساختمان‌ها ثابت بماند اما مردم جابه‌جا شوند.

ما به این موجود زنده‌ای می‌گوییم که باید دائم بالای سرش باشیم و دائم به‌روزرسانی شود. مثل سرشماری که در کشور هر پنج سال یک بار انجام می‌شود، جی‌نف هم هر سه تا پنج سال یک بار باید به‌روزرسانی شود. از سال ۹۷ تا پارسال ما تقریباً این به‌روزرسانی جی‌نف را داشتیم و الان مجبوریم این‌ها را جبران و پروژه را تکمیل کنیم.

زمانی که من آدم جی‌نف در نزدیک به ۷۰۰ شهر آماده شده بود اما ما تعهد داده‌ایم تا حدوداً خرداد امسال، ۱۴۴۰ شهری که در کل کشور وجود دارد تکمیل شود. این عدد از خیلی جهات شاید دست‌نیافتنی باشد. مثلاً ممکن است شهرداری خیلی از شهرها معابر را نام‌گذاری نکرده باشد و در خیلی از روستاها اصلاً اسم کوچکی معنا و مفهومی نداشته باشد. در چنین شرایطی نمی‌توانید ژئوگد کنید یا مثلاً پروژه جی‌نف را اجرا کنید به همین خاطر مستلزم داشتن نقشه است.

بعد از اینکه نقشه را به ما دادند باید همکاران‌مان بروند تا ژئوگد کنند، مطابقت بدهند، ابعاد و مختصات جغرافیایی را با ابعاد پارس‌بندی کنند. پارس‌بندی در پایگاه داده جی‌نف قرار می‌گیرد و بعد کد پستی به آن اختصاص می‌دهند تا برای خیلی‌ها در دسترس باشد. با توجه به حمایت و کمکی که آقای دکتر زارع‌پور کرد و با توجه به اینکه سازمان فضایی زیرمجموعه خود وزارتخانه است، قرار شد نقشه‌های ماهواره‌ای را از ماهواره خیام خودمان دریافت کنیم.

با نهادهای دیگر چه همکاری‌هایی دارید؟

یکی از نهادهای اصلی که با آن همکاری داریم، سازمان شهرداری‌های کل کشور است که شهرداری‌های تمام کشور هستند، سازمان نقشه‌برداری، بنیاد مسکن خصوصاً برای روستاها، سازمان جغرافیایی و نیروهای مسلح از دیگر همکاران ما به شمار

می‌روند.

اینها دستگاه‌های اصلی طرف حساب ما هستند، باید به ما نقشه بدهند و داده‌ها را با یکدیگر تبادل کنیم. اگر این نهادها، نقشه‌ها و داده‌هایی را که ما می‌خواهیم به ما بدهند، قول داده‌ایم که تا پایان سال ۱۴۰۴ تقریباً تمامی روستاهای کشور را ژئوگد کنیم.

از این طرح به چه صورت درآمدزایی می‌کنید؟

پایگاه داده جی‌نف یکی از ۲۷ تا پایگاه داده پایه‌ای است که در کل کشور مشخص شده است. جدا از درآمدزایی، بحث ایجاد و سرویس دادن به بقیه دستگاه‌ها هم در میان است. ما این کارها را همزمان انجام می‌دهیم.

از آنجا که بودجه خاصی در قبال جی‌نف به شرکت ملی پست داده نمی‌شود، به صورت خودگردان این پروژه را که به شدت هزینه‌بر هم هست ادامه می‌دهیم. با داشتن پایگاه داده‌های جی‌نف باید به دستگاه دولتی به‌رایگان سرویس بدهیم، چون متولی این داده‌ها شرکت ملی پست است اما می‌توانیم یکسری سرویس‌ها را تعریف کنیم که درآمدزا باشند و هزینه این پروژه با آنها جبران شود.

مثلاً ما امسال تفاهم‌نامه‌ای با آموزش و پرورش می‌بندیم که احراز هویت مکانی دانش‌آموزان را به شرکت ملی پست بسپارند. این احراز هویت مکانی مستلزم پایگاه داده به‌روز و کاملی است که ما باید در پست ایجاد کرده باشیم و به عنوان متولی این پایگاه داده، تنها دستگاهی هستیم که می‌توانیم این خدمت را ارائه دهیم. شاید افراد دیگری هم به این داده‌ها دسترسی داشته باشند ولی اولاً به‌روزرسانی نشده باشند، دوماً به این جامعیت نباشند.

ما الان حدود ۱۸ میلیون دانش‌آموز داریم. آموزش و پرورش سرویس خیلی خوبی با کمک همکاران ما تعریف کرده که این احراز هویت مکانی را به شرکت ملی پست بدهند. موزع ما می‌رود، تشخیص می‌دهد که یک دانش‌آموز در محدوده یک مدرسه است و اجازه پیدا می‌کند در آن مدرسه ثبت‌نام کند.

این موضوع به خاطر کنترل، توزیع و مدیریت مدارس، خیلی به آموزش و پرورش کمک می‌کند. شاید خود مردم هم راغب

بودند به جای اینکه یک روز معطل شوند و برای آموزش و پرورش اجازه‌نامه یا سند خانه ببرند، این هزینه را پرداخت کنند و با استفاده از سامانه، پستی‌های ما هویت‌شان را احراز و تایید کنند.

این اتفاق الان برای پلاک‌های ماشین می‌افتد. ما سال گذشته هفت میلیون سرویس احراز هویت مکانی داشتیم و مردمی که خرید و فروش ماشین کرده بودند و قرار بود پلاک به نام‌شان صادر شود، از خدمات پستی‌های ما استفاده کردند.

الان مردم در سامانه سخا ثبت‌نام می‌کنند و در عرض حدوداً ۴۸ ساعت پستی‌های ما به آنها مراجعه می‌کند، محل سکونت‌شان را تشخیص می‌دهد و پلاک ماشین به جایی که احراز هویت مکانی صورت گرفته اختصاص پیدا می‌کند. اینها برخی از درآمدهایی است که ما توانستیم از پروژه جی‌نف کسب کنیم.

می‌توانم ادعا کنم صد درصد دولت‌های دنیا قسمت حاکمیتی پست را در دست خودشان نگه داشته‌اند و حاضرند حتی روی آن ضرر کنند

آیا جی‌نف با سیستم‌های آدرس‌دهی دیگر ادغام می‌شود؟

قرار است سیستم‌های آدرس‌دهی دیگر با این سرویس ادغام شوند. هدف اصلی حاکمیت این است که از هر خانه یک آدرس واحد استاندارد وجود داشته باشد؛ یک آدرس ثابت استاندارد کوتاه که ما به آن آدرس سه‌سیلابی می‌گوییم. اسم شهر که مشخص است، اسم محله، آخرین گذر و پلاک.

این آدرس استاندارد را ما از کشور استرالیا الگوبرداری کرده‌ایم و داریم در کشور پیاده‌سازی‌اش می‌کنیم. پس در واقع امکان یکپارچه شدن وجود دارد و دستگاه‌ها مکلف شده‌اند که دیگر از این پروژه استفاده نکنند. برای دستگاه‌های دولتی هم رایگان است و ترجیح‌شان این است که حتماً از این آدرس استفاده کنند چون می‌دانند اصالت دارد و کوتاه و دقیق است.



سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در دولت سیزدهم

چهار رگولاتور برای سه سال

تضمین‌هایی در زمینه افزایش سرعت و تعداد سایت‌های 5G دادند.

همچنین رگولاتوری تعرفه رانژه و اجاره فضا و برق برای شرکت مخابرات ایران را فرموله کرد که دستاورد بزرگی به حساب می‌آید و شاید بتواند بخشی از نزاع‌های بی‌پایان اپراتورها و مخابرات را خاتمه دهد.

نطقه نورانی

بی‌شک مهم‌ترین دستاورد وزارت ارتباطات دولت سیزدهم، توسعه فیبر نوری است. با وجود تمام مشکلات و حرف و حدیث‌هایی که رواج دارد، هیچ‌کدام از منتقدان زارع‌پور نیز نمی‌توانند جهش پوشش فیبر نوری را انکار کنند. هرچند برنامه وزارت ارتباطات برای رسیدن به ۲۰ میلیون پوشش به دلایل مختلف به نتیجه نرسید اما روندی که آغاز شد، بسیار مهم است.

این دستاورد را می‌توان محصول حضور عباسی شاهکوه در رگولاتوری دانست که از سوی مدیران بعدی ادامه یافت.

رگولاتوری در این دوره مصوبات متعددی داشت که مهم‌ترین آنها پروانه موسوم به UNSP (پروانه واحد خدمات ارتباطی ثابت و همراه) است. این پروانه را در ابتدا برخی از اپراتورهای FCP دریافت کردند و در ادامه ایرانسل و رایتل به آن پیوستند و در نهایت با فشاری که رگولاتوری بر مخابرات وارد کرد، اپراتور اول نیز وارد میدان شد.

از طرفی مصوباتی که وزارت ارتباطات توانست از مجلس و دولت بگیرد در نوع خود بی‌نظیر بودند. توسعه پوشش FTTH تلاش برای تبدیل این پوشش به اتصال، مانند کاری بود که در دوره وزارت واعظی در زمینه اینترنت همراه انجام شد یا پیشتر از آن محمد غرضی برای تلفن ثابت انجام داده بود.

هرچند نگرانی‌هایی بابت ناتمام ماندن این پروژه یا تعلل در اجرای آن به دلیل نیمه‌کاره ماندن دولت در میان است، اما وجود مصوبات متعدد و روشن در این زمینه همچنان این نوید را می‌دهد که شاید بتوان عقب‌ماندگی کشور در زمینه ارتباطات ثابت را جبران کرد.

سرنوشت وزارت ارتباطات، و بالاتر از آن دولت آینده، هنوز معلوم نشده است و نمی‌توان گفت پروژه‌های ناتمام رگولاتوری چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد؛ اما تا همین‌جا کار، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی دولت سیزدهم دستاوردهای مشخصی برای ثبت در کارنامه دارد. ۲

مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت فعالیت کرده بود.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت جهت‌گیری رگولاتوری در این سه سال، به سمت ارتباطات ثابت بوده و ارتباطات همراه به‌رغم تعداد بیشتر کاربران، تقریباً راكد مانده است.

نسل بی‌سرانجام

یکی از مدیران اپراتورها می‌گفت انگار در ایران تصمیم گرفته‌ایم فقط روی نسل‌های زوج ارتباطات همراه سرمایه‌گذاری کنیم و نسل‌های فرد را رها کنیم. این نگاه شاید طنزآلود باشد اما با توجه به سرنوشت 3G و بی‌سرانجامی 5G، چندان هم دور از واقعیت نیست.

وزارت ارتباطات در دوره قبل می‌گفت مزایده فرکانس 5G آماده برگزاری است؛ اما این مزایده تاکنون برگزار نشده و تکلیف فرکانس نسل 5 تلفن همراه قطعی نیست. هرچند اپراتورها می‌گویند در مجموع حدود دو هزار سایت 5G در کشور نصب کرده‌اند اما همه چیز هنوز در حالت آزمایشی قرار دارد.

همچنین در حالی که تصور می‌شد نزدیکی سیاسی ساکنان فعلی وزارت ارتباطات و مدیران سازمان صداوسیما منجر به تعیین تکلیف باندهای فرکانسی ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتز شود؛ اما این موضوع خیلی زود مسکوت ماند تا در نهایت کارنامه ارتباطات همراه خالی، باشد.

قفل باز شد

هرچه در زمینه نسل 5 توفیقی به دست نیامد در زمینه تعرفه‌ها تا حدودی بن‌بست پیشین از بین رفت. وزارت ارتباطات دولت سیزدهم هرچند بسیار سخت، سرانجام توانست مدل جدید تعرفه‌گذاری تلفن ثابت را ابلاغ کند. مدلی که بر اساس پرداخت یک رقم ثابت در ازای میزان مشخصی کارکرد تعریف شده است و البته برای اجرای آن شرکت مخابرات ایران هم تضمین‌های متعددی بابت توسعه شبکه داد.

از سوی دیگر سرانجام در آغاز زمستان ۱۴۰۲ اپراتورهای ثابت و همراه توانستند بسته‌های اینترنتی خود را ۳۴ درصد گران‌تر کنند. اپراتورها برای دستیابی به این خواسته،

تغییر ریل صنعت ارتباطات کشور از همراه به ثابت در کمتر از سه سال، مهم‌ترین دستاورد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به شمار می‌آید؛ تغییری که از دل سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی بیرون آمد آن هم در شرایطی که این سازمان تغییرات مکرری در رأس پیدا کرد و چهار رئیس به خود دید.

طبق روال معمول، وزیر جدید با معاونان دوره پیشین کار خود را آغاز کرد و در ادامه راه مدیران مد نظر خود را جانشین آنها کرد.

در رگولاتوری کار با حسین فلاح جوشقانی آغاز شد که در دوره پیشین، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی بود. او حدود دو ماه و نیم در این سمت باقی ماند و پس از آن مشاور وزیر شد و جای خود را به صادق عباسی شاهکوه داد که در این سال‌ها روندی سینوسی در تصدی پست‌های مختلف داشته است. عباسی شاهکوه دوره حسن روحانی ابتدا تا مدیرعاملی شرکت ارتباطات زیرساخت بالا رفت؛ اما در ادامه به ریاست دانشکده ارتباطات منصوب شد و تا پایان دولت دوازدهم در همان‌جا ماند. شاید تصور می‌شد آخرین سال‌های کاری عباسی در حاشیه می‌گذرد اما او بار دیگر به سطح معاونت وزیر بازگشت.

ریاست عباسی شاهکوه در رگولاتوری این پیام را مخابره می‌کرد که قرار است مرکز توجه وزارت ارتباطات تغییر کند. مدیری که تحصیلات تکمیلی خود را در زمینه فیبر نوری به اتمام رسانده، به ریاست مهم‌ترین بخش وزارت ارتباطات رسید و از همان زمان موضوع توسعه فیبر نوری در دستور کار قرار گرفت. عباسی آبان ۱۴۰۰ به سمت جدید منصوب شد اما تنها یک سال آن را در اختیار داشت و سپس جای خود را به محمدامین آقامیری داد و خودش مشاور وزیر ارتباطات و مجری طرح توسعه فیبر نوری منازل و کسب‌وکارها شد.

آقامیری که از بیرون ساختار وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به سمت ریاست رگولاتوری منصوب شده بود، تنها پنج ماه این سمت را در اختیار داشت و سپس رئیس مرکز ملی فضای مجازی شد تا امیر محمدزاده لاجوردی، رگولاتور شود. لاجوردی نیز حدود یک سال به عنوان



ارزیابی فعالان صنعت ICT از عملکرد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت سیزدهم

قدرت فیبر و ضعف اینترنت



فائزه فتحی‌رستمی

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در سه سال فعالیتش به برخی از اهداف مد نظر رسید و به برخی از حوزه‌ها بی‌توجه ماند. فعالان این حوزه معتقدند وزارتخانه توانست بحث فیبر را توسعه دهد و زیرساخت‌های لازم برای دولت بعدی را آماده کند؛ اما یکی از حوزه‌هایی که به نظر می‌آید در دولت فعلی مغفول مانده، مشورت با بخش‌های خصوصی در تصمیمات کلان است. عده‌ای از فعالان می‌گویند وزارتخانه نگاه تعاملی با تشکلهای بخش خصوصی نداشت. یکی دیگر از موارد درخور توجه طی این سه سال، وضعیت کیفیت و سرعت اینترنت بود. گزارش‌های انجمن الکترونیکی نشان‌دهنده ناپایدار بودن وضعیت در چند سال گذشته بود. حتی اگر موضوع فیلترینگ و محدودیت‌ها دقیقاً به وزارت ارتباطات مرتبط نبوده باشد، فعالان این حوزه انتظار داشتند وزارتخانه بتواند قوی‌تر و جدی‌تر مطالبه کند و مساله را حل کند. یکی دیگر از موارد جالب توجه فعالان این حوزه، کمبود تخصیص ارز برای واردات کالاهای فاوا بود. به عقیده فعالان این حوزه، وزارت ارتباطات به عنوان متولی این حوزه وظیفه داشت موضوع اهمیت کالاهای فاوا را تبیین کند تا تخصیص ارز برای واردات این نوع کالاها در شرایط بهتری اتفاق بیفتد.

فیبر نوری مهم‌ترین پروژه وزارت ارتباطات

صابر فیضی، مدیرعامل شرکت فناپ تلکام، درباره پروژه توسعه فیبر می‌گوید: «فیبر نوری



صابر فیضی

کار سختی بود اما به نظر من وزارتخانه توانست به هدفش در این حوزه برسد. هرچند شاید درصد درخور توجهی نباشد زیرا کشور آمادگی این کار را نداشت اما به صورت کلی قابل قبول بود. با تلاشی که وزارت ارتباطات و سازمان تنظیم مقررات کرده بود، اتفاقات خوبی افتاد. در برنامه هفتم توسعه هم تکلیف شد این پروژه دنبال شود. این موفقیت خوبی برای وزارتخانه بود.»

فیضی با اشاره به توجه وزارتخانه به این حوزه ادامه می‌دهد: «توجه وزارتخانه به این حوزه ارزشمند بود زیرا این حوزه عقب افتاده بود، اما وزارتخانه اقدامات سازنده‌ای را پیش گرفت. برخی از سازمان‌ها و نهادها در برابر انجام این اقدامات، مقاومت می‌کردند اما در قانون بودجه امسال این موضوع حل شد.»

مدیرعامل شرکت فناپ تلکام درباره قوانین حوزه فناوری ارتباطات و اطلاعات در دولت سیزدهم توضیح می‌دهد: «در دولت فعلی قوانین خوبی تصویب شده است. اگر وزیر جدید بخواهد در این حوزه کار کند، قوانین آماده است. بستگی دارد دولت جدید چقدر قانونمند باشد. توسعه فیبر نوری در دولت قبلی هم خوب کار شده بود اما پوشش کامل در دولت فعلی با برنامه‌های خوبی پیش رفت.»

نبود برنامه راهبردی

یاسر رضاخواه، مدیرعامل سابق رایتل، درباره زیرساخت ارتباطی و نسل پنجم اینترنت می‌گوید: «برنامه وزارت ارتباطات این بود که آخرین نسل تکنولوژی را در کشور در دسترس قرار دهند، نسل‌های ارتباطی سه، چهار و پنج زیرساخت‌های ارتباطی مهمی هستند؛ اما موضوع جالب توجه این است که در لایه اپلیکیشن، سرویس و فناوری از این زیرساخت‌ها چه استفاده‌ای می‌شود.»

به گفته رضاخواه، آنچه در چند سال گذشته کمبودش احساس می‌شد این بود که در حوزه اپلیکیشن و فناوری مبتنی بر نسل 5G، هیچ برنامه و راهبرد مشخصی در فضای عمومی جامعه منعکس نشده بود. نکته دیگری هم وجود دارد که شاید به طور کامل به وزارت

ارتباطات مربوط نباشد؛ نسل پنجم مهم‌ترین اپلیکیشن‌ها و کاربردهایش در حوزه انقلاب صنعتی چهارم و هوشمندسازی صنایع است. او درباره کاربردهای نسل پنجم توضیح می‌دهد: «یکی از کاربردهای نسل پنجم، موضوع IOT و ارتباطات بین اشیاست. از چهار کاربری کلانی که نسل پنجم دارد، دو مورد در حوزه B2C است. یک مورد برای ارتباطات پهنای باند پیشرفته و کاربرد دیگر FWA است که به صورت تلفیقی از ارتباطات باند پهن ثابت



یاسر رضاخواه

و سیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. اینها در حوزه عمومی جامعه و B2C است و درآمدی برای اپراتورها ندارد و قابل پیاده‌سازی نیست. برای استفاده درست از نسل پنجم، باید کاربردش در کشور درست تعریف شود و برای تعریف درست باید اکوسیستم که شامل صنایع می‌شود، تعریف و استفاده درستی بکند.»

رضاخواه ادامه می‌دهد: «در لایه تکنولوژی و فناوری، علاوه بر لایه زیرساختی ارتباطی که موضوع 5G است، مواردی مثل رایانش ابری، هوش مصنوعی و غیره هم وجود دارد. این اکوسیستم است که باعث می‌شود 5G به عنوان یک کسب‌وکار، بر مبنای فناوری رشد پیدا کند. در غیر این صورت اگر زیرساختی درست شود که برای اپراتورها درآمدزایی نداشته باشد، توسعه و رشد به راحتی اتفاق نمی‌افتد.»

رضاخواه درباره شرایط پیش روی دولت جدید در حوزه ICT می‌گوید: «در دولت جدید



کند. اگر دولت جدید به حوزه آشنا باشد و خودش را در جایگاه رفع موانع ببیند می‌تواند فعالیت خوبی داشته باشد. ما انتظار داریم هر ماه کارگروه اقتصادی یک خروجی ملموس با کیفیت مثل پلتفرم‌ها منتشر کند، اما این موضوع به اندازه کافی دیده نشد و خروجی مثبتی نداشت. دولت جدید باید اولویت‌ها را بشناسد و موضوع را جدی پیگیری کند.»

نبود نگاه تعاملی

صالح خواجه دلویی، مدیرعامل هیئتو بیت، درباره ارتباط وزارتخانه با بخش خصوصی می‌گوید: «در این دوره نگاه وزارتخانه تعاملی نبود. نگاه صرفاً محدودسازی بود و این باعث از بین رفتن اعتماد در بخش خصوصی شده است. از همین رو کسب‌وکارها در لاک دفاعی رفتند و از فضای رشد و توسعه، صرفاً به بقا برگشتند.»

خواجه دلویی با اشاره به این موضوع که فعالیت‌های وزارت ارتباطات با همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها مرتبط است ادامه می‌دهد: «در این دوره قطعاً اهداف مشخصی وجود داشت، اما در نهایت نباید فقط یک وزیر را ببینیم زیرا موضوع اقتصاد دیجیتال، دانش بنیان



صالح خواجه دلویی

و حوزه فاوا در همه وزارتخانه‌ها و نهادها موثر است. زمانی این فضا می‌تواند به رشد برسد که یک هماهنگی درست بین همه دستگاه‌ها و نهادها به وجود بیاید. تغییرات، نبود فهم درست و ترسیدن در تصمیم‌گیری باعث شد برخی از وعده‌ها محقق نشود و امید از مردم سلب شود. هر وقت مدیران کسب‌وکار ببینند فضا مهیاست، قطعاً پای کار می‌آیند و به رشد این اکوسیستم کمک می‌کنند.»

اینترنت نقطه سیاه وزارتخانه

مازیار نوربخش، رئیس هیات‌مدیره شرکت افزارپرداز رمیس، با تقسیم‌بندی فعالیت‌های وزارتخانه می‌گوید: «عملکرد وزارتخانه دو بخش دارد. اول عملکرد وزیر و دوم عملکرد ایده‌آلی که در ذهن ماست. توسعه شبکه فیبر نوری وضعیت نسبتاً خوبی داشته است.

توسعه فیبر در سال گذشته کمی سرعت گرفت و رشد خوبی داشته است. بحث دیگر تشکیل کارگروه اقتصاد دیجیتال است. مثلاً در این حوزه حمایتی که از پلتفرم‌های دارویی شد تأثیر مثبتی در اکوسیستم گذاشت و در مجموع به نفع پلتفرم‌ها شد.»

نوربخش با اشاره به اصلی‌ترین موضوعی که وزارتخانه در آن نتیجه مطلوبی کسب نکرد ادامه می‌دهد: «اصلی‌ترین چالش وزارتخانه در سه سال گذشته، وضعیت کیفیت و سرعت اینترنت بود. گزارش‌های انجمن الکترونیکی نشان‌دهنده ناپایدار بودن وضعیت اینترنت بود. فیلترینگ گسترده در این محدودیت تأثیر زیادی داشت و استفاده از ابزارهایی مثل گوگل پلی را دشوار کرد. بارها درباره این چالش‌ها با وزارتخانه صحبت کردیم اما به گفته وزارتخانه این مسائل به آنها مربوط نمی‌شود و کارگروه مربوطه باید تصمیم بگیرد ولی فعالان این حوزه انتظار دارند وزارتخانه بتواند قوی‌تر و جدی‌تر مطالبه کند و مساله را حل کند.»

او با اشاره به تشکلهای می‌گوید: «در بخش تشکلهای، ارتباط با تشکلهای باید تقویت می‌شد. دوره قبل ما ارتباط بهتری با تشکلهای داشتیم و راحت‌تر با وزیر ارتباط برقرار می‌کردیم اما این دوره این ضعف وجود داشت که ارتباطات ضعیف بود و نظر تشکلهای شنیده نمی‌شد.»

به گفته نوربخش، موضوع دیگر چالشی است که وزارت صمت برای واردکنندگان در حوزه ارز ایجاد کرد. نوربخش عقیده دارد وزارتخانه آن‌طور که انتظار می‌رفت درباره این مساله کاری نکرد. توقع فعالان این بود که وزارت ارتباطات در مقابل وزارت صمت، توجیه بهتری داشته باشد، زیرا سرویس‌ها و نرم‌افزارها برای بقا و امنیت نیاز به تجهیزات دارند.

او با اشاره به زیرساخت‌های موجود می‌گوید: «در دولت فعلی زیرساخت‌ها در بیشتر حوزه‌ها برای فعالیت دولت جدید ساخته شده است؛ مثلاً در بخش توسعه شبکه، زیرساخت خوبی وجود دارد و باید همین شرایط ادامه پیدا

چه با مدیران فعلی وزارت ارتباطات و چه با رویکرد جدید باید اول طراحی درستی انجام شود. در دولت‌های قبلی، طراحی در حوزه ارتباطات طراحی درستی بود. رویکردها بیشتر محور بود. در دولت‌های گذشته بحث‌های یونیکورن و اقتصاد دیجیتالی جذابیت بیشتری برای دولتمردان داشت. در دولت فعلی موضوع فیبر در کانون توجه بیشتری قرار گرفت. در حالی که طراحی کلی برای صاحب‌نظران صنعت مشخص نیست. باید به مختصات فعلی کشور توجه شود.»



مازیار نوربخش

به گفته او، این حوزه در کشور با چالش‌هایی مواجه است. به دلیل تحریم‌ها، کالای فاوا با محدودیت وارد می‌شود. رضاخواه می‌گوید ما در کشور تولیدکننده ابزارآلات نسل پنجم نیستیم. با محدودیت‌های تحریم پیچیدگی زیادی در ایجاد زیرساخت‌های 5G وجود دارد. در لایه دسترسی مردم به 5G در موبایل‌ها هم محدودیت‌هایی وجود دارد. با این اوصاف دقیقاً مشخص نیست برای این بخش چه برنامه‌ای در نظر گرفته شده است.

رضاخواه درباره چالش‌های زیربنایی در حوزه اقتصاد و ارتباطات با این حوزه توضیح می‌دهد: «وقتی کشور در زیرساخت‌های اقتصادی مشکل دارد، اگر تکنولوژی‌های جدید مثل هوش مصنوعی و 5G کاربری و متقاضی نداشته باشد، سرمایه‌گذاری در صنعت شکل نمی‌گیرد. چالش اینجاست که گره اقتصاد و صنایع به دست تکنولوژی باز می‌شود و اما صنایع آن‌قدر مشکل دارد که نمی‌تواند به حوزه تکنولوژی ورود کند. در این شرایط، نقطه شروع وزارت ارتباطات است. لایه بعد رئیس‌جمهور و معاون اول است که باید به حل این مسائل کمک کند.»

سرنوشت دولت الکترونیکی بعد از پایان ناپهنگام دولت سیزدهم
لحظه استمرار

۶۶

حضور و غیاب خدمات وزارتخانه‌ها در توسعه دولت الکترونیکی
۷ در مقابل ۱۲

۶۷

تاریخ افت و خیز اینماد
بازی در محدوده خاکستری‌ها

۷۰

بخشی از گفت‌وگوی منتشر نشده با اسدالله امیراصلانی
فردی که مسیر بانکداری الکترونیکی را تغییر داد

۷۲



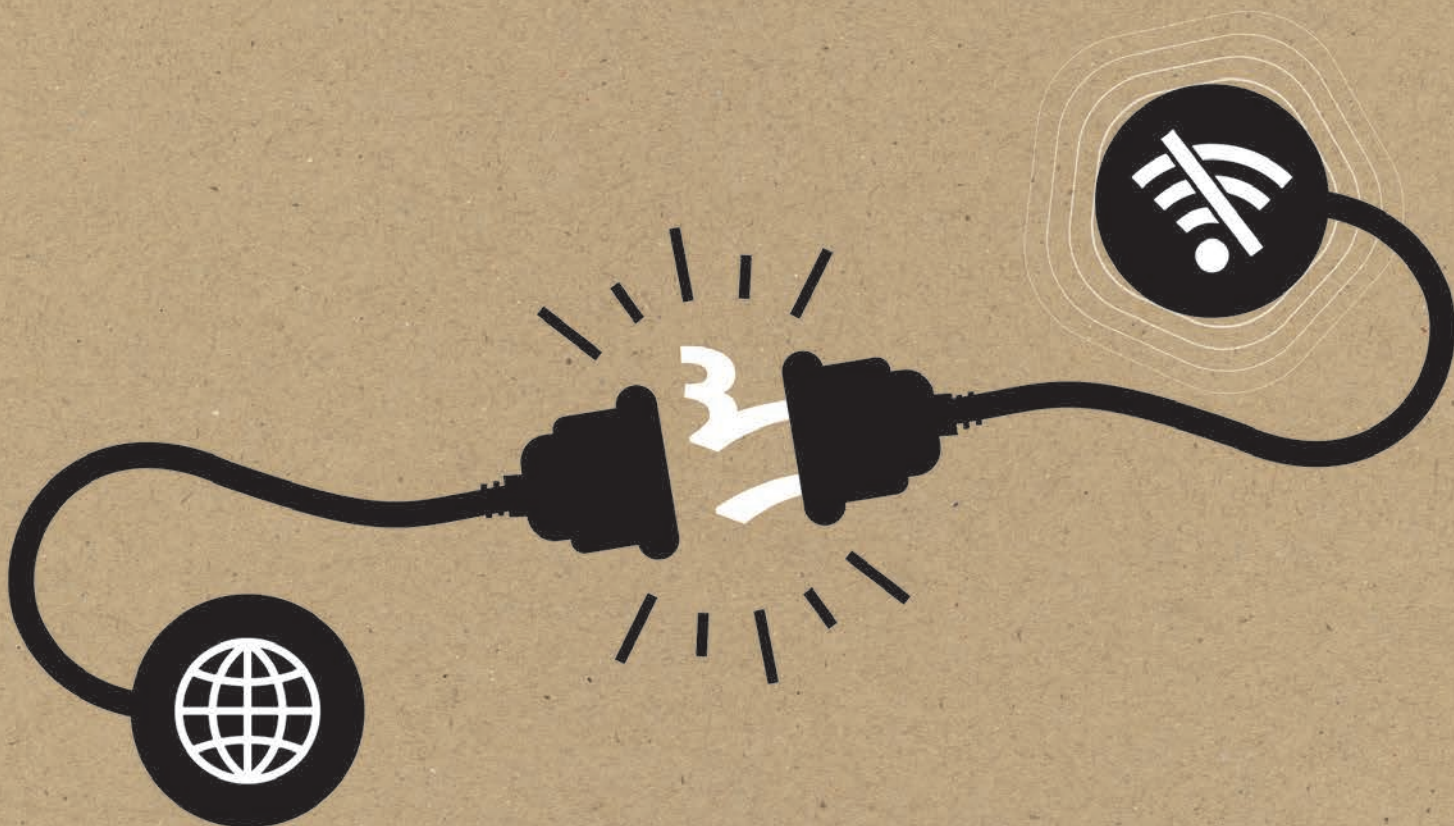
تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

خدمت و تجارت

www.peivast.com



دولت الکترونیکی



سرنوشت دولت الکترونیکی بعد از پایان نابهنگام دولت سیزدهم لحظه استمرار

با ارائه چشم‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت، مسیر حرکت دولت‌ها را تنظیم می‌کنند.

میسر اولیه دولت الکترونیکی در فضایی شکل گرفت که ساختار اداری-خدماتی کشور غرق بوروکراسی سنتی بود، روندی که تا امروز نیز کمابیش پیش رفته است؛ با این حال، حرکت دولت الکترونیکی در حاشیه ساختار گسترده اداری کشور، و روند توسعه‌محور آن در طول دو دهه اخیر، امروز به مرحله‌ای رسیده که نیازمندی به خدمات آنلاین با خدمات حضوری اگر بیشتر نباشد، برابر است. بر این اساس، بستر توسعه دولت الکترونیکی باید در چنین وضعیتی دیده و آینده آن تعیین شود.

واقعیت آینده

دولت الکترونیکی بخشی از آینده دولت در معنای همه‌شمولش خواهد بود، در واقع، در دوره‌های گذشته اگر توجه به خدمات الکترونیکی و هوشمند در گزاره‌های شعارگونه و بافصله با واقعیت بیان می‌شد، در دوره فعلی توسعه پرشتاب دولت الکترونیکی یک اولویت بلافصل برای هر دولت خواهد بود. دولت سیزدهم در مواجهه با میراث دولت‌های یازدهم و دوازدهم با بی‌اعتنایی به آنچه شکل گرفته بود، به ترسیم مسیرهای جدید اقدام کرد و خواست تا مدار جدیدی برای توسعه دولت الکترونیکی رقم بزند.

پایان نابهنگام دولت سیزدهم بسیاری از پروژه‌های مربوط به راه‌اندازی و توسعه دولت الکترونیکی را تحت‌الشعاع قرار داد با این حال، امکان توسعه دولت الکترونیکی را منتفی نکرده است.

با وجود این، تا پایان تابستان سال جاری، رتبه دولت‌های الکترونیکی از سوی سازمان ملل مشخص خواهد شد و بنا بر هدف وزارت ارتباطات، جایگاه ایران تا پایان دولت سیزدهم قرار بوده تا ۳۰ پله در این شاخص صعود کند. با توجه به اتمام زودهنگام دولت، اگر جایگاه ایران در این شاخص صعودی باشد، مشخص خواهد شد که طرح دولت سیزدهم برای دولت الکترونیکی به ارتقای جایگاه ایران در این شاخص کمک کرده است. اینکه دولت چهاردهم در مسیر توسعه دولت الکترونیکی در چه مسیری گام بردارد، معیایی است که تا زمان استقرار کابینه جدید بر ما پوشیده خواهد بود. با این حال، اگر دولت چهاردهم به تخریب کلیت بنای دولت الکترونیکی دولت سیزدهم نپردازد، اولین دولتی خواهد بود که مسیری خلاف اسلاف خود انتخاب کرده است ۳

و کسب‌وکارها با خدمات دولت صورت دهد. این رویکرد دولت سیزدهم بعد از همه‌گیری کرونا، توانست مراحل پایه‌ای استقرار یک دولت الکترونیکی را شتاب دهد و بستر اولیه برای ارائه خدمات الکترونیکی و هوشمند برای مردم و کسب‌وکارها را فراهم کند.

دستگاه‌های دولتی اگرچه در ابتدا با نوعی مقاومت، اجرای پنجره واحد خدمات را جدی نگرفتند، اما در ادامه الزام‌های قانونی و تاکید هیات وزیران بر برقراری اتصال با پنجره ملی خدمات هوشمند سرعت بیشتری پیدا کرد.

آمد و شده‌ها

آنچه از دولت الکترونیکی در دولت سیزدهم به مردم و بخش خصوصی به عنوان دو ضلع از مثلث دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، ارائه شد، از یک طرف حاصل پیوستگی و امتداد در مسیری بود که دو دهه پیش با طرح تکفا آغاز شد و در دولت‌های بعدی پی گرفته شد و از طرف دیگر نتیجه گسست‌ها و حرکت‌های معکوس و جزیره‌ای در برهه‌های بود که در مسیر توسعه دولت الکترونیکی به چشم می‌آیند. در واقع، دوگانه پیوستگی و گسستگی در توسعه دولت الکترونیکی، وضعیت متناقضی را ایجاد کرده است. وضعیتی که شبیه به یک بازی است که دولت‌ها در مواجهه با آن به‌انتخاب یا به‌ناچار یک گام به پیش و دو گام به عقب برداشته‌اند. دولت الکترونیکی در دولت سیزدهم نیز به چنین تناقضی دچار بوده و در دل این تناقض رشد کرده است. دولت الکترونیکی در پیچ‌وتاب تغییر دولت‌ها و کابینه‌های مختلف مسیرهای متفاوت و گاهی متناقضی را پیموده است. به عبارت بهتر، تناقض در توسعه دولت الکترونیکی با آمد و شد دولت‌ها بیشتر و بیشتر شده است اگرچه مسیر توسعه دولت الکترونیکی در طول این دو دهه متوقف نشده است.

تعلیق در ایجاد یک شاهراه، مساله دولت الکترونیکی و فیگور توسعه‌ای آن را وابسته به تصمیمات مقطعی و موقت کرده است. اگرچه دولت‌ها در مقام تنظیم‌گر، اختیار توسعه و ترمیم شکل عرضه خدمات الکترونیکی و هوشمند را بر عهده دارند، اما اسناد بالادستی،

پایان دولت سیزدهم در لحظه‌ای رقم خورد که کمتر کسی به آن فکر می‌کرد، پایان نابهنگام دولت سیزدهم به دلیل سانحه سقوط بالگرد رئیس‌جمهوری و همراهان ایشان، در اواخر اردیبهشت‌ماه، تمام معادلات حاکم بر بازی توسعه دولت‌مردان را برهم زد و پروژه‌های نیمه‌تمامی را در کارنامه دولت سیزدهم به ثبت رساند. یکی از پروژه‌ها و برنامه‌های نیمه‌تمام، که دولت سیزدهم انتظار داشت آن را به نام خود ثبت کند تکمیل پروژه کلان، دولت الکترونیکی و دولت هوشمند بود.

اما پایان دولت و واگذاری امور اجرایی به کابینه بعدی سرنوشت این پروژه را به عنوان طرح کلان برای توسعه دولت الکترونیکی، در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در واقع اینکه دولت چهاردهم پروژه دولت سیزدهم را در زمینه توسعه دولت الکترونیکی ادامه دهد، موضوعی است که گمانه‌زنی درباره آن بسیار سخت و دشوار است. با این حال، وضعیت دولت الکترونیکی بیش از آنکه نیازمند تغییر و تحول باشد نیازمند استمرار در مسیر توسعه است.

توسعه و تناقض

با این حال، مسیر دولت الکترونیکی در حال حاضر به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند گره خورده است چراکه در سه سال گذشته عمده سرمایه‌گذاری زیرساختی از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بر اساس این پنجره و پنجره واحدهای خدمات وزارتخانه‌های دولت، رقم خورده است. در واقع، دولت الکترونیکی در دولت سیزدهم به پنجره ملی خدمات هوشمند خلاصه می‌شود، پنجره‌ای که با شیب معناداری توانست خدمات دولتی را به الکترونیکی شدن نزدیک کند و در کنار آن به پیشبرد خدمات هوشمند و دیجیتال دولتی نیز جهت داده است. با این همه، عمده برنامه دولت سیزدهم در دو جهت الکترونیکی‌سازی صد درصدی و هوشمندسازی ۲۰ درصدی خدمات دولتی خلاصه می‌شود، برنامه‌ای که تنها نیمی از اهداف آن به اجرا نزدیک شد. رابطه تنظیم‌گرانه دولت سیزدهم به منظور توسعه دولت الکترونیکی، تلاشی بود تا مسیر بی‌واسطه‌ای برای ارتباط با مردم



سپهر سمگانی



حضور و غیاب خدمات وزارتخانه‌های دولت سیزدهم در توسعه دولت الکترونیکی

۷ در مقابل ۱۲



کسب‌وکارهای نوآور سه ضلع مثلث دولت الکترونیکی در دولت سیزدهم را شکل می‌دهند. این مثلث مسیری ابتدایی برای شکل‌گیری یک اکوسیستم پویا در نسبت با نیازمندی‌های مردم و بخش خصوصی را فراهم آورده است. این سه ضلع یادشده در سه پروژه پنجره ملی خدمات دولت هوشمند، درگاه ملی مجوزها و سندباکس شکل گرفته است. در تشکیل این سه ضلع وزارت ارتباطات و وزارت اقتصاد نقش ویژه‌ای بازی کرده‌اند و مسیر تعامل دیگر وزارتخانه‌ها از طریق این سامانه‌ها ایجاد شده است.

با این همه، نظر به کلیت حرکت سه‌ساله دولت سیزدهم در توسعه خدمات الکترونیکی و هوشمند برای شهروندان و کسب‌وکارها می‌توان نتیجه گرفت نوعی توسعه نامتوازن از این حیث در دل وزارتخانه‌ها اتفاق افتاده است. در واقع، وزارتخانه‌ها رویکرد یکسانی به توسعه خدمات الکترونیکی و هوشمند نداشتند، و در نهایت برنامه بیشتر وزارتخانه‌ها به ایجاد پنجره واحد خدمات و اتصال به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند و درگاه ملی مجوزها منحصر می‌شود. به عبارت دیگر، عمده وزارتخانه‌ها با رویکرد حداقلی با مساله توسعه خدمات دولت الکترونیکی مواجه شدند و در بیشتر مواقع به رفع تکالیف در این زمینه پرداختند. با این حال، در میان وزارتخانه‌های دولت سیزدهم معدودی از آنها توانستند خیمه چادر خدمات الکترونیکی و هوشمند را برپا کنند.

مردودی ۱۲ وزارتخانه

نگاهی کلی به وضعیت وزارتخانه‌های دولت سیزدهم در زمینه توسعه خدمات از طریق به‌کارگیری ابزارهای فناورانه به فهرست کوتاهی از چند سامانه خلاصه می‌شود. در اصل از ۱۹ وزارتخانه در ساختار دولت سیزدهم در مجموع تنها هفت وزارتخانه طرح مستقلی برای توسعه خدمات خود در نسبت با جامعه و کسب‌وکارها داشته‌اند و ۱۲ وزارتخانه باقی‌مانده در مجموع فعالیت سه‌ساله خود کم‌وبیش توانسته‌اند از یک طرف، پنجره واحد خدمات خود را به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند متصل و از

توسعه نامتوازن

دولت سیزدهم در لحظه‌ای سر کار آمد که همه‌گیری کرونا همچنان می‌تاخت و خدمات الکترونیکی به نیاز اصلی مردم و کسب‌وکارها تبدیل شده بود. در این وضعیت دولت سیزدهم توان تغییر کمتری در مسیر ارائه خدمات داشت و به همین دلیل، به بازطراحی پروژه‌های دولت قبل و سامانه‌های تکلیفی پرداخت و در نهایت به مدل توسعه‌ای خود رسید. ارزیابی کلی از مسیر دولت سیزدهم نشان از رشد کمی و عددی خدمات دارد با این حال، امکان ارزیابی کیفی با توجه به نتایج اولیه طرح‌ها با قطعیت پایینی همراه است. به عبارتی، وضعیت خدمات الکترونیکی دولتی در دولت سیزدهم از وضعیت اولیه و ابتدایی طرح‌ها و سامانه‌ها خبر می‌دهد، با این حال مسیر کلی این حرکت متمرکز بوده است. در واقع، تمرکز بخشی به خدمات پراکنده وزارتخانه‌ها و تجمیع مجوزهای کسب‌وکاری و ایجاد محیط آزمون برای تنظیم‌گری

از اولین لحظات تشکیل کابینه دولت سیزدهم، برای بسیاری رویکرد دولت برای توسعه خدمات الکترونیکی و هوشمند محل سوال بود؛ چراکه چهره‌های جدید و جوانی بر صندلی وزارت و معاونت‌ها تکیه زده بودند که پیش از آن کمتر کسی آنان را می‌شناخت. منظور از شناخت در واقع فهم رویکردی بود که احتمالاً وزرای جوان دولت سیزدهم می‌خواستند در نسبت با توسعه خدمات الکترونیکی و هوشمند در پیش بگیرند.

در واقع، بخشی از معمای دولت سیزدهم در شکل توسعه خدمات الکترونیکی و هوشمند تبلور می‌یافت، معمایی که کم‌کم کلید حل آن با حرکت وزارتخانه‌ها به دست آمد. دولت سیزدهم در دو سال اول به دنبال فرصتی برای طرح‌ریزی مسنجم و کلان برای توسعه خدماتش بود و این فرصت را از طریق نگهداری کج‌دار مریز از سامانه‌های دولت پیشین ادامه داد تا اینکه در سال سوم طرح‌های اولیه دولت سیزدهم معنادار شد.

وضعیت پروژه‌های اجرا شده در وزارتخانه‌های مختلف

نام وزارتخانه	نام طرح	وضعیت طرح
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	راه‌اندازی پنجره ملی هوشمند	تکمیل
وزارت امور اقتصادی و دارایی	راه‌اندازی سندباکس مرکزی	نیمه‌تمام
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	درگاه ملی مجوزها	تکمیل
	سامانه مؤدیان	تکمیل
وزارت آموزش	الکترونیکی‌سازی نسخه	تکمیل
	اجازه فعالیت پلتفرم‌های دارویی	نیمه‌تمام
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	کالابریگ الکترونیکی	تکمیل
وزارت راه و شهرسازی	راه‌اندازی سامانه اسکان	تکمیل
وزارت صنعت، معدن و تجارت	سامانه جامع تجارت	نیمه‌تمام
وزارت آموزش و پرورش	ثبت‌نام الکترونیکی دانش‌آموزان	تکمیل

وزارت اقتصاد دستگاه‌های اجرایی مجوزهای خود را به این درگاه منتقل کردند و فرایند مجوزدهی در وضعیت مطلوبی قرار گرفت. به عبارت بهتر، در ماه‌های اخیر نسبت درخواست و صدور مجوز به هماهنگی رسیده بود و مجوزهای ثبت‌محور صدور سه‌روزه را تجربه می‌کردند. بر اساس آمارهای مرکز بهبود محیط کسب‌وکار، ۹۲ درصد مجوزهای کشور جزو مجوزهای ثبت‌محور محسوب می‌شوند. این درگاه با الزام سازمان امور مالیاتی صدور مجوز را با اخذ شناسه یکتا همراه کرد و اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، صدور صورت‌حساب الکترونیکی برای سامانه مؤدیان افزایش خواهد یافت. همچنین ۲۳۴ پروانه در کشور تایید‌محور است که نیازمند تایید اداره اماکن هستند. با این همه، درگاه ملی مجوزها یک طرح تکمیل‌شده در دولت سیزدهم به حساب می‌آید و به اهداف اولیه خود با پایان دولت بسیار نزدیک شده است.

سندباکس

پروژه سندباکس در سال ۹۸ به عنوان راه‌حلی برای تنظیم‌گری کسب‌وکارهای نوآور و پریسک مطرح شد، طرحی که تلاش داشت به بهبود مسیر توسعه کسب‌وکارها کمک کند و نقش رگولاتورهای بخشی را از یک مانع به تسهیل‌گر تغییر دهد. این طرح در دولت دوازدهم آغاز شد و در دولت سیزدهم با تغییر در تعریف وزارتخانه‌ها به عنوان تنظیم‌گران بخشی پیش رفت اما در مجموع در سندباکس‌های بخشی تنها یکی دو طرح پذیرفته شده است و خروجی سندباکس تنها به سندباکس بورس منحصر می‌شود. در واقع، وزارت اقتصاد در تنظیم‌گری مرکزی سندباکس توان ایجاد وحدت رویه و شتاب‌دهی به فرایند پذیرش مدل‌های کسب‌وکاری را نداشت و طبق آمارهای موجود این طرح با وجود تکمیل بودن، نتیجه قابل قبولی کسب نکرده است.

سامانه مؤدیان

سامانه مؤدیان مالیاتی و قانون پایانه‌های فروشگاهی در مهرماه ۹۸ به تصویب مجلس رسید و اجرای آن در دولت سیزدهم با طراحی جدید آغاز شد. این طرح در ۶ مرحله پیش رفت و با وجود نهای شدن همچنان مشکلاتی دارد. عمده این مشکلات در ارائه صورت‌حساب الکترونیکی بروز پیدا کرده و به همین دلیل، اجرای این مرحله چند بار به تعویق افتاده است. با این همه، از دی‌ماه ۱۴۰۲ ارائه

پیش‌رفته است. این سه پروژه که وزارت اقتصاد مسئولیت اجرای آن را بر عهده گرفت، سامانه‌های تکلیفی بودند که از دولت‌های قبل باقی مانده بود.

درگاه ملی مجوزها

وزارت اقتصاد راه‌اندازی درگاه ملی مجوزها را نوعی پاسخ عملیاتی به قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکاری و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی معرفی کرده است. استدلال دولت سیزدهم در راه‌اندازی درگاه ملی مجوزها به ماده ۷ اصل ۴۴ قانون اساسی برمی‌گردد، اصلی که برای اولین بار در اصلاحیه آن در سال ۹۹ به درگاه ملی مجوزها اشاره شده است. بر اساس این ماده تعیین سقف زمان برای صدور مجوز کسب‌وکار از سوی هیات مقررات‌زدایی و مرکز بهبود محیط کسب‌وکار مشخص می‌شود. به این ترتیب، درگاه ملی مجوزها با محوریت وزارت اقتصاد در سه مرحله پیش‌رفت: مشاهده شرایط صدور مجوز و ثبت صورت الکترونیکی درخواست صدور مجوز و در نهایت صدور مجوز.

هدف درگاه ملی مجوزها رشد تعداد کسب‌وکارها بر اساس مقررات‌زدایی و حذف بخشنامه‌های درون‌سازمانی و تجمیع فرایندهای مجوزدهی بود. این طرح با وجود انتقادات عمده و عیدیه‌ای که متوجه‌اش شد توانست در مسیر اولیه گام‌های موثری از حیث رشد تعدادی مجوزهای کسب‌وکاری بردارد. بر اساس آخرین اظهارنظر امیر سیاح رئیس مرکز بهبود محیط کسب‌وکار، تعداد مجوزهای الکترونیکی «شناسه یکتا» صادره از درگاه ملی مجوزها از سه میلیون گذشته است.

وضعیت درگاه ملی مجوزها در ماه‌های ابتدایی فعالیتش دچار اختلال‌های شدید و چندروزه بود که در ادامه این اختلال‌ها کمتر شد. در واقع، با الزام و هشدارهای پی‌درپی

طرف دیگر، فرایند اعطای مجوز را در درگاه ملی مجوزها تعریف کنند.

به این ترتیب، وزارتخانه‌های مکلف در اتصال به پنجره ملی خدمات دولت هوشمند و انتقال فرایند اخذ مجوز به درگاه ملی مجوزها در سطح اولیه عملکردی یکسان داشته‌اند. اما در کیفیت خدمات در دو سامانه یادشده عملکرد یکسانی نداشته‌اند و اختلاف سطح کیفیت خدمات وزارتخانه‌ها از طریق گزارش‌های دوره‌ای وزارت اقتصاد کاملاً مشهود است. با این حال، وزارت ارتباطات، وزارت اقتصاد، وزارت بهداشت، وزارت رفاه، وزارت صمت، وزارت آموزش و پرورش و وزارت راه و شهرسازی پروژه‌های مشخصی برای توسعه دولت الکترونیکی پیش برده‌اند.

جدول بالا نشان می‌دهد هفت وزارتخانه یادشده بیشترین تاثیر را بر روند توسعه دولت الکترونیکی گذاشته‌اند و معیاری برای ارزیابی عملکرد دولت سیزدهم در زمینه دولت الکترونیکی ایجاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد نقش وزارت ارتباطات به عنوان راهبر فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور بیش از دیگر از وزارتخانه‌ها در توسعه دولت الکترونیکی باشد و پنجره ملی خدمات هوشمند نیز در این وزارتخانه راه‌اندازی شده و توسعه پیدا کرده است. در واقع، از میان هفت وزارتخانه یادشده باید گزینه وزارت ارتباطات را نادیده بگیریم و به ۶ وزارتخانه باقی‌مانده بپردازیم.

سه‌گانه مجوزها، سندباکس و مالیاتی

سه پروژه عمده وزارت اقتصاد به طور ویژه در توسعه زیرساخت خدمات الکترونیکی و هوشمند نقش ایفا کردند. وزارت اقتصاد از سه جهت به توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای انجام پروژه‌های درگاه ملی مجوزها، سندباکس و سامانه مؤدیان پرداخت اگرچه در اجرا، راه‌اندازی و توسعه این سه طرح با مشکلاتی روبه‌رو بوده، در مسیر رو به جلویی

صورت حساب الکترونیکی الزامی شد اما همچنان مالیات الکترونیکی فراگیر نشده و فاصله زیادی با همگانی شدن دارد.

وزارت بهداشت

چراغ سبز به پلتفرم‌های دارویی

در اردیبهشت ۱۴۰۳ وزارت بهداشت بعد از مقاومت طولانی مدت خود، دستورالعمل حمل و عرضه دارو از طریق پلتفرم‌ها و کسب‌وکارهای اینترنتی را ابلاغ کرد و راه توسعه پلتفرم‌های دارویی گشوده شد. این دستورالعمل با وجود محدودیت‌های خاص خود نظیر ممنوعیت پذیرش نسخه کاغذی و ایجاد نکردن دارک‌استورهای دارویی، پلتفرم‌های دارویی را از سردرگمی نجات داد و آینده آنها را از ابهام خارج کرد.

نسخه‌پیچی آنلاین

نسخه الکترونیکی الزامی بود که در دی‌ماه ۹۹ عملیاتی شد اما در دولت سیزدهم صدور نسخه الکترونیکی رشد معناداری پیدا کرد. معاون مرکز آمار و فناوری اطلاعات سازمان بیمه سلامت ایران، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی صدور نسخه الکترونیکی در سال ۱۴۰۲ را تایید کرده و از رشد هشت درصدی اجرای طرح نسخه الکترونیکی با مشارکت ۱۰۲ هزار پزشک خبر داده است. با این حال، طرح نسخه الکترونیکی هنوز به طور کامل به اجرا درنیامده اما روند افزایشی داشته است.

وزارت رفاه

کالابری الکترونیکی

طرح کالابری الکترونیکی تکلیفی بود که مجلس بر عهده دولت سیزدهم گذاشت. دولت سیزدهم با طرح جراحی اقتصادی ارز ترجیحی ۴۲۰۰ را حذف کرد و قرار شد کالابری الکترونیکی به مردم عرضه کند. با این حال دولت سیزدهم از ارائه کالا به قیمت شهرویر ۱۴۰۰ سر باز زد و آماده نبودن زیرساخت فنی را دلیل تعویق اجرای این طرح اعلام کرد. بعد از اجرای آزمایشی آن در سال ۱۴۰۱، اجرای سراسری کالابری الکترونیکی در سال ۱۴۰۲ آغاز شد اما استقبال مردم را در پی نداشت تا اینکه طرح فجرانه باعث شد مردم به استفاده از کالابری ترغیب شوند. طرح کالابری الکترونیکی با وجود اجرای سراسری و آمادگی زیرساخت فنی و عملیاتی مورد استقبال تمام مردم واقع نشده است. با این همه، این طرح به طور کامل به اجرا درآمده است و یکی از پروژه‌های

تکمیل‌شده دولت سیزدهم به حساب می‌آید.

وزارت راه و شهرسازی سامانه خودنویس

ابتدای سال ۱۴۰۳ وزارت راه و شهرسازی اعلام کرد ثبت قراردادهای اجاره برای دریافت کد رهگیری، باید از طریق سامانه الکترونیکی خودنویس انجام شود. موجر و مستاجر ملزم شده‌اند که از سامانه خودنویس برای ثبت رهن و اجاره استفاده کنند. با این حال، استفاده از این سامانه، ثبت‌نام در مدارس، انتقال خودرو و وام ودیعه مسکن را مشکل‌ساز کرده است، چراکه بسیاری از مالکان از ثبت‌نام در سامانه خودنویس امتناع می‌کنند و نبود کد رهگیری کار مستاجران را دشوار کرده است. در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ بود که مشاوران املاک تهران ملزم به استفاده از سامانه «خودنویس» به منظور دریافت کد رهگیری قرارداد اجاره برای مالکان و مستاجران شدند. سامانه خودنویس آخرین پروژه دولت سیزدهم بود که در مرحله ابتدایی به سر می‌برد و به نظر می‌رسد راه طولانی‌ای برای فراگیری میان مردم دارد.

وزارت صمت

سامانه جامع تجارت

سامانه جامع تجارت بعد از ۱۰ سال بلاتکلیفی توانسته به شکل آزمایشی به گمرک غرب کشور متصل شود. مشاور رئیس کل گمرک در امور فناوری در این باره به سیتنا گفته است: «به موجب آیین‌نامه مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک باید سامانه‌ای برای تسهیل تجارت راه‌اندازی کند که در گمرک غرب این سامانه آغاز به کار کرده و در حال ارزیابی است که این امر به یکپارچه‌سازی اطلاعات و در نهایت تسهیل تجارت کمک می‌کند.»

بر این اساس، برای اولین بار گمرک به سامانه جامع تجارت به شکل آزمایشی متصل می‌شود. معطلی ۱۰ ساله سامانه جامع تجارت به دلیل اختلاف نظر میان گمرک و وزارت صمت بر سر حاکمیت داده‌های این سامانه، ایجاد شده است. با وجود اتصال آزمایشی گمرک به سامانه جامع تجارت در دولت سیزدهم نیز معماری این سامانه تکمیل نشد و این پروژه نیمه‌کاره به دولت چهاردهم تحویل داده خواهد شد.

وزارت آموزش و پرورش

ثبت‌نام الکترونیکی دانش‌آموزان

بر اساس آمارهای معاونت دولت الکترونیکی بیشترین آمار مراجعه به پنجره ملی خدمات

هوشمند مختص پنجره واحد خدمات آموزش و پرورش بوده است. با این حال، بیشترین اختلال نیز در این پنجره واحد رخ داده است. سجاد سیاح مدیر کل دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش به خبرگزاری ایسنا درباره اختلال در ثبت‌نام الکترونیکی دانش‌آموزان گفته است: «پنجره ملی خدمات دولت الکترونیکی آموزش و پرورش تاکنون به حدود ۷۰۰ میلیون کاربر خدمات ارائه داده است. طبیعی است که ممکن است سایت مشکلاتی داشته باشد اما در کل ما به عنوان یکی از پربازدیدترین پنجره‌های سایت خدمات دولت الکترونیکی فعالیت داشته‌ایم و با مشکل حادی مواجه نشده‌ایم.»

با این حال، ثبت‌نام الکترونیکی دانش‌آموزان در ابتدا با مشکل احراز محل سکونت دانش‌آموزان روبه‌رو بود که در ادامه برطرف شد و در حال حاضر، عمده مشکل این فرایند اختلال در عملکرد پنجره واحد است.

کارت ورود به جلسه

تغییر در نحوه امتحان نهایی سبب شد کارت ورود به جلسه در سال جاری، الکترونیکی صادر شود. اما آموزش و پرورش در پیش‌بینی تعداد مراجعان عملکرد مناسبی نداشت و این فرایند با اختلال عمده همراه و در نهایت به تغییر تاریخ امتحانات منجر شد. معاون مرکز فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش، بهامین تختایی، درباره این اختلال پیش‌آمده به پیوست گفت: «سال‌های گذشته مدارس کارت‌های دانش‌آموزان را دریافت می‌کردند. امسال دانش‌آموزان خودشان به سایت مراجعه کردند و هر سامانه‌ای این تعداد مراجع داشته باشد مختل می‌شود.»

در واقع آمارها نشان می‌دهد وزارت آموزش و پرورش در دو فرایند الکترونیکی‌شده خود نتوانست عملکرد مناسبی داشته باشد با این حال، مسیر الکترونیکی‌ساز دو خدمت خود را به انتها رسانده است.

ارزیابی عملکرد دولت الکترونیکی سیزدهم نیازمند گذشت زمان است و باید دید در آینده طرح‌های دولت سیزدهم چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد.

با این همه، در میان هفت وزارتخانه بررسی‌شده به نظر می‌رسد وزارت اقتصاد با سه طرح عمده درگاه ملی مجوزها، سندباکس و سامانه مؤدیان نمره بهتری از دیگر وزارتخانه‌ها کسب کرده باشد ۳

تجارت الکترونیکی



تاریخ افت و خیز اینماد

بازی در محدوده خاکستری‌ها



نماد اعتماد الکترونیکی

www.eNAMAD.ir

مرکز توسعه تجارت الکترونیکی
وزارت صنعت، معدن و تجارت

خاکستری در نتیجه تعامل بانک مرکزی و مرکز توسعه تجارت الکترونیکی مورد پذیرش قرار گرفت و سطح محدودیت‌های اینماد را برای کسب‌وکارها کاهش داد.

بنا بر تعریف مرکز تتا، «اینماد بدون ستاره فرایند ساده‌شده اعطای اینماد برای کسب‌وکارهای خرد است که به عنوان اولین تجربه مجوز ثبت‌محور در کشور صرفاً با احراز هویت و دامنه عملیاتی شده است». در حقیقت، درجه‌بندی تعریف اینماد به‌نوعی پاسخی به رشد کسب‌وکارهای نوآور به‌ویژه کسب‌وکارهای مالی است که محدودیت‌هایی در سطح تراکنش‌های مالی ایجاد کرده است. بر این اساس، دامنه تعداد و مبلغ تراکنش‌های کسب‌وکارهای دارای اینماد خاکستری به‌ترتیب باید کمتر از ۱۰۰ عدد و تا مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان باشد.

با وجود این محدودیت تعدادی و مبلغی بسیاری از کسب‌وکارها از حداقل عقب‌نشینی رگولاتورها استفاده کردند و برای اینماد خاکستری درخواست دادند. در واقع این تعریف علاوه بر ساماندهی کسب‌وکارها مسیر اخذ اینماد ستاره‌دار تسهیل کرده است. در تعریف اینماد خاکستری تاکید شده است اگر تعداد تراکنش‌ها بیشتر شود، کسب‌وکارها بایستی برای دریافت اینماد ستاره‌دار اقدام کنند. به همین دلیل احتمالاً رشد اینماد خاکستری تغییری معنادار در سابقه فعالیت واحدهای تجارت الکترونیکی ایجاد کند؛ چراکه با رشد کسب‌وکارها تعداد عددی و مبلغی تراکنش‌ها افزایش می‌یابد.

بی‌نمادها

در حال حاضر، طبق گزارش مرکز تتا در حدود ۴۲ درصد از واحدهای تجارت الکترونیکی بین یک تا چهار سال، حدود ۱۸ درصد بین چهار تا هشت سال، و پنج درصد بیش از هشت سال سابقه فعالیت دارند. همچنین ۳۵ درصد واحدهای تجارت الکترونیکی کمتر از یک سال فعالیت دارند. بر این اساس، بیشترین تعداد کسب‌وکارهای اینماد عمری بیشتر از چهار سال ندارند و ۷۷ درصد از واحدهای تجارت الکترونیکی را شامل می‌شوند.

با این حال، بخش عمده‌ای از واحدهای تجارت الکترونیکی فاقد اینماد هستند. در گزارش تجارت الکترونیکی ۱۴۰۲ تعداد واحدهای تجارت الکترونیکی ۴۷۰ هزار واحد عنوان شده، این تعداد در گزارش سال گذشته نیز تکرار شده است. در اصل، گزارش تجارت الکترونیکی سال ۱۴۰۱ نشان می‌داد ۶۷ درصد

به اینماد عادی تبدیل وضعیت داشته‌اند.

بازگشت به مسیر اولیه

به عبارت بهتر، اینماد خاکستری همزمان که فرایند شروع کسب‌وکاری را تسهیل کرده مسیر تغییر وضعیت کسب‌وکارهای خرد را به اینماد عادی فراهم کرده است. در واقع، بخشی از رشد ۷۴ درصدی حجم معاملات تجارت الکترونیکی تا پایان سال ۱۴۰۲ به رشد اینماد خاکستری برمی‌گردد؛ چراکه اینماد خاکستری برای بسیاری از کسب‌وکارهای خرد به‌ویژه کسب‌وکارهای رمزسازی فضای فعالیت مهیا کرد و تنظیم‌گری را از حالت پیشینی مطلق به وضعیت میانه و متعادل رساند.

اگر در گذشته مسیر اینماد بر منطق سنجش پیشینی کسب‌وکارها توسعه یافته بود اینماد خاکستری نگاه مطلق‌انگارانه را از چهره اینماد زدود و منطقه ممنوعه کسب‌وکارهای خاکستری را به بازی دعوت کرد. با این حال، کسب‌وکارهای منطقه خاکستری از سمت دو رگولاتور حوزه تجارت الکترونیکی یعنی بانک مرکزی و مرکز توسعه تجارت الکترونیکی به رسمیت شناخته شدند. در واقع، اینماد

رشد ۴۷ درصدی اینماد در سال ۱۴۰۲ نشان از تغییر جهت فکری مرکز توسعه تجارت الکترونیکی نسبت به کسب‌وکارهای فعال در حوزه تجارت الکترونیکی می‌دهد. در واقع، بازی در محدوده خاکستری‌ها، اینماد را به مسیر حمایتی خود برگرداند و به ساماندهی کسب‌وکارهای خرد و بدون مجوز کمک کرد. بر اساس آخرین گزارش مرکز توسعه تجارت الکترونیکی تا پایان سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۲۰۷ هزار اینماد فعال در کشور ثبت شده است که از این تعداد بیش از ۳۷ هزار اینماد بدون ستاره بوده‌اند.

در واقع، از آذرماه ۱۴۰۰ که اینماد بدون ستاره یا اینماد خاکستری در نسبت با برخی کسب‌وکارها از سوی مرکز توسعه تجارت الکترونیکی تعریف شد تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد اینماد خاکستری به ۳۷ هزار و ۳۱۱ عدد رسیده است. در گزارش مرکز تتا تاکید شده تنها در سال ۱۴۰۲ بیش از ۲۹ هزار اینماد بدون ستاره ثبت شده که نشان از رشد ۲۰۹ درصدی این اینماد نسبت به سال ۱۴۰۱ دارد. همچنین در این گزارش آمده است در سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۱ هزار کسب‌وکار خرد از اینماد بی‌ستاره (اینماد خاکستری)



ابوالفضل رازی

او در گفت‌وگو با پیوست توضیح داده است: «اینماد اگر مجوز بود که باید کل کسب‌وکارهای آنلاین آن را می‌گرفتند. ما معتقدیم یکسری از کسب‌وکارها اصلاً لازم نیست وارد فرایند اینماد بشوند. جایی باید اینماد دریافت کند که به اندازه کافی بزرگ شده و به درگاه پرداخت احساس نیاز پیدا می‌کند.»

با این حال ماجرای کوروش کمپانی نشان داد اینماد نمی‌تواند حداقل سطح ریسک را پوشش دهد. در ماجرای کوروش کمپانی وزارت صمت اعلام کرد: «بر اساس گزارش مرکز توسعه تجارت الکترونیکی، در زمان صدور اینماد، استعلام سوءپیشینه از نیروی انتظامی انجام شده است؛ لذا در هیچ‌یک از موارد، منع قانونی برای صدور مجوز وجود نداشته است.» حرکت به سمت مجوزمحموری باعث شد بیشتر نگاه‌ها در این ماجرا به سمت اینماد برگردد در حالی که اینماد در مفهوم اولیه خود تنها یک تاییدکننده اولیه شروع کسب‌وکار در حوزه تجارت الکترونیکی به حساب می‌آید.

مرکز توسعه تجارت الکترونیکی با نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال کوروش کمپانی، نشان داد اینماد در کاهش ریسک با «ایجاد توازن اطلاعاتی» موفق نبوده است. رئیس مرکز تتا درباره مساله بررسی سطح ریسک در اینماد گفته است: «اینماد یکی از کارکردهایش این است که این سطح ریسک را با توازن اطلاعاتی متوازن کند. از طرفی کسب‌وکار زمانی که اینماد را می‌گیرد یک تیک می‌زند که من با ضوابط تجارت الکترونیکی موافقم.» در اصل، اینماد در لایه‌ای قرار گرفت که جایگاه آن نبود و به نظر می‌رسد باید از این لایه فاصله بگیرد. در آیین‌نامه مبارزه با پولشویی در سال ۹۸ در ماده ۶۷ آمده است: «اشخاص مشمول مکلف‌اند به منظور پایش مستمر ارباب رجوع در فرایند شناسایی معمول و نیز ارزیابی خطرپذیری (ریسک) برقراری تعاملات کاری با آنها، نسبت به تعیین سطح فعالیت ارباب رجوع مطابق این آیین‌نامه و سایر الزامات تعیین‌شده توسط مرکز با همکاری دستگاه‌های متولی نظارت اقدام کند.» به عبارتی، بانک مرکزی مسئول تعیین سطح ریسک کسب‌وکارها با تعیین سطح فعالیت حساب است نه اینماد به عنوان یک بستر تجمیع اطلاعات کسب‌وکاری. بنابراین اینماد باید به شفافیت فضای تجارت الکترونیکی کشور کمک و مسیر توسعه تجارت الکترونیکی را تسهیل کند؛ فرایندی که شاید با تسهیل مراحل صدور اینماد و حرکت در محدوده کسب‌وکارهای خاکستری ممکن شود.

سال ۱۴۰۱ به شکل کارگزاری از سمت شرکت‌های پرداخت نیز پیش رفت. رئیس مرکز تتا درباره مدل کارگزاری گفته است: «با شرکت‌های پرداختی مدلی از کارگزاری را امتحان کردیم و جواب خوبی گرفتیم، با APIیی که در اختیار شرکت‌های پرداختی قرار دادیم مراجعه‌کنندگان به منظور دریافت درگاه پرداخت از همان‌جا می‌توانستند برای دریافت اینماد نیز اقدام کنند. این تجربه موفق بود هرچند اشکالاتی نیز داشت. در قدم بعدی از آن تجربه استفاده می‌کنیم و یک پله می‌رویم آن طرفتر. تجربه قبلی ما فقط اینماد بدون ستاره بود.»

به عبارت بهتر، اینماد بدون ستاره در نتیجه تجربه کارگزاری شرکت‌های پرداخت معنادار شد و بر اساس گفته رئیس مرکز تتا، این تجربه به وارد نشدن این مرکز به فرایند ممیزی تسری پیدا خواهد کرد. با این اوصاف، اگر با تغییر دولت سیزدهم رویکرد در مرکز توسعه تجارت الکترونیکی تغییر نکند، احتمالاً اینماد بدون ستاره نیز از طریق کارگزاری صادر شود. رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیکی درباره صدور اینماد ستاره‌دار گفته است: «حالا می‌خواهیم اینماد ستاره‌دار هم صادر شود. کارگزار قرار است آن قسمت‌هایی را که دولت در آن خوب نیست انجام بدهد ... و با APIیی که در اختیارش است تمامی مدارک را برای ما می‌فرستد و ما فقط یک کنترل چشمی و سیستمی نهایی می‌کنیم که چیزی از قلم نیفتاده باشد و دیگر وارد ممیزی نمی‌شویم.»

مجوز است یا نه

اختلاف نظر درباره رویکرد مجوزمحموری در زمینه اینماد در سال‌های اخیر بیشتر و بیشتر شده است. در واقع از آذرماه ۱۴۰۰ که اخذ اینماد برای دریافت درگاه پرداخت اینترنتی الزامی شد، نماد اعتماد الکترونیکی در قامت یک مجوز شروع کسب‌وکاری شناخته شد. قبل‌تر در سال ۹۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی به ارائه‌کنندگان خدمات پرداخت تکلیف کرد «قبل از ارائه هرگونه ابزار پذیرش، مجوز نماد اعتماد الکترونیکی را از پذیرنده دریافت کنند.»

حرکت اینماد در این مسیر در کنار اختلال‌های سامانه و اینترنت باعث شد آمار تجارت الکترونیکی در مقطعی کاهشی شود اما در حال حاضر تجارت الکترونیکی از شوک خارج شده و به نظر می‌رسد در سال جاری روند افزایشی داشته باشد. با این حال، مجوزمحموری اینماد از نظر رئیس مرکز تتا پذیرفته نیست.

واحدهای تجارت الکترونیکی فاقد اینماد بوده‌اند و تنها ۳۳ درصد از واحدهای تجارت الکترونیکی اینماد داشته‌اند.

به عبارت دیگر، از ۴۷۰ هزار واحد تجارت الکترونیکی تنها ۱۴۰ هزار و ۹۹۰ واحد اینماد داشته‌اند. گزارش جدید نشان می‌دهد تعداد واحدهای تجارت الکترونیکی دارای اینماد به ۲۰۷ هزار رسیده است. بر این اساس، در حدود ۴۴ درصد از کل واحدهای تجارت الکترونیکی دارای اینماد و ۵۶ درصد از واحدهای تجارت الکترونیکی فاقد اینماد هستند. این درصدها نشان می‌دهد وضعیت واحدهای تجارت الکترونیکی دارای اینماد و فاقد اینماد به حالت برابری رسیده است و ۱۰ درصد واحدهای تجارت الکترونیکی فاقد اینماد در طول یک سال گذشته اینماددار شده‌اند. با این همه، بخش چشمگیری از کسب‌وکارهای تجارت الکترونیکی اینماد ندارند و باید دید در ادامه تعداد کسب‌وکارهای دارای اینماد از تعداد کسب‌وکارهای فاقد اینماد پیشی می‌گیرد یا خیر. هرچند رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیکی می‌گوید بسیاری از واحدهای تجارت الکترونیکی که اینماد دریافت نکرده‌اند در اصل با پلتفرم‌هایی همکاری می‌کنند که اینماد دریافت کرده‌اند.

ضعف عملیات دولت، برون‌سپاری

بخشی از کاهش تعدادی واحدهای تجارت الکترونیکی فاقد اینماد، حاصل نوعی برون‌سپاری نرم‌افزاری بوده است. مرکز تتا در آبان سال ۱۴۰۲ تصمیم گرفت برای «تمرکززدایی، افزایش کیفیت خدمات و حمایت از نقش آفرینی بخش غیردولتی» صدور اینماد را برون‌سپاری کند. امین کلاهدوزان رئیس مرکز تتا بیشتر در گفت‌وگو با پیوست ضعف عملیاتی دولت در این زمینه را تایید کرده و خبر از حرکت به سمت تسهیل فرایندهای صدور اینماد داده بود. او توضیح داده است: «مکانیسمی که الان وجود دارد از لحاظ عملیاتی ایراد دارد؛ برای مثال افراد نباید به دلیل مشکلات سیستم ما، مشکلات نرم‌افزاری تغییر سرور و هر چیز دیگری در صف پاسخ به درخواست‌هایشان بمانند. در اصل در عملیات دولت ضعیف است.»

اختلال عمده در صدور اینماد در مهرماه ۱۴۰۲ به دلیل تغییرات در سامانه اینماد، با افزایش نارضایتی کسب‌وکارها روبه‌رو شد، اختلالی که نزدیک به یک ماه به طول کشید. در واقع، تغییرات در سامانه اینماد و افزایش تقاضا باعث ایجاد این اختلال شد. سامانه اینماد در

بانکداری الکترونیکی



بخشی از گفت‌وگوی منتشر نشده با اسدالله امیراصلانی

فردی که مسیر بانکداری الکترونیکی را تغییر داد



من سال ۱۳۳۱ در بانک ملی تهران استخدام شدم. در زمان استخدام، در تهران جا نداشتند و باید ۶ ماه منتظر می‌ماندم تا شعبه سعدی افتتاح شود و در این شعبه مشغول به کار شوم. ساختمان این شعبه در خیابان سعدی جنوبی در دست ساخت بود. به من پیشنهاد دیگری هم شد که به جای تهران، به شعبه بانک ملی در یکی از شهرهای بندرعباس، اهواز یا گنبدکاووس منتقل شوم. من جنگل و طبیعت را دوست داشتم و گنبدکاووس را انتخاب کردم. هرچند، پدرم مخالف بود و به سختی راضی شد. زمانی که وارد شعبه بانک ملی گنبدکاووس شدم، هنوز به سن سربازی نرسیده بودم و ۱۸ سال داشتم. اگر بخواهید دریابید مملکت از نظر کاهش ارزش پول چه تغییراتی کرده، کافی است بدانید من با حقوق ماهی ۱۶۲ تومن استخدام شدم.

شروع کار از یک شعبه کوچک بانک ملی در یک شهر دور باعث شد مشکلات کار بانکی در شعبه به‌خوبی آشنا شوم. در سال‌های نخست دهه ۳۰، شعبه بانک ملی تنها شعبه بانکی در گنبدکاووس بود و هیچ بانک دیگری وجود نداشت. نزدیک‌ترین شعبه بانکی به ما، بانک ملی گرگان بود. بنابراین، تا علی‌آباد کتول را ما سرویس می‌دادیم و بعد از آن را شعبه گرگان سرویس می‌داد. آن منطقه مرکز کشت گندم و جو و پنبه بود و اغلب بزرگان کشور مثل شاهپور غلامرضا، شاهپور علی‌رضا و برخی تیمسارهای ارتش و وزرا در آنجا زمین و منزل و فعالیت اقتصادی کلان داشتند. شعبه بانک ملی گنبدکاووس یکی از مراکز پول‌خور بانک ملی در کشور بود؛ وام می‌دادیم و پول محصولات و اجرت کارگرها را می‌پرداختیم.

من نزدیک به یک سال در شعبه گنبدکاووس بانک ملی بودم و همه کارهای یک شعبه را در آن زمان دیدم و انجام دادم. مرحوم عرفانی که سابقه‌اش چهار سال از من بیشتر بود و خوب به کارها وارد بود، آهسته آهسته مرا وارد بانکداری کرد. روز اول یک دفتر جلوی من گذاشت و گفت این دفتر نقدی است. دفتری بود که اصطلاحاً به آن دفتر رحلی می‌گفتند و اوراقش قد ورق‌های امتحانی بود. برای من توضیح داد که چه باید بنویسم. جملات نخست او را دقیقاً به خاطر دارم: «اینجا در ستون اول می‌نویسی یک جلوی آن در این ستون که بالایش نوشته شرح دریافتی از هر نفر مانند آقای حسنی یا دیگری را می‌نویسی. مبلغ دریافتی را هم در ستون سوم می‌نویسی.» به نظرم رسید کار ساده‌ای است و پنج شش صفحه نوشته‌م. آمد بررسی کرد و

آخرین گفت‌وگوی ما با اسدالله امیراصلانی مدیرعامل سابق بانک ملی تقریباً به اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ بازمی‌گردد. برای پروژه تاریخ شفاهی بانکداری الکترونیکی با او تماس گرفتیم. گفت ترجیح می‌دهد در خانه‌اش او را ملاقات کنیم چون دیگر توان خارج شدن از منزل را ندارد. در چند ساعتی که مهمانش بودیم خاطرات فعالیتش در بانک ملی آنچنان برایش واضح بود که انگار همین دیروز اتفاق افتاده است، اما وقتی با سوالی مواجه می‌شد که خیلی سیاستمدارانه ترجیح می‌داد آن را پاسخ ندهد می‌گفت: «خیلی از آن گذشته، فراموش‌اش کرده‌ام.»

رد پای امیراصلانی در بانکداری الکترونیکی ایران بسیار پررنگ است، درست زمانی که بسیاری از مدیران بانکی از تحول می‌ترسیدند او به پیشواز تحول رفت. او در مقام مدیرعامل بانک ملی ایران اولین کسی بود که اجرای طرح جامع اتوماسیون بانکی را در بانک تحت مدیریت خود پذیرفت. امیراصلانی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ که روی صندلی مدیرعاملی بانک ملی ایران نشسته بود تمام‌قد از این پروژه حمایت کرد. هرچند در نهایت پس از خروج او از بانک ملی، این طرح به طور کامل در بانک ملی ایران پیاده شد و به تدریج بانک‌های دیگر نیز به آن پیوستند. او بارها در دوره‌ای که بر صندلی ریاست بانک ملی تکیه داده بود از مصطفی الهی که آن زمان مجری طرح جامع اتوماسیون بانکی ایران بود دفاع کرد. وقتی از او پرسیدیم چگونه به این طرح اعتماد کردید، خیلی صادقانه پاسخ داد: «من مطمئن بودم با وضعیت آن زمان نمی‌توان بانک را اداره کرد. کار حساسی به صورت دستی مشکل بود و هر روز مشکل‌تر می‌شد، من یقین داشتم که باید کاری انجام داد. در اصل اول به تغییر اعتقاد داشتم و بعد به طرح جامع اتوماسیون بانکی اعتماد کردم و پس از آن به دکتر الهی.» او خود را مدیر ریسک‌پذیری می‌دانست. البته ریسک‌پذیری او آن زمان در نظام بانکی موجب شد در بزنگاه‌های تاریخ مسیر بانکداری الکترونیکی در ایران تغییر کند. این متنی که می‌خوانید تنها بخشی از گفت‌وگوی ما با امیراصلانی است. فقط برای گرامیداشت خاطره کسی که شاید بخشی از بانکداری الکترونیکی ایران مدیون اوست.



جاويد سربايي



مهرک محمودی

به نام آقای محمدی کارمند شعبه بانک ملی گنبدکاوس بود و برای معالجه قلبش مرخصی گرفته بود و به تهران رفته بود. معالجه ایشان که تمام شد به گنبد برگشت و من توانستم به جای ایشان به تهران منتقل شوم. در تهران مرا به شعبه بازار بانک ملی فرستادند. آن زمان شعبه بازار ۷۰۰ کارمند داشت و بزرگترین شعبه ایران بود و یک سال ۵۰ درصد سود بانک ملی در تمام ایران را شعبه بازار داده بود. در شعبه بازار من روزی ۱۰، ۱۲ هزارتا برات پاس می‌کردم.

سال ۱۳۳۶ برای اولین بار گفتند شعبه بازار بانک ملی قرار است مکانیزه شود. چند ماشین به نام پست‌سورونیک برای شعبه بازار خریداری شد. اینها ماشین‌های بزرگی بود که به ماشین‌های ۳۲ معروف بود و کسانی که با مشتری سروکار داشتند و باید چک‌های مشتریان را پاس می‌کردند، پشت آن می‌نشستند. من در شعبه بازار در قسمت کنترلینگ نشسته بودم و مسئول کار با یکی از این ماشین‌ها شدم. کار با این ماشین به این صورت بود که ماشین‌های پست‌سورونیک به یک مقوای خاصی نخ می‌بست و اینها بعد از ظهر می‌آمد مرکز و به عدد و رقم تبدیل می‌شد، چیزی که ما می‌زدیم به صورت کاغذهای ورقی سفید درمی‌آمد و آخر وقت به مرکز می‌رفت و در مرکز عملیات تطابق را انجام می‌دادند. در شعبه بانک ملی بازار سه‌تا کارمند شب‌کار داشتیم. اینها روزها نمی‌آمدند و

یک مقوا (سرنشانه) می‌گذاشتم. مقواهایی به عرض یک سانت و به طول ۱۰ سانت بریده بودم، و سر هر حسابی که کار می‌کردم می‌گذاشتم. مسئول دفتر کنترل هم همین کار را می‌کرد و لای صفحه‌ها نشان می‌گذاشت. آخر وقت اداری شعبه، من باید حساب‌ها را با او مقابله می‌کردم. بدین ترتیب که او می‌گفت فارابی، من می‌گفتم ۳۵ هزار تومان. اغلب موارد حساب‌ها هماهنگ بود، ولی مواردی پیش می‌آمد که اختلاف داشتیم. در این موارد باید دفاتر را مطابقت می‌دادیم و کنترل می‌کردیم. یا من اشتباه کرده بودم و عدد را به اشتباه وارد کرده بودم، یا او اشتباه کرده بود. این کنترل عملیات روزانه بود که حساب کسی وارد حساب کسی دیگر نشود یا حساب افراد کم و زیاد ثبت نشود.

دفترهای فوی ولانت سه دفتر بود: دفتر حساب‌های جاری، دفتر حساب‌های دولتی، دفتر حساب‌های پس‌انداز. این دفاتر همه دست‌نویس بود. هر روز صبح آستینی روی پیراهن می‌کشیدم که لباسم جوهری نشود و از ساعت هفت و نیم صبح تا یک بعد از ظهر که در بانک بسته می‌شد روی یک پله سرپا بودم و این دفاتر را می‌نوشتیم. یک لحظه نمی‌توانستم بنشینم و پشت سر هم و مثل فرقه توی این دفاتر می‌چرخیدم و حساب‌ها را پاس می‌کردم. ضمناً سه‌تا دفتر قبلی را هم باید می‌نوشتیم. برای شروع، کار بسیار سنگینی بود. من فکر می‌کردم این وظیفه یک نفر در بانک است، ولی وقتی بعد از یک سال به تهران آمدم دیدم این وظیفه سه نفر است. در مدت یک سالی که در شعبه بانک ملی گنبدکاوس بودم، این کارها را انجام می‌دادم.

نخستین روز هفته دوم که دفتر بزرگ را نوشتیم، در پایان وقت اداری، با آقای عرفانی دفاتر را بررسی کردیم که اشتباهی نشده باشد، فقط یک دینار اشتباه کرده بودم. آن موقع ما دینار داشتیم، دو دهم ریال هم داشتیم. ایشان شگفت‌زده شده بودند و گفتند این کار یک کارمند مجرب است که در این حجم عملیات فقط یک اشتباه کرده باشد. به هر حال این شروع کار من بود و مدتی که در شعبه بانک ملی گنبدکاوس بودم بسیار آموختم و تجربه کسب کردم.

بعد از یک سال درخواست دادم که به تهران منتقل شوم. انتقال نیروی بانک از شهرستان به تهران بسیار سخت انجام می‌شد. از طرف دیگر، شعبه بانک در گنبدکاوس هم قبول نمی‌کرد که من جدا شوم. شانس که آوردم، یک ترکمن

گفت: «آخر روز باید اینها را جمع بزنی، ولی برو خانه. کار امروز تو تمام شد.» با خودم فکر کردم بانکداری چه کار راحتی است.

روز دوم، دفتر دیگری به نام دفتر حواله‌ها به کار من اضافه شد. آقای عرفانی توضیح داد که باید به شیوه دفتر رحلی، در این دفتر نام و مبلغ و شماره کسانی را که حواله می‌دهند بنویسی. روز دوم هر دو دفتر را نوشتیم و به خانه رفتم. روز سوم، دفتر دیگری به نام دفتر انتقالات آورد و گفت شیوه نوشتن این دفتر هم مانند دو دفتر دیگر است. من کار هر سه دفتر را انجام دادم. روز چهارم گفت جمع روزانه هر دفتر را هم خودت انجام بده. بعد از یک هفته کاملاً به من اعتماد داشتند و همین آقای عرفانی گفت: «شما خیلی خوبی. زمانی که تو را به شعبه ما فرستادند، ناراحت بودیم که در تهران نشسته‌اند و متوجه نیستند و یک بچه را برای کار فرستاده‌اند. فکر می‌کردیم هیچ کاری انجام نخواهی داد.»

یک سال قبل از من، فرد دیگری را به همین شعبه فرستاده بودند که نابلد بود و آن قدر اشتباه کرده بود که ناچار شده بودند به او بگویند فقط پول بشمارد. یعنی مشتری که می‌آمد فقط پول را دریافت می‌کرد و شمارش می‌کرد و دیگر هیچ. من هیچ وقت با پول سروکار نداشتم. از همان اول که رفتم، دفتر می‌نوشتیم و کارهای حسابداری می‌کردم.

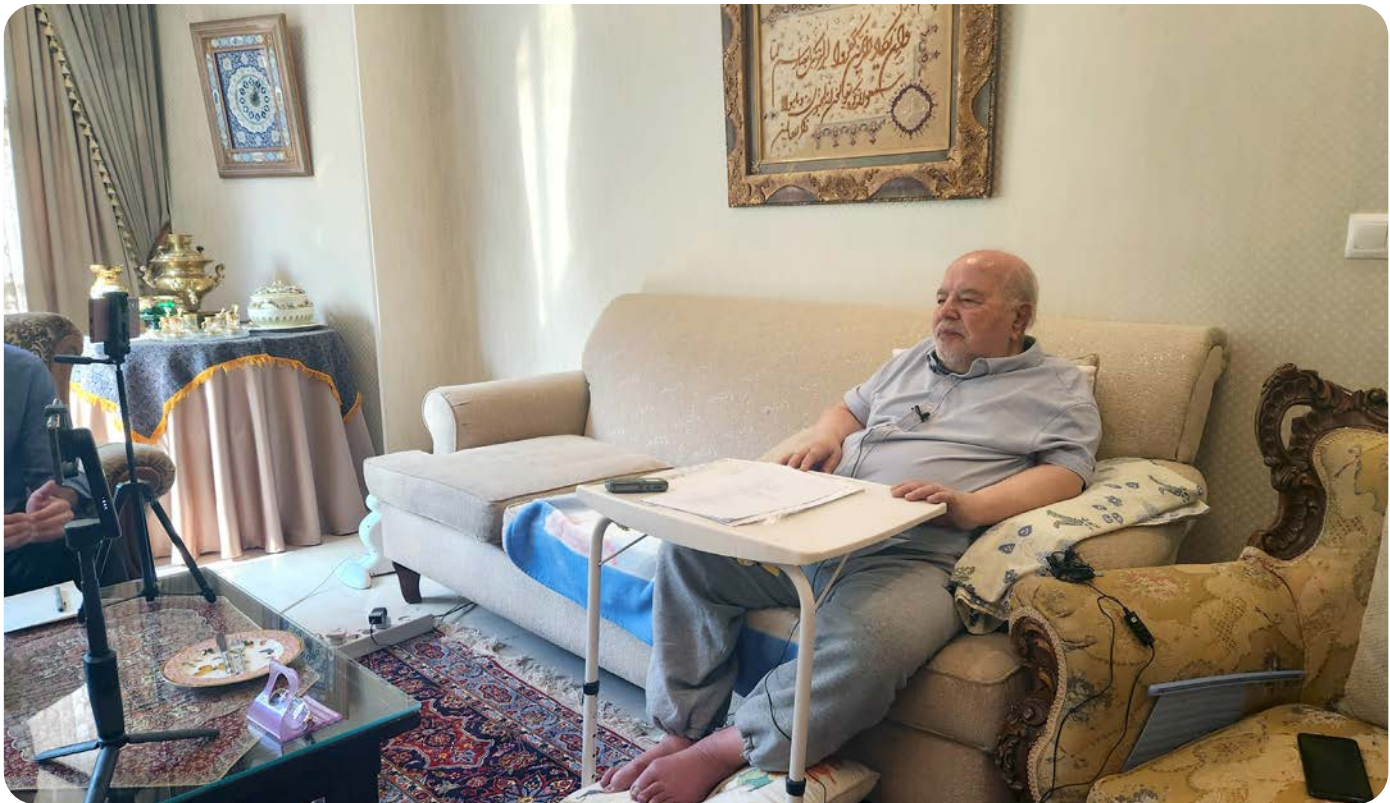
هفته دوم به من گفت می‌خواهم شما دفتر بزرگ را بنویسی. دفترهای بزرگی به نام دفتر فوی ولانت (حساب) بود، شبیه دفتری که عاقدها و محضردارها داخل آن می‌نویسند، و به دلیل بزرگی جلد فلزی داشت. به کسانی که حساب‌شان پرکار بود، با توجه به حجم عملیات صاحب حساب، صفحه اختصاص داده می‌شد؛ مثلاً ۱۰ برگ برای آقای فارابی که حسابش زیاد کار می‌کرد و سه برگ برای فرد دیگری که حسابش نسبت به قبلی کمتر کار می‌کرد. همین طوری دفتر را تقسیم‌بندی می‌کردیم. روال کار به این صورت بود که یک نفر از کارمندان شعبه پول را می‌شمرد یا چک را می‌گرفت و در کازیه من می‌انداخت، من چک را پاس می‌کردم و دوباره به او می‌دادم و او پرداخت می‌کرد و مشتری می‌رفت. یا اگر پولی به حساب می‌ریختند، فیش را به من می‌داد و من وارد می‌کردم و او رسید را به مشتری می‌داد.

یک نفر دیگر هم وظیفه داشت دفتر کنترل شعبه را پر کند و عین کار من را انجام می‌داد و می‌نوشت. من در هر صفحه‌ای که کار می‌کردم،

سال ۱۳۳۶ برای اولین بار گفتند شعبه بازار بانک ملی قرار است مکانیزه شود. چند ماشین به نام پست‌سورونیک برای شعبه بازار خریداری شد

شب‌ها می‌آمدند و اختلافاتی را که مرکز درآورده بود تصحیح می‌کردند تا صبح که ما می‌آمدیم سر کار همه چیز درست باشد و پول مردم جابه‌جا نشده باشد.

این اولین جرعه در اتوماسیون بانکی کشور بود. در آن زمان فقط بانک ملی و شرکت نفت دستگاه پست‌سورونیک داشتند و بین این دو جا همکاری خوبی برقرار بود و به هم کمک می‌کردیم. اگر آنها چیزی کم داشتند از ما می‌گرفتند و اگر ما مشکلی داشتیم از آنها کمک می‌گرفتیم. این ماشین‌ها را از



روستاها هم مکانیزه و دیجیتالی شده بود. کاری که در کمتر از ۱۰ سال با هماهنگی دکتر عادل، مرحوم نوربخش، دکتر الهی و تیم‌شان و من انجام شد، به‌جرات کاری باورنکردنی و بی‌مانند بود.

قبل از انقلاب یک مورد دزدی در بانک ملی اتفاق افتاد که بد نیست به عنوان خاطره گفته شود. این اتفاق در شعبه بازار جلوی چشم من روی داد. کارمندی در شعبه بازار بانک ملی به نام نوروزی داشتیم که ورزشکار و از مریدان شعبان بی‌مخ بود. او در باجه روبه‌روی من می‌نشست و کار می‌کرد. صبح روزی که موعد پرداخت حقوق بود، پول زیادی برای شعبه آورده بودند. خانم ایشان صبح اول وقت همراهش به بانک آمده بود. پول را که آوردند و روی باجه گذاشتند، به‌سرعت پول‌ها را داخل یک کیسه ریخت و به خانمش داد و گفت برو. به محض اینکه خانمش از در بیرون رفت، به خدمتکاری که آمده بود تا چک‌های حقوق کارمندان طبقه دوم را وصول کند گفت: «یزدانی اینجا را بپا، من بروم مدارها را بتراشم و ببایم.» رفت مداد را تراشید و آمد و گفت پول‌ها نیست. ریختند سرش و هرچه گفتند حرفی نزد. درها را بستند و بازرس آمد، حرفی نزد. در نهایت، از آگاهی مرکز آمدند و او را بردند. پول زیادی برده بود و هیچ اعترافی هم نکرد. چهار سال زندان بود و آخرش هم پول را پس نداد. ۵

نصب کرده بود. ولی از این دستگاه‌ها استفاده چندانی نمی‌شد و شناخته‌شده نبودند و بیشتر جنبه نمایشی داشت. البته بانک ملی هیچ دستگاهی نگرفته بود.

سال ۱۳۶۸ که مدیرعامل بانک ملی ایران شدم، در اولین سخنرانی برای کارمندان و اعضای هیات‌مدیره بانک ملی در سالن بانک ملی، گفتم: «آقایان کارمندان بانک ملی، من همکار شما هستم. از سال ۱۳۳۱ که استخدام شدم همین کاری را کردم که شما انجام می‌دهید، سال‌هاست ما با همین دفترهای فوی ولانت، که امروز هم شما در شعب اطلاعات مشتری را می‌نویسید، کار کرده‌ایم.» تا سال ۱۳۶۸ جز سه شعبه بازار، شعبه سعدی و شعبه مرکزی که دستگاه داشت، بقیه شعب همه با دفاتر فوی ولانت کار می‌کردند. گفتم: «من آن موقع فوی ولانت می‌نوشتیم و الان که سال ۱۳۶۸ است، هنوز هم بانک ملی در دفاتر فوی ولانت می‌نویسد. از این بانک متحجرت‌تر وجود ندارد، مثل سنگ یک میلی‌متر هم تکان نخورده است. امیدوارم وقتی از این بانک بیرون می‌روم، یک برگ از این کاغذها در بانک نباشد و همه کارها ماشینی بشود.» آن زمان این حرف برایشان خنده‌دار بود و می‌گفتند این دارد جوک می‌گوید! مگر می‌شود؟ ولی زمانی که از بانک ملی بیرون آمدم، کارها همه ماشینی شده بود و بانکداری الکترونیکی نسبت به زمانه خودش محقق شده بود و حتی شعبه بانک ملی در

شرکت IBM اجاره کرده بودیم. این اولین جرقه مکانیزاسیون بانکی پیش از انقلاب بود و همین روش تا زمانی که من در سال ۱۳۶۸ مدیرعامل بانک ملی ایران شدم ادامه پیدا کرد. البته در این فاصله در دو سه سال آخر قبل انقلاب چند دستگاه کوچک دیگر برای شعبه‌های بانک ملی گرفته شده بود. کاری هم که به نام اتوماسیون سیستم ارزی شعبه در سال ۱۳۵۴ در سیستم شعبه ارزی بانک ملی انجام شد، همین بود. یعنی ارزی و غیرارزی همه همین سیستم بود.

من در آن سال‌ها، به‌ویژه در زمان مدیریت آقای نصیری، به‌تدریج در سیستم بانکی تجربه کسب کردم و پیش‌رفتم و با گوشت و پوست تمام مراحل بانکداری را درک کردم. البته در سال ۱۳۵۳ به دلیل اعتقادات و فعالیت‌های سیاسی چند ماه زندانی شدم که موضوع جداگانه‌ای است. پس از آزادی، در زمان مدیریت آقای خوش‌کیش به بخش اعتبارات اسنادی در قسمت ارزی بانک ملی منتقل شدم و تا زمان انقلاب آنجا بودم.

این را هم بگویم که در دو سه سال منتهی به انقلاب، چند بانک دستگاه‌هایی که شکل اولیه ATM‌های امروزی بود، آورده بودند و نصب کرده بودند. بانک تهران دو دستگاه آورده بود، بانک بازرگانی هفت دستگاه آورده بود که تا جایی که می‌دانم فقط دو دستگاه نصب شده بود، بانک پارس هم یکی دو دستگاه آورده و

نتایج طرح معافیت از کمیسیون اسنپ، ویژه‌ی کاربران راننده‌ی مبتلا به ام‌اس



در این طرح که با همکاری «انجمن ام‌اس ایران» از خرداد ۱۴۰۱ شروع شد و تا پایان ۱۴۰۲ ادامه داشت، در مجموع ۳۷۵ کاربر راننده‌ی مبتلا به ام‌اس از پرداخت کمیسیون سفرهای خود معاف شدند. ارزش معافیت از کمیسیون این سفرها معادل ۲ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان بوده است.

Snapp!



برای دریافت اطلاعات بیشتر،
کد روبه‌رو را اسکن کنید:



درگاه پرداخت ارز دیجیتال

کسب و کار خود را در سطح جهانی گسترش دهید و درآمد دلاری تان را چند برابر کنید

- کارمزد صفر، در صورت تسویه ریالی
- راه اندازی آسان و سریع درگاه ارز دیجیتال
- تسویه آنی ریالی به صورت ۲۴/۷
- ۱ ماه یا ۲۰ تراکنش رایگان پس از ثبت نام

۰۲۱ - ۴۷۶۱۲۰۰۰

www.nikpardakht.com

نیک پرداخت 

سازمان

خوب

حال

تارا

اعتبار

😊

برای رفاه کارمندان
و همکاران سازمان

تارا

تسهیلات

بُن کیفیت

اعتبار سازمانی

• خرید با اعتبار سازمانی از ۸۰۰۰ فروشگاه متنوع و معتبر

🌐 www.tara360.ir

📷 [tara360.ir](https://www.instagram.com/tara360.ir)

📌 [tara360](https://www.linkedin.com/company/tara360)



اطلاعات بیشتر و دریافت اعتبار برای سازمان شما: ۰۲۱-۸۸۲۰۰۰۴۵



به همه می‌رسه!
وام فوری دیجی‌پی



دیجی‌پی
mydigipay.com

اختلاف ده‌ها برابری حجم بازار تتر با دیگر رمزارزها نشان‌دهنده چیست؟
دروازه‌های تتری ۸۰

زمین بازی بیت‌کوین
مفهوم لایه‌های بالاتر در بیت‌کوین ۸۳

بلاک چین MetLife
آرامش بیشتر در مواجهه با مرگ ۸۵



تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

رمزارز

www.peivast.com





دروازه‌های تتری

اختلاف ده‌ها برابری حجم بازار تتر با دیگر رمزارزها در صرافی‌ها نشان‌دهنده چیست؟



سروش کرمانیان

صفحه اول وبسایت صرافی‌های رمزارزی، معمولاً شامل داده‌هایی مانند حجم تبادل در بازارهای مختلف هر پلتفرم می‌شود. اعدادی که به گفته رئیس کارگروه تبادل انجمن بلاک‌چین خیلی با واقعیت منطبق نیستند و حداقل باید حدود ۳۰ درصد آنها را کمتر در نظر گرفت. با این حال اختلاف حجم معاملات در پلتفرم‌های داخلی برای بازارهای تتر و بیت‌کوین به ده‌ها برابر می‌رسد. نسبتی که در پلتفرم‌های خارجی و حتی کشورهایی مانند ترکیه بسیار کمتر است. صرافی‌های ارز دیجیتال در سال‌های گذشته از هدف‌گذاری‌هایی برای تبدیل شدن به هاب منطقه‌ای خبر داده‌اند و معتقدند اگر چالش‌های رگولاتوری برطرف شود، این ظرفیت وجود دارد که بتوان در سطحی جهانی‌تر به رقابت پرداخت. اما با نگاهی به حجم معاملات اعلامی این پلتفرم‌ها مشخص می‌شود بیشتر حجم معاملات به تتر اختصاص دارد و بزرگ‌ترین رمزارز دنیا (بیت‌کوین) ده‌ها برابر کمتر حجم می‌خورد.

کاربران تتر را می‌پسندند بنابراین گردش مالی بیشتری دارد. از همین رو رقابت بیشتری میان صرافی‌ها برای تتر وجود دارد

همچنین در مورد مسائلی مانند کارمزد بالاتر یا اسپرد (اختلاف قیمت خرید و فروش) بیشتر پلتفرم‌های داخلی نسبت به نمونه‌های خارجی، مرتضی موذنی رئیس کارگروه انجمن بلاک‌چین به نبود سازوکار مشخص مالیاتی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مالیات حداقل‌هایی مشخص می‌کند و برایش مهم نیست در معاملات این بازار ممکن است سود به زیر این حداقل‌ها برسد.»

در این میان موضوعی که تقریباً همه فعالان سر آن اتفاق نظر دارند، حضور بیشتر کاربران ایرانی در پلتفرم‌های خارجی است و با نگاهی به حجم معاملات پلتفرم‌های داخلی می‌توان

دریافت کاربران از سکوه‌های داخلی برای تهیه تتر استفاده و برای انجام معاملات، پلتفرم‌های خارجی را انتخاب می‌کنند.

چرا کاربران پلتفرم‌های خارجی را انتخاب می‌کنند؟

با عمیق‌تر شدن در میان کاربران ایرانی پلتفرم‌های داخلی و خارجی، متوجه می‌شویم هر کدام از این کاربران ویژگی‌هایی دارند. امیر بیات معتقد است، بسیاری از مردم توان نگهداری دارایی خود روی ولت را ندارند و در صرافی‌های داخلی معامله می‌کنند. چون این پلتفرم‌ها به زبان فارسی ساده هستند و امکان واریز و برداشت ریال دارند. دانش بلاک‌چینی بسیاری از کاربران صرافی‌های داخلی ضعیف‌تر است و به دنبال انتقال بیت‌کوین به کلد ولت یا نگهداری تتر خارج از صرافی نیستند.

او توضیح می‌دهد: «برخلاف روندی که در پلتفرم‌های خارجی رواج دارد، بسیاری از کاربران داخلی قیمت‌ها را نه با تتر بلکه با ریال می‌سنجند. کاربران خارجی توکن را از صرافی خارج یا تتر را نقد می‌کنند، اما این در میان بخش قابل توجهی از کاربران ایرانی، تبادل به صورت واریز و برداشت ریالی مرسوم است.»

همان‌طور که کاربران پلتفرم‌های داخلی و خارجی تفاوت‌هایی دارند، خود صرافی‌ها هم شامل تفاوت‌هایی می‌شوند که می‌تواند روی تصمیم‌گیری و انتخاب کاربران تأثیرگذار باشد. امیر بیات به قابلیت‌ها و ویژگی‌های محدود سکوه‌های داخلی اشاره می‌کند: «اولین دلیل آن، قابلیت و ویژگی‌های محدود و کم صرافی‌های داخلی است. این مورد هم شامل رابط و تجربه کاربری می‌شود و هم امکانات معاملاتی. در بهترین پلتفرم‌های ایرانی باید با کلی گرفتاری چارت را بزرگ یا از ابزارهای معاملاتی آن استفاده کرد. این در حالی است که افتضاح‌ترین پلتفرم‌های خارجی عملکرد بهتری ارائه می‌دهند.»

البته به گفته بیات، این موضوع به دلیل بی‌سوادی توسعه‌دهندگان پلتفرم‌های داخلی نیست. یک مثال ساده و واضح آن نبود امکان دریافت خدمات از تریدینگ‌ویو

(tradingview) است. محدودیت‌هایی در ایران داریم که نمی‌توانیم این خدمات را به طور مستقیم دریافت کنیم و در صورت بروز مشکلات مطالبه‌ای داشته باشیم. در هر صورت محدودیت‌ها باعث شده ابزارها در پلتفرم‌های داخلی به شدت نامناسب باشد.

مرتضی موذنی با رد این ادعاها می‌گوید: «صرافی‌های داخلی مشکلی از بابت خدمات و ابزارهای معاملاتی ندارند و از نظر کیفیتی، دست‌کمی از نمونه‌های خارجی ندارند.»

او به نقش اسپرد و کارمزد کمتر پلتفرم‌های خارجی و مشکلات مالیاتی در ایران اشاره می‌کند. گفته رئیس کارگروه تبادل انجمن بلاک‌چین می‌گوید: «یکی از دلایل استفاده کاربران از پلتفرم‌های خارجی اسپرد (شکاف) کم‌قیمتی است. در پلتفرم‌های داخلی موضوعاتی مانند مشکلات مالیاتی وجود دارد. در حال حاضر به دلیل به‌روز نبودن قوانین مالیاتی، برای محاسبه مالیات بازه مشخص تعریف می‌شود و اگر کسب‌وکار ریز مبلغی سود کرده باشد، این موضوع روی نحوه محاسبه تأثیری ندارد و عملاً حداقل‌هایی در نظر گرفته می‌شود.»

موذنی ادامه می‌دهد: «در این شرایط اگر در معامله‌ای سود زیر درصد مد نظر برای محاسبه مالیات باشد، این عدد پذیرفته نمی‌شود و همین موضوع بر مواردی مانند میزان کارمزد و فعالیت در پلتفرم‌های داخلی تأثیر می‌گذارد.»

البته خدمات صرافی‌ها لزوماً به مواردی مانند امکان همکاری با سرویس‌های خارجی یا موضوعات کارمزدی و مالیاتی محدود نمی‌شود. در پایه‌ای‌ترین حالت، این پلتفرم‌ها که با نام P2P شناخته می‌شوند، برای برقراری جریان معاملات از اوپدر بوک یا دفتر سفارشات استفاده می‌کنند که امیر بیات معتقد است: «اوپدرگذاری (سفارش‌گذاری) در صرافی‌های داخلی که ارتباطی با محدودیت‌ها ندارد هم خیلی ضعیف است.»

امکاناتی که برای بازار ایران قفل است

معاملات در بازارهای داخلی و خارجی یک تفاوت عمده دارد. پلتفرم‌های خارجی امکان معاملات مارجین و فیوچرز را برای کاربران



برمی‌گردد که در مدل‌های قانون‌گذاری انجام می‌شود و کاربر با فعالیت در پلتفرم‌های خارجی حداقل درگیر یک قانون جدید نمی‌شود.»

زمینه‌های رفتاری کاربران و نمود آن در آمار صرافی‌ها

اعلام حجم معاملات صرافی‌ها هرچند با موضوعاتی مانند نبود شفافیت مواجه است، اما نسبتی را نشان می‌دهد و این نسبت عملاً به تقاضای بازار و سلیقه کاربران مرتبط است. دلیل این موارد را می‌توان در مباحث کلان اقتصادی هم جست‌وجو کرد.

بردیا احمدنیا مدیرعامل والکس نقش بازار آزاد را پررنگ‌تر می‌بیند: «در بازار آزاد نمی‌توانید فردی را نگه دارید و بگویید نمی‌توانی در بازار آزاد دلار بخری. تفاوت اینجاست که این اتفاق می‌تواند در بستر شفافیتی مانند صرافی‌ها رخ دهد یا در جاهای غیرشفاف. به این دلیل که داده شفافیتی درباره معاملات دلار در سبزه‌میدان و چهارراه استانبول وجود ندارد در مورد آنها صحبت نمی‌شود. چه بسا حجم این بازارها

برای انجام آن بگیرند، هم اهرم کمی دارند و هم جفت‌های معاملاتی اندکی را پشتیبانی می‌کنند. در این شرایط تریدر ایرانی به سمت پلتفرم‌های خارجی می‌رود و در آنجا از ابزارها و امکانات بهتر استفاده و کارمزدهای خیلی کمتر پرداخت می‌کنند.»

همچنین به گفته موذنی، در میان تریدرها اکثراً تتر خریداری و به صرافی‌های خارجی برای استفاده در بازارهای فیوچرز منتقل می‌کنند. این شکل از بازارها در ایران ممنوع است. هرچند ما بازارهای معاملات تعهدی را داریم که با کلاه شرعی راه‌اندازی شده‌اند، اما این بازارها هم قابل مقایسه با بازارهای فیوچرز پلتفرم‌های خارجی که امکان اهرم تا هزار را هم به کاربر می‌دهد، نیستند.

اعتماد از دست‌رفته به محصولات ایرانی، از دیگر دلایلی است که امیر بیات آن را زمینه‌ساز سوق پیدا کردن کاربران به پلتفرم‌های خارجی می‌داند: «این موضوع هم در میان است که صادقانه مردم به هیچ چیز ایرانی اعتماد نمی‌کنند و دلیل آن به اتفاقات و اذیت‌هایی

فراهم می‌کنند و این شکل از معاملات در فضای جهانی رمز ارزها از جذابیت بالایی برخوردارند. به این ترتیب کاربران می‌توانند با سرمایه کمتر موقعیت‌های معاملاتی با حجم بیشتر باز کنند و با اهرم کردن سرمایه خود، سود و زیان چندین برابری به دست آوردند.

بیات می‌گوید: «باید در نظر داشت ما در یک کشوری با ریسک بالا زندگی می‌کنیم و می‌خواهیم کارهای بزرگ برای سودهای بزرگ انجام دهیم. کاربران برای به دست آوردن این سود به دنبال پلتفرم‌هایی برای پوشش نیاز خود هستند و به همین دلیل به سمت پلتفرم‌هایی با این بازارها سوق پیدا می‌کنند. به هر حال با مبالغی مانند ۱۰۰ یا ۲۰۰ دلار در بازار اسپات سود چشمگیری به دست نمی‌آید اما در بازارهای فیوچرز به راحتی می‌توانند تا اهرم ۱۰۰ روی معاملات خود استفاده کنند به این امید که سود سرشاری به دست آید.»

او معتقد است: «این امکان در صرافی‌های داخلی نیست. برخی از پلتفرم‌ها هم که توانسته‌اند با مشکلات فراوان مجوزهایی

به مراتب بزرگتر هم باشد.»

احمدنیا معتقد است: «بازار فضای بازی است که کاربر در آن انتخاب می‌کند با چه حجمی و در چه مارکتی فعالیت کند و نمی‌توان بازار را دستکاری یا (manipulate) کرد. به طبع خیلی از افراد در ایران به این دلیل که روی پایه بازار ریال نمانند، پایه بازار تتر را انتخاب می‌کنند و در ادامه برای مثال اگر بخواهند بیت‌کوین بخرند، ابتدا تتر به ریال و ریال را به بیت‌کوین تبدیل می‌کنند و به همین دلیل حجم بازار تتر بیشتر است.»

البته محمد یعقوبی توضیح می‌دهد: «تسلط تتر بر بازار رمزارزها در صرافی‌های ایرانی، نشانه‌ای از تفاوت‌های ساختاری و رفتاری در اکوسیستم رمزارز ایران است. در حالی که در بسیاری از کشورها، معاملات رمزارزها عمدتاً با استیبل‌کوین‌های متنوع یا حتی ارزهای فیات انجام می‌شود، در ایران تتر به عنوان دارایی پایه و واسطه مبادلات رمزارزی نقش محوری ایفا می‌کند.»

او ادامه می‌دهد: «این موضوع ریشه در عواملی همچون تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی و بی‌اعتمادی به ریال دارد که سبب شده کاربران ایرانی به تتر به عنوان ابزاری امن، باثبات و قابل اتکا برای نقل و انتقالات مالی و حفظ ارزش روی آورند. از سوی دیگر، فقدان زیرساخت‌های لازم برای معاملات مستقیم رمزارزها با ریال، و عدم دسترسی به صرافی‌های بین‌المللی، نقش تتر را پررنگ‌تر کرده است.»

بانگاهی به حجم معاملات اعلامی این پلتفرم‌ها مشخص می‌شود بیشتر حجم معاملات به تتر اختصاص دارد و بزرگ‌ترین رمزارز دنیا (بیت‌کوین) ده‌ها برابر کمتر حجم می‌خورد

مودنی نقش سلیقه کاربران در شکل‌گیری این نسبت‌ها را زیاد می‌داند: «این موضوع به کمبود گردش بیت‌کوین در ایران هم برمی‌گردد و لزوماً ربطی به صرافی‌ها ندارد. کاربران تتر را می‌پسندند بنابراین گردش مالی بیشتری دارد. از همین رو رقابت بیشتری میان صرافی‌ها برای تتر وجود دارد. چراکه سلیقه کاربر به دنبال ارزان‌ترین محل برای خرید تتر می‌گردد و از معیارهایی مانند سابقه، نوع معاملات و مواردی که از سوی صرافی رعایت شده

است چشم‌پوشی می‌شود. حداقل ۶۵ درصد معاملات بر همین اساس انجام می‌شود.» مدیرعامل والکس با اشاره به نقش تورم در علاقه به تتر می‌گوید: «با توجه به شرایط کشور مردم پتانسیل ذخیره دلار را به دلیل شرایط تورمی دارند. درست است که این شرایط در ترکیه هم دیده می‌شود اما تفاوت اینجا است که در ترکیه می‌توان آزادانه دلار را از صرافی‌ها تهیه کرد و غیرقانونی نیست.»

احمدنیا توضیح می‌دهد: «به همین دلیل این موضوع به سیاست‌گذاری برمی‌گردد. به این صورت که سیاست‌گذار چگونه تنظیم‌گری کند تا نرخ تورم کاهش پیدا کند و مردم به جای سرمایه‌گذاری در کالاهای کم‌ریسک مانند ملک و خودرو و دلار، سرمایه را به چرخه صنعت ببرند.»

بیات هم با تایید تاثیر رفتار کاربران اضافه می‌کند: «خیلی وقت‌ها به این دلیل که ما دنبال روش ساده هستیم و در زبان انگلیسی مشکل داریم، ریسک و مشکلات را گردن صرافی می‌اندازیم. با این تفکر بسیاری از کاربران پول خود را در صرافی نگه می‌دارند و اگر زمانی هم مشکلی پیش بیاید می‌دانند می‌توانند بروند جلوی دفتر صرافی و مطالبه کنند.»

او می‌گوید: «بسیاری از کاربران این مفهوم را متوجه شده‌اند که به جای ریال بهتر است تتر نگهداری کنند. با این حال جرات نگهداری آن در یک کلد ولت را ندارند ولی در صورت بروز مشکل در صرافی می‌توانند با آن برخورد کنند. این نیازمندی‌ها باعث می‌شود صرافی ایرانی ریسک بالایی متحمل شود. وقتی پول در صرافی است احتمال بلاک شدن ولت وجود دارد و باید جوابگوی بسیاری از افراد بود. پس صرافی علاقه‌ای به نگهداری پول کاربران ندارد اما به این دلیل که کاربران این کار را انجام نمی‌دهند، به ناچار قبول مسئولیت می‌کند.»

بیات معتقد است: «کاربر معامله‌گر صرافی داخلی نمی‌خواهد به سمت یادگیری و سختی برود در حالی که تریدرهای پلتفرم‌های خارجی به این درک رسیده‌اند که در این فضا باید یاد بگیرند و آموزش ببینند.»

نقش بلاکچینی‌های قانونی و برچسب فرار سرمایه

نبود رویه قانونی مشخص در حوزه ارزهای دیجیتال بیشتر با چالش‌های متعدد در کسب‌وکارهای این حوزه به خصوص صرافی‌ها شناخته می‌شود. اما به نظر می‌رسد این نبود رویه و حتی تصمیم‌گیری‌هایی که در صنعت

ماینینگ صورت گرفت، ذهنیت کاربران را هم تحت تاثیر قرار داده است.

«همان‌طور که در ماینینگ افراد قاچاقچی به میدان آمدند مشخص نیست بدتر گفته شود تریدر ارز از کشور خارج کرده و مشمول جریمه شود.» بیات با بیان این مطلب می‌گوید: «هنوز صرافی‌های ایرانی یک روال قانون‌گذاری مشخص ندارند و افرادی که پول بزرگ دارند احساس امنیت در صرافی ایرانی نمی‌کنند.»

در سال‌های گذشته مبادلات صرافی‌ها بارها با برچسب فرار سرمایه از طرف نهادهای نظارتی مواجه شده است. البته رئیس کارگروه تبادل انجمن بلاکچین در این باره معتقد است: «در این بازار فرار سرمایه را نمی‌توان تعریف کرد. به این دلیل که سرمایه‌ها سرمایه‌های بزرگی نیستند و از طرفی تریدرها (افرادی که شغل آنها معامله‌گری است) با خروج سرمایه به یک پلتفرم خارجی، مبلغی بیشتری را به فضای داخلی برمی‌گردانند و این عملاً جاده‌ای دوطرفه است.»

او ادامه می‌دهد: «به هر حال این افراد هم به ریال هزینه زندگی خود را پرداخت می‌کنند و نیاز دارند سرمایه خود را به پلتفرم‌های داخلی منتقل و به ریال تبدیل کنند.» اینجا یک تفاوت مهم بازار رمزارز با بازار سنتی دلار مشخص می‌شود. زمانی که فردی دلار تهیه می‌کند، این ارز از چرخه گردش خارج و به محل‌های مختلفی منتقل می‌شود. مودنی درباره حساب‌های ارزی می‌گوید: «البته حساب‌های ارزی هم وجود دارد اما استفاده از این حساب‌ها مستلزم موافقت با بندی است که می‌گوید برداشت ارز در حد توان بانک است و ممکن است در زمان برداشت معادل ریالی پرداخت شود.»

او در پایان می‌گوید: «بازار رمزارز بازاری پویاست و نقدپذیری بالایی دارد که باعث می‌شود جریان چرخش ارزش در آن برقرار بماند و نمی‌توان از عنوان فرار سرمایه برای آن استفاده کرد. البته مانند هر سیستم دیگری افرادی هستند که از بازار رمزارز هم استفاده نادرست می‌کنند.»

یعقوبی نیز می‌گوید: «این وابستگی به تتر اگرچه تا حدی اجتناب‌ناپذیر است، اما می‌تواند مخاطراتی همچون تمرکز ریسک، کاهش نقدشوندگی سایر رمزارزها، و آسیب‌پذیری در برابر نوسانات شدید قیمت تتر به همراه داشته باشد. توسعه زیرساخت‌های لازم برای تنوع‌بخشی به گزینه‌های معاملاتی و کاهش اتکا به تتر، گامی موثر در جهت بلوغ و ثبات بیشتر بازار رمزارزهای ایران خواهد بود.»



مفهوم لایه‌های بالاتر در بیت کوین

طرفداران بیت کوین معتقدند این رمزارز در ۱۵ سال گذشته، تقریباً از زمان تولید، نگرش افراد را در مورد بسیاری از ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییر داده است؛ از همین روست که بیت کوین یک فناوری برهم‌زننده تلقی می‌شود. شناخت سابقه معیارهای شکل‌دهنده ذهنیت ما در کنار مسیریابی تغییر و تحولات، نقش بسزایی در درک‌مان از این مسائل دارد. به همین دلیل در بخش زمین بازی بیت کوین در هر شماره به بررسی یکی از جنبه‌های تاثیرگذار بیت کوین و بلاک چین می‌پردازیم. در شماره قبل به موضوع پرونده سامورایی ولت پرداختیم و حال در بیستمین قسمت از این سلسله مطالب، نگاهی به لایه‌های بالاتر شبکه بیت کوین می‌اندازیم. بیت کوین به عنوان یک شبکه پولی جهانی تعریف می‌شود و از همین رو می‌توان آن را از دو زاویه شبکه‌ای و پولی بررسی کرد. شکل‌گیری ساختار لایه‌ای هم به همین موارد برمی‌گردد. از نگاه پولی، شکل‌گیری پول‌های فیات (پول ملی کشورها) در ابتدا با این منطق همراه بود که ما برای تسهیل فرایندهای انتقال ارزش، می‌توانیم به جای استفاده مستقیم از دادوستد با طلا و نقره، از اسکناس به عنوان نماینده طلای ذخیره‌شده استفاده کنیم.

لایه دوم پولی تعریف‌شده مدعی بود بانک سپرده‌های طلا را نگهداری و در ازای آن اسکناس صادر می‌کند و این اسکناس‌ها برای طلا قابلیت بازخرد دارند. هرچند استفاده از اسکناس‌هایی که نشان‌دهنده ذخیره طلا بودند باعث تسهیل مبادلات می‌شد، اما این سیستم فسادهای زیادی هم به همراه آورد. در نهایت استاندارد طلا در دهه ۷۰ میلادی از میان رفت و امروزه بانک‌های مرکزی دیگر الزامی برای ذخیره طلا در ازای چاپ اسکناس ندارند.

همزمان با کارکرد پولی، بیت کوین به شکلی غیرمتمرکز فعالیت می‌کند که این ویژگی به واسطه ساختار شبکه‌ای ممکن شده است. بیت کوین با استفاده از شبکه‌ای از نودها (گره‌ها) فعالیت می‌کند و از این منظر، بیت کوین ساختاری شبکه‌ای دارد. امروزه در دنیای دیجیتال شاهد ظهور شبکه‌های

دیجیتالی هستیم که بزرگ‌ترین آنها اینترنت است. اینترنت با استفاده از یک ساختار لایه‌ای توانسته پیاده‌سازی ایده‌های پیچیده را میسر کند و امکان همکاری و تعامل میان کاربران نهایی را به حداکثر برساند.

لایه اول بیت کوین؛ زیرساخت

بیت کوین در لایه اول خود بستری است برای تعریف کارکرد پولی و اجماع در مورد تایید تراکنش‌ها یا اعمال چارچوب‌ها با استفاده از خاصیت شبکه‌ای. اجرای پروتکل بیت کوین با استفاده از اجرای گره‌های کامل (Full Node) انجام می‌شود و این گره‌ها مشروعیت تراکنش‌ها را بررسی می‌کنند و امکان تایید آنها را دارند. به این ترتیب مالکیت دارایی، نقل و انتقال، ارتفاع بلوک و دیگر پارامترها با استفاده از نودها بررسی و ماینرهای شبکه تراکنش‌ها را به زنجیره اضافه می‌کنند. این روند به خوبی بیشتر از یک دهه است به فعالیت خود ادامه می‌دهد و دلیل آن سادگی فرایند برای نهایی شدن اجماع در این لایه است.

این لایه برای امنیت و غیرمتمرکز بودن حداکثری طراحی شده و از یک فضای محدود در هر بلاک و فاصله زمانی ۱۰ دقیقه‌ای میان بلاک‌ها استفاده می‌کند. اما این محدودیت‌های زمانی و حجمی، تاثیر چشمگیری در تعداد تراکنش‌هایی دارد که می‌تواند در بیت کوین پردازش شود و این شبکه تنها می‌تواند حدود هفت تراکنش را در هر ثانیه پردازش کند.

اما در مقابل محدودیت در حجم و فاصله میان تولید بلاک‌های جدید باعث می‌شود حجم کل بلاک چین (از زمان شکل‌گیری) در حدی باقی بماند که افراد بیشتری امکان اجرای گره کامل را داشته باشند و غیرمتمرکز بودن شبکه حفظ شود. همچنین این محدودیت‌ها باعث شکل‌گیری بازاری رقابتی در کارمزدها و تامین انگیزه مالی ماینرها می‌شود.

با این تعریف، لایه اول بیت کوین امکان مقیاس‌پذیری برای پاسخ به درخواست‌های میلیاردی کاربر را ندارد و در نهایت استفاده از این لایه تسویه برای افراد، بانک‌ها و شرکت‌هایی ممکن و جذاب خواهد بود که

می‌توانند کارمزدها را پرداخت و مدت‌زمان بیشتری برای تایید تراکنش خود صبر کنند. ویژگی‌هایی مانند امنیت بالا و غیرمتمرکز بودن باعث کاهش چشمگیر مقیاس‌پذیری شده است و به همین دلیل تعریف لایه‌های دوم و بالاتر روی شبکه اصلی بیشتر به حل مشکلات مقیاس‌پذیری محدود شده است. برای حل این مشکل هم راه‌های ساده‌ای پیشنهاد شده است. برای مثال می‌توانیم مقداری بیت کوین را قفل و به صورت نامحدود میان خود مبادله کنیم. در این حالت به جای ثبت هر تراکنش روی شبکه اصلی و پرداخت کارمزدهای بالا، تنها در ابتدا (قفل کردن) و هنگام ثبت نتیجه معاملات (برای مشخص شدن میران دارایی هر کاربر) تراکنش ثبت می‌کنیم.

این شکل از تعریف لایه دوم موضوع فعالیت شبکه‌هایی مانند لایت‌نینگ است. در این شبکه کانال‌هایی با ظرفیت محدود (میزان بیت کوین قفل‌شده) باز می‌شوند و کاربران می‌توانند به صورت نامحدود، با کارمزد نزدیک به صفر و در کسری از ثانیه به تبادل بپردازند و در نهایت نتیجه این تراکنش‌ها را روی لایه اول ثبت کنند.

رابطه لایه پولی و شبکه با بیت کوین

مانند تعریف اسکناس که باعث می‌شد طلا در محلی قفل و اسکناس به نمایندگی از آن به‌راحتی مبادله شود، لایه دوم در بیت کوین هم به تعاملات خارج از شبکه اصلی گفته می‌شود که می‌تواند مالکیت دارایی را میان افراد منتقل کند. در این حالت دریافت‌کننده تراکنش در لایه‌های بالاتر مدعی مقدار مشخصی از بیت کوین در زنجیره اصلی می‌شود اما این ادعا زمانی به مالکیت انحصاری تبدیل می‌شود که تراکنش نهایی و تسویه روی شبکه لایه اول به تایید برسد.

در اینجا مفهوم مهمی به نام حضانت مطرح می‌شود. در سیستم بانکداری با سپرده‌گذاری طلا یا حتی وجوه نزد بانک، عملاً حضانت پول و دارایی از عهده کاربر خارج و به بانک واگذار می‌شود؛ اتفاقی که در لایه اصلی بیت کوین رخ نمی‌دهد و هر فرد به صورت مستقیم و کامل حضانت دارایی خود را بر عهده می‌گیرد. اما در

کوین‌های لایه دومی بیت‌پروژه

پروژه	توکن بومی	موارد استفاده
Lightning Network	BTC	پرداخت‌های سریع و ارزان
Stacks	STX	امور مالی غیرمتمرکز
Merlin Chain	MERL	امور مالی و اپلیکیشن‌های غیرمتمرکز
Rootstock	Bridged BTC (RBTC)	قراردادهای هوشمند و تراکنش‌های سریع
Liquid Network	Bridged BTC (L-BTC)	صدور دارایی به ازای بیت‌کوین
Tectum	TET	پرداخت‌های سریع و مقرون‌به‌صرفه
BEVM	Bridged BTC (BEVM)	شبکه قراردادهای هوشمند سازگار با ماشین مجازی اتریوم (EVM)
Bitcoin Virtual Machine	BVM	بستر ارائه زنجیره‌های لایه دوم بیت‌کوین

توضیحات جدول:

- ▶ **شبکه لایت‌نینگ:** شبکه لایت‌نینگ امکان انجام تراکنش‌های سریع و مقرون‌به‌صرفه بیت‌کوینی را با استفاده از مفهومی به نام کانال‌های پرداخت فراهم می‌کند.
- ▶ **Stacks:** شبکه Stacks از اولین شبکه‌هایی به حساب می‌آید که مفهوم قراردادهای هوشمند را به بیت‌کوین اضافه کرد.
- ▶ **زنجیره مرلین:** در حال حاضر این شبکه از بزرگ‌ترین لایه ۲های بیت‌کوین محسوب می‌شود و توجه علاقه‌مندان فضای DeFi را به خود جلب کرده است.
- ▶ **شبکه Liquid:** شبکه Liquid امکان صدور دارایی با استفاده از بیت‌کوین را فراهم می‌کند.
- ▶ **Roostock:** پلتفرمی برای قراردادهای هوشمند است که مدعی است امنیت خود را با استفاده از شبکه اصلی تامین می‌کند.
- ▶ **Tectum:** روشی مقرون‌به‌صرفه برای ارسال دارایی‌های دیجیتالی مانند بیت‌کوین به هر کاربر دیگری در جهان ارائه می‌دهد.
- ▶ **BEVM:** سازگاری این شبکه با ماشین مجازی اتریوم، BEVM را به یک انتخاب برتر در بین زنجیره‌های لایه ۲ بیت‌کوین تبدیل می‌کند و می‌تواند با کاهش پیچیدگی‌ها، امکان عرضه نوآوری‌های صورت‌گرفته روی اتریوم را در بیت‌کوین میسر کند.
- ▶ **ماشین مجازی بیت‌کوین:** BVM به عنوان سکویی برای راه‌اندازی زنجیره‌های تخصصی بیت‌کوینی مانند RuneChain عمل می‌کند.

بدون نیاز به شخص ثالث نقل و انتقالات مد نظرشان را انجام دهند. به این ترتیب لایت‌نینگ به صورت هم‌تا به هم‌تا و بدون نیاز به اعتماد به شخص ثالث، می‌تواند مقیاس‌پذیری مورد نیاز میلیون‌ها کاربر را فراهم و جریان پرداخت‌های خرد را برقرار کند.

پیچیدگی‌های پذیرش لایه‌های دوم

همزمان با حل مشکلات مقیاس‌پذیری، افزایش سرعت، کاهش کارمزدها و اضافه شدن ویژگی‌هایی مانند قراردادهای هوشمند که پیاده‌سازی امور مالی غیرمتمرکز را امکان‌پذیر می‌کند، موانعی مانند پیچیدگی این فضا یا مشکلات امنیتی و نقدینگی همچنان پابرجاست.

کاربران نهایی هنوز نتوانسته‌اند با کیف پول‌های قابل اعتماد و امنی مانند الکتروم یا اسپارو به صورت کامل ارتباط برقرار کنند و بسیاری از ویژگی‌های کاربردی بااهمیت بیت‌کوین هم با استفاده از همین اپلیکیشن‌ها در دسترس قرار گرفته است. گذر از لایه یک به لایه‌های بالاتر هم قرار نیست این مشکل را به‌تنهایی برطرف کند.

با این حال لایه‌های بالاتر استفاده گسترده‌تر و عمومی‌تر بیت‌کوین را ممکن و به واسطه آنها تقاضا هم افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب می‌توان به رشد جریان توسعه و بهبود رابط‌های کاربری از این طریق امیدوار بود.

بسیار بالایی برای ارائه خدمات به کاربران دارند، در دایره لایه دوم بیت‌کوین جای نمی‌گیرند. صرافی متمرکز ارز دیجیتالی با بر عهده گرفتن حضانت دارایی کاربر شکلی از مفهوم ارائه اسکناس به عنوان نماینده طلای ذخیره‌شده را عرضه می‌کند. در این پلتفرم‌ها نقل و انتقالات به صورت اعتباری انجام می‌شود و نمی‌توانند در دسته لایه دوم‌ها قرار بگیرند.

در این میان شبکه‌هایی مانند Liquid Network هم معرفی شده‌اند. شبکه‌ای که امکان نقل و انتقال بیت‌کوین برای عموم مردم را فراهم و در ازای دریافت BTC معادلی به نام L-BTC یا دارایی بومی شبکه خود را منتشر می‌کند. در این شبکه نقل و انتقال L-BTC را یک شرکت متمرکز تایید می‌کند که می‌تواند تحت تاثیر فشارهای نظارتی یا تصمیمات سلیقه‌ای قرار بگیرد و با اهداف خودحضانتی بیت‌کوین در تضاد است.

به همین دلیل Liquid Network ویژگی‌های لایه پولی را پاس می‌کند اما در لایه شبکه با ویژگی‌های لایه دوم همخوانی ندارد و نمی‌توان آن را لایه دوم بیت‌کوین خواند.

اما شکل سومی هم وجود دارد که به نظر می‌رسد بیشتر محل توجه قرار گرفته است. لایت‌نینگ خود را شبکه لایه دومی معرفی می‌کند که می‌تواند با معیارهای بیت‌کوین هماهنگی داشته باشد. این شبکه به کاربران اجازه می‌دهد مالکیت دارایی خود را حفظ کنند

لایه‌های بالاتر و افزایش مقیاس‌پذیری حفظ این ویژگی چالش برانگیز است.

لایه دوم شبکه بیت‌کوین یک پروتکل قابل تعامل محسوب می‌شود که می‌تواند به صورت رمزنگاری‌شده با لایه اصلی تعامل کند، به موضوعات حاکمیتی (مانند ماهیت هم‌تا به هم‌تا) تعریف‌شده در بیت‌کوین احترام بگذارد و حضانت دارایی را به خطر نیندازد.

به این ترتیب زمانی که از لایه دوم روی شبکه بیت‌کوین صحبت می‌کنیم منظور لایه‌ای پولی با ویژگی‌های شناخته‌شده و همزمان لایه‌ای از شبکه با قابلیت تعامل است. چراکه لایه‌های پولی به‌تنهایی با اهداف بیت‌کوین در تضاد هستند و زمینه‌های شکست و فساد پول‌های با استاندارد طلا را در دل خود دارند.

لایه دوم شامل چه فعالیت‌ها و شبکه‌هایی می‌شود؟

برای خرید و فروش یا نقل و انتقال بیت‌کوین راه‌های مختلفی وجود دارد. بیت‌کوین را می‌توان از طریق صرافی‌های ارز دیجیتالی متمرکز مانند بایننس و کوین‌بیس خرید و فروش یا منتقل کرد، از شبکه‌هایی مانند Liquid Network یا حتی نمونه‌هایی مانند لایت‌نینگ را استفاده کرد.

هر کدام از این روش‌ها در کنار دیگر پروژه‌های معرفی‌شده مزایا و معایبی دارند و حتی مواردی مانند صرافی‌ها با وجود اینکه مقیاس‌پذیری



آرامش بیشتر در مواجهه با مرگ

فناوری بلاک چین در حال دگرگونی صنایع مختلف است و بیمه نیز از این قاعده مستثنی نیست. MetLife، یکی از بزرگترین ارائه‌دهندگان بیمه جهانی، خود را در خط مقدم یکپارچه‌سازی بلاک چین برای ساده کردن عملیات‌ها، ارتقای تجربه مشتری و توسعه محصولات جدید قرار داده است. بیمه عمر به بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد تبدیل شده است. در اقتصادهای پیشرفته و در حال رشد این شکل از بیمه علاوه بر هدایت سرمایه‌های خرد به سمت ظرفیت‌های اقتصادی، در تقابل با موضوع نگران‌کننده‌ای مانند مرگ، به عنوان ابزاری مدیریتی عمل می‌کند و حتی در کنترل جرائم می‌تواند موثر باشد.

کاوش بلاک‌چینی MetLife نشان‌دهنده تلاشی استراتژیک برای مدرن‌سازی عملیات‌ها و معرفی راه‌حل‌های نوآورانه در صنعت بیمه است. این کاوش‌ها با مشارکت MetLife در کنسرسیوم R3 آغاز شد. یک شبکه جهانی از موسسات مالی که به توسعه و تحقیقات برنامه‌های بلاک‌چین اختصاص دارد و این

سهم بیمه عمر بر اساس داده‌های نشریه تخصصی سیگما از تمامی بیمه‌ها در سال ۲۰۱۲، ۵۷ درصد بوده و ضریب نفوذ ۷۷ درصدی را نشان می‌دهد

پلتفرم با خدمات کوردا (Corda)، چارچوبی قوی برای بررسی پتانسیل بلاک‌چین در تغییر جنبه‌های مختلف عملیات بیمه در اختیار MetLife قرار داده است. به این ترتیب یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های مالی که شامل بیمه‌های عمر می‌شود نیز با استفاده از بلاک‌چین در حال تغییر شکل است.

با بررسی سهم بیمه عمر در سبد خانوارها متوجه می‌شویم این شکل از بیمه تأثیرپذیری بالایی از دیگر شاخصه‌های اقتصادی مانند تورم، بحران‌هایی مانند جنگ، بی‌ثباتی سیاسی

و اجتماعی و هر آنچه کیفیت و امید به زندگی تعریف می‌کند، دارد.

جایگاه بیمه عمر؛ تأثیر پذیری و تأثیرگذاری

این موضوع در مقایسه انواع بیمه هم مشخص است. سهم بیمه عمر بر اساس داده‌های نشریه تخصصی سیگما از تمامی بیمه‌ها در سال ۲۰۱۲، ۵۷ درصد بوده و ضریب نفوذ ۷۷ درصدی را نشان می‌دهد. البته این اعداد در کشورهای در حال توسعه از میزان متوسط جهانی هم فراتر می‌رود. به این ترتیب بیمه عمر مدت‌هاست به بخش مهمی از اقتصاد تبدیل شده است و از دلایل آن سهم مستقیم و غیرمستقیم این بیمه در تولید ناخالص، انتقال ریسک و حتی واسطه‌گری مالی عنوان می‌شود. بیمه عمر به دلیل فاصله زمانی زیاد میان دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت، فرصت بی‌نظیری برای سرمایه‌گذاری این سرمایه‌های خرد فراهم می‌کند. به همین دلیل شرکت‌های بیمه‌ای می‌توانند با سرمایه‌گذاری در لایه‌های مختلف بازار، به اشتغال‌زایی و بهبود اقتصاد کمک کنند. همچنین پرداخت خسارت در این شکل از بیمه باعث می‌شود هزینه‌های دولت مانند پرداخت مستمری کاهش یابد و دولت بتواند از این ابزار برای بهبود اقتصاد استفاده کند.

با این تعاریف، بیمه عمر مفهومی پیچیده و تأثیرپذیر از حکمرانی و اقتصاد تعریف می‌شود. به این صورت که تغییرات نظارتی یا جایگاه قانون در میان جامعه، تأثیری مستقیم روی سهم بیمه عمر در سبد خانوارها می‌گذارد و تضعیف اقتصاد انگیزه را برای خرید بیمه عمر از بین می‌برد.

بازار بزرگ و مهم بیمه‌های عمر که تحت تأثیر فاکتورهای بسیاری قرار دارد، محلی برای فساد و تقلب نیز محسوب می‌شود. یک تغییر به‌ظاهر کوچک در شرایط اقتصادی، سیاسی و حتی اجتماعی می‌تواند تأثیر خود را روی این بیمه‌ها هم نشان دهد و خلاهای قانونی فرصت سودجویی را فراهم و مردم را متضرر کند. یا حتی در شرایط ثبات، افراد در صورت مرگ بستگان با ناآگاهی یا شرایط روانی ناپایدار

ممکن است نتوانند از پس‌انداز یک عمر به‌درستی یا به‌موقع بهره‌مند شوند.

اکتشافات و همکاری‌های اولیه

بهبود فرایندها که نتیجه مستقیم آن در تجربه مشتریان در شرایط بحرانی مشخص می‌شود، اولین گام MetLife بود. در ابتدا، اکتشاف MetLife بر درک این موضوع متمرکز بود که چگونه بلاک‌چین می‌تواند فرایندهای موجود این شرکت را ارتقا دهد.

این مرحله بیشتر به تحقیقات اختصاص یافت و در نتیجه آن MetLife با شرکت در پروژه‌های آزمایشی و همکاری با شرکت‌های فناوری برای ارزیابی قابلیت‌های بلاک‌چین در زمینه‌هایی مانند مدیریت سرمایه‌گذاری، مدیریت سیاست‌ها و پرداخت‌های مشتری کلید خورد. این مرحله برای MetLife بسیار مهم بود تا نقاط ضعف خاصی را شناسایی کند که فناوری بلاک‌چین می‌تواند به طور موثر در حل آنها کارایی خود را نشان دهد.

پیاده‌سازی فناوری بلاک‌چین، MetLife را قادر ساخته است کارایی عملیاتی را به میزان چشمگیری افزایش دهد. دفتر کل غیرقابل تغییر بلاک‌چین و قابلیت‌های اتوماسیون آن، احتمال خطا و تقلب را کاهش می‌دهد و فرایندهایی مانند مدیریت ادعاها و مدیریت خط‌مشی را ساده می‌کند. این پیشرفت‌ها به زمان پردازش سریع‌تر، کاهش هزینه‌های اداری و خدمات شفاف‌تر و قابل اعتمادتر برای مشتریان تبدیل می‌شوند. علاوه بر این، بلاک‌چین امنیت و حریم خصوصی داده‌ها را تقویت می‌کند که برای حفظ اعتماد در خدمات بیمه‌ای بسیار مهم است.

زنجیره زندگی؛ ساده‌سازی مطالبات بیمه عمر

توسعه LifeChain از سوی LumenLab نقطه عطف مهم دیگری در کاوش بلاک‌چینی MetLife است. LifeChain برای خودکارسازی فرایند مطالبات بیمه عمر طراحی شده است و از بلاک‌چین برای تطبیق آگهی‌های ترحیم با بیمه‌نامه‌های موجود استفاده می‌کند. با

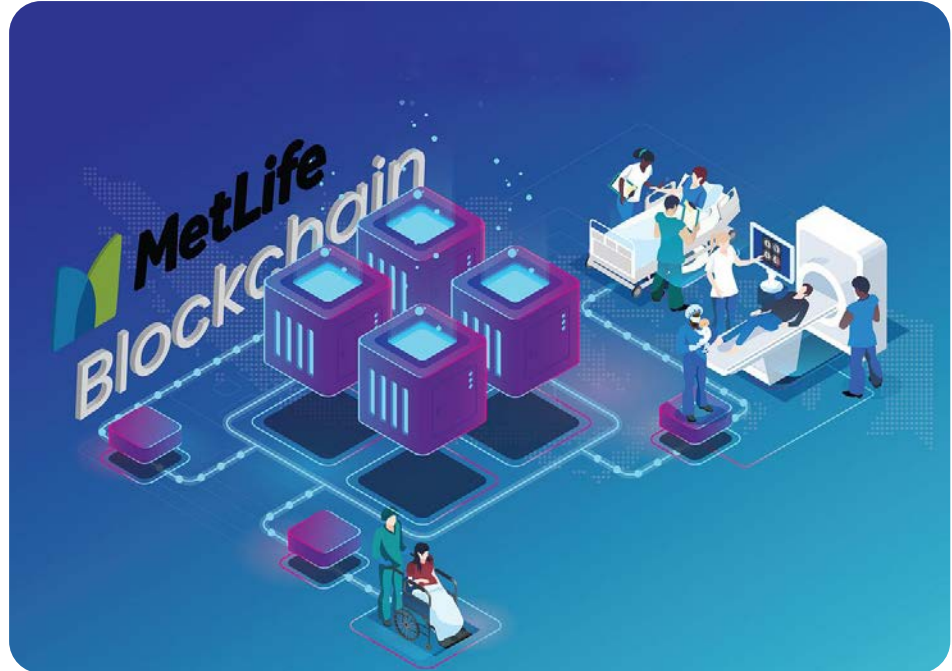
می‌رسد و بلاک‌چین حمایت مالی فوری را برای بیمه‌شده ارائه می‌دهد. این اتوماسیون به صورت قابل توجهی زمان و تلاش مورد نیاز برای رسیدگی به مطالبات را کاهش می‌دهد و کمک به موقع را برای بیمه‌گذاران تضمین می‌کند. آزمایش Vitana تحت نظارت اداره پول سنگاپور (MAS) انجام شد و به MetLife اجازه داد محصول را در یک محیط کنترل‌شده آزمایش کند. این آزمایش شامل مشارکت با سهامداران مختلف، از جمله Vault Dragon برای یکپارچه‌سازی سوابق سلامت الکترونیکی و Cognizant برای موضوعات تخصصی بلاک‌چینی بود. آزمایشی که با موفقیت امکان‌سنجی و کارایی استفاده از بلاک‌چین را برای بیمه پارامتریک نشان داد و راه را برای پذیرش گسترده‌تر هموار کرد.

چشم‌انداز استراتژیک و آینده

چشم‌انداز استراتژیک MetLife شامل اکتشاف و پذیرش فناوری‌های امروزی مانند بلاک‌چین برای نوآوری بیشتر و بهبود خدمات است. MetLife هدف خود از به‌کارگیری بلاک‌چین را توسعه راه‌حل‌های مشتری‌محور معرفی می‌کند تا نیازهای در حال توسعه بیمه‌گذاران را پوشش دهد. موفقیت این شرکت با محصولات Vitana و LifeChain و سابقه‌ای برای نوآوری‌های آینده ایجاد و در مقابل راه را برای پذیرش گسترده‌تر بلاک‌چین در صنعت بیمه هموار می‌کند.

محصولات نوآورانه و برنامه‌های آزمایشی MetLife پتانسیل تحول آفرین فناوری بلاک‌چین در صنعت بیمه را برجسته می‌کند. با خودکارسازی فرایندهای پیچیده و اطمینان از سوابق ایمن و تغییرناپذیر، بلاک‌چین می‌تواند کارایی عملیاتی و رضایت مشتری را به میزان چشمگیری افزایش دهد.

هنگام مرگ عزیزانمان، خانواده‌ها و بستگان در کنار مواجهه با تغییرات احساسی شدید باید با مراسم تشییع جنازه و مراسم ترحیم و آگهی فوت دست‌وپنجه نرم کنند. در میان این مصیبت، احتمالاً مواردی مانند رسیدگی به بیمه عمر متوفی جا افتاده و حتی ممکن است خانواده از بیمه عمر خیر نداشتن باشند. مواردی که با استفاده از دنیای دیجیتالی و پایگاه داده امن بلاک‌چینی در حال برطرف شدن است و استفاده از تکنولوژی باعث می‌شود مردم هم در دوره زندگی تجربه بهتری داشته باشند و هم در زمان مرگ چالش‌های حقوقی و مالی کاهش پیدا کند ②



انجام شد. در طول اجرای آزمایشی، هزار بیمه‌گذار NTUC به صورت تصادفی برای شرکت انتخاب شدند. این آزمایش نشان داد LifeChain می‌تواند نقش بسزایی در فرایند خسارت داشته باشد و تجربه‌ای یکپارچه و کارآمد برای بیمه‌گذاران رقم بزند.

ویتانا: محصول بیمه پارامتریک انقلابی

یکی از ابتکارات متلایف در زمینه بلاک‌چین، توسعه ویتانا بود؛ یک محصول بیمه پارامتریک که با جامعه هدف مادران باردار مبتلا به دیابت بارداری توسعه یافته است. این محصول را مرکز نوآوری MetLife و LumenLab، مستقر در سنگاپور راه‌اندازی کرد. ویتانا از بلاک‌چین به طور خاص برای مادران باردار مبتلا به دیابت بارداری طراحی شده است. این محصول پیشگامانه را MetLife's LumenLab، مرکز نوآوری این شرکت مستقر در سنگاپور، توسعه داده است. تفاوت بیمه پارامتریک با بیمه سنتی این است که در صورت تحقق شرایط از پیش تعریف‌شده، عملیات پرداخت به صورت خودکار انجام می‌شود.

در این سیستم هنگامی که مادر باردار مبتلا به دیابت بارداری تشخیص داده می‌شود، تشخیص در یک سیستم پرونده الکترونیکی سلامت یکپارچه با زنجیره بلوکی به ثبت

مشارکت Singapore Press Holdings و NTUC Income، زنجیره زندگی (LifeChain) هنگام انتشار آگهی ترحیم، فرایند ادعا را آغاز می‌کند. مشروط بر اینکه داده‌های متوفی با خطمشی تعریف‌شده مطابقت داشته باشد. هدف این سیستم هم کاهش بار خانواده‌های داغدار با تسریع روند رسیدگی به خسارت و اطمینان از اطلاع‌رسانی به‌موقع به بیمه‌گران است.

LifeChain از بلاک‌چین برای تطبیق ایمن و کارآمد داده‌های ترحیم با بیمه‌نامه‌ها استفاده می‌کند. هنگامی که خانواده‌ای یک آگهی ترحیم ارسال کند، با ارائه شماره کارت ملی متوفی ثبت‌نام‌شده (NRIC) در زنجیره زندگی پروسه رسیدگی آغاز می‌شود. این اطلاعات هش شده و برای جست‌وجوی بلاک‌چین LifeChain استفاده می‌شود. در صورت یافتن بیمه‌نامه منطبق، یک اعلان ایمیلی به صورت خودکار به بیمه‌گر ارسال می‌شود و خانواده در عرض یک روز کاری از وجود بیمه‌نامه مطلع می‌شوند. این فرایند زمان و تلاش مورد نیاز برای شروع روند دریافت خسارت بیمه عمر را به میزان چشمگیری کاهش می‌دهد.

آزمایش LifeChain با همکاری Singapore Press Holdings (SPH) و NTUC Income، یکی از بزرگ‌ترین تعاونی‌های بیمه سنگاپور

GOLD AT HAND

INSTANT | SECURE | SEAMLESS



TECHNO GOLD ATM

www.tosantechno.com

تپسی =

ارسال اقتصادی و زمان‌بندی شده بسته با

تپسی‌پک



tapsi.ir

۹۰ دعوای حقوقی خانم جوهانسون و شرکت OpenAI بر سر صدای چت جی پی تی
نزاع بر سر صدای اسکارلت

۹۳ پژوهشی در بنیادهای حقوق هوش مصنوعی (۷)
زایش صنعتی

۹۵ مجوز بهره‌برداری یا فروش نرم افزار؟
بندبازی بر ریسمان ناستوار



تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

حقوق فناوری

www.peivast.com





نزاع بر سر صدای اسکارلت

نگاهی به مقدمه یک دعوای حقوقی بین خانم جوهانسون و شرکت OpenAI بر سر صدای چت جی پی تی



ماجرای بررسی کنیم. البته در حال حاضر روند قضایی‌ای از سوی خانم جوهانسون آغاز نشده است ولی مقدمات یک پرونده قضایی به جریان افتاده و به نظر می‌رسد این پرونده، یک پرونده مناسب برای بررسی مسائل مربوط به شخصیت‌های مشهور و هوش مصنوعی است. طبیعی است بستر بررسی این موضوع در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا است و نه ایران یا حتی هر کشور دیگری. ماجرا را از بیانیه خانم جوهانسون آغاز می‌کنیم که نقطه شروع این دعوا بود.

۲۹ سال داشت. بعد از انتشار پلتفرم جدید بسیاری گفتند نه فقط اصل کانسپت این هوش مصنوعی بلکه صدای یکی از پنج شخصیت این چت‌بات موسوم به اسکای نیز شبیه جوهانسون است. ماجرا وقتی پیچیده شد که مشخص شد OpenAI اساساً به جوهانسون پیشنهاد داده بود که صدای این چت‌بات باشد ولی او این پیشنهاد را رد کرده بود. OpenAI در ابتدا این موضوع را رد کرد ولی کمی بعد این صدا را از چت‌بات خود حذف کرد. ما این ماه می‌خواهیم ابعاد حقوقی این

بیش از یک ماه پیش شرکت OpenAI صاحب پلتفرم هوش مصنوعی مشهور ChatGPT از قابلیت در نسخه جدید این پلتفرم رونمایی کرد به نام «دستیار صوتی». در روز رونمایی شرکت اوپن‌آی و به طور مشخص شخص سم آلتمن، مدیر این شرکت، روی تشابه این پلتفرم با فیلم سینمایی her خیلی مانور دادند. فیلمی که داستان رابطه عاشقانه یک مرد با یک ربات را روایت می‌کند و صداپیشه آن ربات در آن فیلم اسکارلت جوهانسون (یوهانسن) بود که در زمان انتشار فیلم یعنی سال ۲۰۱۳،



مصطفی
مسجدی آزاری

خود را رونمایی کردیم. صدای اسکای، صدای اسکارلت جوهانسون نیست و هرگز قرار نبود شبیه صدای او باشد. ما قبل از تماس با خانم جوهانسون، صدایشه پشت صدای Sky را انتخاب کردیم. به احترام خانم جوهانسون، استفاده از صدای Sky را در محصولات خود متوقف کرده‌ایم و برای خانم جوهانسون متاسفیم که نتوانستیم بهتر با هم ارتباط برقرار کنیم.»

۳. صدای اسکارلت، ثبوت و اثبات

نکنه بعدی این است که بررسی ما با فرض اینکه مساله «اثباتی» این ماجرا حل شود انجام می‌شود. در واقع ما به بررسی بعد «ثبوتی» می‌پردازیم نه اثباتی. برای اینکه متهم به زدن حرف‌های تخصصی حقوقی نشوم تفاوت اثباتی و ثبوتی را با ذکر یک مثال توضیح می‌دهم؛ فردی متهم به قتل است. دادگاه در ابتدا باید اثبات کند که قتل به دست او انجام شده و سپس وارد بحث ثبوتی شود و ببیند مجازات او چیست. مگر ممکن است مجازات فرقی هم کند؟ بله. مثلاً در شرایطی که فرد از خود دفاع کرده است. در صورتی که اساساً اثبات نشود که قتل به دست این متهم انجام شده است طبیعتاً دادگاه وارد بحث ثبوتی ماجرا هم نمی‌شود. حالا در پرونده ما هم فرض بر این است که به هر شکل ثابت می‌شود اوپن آی بدون اجازه خانم جوهانسون از صدای او استفاده کرده است.

البته خود این مساله هم دو بعد دارد. نخست اینکه هیات منصفه (احتمالاً با استفاده از نظر کارشناسان) باید شباهت این صدا را تایید کنند و سپس باید تایید شود صدایی که شبیه است به صورت غیرقانونی به وسیله اوپن آی تولید شده تا در این پلتفرم مورد استفاده قرار گیرد. چون ممکن است این شباهت تولیدشده نباشد بلکه فرد دیگری، در جای دیگری از جهان یا امریکا به صورت طبیعی صدایی شبیه اسکارلت جوهانسون داشته باشد. در این صورت بحث‌هایی مانند حسن نیت اوپن آی در استفاده از این صدا مخصوصاً با مذاکرات صورت گرفته به وجود خواهد آمد که نمی‌خواهیم پیشاپیش و بدون اطلاعات کافی وارد جزئیات آن شویم ولی به هر حال در صورتی که دادگاهی در این زمینه تعیین شود یک هیات منصفه از مردم عادی خواهند بود که درباره اصل شباهت و نیز سوءنیت اوپن آی در این زمینه نظر خواهند داد.

مسائل در قالب شفافیت و تصویب قوانین مناسب هستیم تا به محافظت از حقوق فردی کمک کنیم.»

۲. صدای اسکای، صدای اسکارلت نیست

پس از آن شرکت اوپن آی و سم آلتمن در یک پست وبلاگی و یک بیانیه توضیح دادند که چه روندی برای انتخاب صدای این چت بات طی شده است. خلاصه‌ی این دو متن را می‌خوانید «هر یک از پنج صدای متمایز که می‌شنوید، از طریق یک فرایند گسترده که پنج ماه به طول انجامیده، با حضور صدابیشگان حرفه‌ای، آژانس‌های استعدادیابی، مدیران برنامه بازیگران و مشاوران این صنعت و نیز کارگردانان و تهیه‌کنندگان مستقل، شناخته شده و برنده جایزه انتخاب شده است. ما از جامعه خلاق حمایت می‌کنیم و از نزدیک با صنعت صدابیشگی کار می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که گام‌های درستی برای پخش صدای ChatGPT برداشته‌ایم. هر کسی که صدایش استفاده شده دستمزدی بالاتر از نرخ‌های بالای بازار دریافت می‌کند و تا زمانی که از صدای آنها در محصولات ما استفاده شود، این دستمزد ادامه خواهد داشت. ما معتقدیم که صداهای هوش مصنوعی نباید عمداً صدای متمایز یک سلبریتی را تقلید کنند. صدای اسکای تقلیدی از اسکارلت جوهانسون نیست بلکه متعلق به یک هنرپیشه حرفه‌ای متفاوت است که از صدای طبیعی خود استفاده می‌کند. برای محافظت از حریم خصوصی آنها، نمی‌توانیم نام استعدادهای صوتی خود را به اشتراک بگذاریم. ما بیش از ۴۰۰ فیلم ارسالی از صدابیشگان و نیز بازیگران دریافت کردیم و پس از آنکه یک لیست ۱۴ نفره از میان‌شان انتخاب کردیم به مذاکره با این صدابیشگان پرداختیم و با آنها در مورد قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و خطرات این فناوری و همچنین تدابیر حفاظتی که اجرا کرده‌ایم صحبت کردیم. در نهایت ما پنج نفر را انتخاب و در ماه‌های ژوئن و جولای یعنی سه ماه قبل از انتشار محصول آنها را برای ضبط صدا به سان فرانسیسکو دعوت کردیم. ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۲۳ ما با تیم خانم جوهانسون برای صدایشه ششم صحبت کردیم که یک هفته بعد این پیشنهاد رد شد و در ۲۵ سپتامبر دستیار صوتی را راه‌اندازی کردیم. یک بار دیگر در ماه مه ۲۰۲۴ با خانم جوهانسون صحبت کردیم تا خواستار تجدیدنظر در این زمینه شویم و سه روز بعد دستیار صوتی

۱. «شوکه شدم و عصبانی»

جوهانسون بعد از این حرف و حدیث عمومی مبنی بر این تشابه بیانیه‌ای منتشر کرد و گفت «در ماه سپتامبر گذشته، پیشنهادی از سم آلتمن دریافت کردم که می‌خواست مرا استخدام کند تا از صدای من برای سیستم چت بات ورژن ۴.۰ استفاده کند. او به من گفت احساس می‌کند با صدای من در این سیستم می‌تواند شکاف بین شرکت‌های فنی و حوزه خلاقیت را پر کند و به مصرف‌کنندگان کمک کند تا در میانه زلزله ناشی از تغییر از انسان به هوش مصنوعی، احساس بدی نداشته باشند. او گفت احساس می‌کند صدای من برای مردم دلنشین خواهد بود. پس از بررسی‌های زیاد و به دلایل شخصی، این پیشنهاد را رد کردم. ۹ ماه بعد، دوستان، خانواده و عموم مردم، همه خاطرنشان کردند که چقدر صدای جدیدترین سیستم آنها به نام اسکای شبیه صدای من به نظر می‌رسد.

وقتی نسخه نمایشی منتشرشده را شنیدم، شوکه شدم، عصبانی شدم و برایم باورکردنی نبود که آقای آلتمن صدایی را استفاده کرده که آن قدر شبیه صدای من باشد که نزدیک‌ترین دوستان و رسانه‌های خبری من نتوانند تفاوتش را بیان کنند. آقای آلتمن حتی اظهار داشت این شباهت عمدی است؛ با تویییت کردن کلمه her، اشاره‌ای به فیلمی که در آن صدای من، صدای یک سیستم چت به نام سامانتا بود که رابطه‌ای صمیمی با یک انسان برقرار می‌کند.

دو روز قبل از انتشار نسخه نمایشی ۴ چت‌جی‌پی‌تی، آقای آلتمن با مدیر برنامه من تماس گرفت و از من خواست در تصمیم خود تجدیدنظر کنم قبل از اینکه بتوانیم با آنها تماس بگیریم، پلتفرم منتشر شده بود. در نتیجه اقدامات آنها، من مجبور شدم مشاور حقوقی‌ای استخدام کنم که دو نامه را به آقای آلتمن و اوپن‌آی نوشت؛ آنچه را آن‌ها انجام داده بودند توضیح داده و از آنها خواسته است تا روند دقیقی را که با استفاده از آن صدای اسکای را ایجاد می‌کنند، شرح دهند. در نتیجه، openAI با اکره موافقت کرد که استفاده از این صدا در اسکای را متوقف کند.

در زمانی که همه ما با دی‌فیک‌ها و محافظت از شباهت خودمان، کار خودمان و هویت خودمان درگیر هستیم، معتقدم اینها مسائلی است که باید به‌وضوح پاسخ داده شوند. من مشتاقانه منتظر حل و فصل این

پنج نکته حقوقی

حال با فرض تایید شباهت و سوءنیت اوپن آی ۱. مساله اول این است که آیا اوپن آی «حق تبلیغات» اسکارلت جوهانسون را نقض کرده است یا نه. مگر افراد حق بر تبلیغات دارند؟ بله. به دو دلیل. نخست اینکه استفاده از نام، تصویر یا صدای این افراد می‌تواند آورده اقتصادی برای استفاده‌کننده داشته باشد و لذا باید این افراد هم از آن سهمی داشته باشند و دلیل دوم اینکه در صورت استفاده از نام، تصویر یا صدای این افراد در بین مصرف‌کنندگان این تصور پیش می‌آید که سلبریتی محصول را تایید می‌کند؛ بنابراین باید آنها به طور کامل روی این موضوعات مربوط به هویت خود تسلط داشته باشند و حتی در صورت داشتن قرارداد با شرکت‌ها بتوانند طبق شرایطی از آنها جدا شوند.

آیا در سطح تجاری و میان هنرمندان در مورد هوش مصنوعی نگرانی وجود دارد؟ پاسخ حتماً مثبت است

البته باید گفت در آمریکا در حال حاضر یک نهاد حقوقی واحد به نام حق تبلیغات در سطح فدرال وجود ندارد (اگرچه اخیراً در لایحه‌ای این حق پیشنهاد شده) بلکه اولاً این حق به صورت شبکه‌ای از حقوق است و ثانیاً بسته به ایالت متفاوت است.

همچنین تفاوت‌هایی در مورد اینکه چه چهره عمومی‌ای این حق را دارد در میان است. برخی ایالت‌ها فقط به افراد مشهور و شخصیت‌های عمومی که از هویت خود امرارمعاش می‌کنند این حق را می‌دهند (و نه هر هنرمند و شخصیت عمومی) و برخی هستند که حقوق تبلیغات را پس از مرگ به رسمیت نمی‌شناسند و برخی دیگر این حقوقی را حتی هنگام مرگ هم به رسمیت می‌شناسند.

۲. مساله دوم این است که حقوق آمریکا یک حقوق کاملاً لا است یعنی در آن رویه‌های قضایی گذشته اهمیت بالایی دارند و مورد استناد دادگاه‌های فعلی قرار می‌گیرند. حال سوال این است که آیا سابق بر این رویه‌ای در دادگاه‌های آمریکا بوده که بتواند بر این سناریوی خاص اعمال شود؟

با وجود اینکه هوش مصنوعی موضوعی

جدید است، به نظر می‌رسد یک پرونده از سال ۱۹۸۸ قواعدی دارد که در این پرونده صدق می‌کند.

در آن پرونده خواننده‌ای به نام Bette Midler پیشنهادی از شرکت فورد دریافت کرده بود که در یکی از تبلیغات این شرکت آهنگی بخواند. میدلر این پیشنهاد را رد کرده بود و پس از آن شرکت فورد در آگهی خود از صدایی شبیه صدای آن خواننده استفاده کرده بود. در آن پرونده، دادگاه تصاحب صدای میدلر از سوی فورد را یک تخلف تحت قوانین حق تبلیغات کالیفرنیا تشخیص داد.

۳. مساله سوم این است که آیا در سطح دولتی در این زمینه نگرانی وجود دارد و آیا دولت آمریکا تلاشی برای مقررات‌گذاری و تنظیم بازار در این زمینه می‌کند؟

پاسخ منفی است. در حال حاضر تمرکز دولت آمریکا روی دو مساله است: نخست اینکه خروجی‌های هوش مصنوعی محتوایی قانونی باشد (و مثلاً تشویق به تروریسم نباشد) و ثانیاً این خروجی کپی‌رایت را نقض نکند. منظور از این کپی‌رایت حق بر تبلیغات نیست بلکه در مرحله آموزش یا لرنینگ هوش مصنوعی است. در حال حاضر دعاوی زیادی وجود دارد که در آن ادعا شده مثلاً چت جی‌پی‌تی با استفاده از محتوای کتاب‌هایی که حق کپی‌رایت دارد، جواب سوالات کاربران خود را می‌دهد و از این نظر حق کپی‌رایت را نقض کرده است.

البته برخی از نهادهای دولتی آمریکا هم در این زمینه مقررات خاصی وضع کردند؛ مثلاً نهاد مربوط به ثبت کپی‌رایت آثار مکتوب، از نویسندگان خواسته است به صورت خودافشایی، آثار یا بخشی از آثاری که با هوش مصنوعی تولید شده مشخص کنند. با این حال به عنوان مثال در مورد همه آثار هنری، چنین الزامی وجود ندارد. این دقیقاً برعکس آن نگرانی اصلی در مورد کپی‌رایت است.

۴. مساله چهارم این است که آیا در سطح تجاری و میان هنرمندان در مورد هوش مصنوعی نگرانی وجود دارد؟ پاسخ حتماً مثبت است. اگر اخبار مربوط به اعتصاب بازیگران هالیوودی را دنبال کرده باشید اطلاع دارید که یکی از اعتراضات و نگرانی‌های این بازیگران احتمال استفاده از هوش مصنوعی به جای خود آنان است. یعنی اینکه تهیه‌کننده یک اثر هنری به جای اینکه به یک بازیگر مطرح پول بپردازد، هوش مصنوعی را جایگزین استعداد انسانی کند و از صدای تولیدشده به وسیله این ابزار تکنولوژیک استفاده کند.

۵. نکته پایانی یک اشتباه استراتژیک و یک اقدام درست است که از سوی اوپن آی انجام شده. اشتباه و اقدام درستی که ممکن است در صورتی که روند قضایی آغاز شود روی نظر دادگاه تاثیر بگذارد و می‌تواند برای ما درس باشد.

اشتباه استراتژیک تمرکز روی شباهت این نسخه صوتی با فیلم her است که در تبلیغات اوپن آی در روز انتشار این نسخه صوتی و نیز توییت شخص سم آلنمن دیده شد. تمرکز روی این شباهت می‌تواند برای دادگاه و هیات منصفه به این معنا باشد که آنها روی شباهت صدای یکی از شخصیت‌های این دستیار صوتی با اسکارلت جوهانسون در آن فیلم هم حساب باز کرده‌اند.

اما اقدام درست چه بوده است؟ متوقف کردن استفاده از این صدا. برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، این نوعی پذیرش خطا یا عقب‌نشینی نیست بلکه از منظر حقوقی نشانه‌ای از حسن نیت است. در واقع اوپن آی با این کار نشان داده که قصدی برای ضربه زدن به منافع تجاری خانم جوهانسون نداشته است.

البته این اقدام این فرضیه را هم در ذهن برخی از طرفداران تئوری توطئه تقویت کرده که ما با یک سناریوی از پیش تعیین‌شده روبه‌رو هستیم. طبق این نظریه توطئه اوپن آی از ابتدا از شباهت این صدا با اسکارلت جوهانسون مطلع بوده ولی این شباهت از طریق غیرقانونی (مثل مدل‌سازی کامپیوتری) به دست نیامده بلکه واقعاً فردی پیدا شده که به شکل طبیعی صدایی نزدیک به خانم اسکارلت جوهانسون داشته است.

پس از این، اوپن آی یک استراتژی تبلیغاتی می‌چیند و با خانم جوهانسون وارد مذاکره می‌شود تا او را در این زمینه حساس کند و حتی سه روز قبل از رونمایی از نسخه صوتی خود بار دیگر با او مذاکره کرده است تا این حساسیت افزایش پیدا کند و از سوی دیگر این صدا را روی کاراکتری می‌گذارد که نام او با نام اسکارلت سه هجای مشترک در آغاز دارد (اسکای و اسکارلت) و همچنین پس از رونمایی از دستیار صوتی نیز با آن توییت‌ها در مورد فیلم her تنش با خانم جوهانسون را به اوج رسانده و در نهایت با اعتراض خانم جوهانسون توانسته بدون مزد و منت یک فرصت تبلیغاتی برای دستیار صوتی خود فراهم کند و در نهایت هم با متوقف کردن این دستیار صوتی حسن نیت خود را نشان داده و حتی در صورت آغاز فرایند قضایی در این زمینه بازنده نخواهد بود.



حقوق هوش مصنوعی

پژوهشی در بنیادهای حقوق هوش مصنوعی (۷)

زایشِ صنعتی

THE BIRTH OF AI



حسام ایبکی
حقوقدان

بعدی خود را با این سوال روبه‌رو یافتیم که آیا می‌شود برای هستنده‌ای قائل به مسئولیت بود بدون اینکه پیشتر حقی بر آن متصور باشیم؟ یعنی آیا مسئول محض و موجود سراپا مکلف، در عالم حقوق قابل تصور است یا در این گستره اعتباری هر آنچه پدیدار شود باید نخست بهره‌مند از حق باشد و سپس به تبع این حق بر او تکالیفی بار شود؟ سرآغاز بود هر هستنده در جهان حقوق، «حق‌مند» شدن است. پس عبارت را با تاکید دوباره چنین بیان می‌کنم که لزوماً هر آنچه را در «جهان طبیعت» هست نمی‌توانیم هستنده‌ای در «جهان حقوق» تلقی کنیم. اما آنچه در جهان حقوق هستنده قلمداد می‌شود در ابتدا حق‌مند است و سپس مکلف. به عنوان مثال یک تخته‌سنگ یا صخره در جهان طبیعی «موجود» است اما در جهان حقوق، اعتبار نیافته تا اینکه فرض کنید- انسانی آن عرصه را که سنگ را در خود جای داده به عنوان معدن شناسایی یا ثبت کند یا انسان دیگری به حکاکی طرحی روی آن مشغول شود و از قضا صدها سال بعد حاکمیتی آن سنگ منقش را به عنوان میراث تاریخی و فرهنگی واجد حق بداند. پس سنگ به واسطه سنگ بودن نیست که در عالم حقوق هستی می‌یابد بلکه به واسطه التفات انسانی است که رکنی از جهان حقوق به شمار خواهد رفت.

۵۵. چرا از عبارت «زایش» استفاده می‌کنم؟ به عنوان مثال ساخت یک چکش در کارگاه صنعتی را هم می‌توان زایش نامید؟ چه چیزی موجب می‌شود از واژه «تولید» به سوی «تولد» حرکت کنیم؟ پاسخم این است که ما در مورد آن چیزی صحبت می‌کنیم که «مُدِرک» است و مهم‌تر از آن مفروض داریم که «استقلال در کنش» دارد. چکش یا تبر، در تجربه امروزی ما صاحب درک نیستند و به تحلیل خودشان تصمیم بر کوفتن یک میخ یا انداختن یک درخت نمی‌گیرند. اگر روزی آمد که چکش و تبر هم ادراک و استقلال در کنش یافتند آن‌گاه از عبارت زایش استفاده خواهیم کرد.

۵۶. این سوال را نخستین بار در تاملات Mary Shelly یافتیم (نقل می‌کنم از کتاب فرهنگ پسامدرن به قلم عبدالکریم رشیدیان). مری شلی برای نخستین بار به این سوال می‌پردازد که

«اگر بتوان ماشینی ساخت که هوش داشته باشد آیا می‌تواند احساس هم داشته باشد؟ و اگر احساس هم داشته باشد آیا از همان حقوقی برخوردار است که انسان از آن برخوردار است؟»

آغاز می‌شود. در درس و مشق دانشکده‌های حقوقی، تولد را مبداء پیدایش حق می‌دانند. حق پدیدار شده، تابعان متعددی را تحت تاثیر قرار خواهد داد، مثلاً پدر و مادر به عنوان والدین حقوقی خواهند داشت و خود فرزند نرسیده نیز بهره‌مند از حقوقی است و در مقابل این سه، حاکمیت نیز حقوقی را بر خود متصور است و البته تکالیفی نیز توأم با حقوق حاصل می‌شود. ۵۳. حق و مسئولیت یا حق و تکلیف، دو واژه متکی به یکدیگر هستند که با هم زاده می‌شوند و تصور یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. من باب مثال به محض تولد، کشوری که میزبان این ولادت است قواعدی را به عنوان تابعیت بر فرزند متولد شده بار می‌کند و خلاصه داستان زایش طبیعی در تجربه زیسته تک‌تک ما شناخته شده است. در واقع آنچه به عنوان حق و تکلیف می‌شناسیم، یک پدیده از دو منظر است چنان‌که سخن از سرما و گرما، اشاره به یک حقیقت از دو منظر دارد.

سرآغاز حق‌مندی

۵۴. در بند ۴۹ الی ۵۱ به مساله مسئولیت برای هوش مصنوعی پرداختم اما در تعمق‌های

این یادداشت را با یک تصویر خیالی آغاز می‌کنم. تصور کنید مشغول زیستن در شهری هستیم که در آن دو گونه موجود هوشمند توأمان مشغول انجام فعالیت‌های روزانه هستند. یک گونه همانی است که هزاران سال را سیری کرده تا به عنوان «شهروند» به زیست مدرن کنونی برسد. اما سوی دیگر- که نمی‌دانیم در ظاهر چقدر با گونه نخست شباهت دارد- متولد از «زایش صنعتی» و به عبارت دیگر، فرزند ماشینی گروه نخست است. همین اصطلاح ناآشنا- یعنی زایش صنعتی- را به عنوان مبداء یادداشت هفتم و سرآغاز بند ۵۲ از سلسله‌جستارهای بنیاد حقوق هوش مصنوعی لحاظ می‌کنم:

۵۲. هوش مصنوعی نمی‌تواند سرآغاز تعمق باشد، بلکه پیش از آن باید به مبداء پیداری آن بپردازیم، یعنی آن چیزی که در این یادداشت به نام «زایش صنعتی» معرفی می‌شود. برای اینکه درک رساتری از زایش صنعتی داشته باشیم شاید تاملی در عبارت زایش، شروع مناسبی باشد.

انسان به وسیله زایش، انسان دیگری را پدید می‌آورد و به اعتبار این پیدایش، حقوقی نیز

سوال مری شلی- گرچه متکی بر برهان قابل اتکایی نیست اما- سوال دقیقی است. نقصان پرسش آن است که صرف حس‌مندی برای حق‌مندی کفایت نمی‌کند. ما خبر قاطعی نداریم از اینکه دیگر هستنده‌ها حس دارند یا

چنان‌که نوزاد انسانی، متولد از انسان به واسطه «زایش طبیعی» است، مادر جهان آینده هم‌زیست باربات‌هایی خواهیم بود که تولید انسان به طریق «زایش صنعتی» است

ندارند. یعنی در بند ۵۴ برای رسیدن به سنگ‌ واجد حق، از این مسیر استدلال نمی‌کنیم که آیا سنگ حس دارد یا ندارد چون اثبات حس نداشتن برای سنگ نه ساده است و نه ضروری. بلکه اگر مقدماً پذیرفته باشیم که:

- ◀ **اول:** حقوق، انشای خرد انسانی است
 - ◀ **دوم:** آنچه در عالم حقوق، اعتبار می‌شود در ابتدا واجد حق است
 - ◀ **سوم:** فرض مسئولیت برای شیء موخر است بر اعتبار آن در عالم حقوق
- آن‌گاه از این مقدمات استنباط می‌شود که اگر موجودی دارای مسئولیت باشد پس دارای حق است.

ضرورت حقوق

۵۷. قبل‌تر به «ضرورت حقوق» نپرداخته‌ایم. چرا باید به حقوق چیزی اندیشید؟ چه‌بسا اگر اندیشیدن به این گروه از سوالات را حذف کنیم، آن‌گاه وجه تسمیه جستار دچار اخلال شود چون دیگر با «بنیان‌های حقوق هوش مصنوعی» انطباق نخواهد داشت. نقل قول می‌کنم از کتاب فلسفه حقوق ناصر کاتوزیان (جلد اول- صفحه ۶۶۱-۶۶۲) که به طور خلاصه چنین می‌گویند که حقوق زاییده سه منشأ است: اراده دولت، رسوب تاریخی عادات و رسوم، و نیازهای اجتماعی.

و البته نگارنده در نقد شاگردانه و حاشیه‌ای عرض دارم که حقوق زاییده «ضرورت عقلی» است که چه‌بسا همانی باشد که مرحوم کاتوزیان «نیاز اجتماعی» نامیده‌اند و حالا این ضرورت عقلی به قدرت منتهی می‌شود و قدرت در دو دسته متمرکز و نامتمرکز تقسیم‌پذیر است. قدرت متمرکز که مصداق آن قدرت سیاسی است (که مرحوم کاتوزیان آن را اراده دولت نامیده‌اند حال آنکه دولت خود مبداء اراده نیست) و قدرت نامتمرکز که مصداق آن قدرت توده (شامل عرف و سنت و باورهای عامه) است به ابداع قواعد حقوقی منتهی می‌شود. پس ضرورت حقوق، ضرورت عقلایی است.

۵۸. عبارت دیگری که در اینجا خودنمایی می‌کند «قدرت» است. نقل قول می‌کنم از مبسوط در ترمینولوژی حقوق به قلم

محمدجعفر جعفری لنگرودی که در بند ۸۹-۶۰ (جلد سوم) در برابر واژه حق (Law یا Droit) می‌نویسد «توانه- راستا». به این عبارت که ایشان از تاریخ بی‌هقی نقل می‌کنند دقت کنید: «و آنچه به راستای معتمدان ما کرده آید ضایع نشود...» و در این جمله «راستا» یعنی آنچه در حق معتمدان ما کرده. بنابراین عبارت حق را نمی‌توان بدون «قدرت» یا «توان» درک کرد. در اصطلاح نیز حق یعنی توانایی شخص بر کسی یا چیزی، بنابراین ما وقتی از حقوق صحبت می‌کنیم به‌واقع سخن‌مان از توابع توان و ثمرات قدرت است.

۵۹. از مجموعه آنچه در بند ۵۳ الی ۵۷ آمده است استنباط می‌شود، از آنجا که در هوش مصنوعی، هستنده‌ای با «توان» و قدرتی مضاعف بر ابزارهای تاکونونی پدید می‌آید که دارای «قدرت تمیز» یا قوه تشخیص است پس به اعتبار این توان، در «جهان حقوق» حق‌مند تلقی خواهد شد. لکن دستیابی او به این حق، ابتدایی نیست بلکه تبعی و به واسطه بهره‌مندی از توان انسان است. لذا چنان‌که نوزاد انسانی، متولد از انسان به واسطه «زایش طبیعی» است، ما در جهان آینده هم‌زیست با ربات‌هایی خواهیم بود که تولید انسان به طریق «زایش صنعتی» است.

حقوق بشر صنعتی

۶۰. این واژه را در جستار هفتم طرح می‌کنم تا در ادامه تحقیق، بیشتر به آن بپردازم. کاروان حیات انسانی، راه بلندی را طی کرد تا به تدوین حقوق بشر پرداخت و این دسته از حقوق عبارت است از توان‌ها و امتیازهایی که به محض ولادت برای هر انسان- مستقل از جنس و رنگ و نژاد و سن- متصور است. حال باید اندیشید اگر آنچه از انسان متولد می‌شود نه فقط انسان بلکه رباتی متولد از زایش صنعتی باشد که دارای حس و ادراک است، آیا نباید بهره‌مند از حقوق باشد و آیا نباید به اتکای همین حقوق ما در آتیه به منشور حقوق ربات یا منشور بشر صنعتی بیندیشیم؟!

یادداشت را با این جمع‌بندی به پایان می‌برم که در جستار ششم یکسره به مقوله مسئولیت پرداختم اما در جهان حقوق مسئولیت باید بر پایه دیگری استوار باشد به نام «توان». یعنی نمی‌شود تکلیف مافوق توان را مفروض دانست و به همین سبب آن‌گاه که سخن از مسئولیت برای هوش مصنوعی به میان آمد، لاجرم باب گفت‌وگو درباره حقوق هوش مصنوعی نیز گشوده شده است ①





حقوق نرم افزار

مجوز بهره برداری یا فروش نرم افزار؟

بندبازی بر ریسمان ناستوار

انتقال دهنده با انعقاد قراردادی یا در مواردی به حکم قانون، آثار قانونی برای خود رقم می زنند. مجوزدهنده در قبال اعطای مجوز بهره برداری حقی را برای خود درخواست می کند که عموماً حق الامتیاز نام دارد و مجوزگیرنده نیز در راستای حدود توافق انجام شده اجازه بهره برداری از مال فکری معینی در مدت معین و محدوده جغرافیایی مشخص به دست می آورد.

انتخاب طرفین

طبیعتاً اکثر مالکان نرم افزارها ترجیح می دهند اجازه بهره برداری از نرم افزارهای خود را به مشتریان بدهند تا اینکه آنها را به دیگران بفروشند، زیرا اعطای مجوز بهره برداری به مالکان نرم افزار اجازه می دهد نظارت خود را بر نرم افزار حفظ کنند، کاری که در صورت فروش نرم افزار اتفاق نخواهد افتاد. در واقع، فروش محصول نرم افزاری به جای اعطای مجوز بهره برداری می تواند آثار و نتایج جدی برای دارندگان حقوق مالکیت فکری محصول در پی داشته باشد و توانایی جلوگیری از اقدامات اشخاص ثالث در بازتولید یا تصاحب بدون اجازه ویژگی های عملکردی نرم افزار را از آنها می گیرد. این موضوع خصوصاً در جایی که بازتولید محصول طبق قوانین کپی رایت و حمایت از مالکیت فکری نرم افزار بلاشکال است، مساله ساز خواهد شد. بنابراین آنجا که استفاده از محصول، تحت قوانین نامبرده محدود نشده است در صورت فروش محصول، امکان کنترل اقدامات طرفهایی که با آنها رابطه قراردادی وجود ندارد، آسان نخواهد بود.

به عبارت دیگر، فروشنده محصول نرم افزاری در صورتی که برای جلوگیری از اقداماتی مانند بازتولید و مهندسی معکوس نرم افزار تحت حمایت قانونی نباشد، ناچار از متعهد کردن طرف مقابل در قرارداد فروش محصول خواهد شد، اما این تعهد به اشخاص ثالثی که طرف قرارداد با فروشنده نیستند تسری نخواهد یافت. از سوی دیگر، با وجود اینکه تنظیم قرارداد در قالب اعطای مجوز بهره برداری از نرم افزار، می تواند مانع از چنین اقداماتی شود باز هم این امکان وجود دارد که تجاوز به کپی رایت و نقض قرارداد اتفاق بیفتد.

پس آنچه بدیهی است اینکه طرفین معامله باید بتوانند نوع قرارداد و رابطه قراردادی را آزادانه انتخاب کنند. اگرچه در مواردی هم دیده شده است که ترمینولوژی استفاده شده و مستندات کتبی تنظیم شده به صورت ضمنی نشان دهنده قصد طرفین برای اعطای مجوز

این قراردادها در کشورهای مختلف از مقررات مشخصی پیروی می کنند؛ مثلاً در قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات ایران مصوب ۱۳۱۰ علاوه بر الزام کتبی بودن این قراردادها ثبت آنها نیز الزامی است.

قرارداد اعطای مجوز بهره برداری نوع دیگری از قالب های حقوقی در انتقال فناوری است. این قراردادها ارتباط مالک را با نرم افزار قطع نکرده بلکه به منزله اعلام رضایت مالک در بهره مندی و استفاده فرد دیگری از نرم افزار، برای مدت معین و در محدوده جغرافیایی مشخص، در ازای دریافت هر چیزی است که ارزش مادی داشته باشد.

به رغم اینکه این نوع قراردادها نقش پررنگی در روابط شرکت های تجاری با افراد دارند نقش پررنگ تری در روابط بین شرکت های تجاری و کسب و کار بنگاه های تجاری ایفا می کنند. طرفین این قراردادها اعم از انتقال گیرنده و

آنچه در این نوشته به بررسی آن نشستیم این تشخیص دو قالب حقوقی انتقال فناوری یعنی قراردادهای فروش و قراردادهای اعطای مجوز بهره برداری نرم افزار است، چراکه در موارد متعددی دیده شده است قرارداد طرفین به قدری پیچیده و چندوجهی است که تشخیص قصد طرفین در آن به سادگی امکان پذیر نیست و از طرفی نیز منافع طرفین قرارداد در زمان بروز چالش ایجاب می کند قصد اولیه خود را کتمان کنند.

قراردادهای فروش نرم افزار در واقع واگذاری کلیه حقوق قانونی مالک نرم افزار و دانش فنی و اسرار تجاری آن به دیگری است و در نتیجه، رابطه واگذارنده یا انتقال دهنده با موضوع حق مالکیت فکری قطع و به انتقال گیرنده منتقل می شود. قرارداد انتقال حق مالکیت نرم افزار در ایران شباهت های زیادی به عقد بیع دارد که به آن قرارداد فروش هم می گویند.



غزاله دخیلی
وکیل دادگستری و
مشاور حقوقی



پگاه قربانی
وکیل دادگستری و
مشاور حقوقی

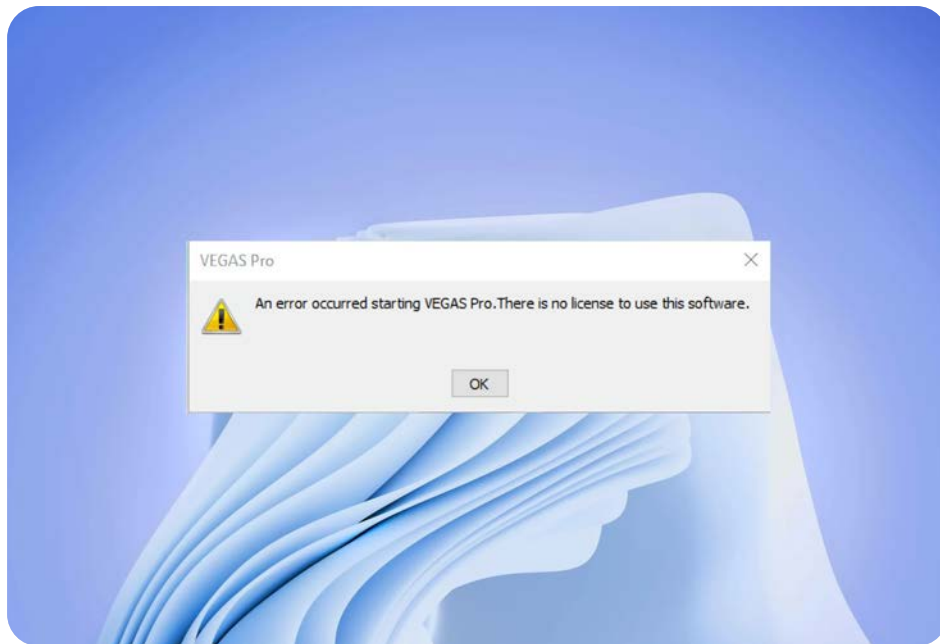
است. بنابراین به رغم نبود رابطه قراردادی بین شرکت مایکروسافت و شرکت هارمونی، رعایت کپی‌رایت مایکروسافت بر عهده شرکت هارمونی بوده و مسئول جبران خسارات وارده به مایکروسافت به دلیل تجاوز به حقوق کپی‌رایت او شد.

۲- بررسی اینکه آیا معامله دو طرف، فروش محسوب می‌شود یا مجوز بهره‌برداری در اروپا، از سوی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با نام اختصاری CJEU و در پرونده Usedsoft و با استفاده از اصل سلب‌شدگی (Principle of Exhaustion)، که مشابه دکترین اولین فروش در ایالات متحده است، صورت پذیرفته است. طبق این اصل، دارنده حقوق قانونی یک محصول مشخص که با رضایت او در بازار به فروش می‌رسد، پس از فروش محصول، کنترل و حق قانونی بر نحوه استفاده، فروش مجدد یا اجاره آن نخواهد داشت.

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با اتخاذ رویه واحد بین دادگاه‌های کشورهای عضو، سعی در ارائه معیارهای مشخص در تفسیر قرارداد و توافق طرفین یک معامله برای یافتن قصد اصلی آنها در خصوص فروش یا اعطای مجوز بهره‌برداری داشته است. اگر توافق طرفین در قالب استاندارد EULA اتحادیه اروپا تنظیم شده باشد، کار به مراتب ساده‌تر خواهد بود تا زمانی که توافق طرفین در قالب مد نظر آنها تنظیم شده باشد. حتی در مواردی مانند پرونده CJEU, Vernon، تصمیم گرفت بیشتر تمرکز خود را بر ماهیت معامله قرار دهد تا قالب و ترمینولوژی حقوقی استفاده‌شده‌ی طرفین؛ به عبارت دیگر، آثار اقتصادی و مالی نحوه تفسیر نیز می‌تواند در تصمیم نهایی دادگاه تأثیرگذار باشد. بنابراین پوشش الفاظ نمی‌تواند پنهان‌کننده خوبی برای قصد واقعی طرفین باشد.

اندکی پیشنهاد

در فضای رقابتی کسب‌وکار، گاهی اشتیاق یا حتی اجبار طرفین بر شروع پروژه و همکاری‌های آینده به حدی است که دقت آنها بر مفاد قرارداد را به شدت کاهش می‌دهد، زمان می‌گذرد و به هر دلیل، اختلافاتی عیان می‌شود و هر طرف سعی در تفسیر قرارداد به نفع خود و مصادره به مطلوب خواهد داشت. اینجاست که چارلی چاپلین گفته است: «مدمان روی زمین استوار، بیشتر از بندبازان روی ریسمان نااستوار سقوط می‌کنند.»



شرکت مایکروسافت مواجه شد و دعوایی را علیه شرکت هارمونی مطرح کرد. در ادامه دادگاه باید در اینباره که آیا شرکت هارمونی به عنوان شخص بدون مجوز می‌توانسته است مستقلاً محصولات مایکروسافت را بفروشد یا خیر، تصمیم می‌گرفت. شرکت مایکروسافت معتقد بود شرکت هارمونی دارای مجوز بهره‌برداری از محصولات مایکروسافت نبوده و بنابراین حق فروش محصولات را نداشته چراکه در مفاد قرارداد، فقط شرکت مایکروسافت حق توزیع محصولات خود را داشته است و بنابراین شرکت هارمونی مرتکب تجاوز به حق کپی‌رایت مایکروسافت شده است. طرف مقابل چنین دفاع کرد که با توجه به خرید محصولات توسط آن شرکت از یک نمایندگی مجاز مایکروسافت، دکترین «اولین فروش» (First Sale Doctrine) اتفاق افتاده است و بنابراین مایکروسافت دیگر حقی بر نحوه فروش محصول و گردش آن در بازار ندارد. دکترین مذکور مفهومی است حقوقی و مبین آن است که به محض فروش قانونی محصول مشمول کپی‌رایت، دارنده حق توانایی کنترل انتقالات بعدی را از دست می‌دهد و انتقال‌گیرنده می‌تواند نسخه قانونی آن را به محض تصاحب و دریافتش به دیگران انتقال دهد. مشخص است که اگر وقوع دکترین اولین فروش از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار می‌گرفت، تجاوز به حق کپی‌رایت خودبه‌خود از بین می‌رفت. اما برخلاف ادعای شرکت هارمونی، دادگاه وقوع دکترین اولین فروش را نپذیرفت زیرا از نظر دادگاه عملاً فروشی اتفاق نیفتاده و آنچه روی داده بود صرفاً اعطای مجوز بهره‌برداری از محصول از طرف شرکت مایکروسافت بوده

بهره‌برداری است در حالی که قصد واقعی آنها فروش محصول بوده است یا بالعکس. اما شرایط و احوال معامله نیز باید مد نظر قرار گیرد؛ به عنوان مثال چنانچه موضوع قرارداد، نرم‌افزاری است که در فضای ابری ارائه می‌شود، قصد طرفین برای فروش چندان مربوط و منطقی به نظر نمی‌رسد. البته که قراردادهای مبتنی بر فضای ابری عمدتاً مجوز بهره‌برداری نیز محسوب نمی‌شوند و در قالب ارائه خدمات قرار می‌گیرند. یا در مثالی دیگر، در قراردادهای مجوز بهره‌برداری عموماً نسخه‌ای از نرم‌افزار به همراه کد منبع در اختیار طرف مقابل قرار نمی‌گیرد و نزد ارائه‌دهنده مجوز باقی می‌ماند، بنابراین چنین قراردادی ویژگی‌های ماهوی فروش را ندارد، حتی اگر عنوان قرارداد «فروش» باشد. نکته حائز اهمیت در چنین شرایطی، ارائه کد منبع نرم‌افزار است نه ارائه یک نسخه از نرم‌افزار به شکل فیزیکی یا دیجیتالی.

نمونه تفسیرهای قضایی

در هر صورت، پاسخ به این پرسش که آیا قرارداد محل اختلاف، مجوز بهره‌برداری محسوب می‌شود یا فروش، در کشورهای مختلف با نظام قضایی و قوانین متفاوت، یکسان نیست. بر این اساس، مواردی به عنوان نمونه از رسیدگی‌های قضایی در دادگاه‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا ذکر می‌شود:

۱- در رسیدگی‌های قضایی ایالات متحده و در پرونده مایکروسافت در برابر شرکت کامپیوتری هارمونی مربوط به سال ۱۹۹۴، شرکت هارمونی به جای اینکه محصولات مایکروسافت را همراه با کامپیوترهای شخصی بفروشد، آنها را مستقلاً می‌فروخت. این موضوع با اعتراض و شکایت

۱۰۰ احیای کسب و کار چگونه با کاهش اصطکاک سازمانی رخ می‌دهد
از گل ولای تاموفقیت

۱۰۳ پرونده‌های درباره اعتیاد به اینترنت
همه ما اسکرول می‌کنیم

۱۰۸ نگاهی به وضعیت اعتیاد دیجیتال کشورهای مختلف
غرق در مجازی

۱۱۲ ساز و کارهای اعتیادآور رسانه‌های اجتماعی
سرت را بالا بیاور!

۱۱۷ آیا کاربرد نمایشگر بر مهارت‌های تفکرمان تاثیر می‌گذارد؟
چه کسی مغز مراد زدید؟

۱۲۰ برنامه ۱۲ قدم برای ترک اعتیاد به اینترنت
خط پایان



تیر ۱۴۰۳

ژوئن و جولای ۲۰۲۴

ISSN: 2423-6667

پیوست جهان

www.peivast.com





افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند سر این ها قانون ساده شرط می بندند

جعبه ابزاری برای همه

وقتی در لحظه هیجانی قرار دارید، بادامه مغز شما یک واکنش فرار-جنگ-یا-بی-عملی را آغاز می کند. چنین چیزی همیشه هم بد نیست اما شاید در نتیجه آن چیزهایی بگویید یا کارهایی بکنید که بعداً از آنها پشیمان شوید و این «قوانین» به همین دلیل اهمیت دارند.

من در ۱۰ سال گذشته هزاران ساعت درباره توانایی درک و مدیریت هیجان‌ها یا همان هوش هیجانی مطالعه کردم. عملکرد مدیرعامل‌های برتر، ورزشکاران بزرگ و تیم‌های موفق را بررسی کردم.

به همین ترتیب با گذشت زمان موفق به ساخت جعبه ابزاری از ترفندهای روانی شدم، مجموعه‌ای از چارچوب‌ها که به تصمیم‌گیری بهتر در لحظات هیجانی کمک می‌کنند. نام این جعبه ابزار را «قوانین هوش هیجانی» گذاشتم. با یادگیری این چارچوب‌ها می‌توانید چنین الگویی را شناسایی کنید، سرعت آن را کاهش دهید و از بخش‌های دیگر مغزتان مثل لوب قدامی، که مسئول فعالیت‌های رده‌بالای اجرایی مثل استدلال و پردازش اطلاعات پیچیده است، بهتر استفاده کنید. در ادامه ۱۰ چارچوبی را می‌خوانید که به تغییر زندگی من کمک کرد. مطمئنم زندگی شما را هم تغییر می‌دهد.

قانون سه سوال

سال‌ها پیش گفت‌وگوی کم‌دینی به نام کریگ فرگوسن را تماشا کردم. او در آن مصاحبه شوخی بامزه‌ای کرد که در عین حال زیرکانه و روشنگر بود:

فرگوسن گفت: پیش از گفتن هر چیزی همیشه باید از خودتان بپرسید:

◀ آیا لازم است این را بگویم؟

◀ آیا لازم است من این را بگویم؟

◀ آیا لازم است که من الان این را بگویم؟

فرگوسن در ادامه گفت، پس از سه ازدواج این درس را آموخته است.

گذشته از شوخی من هر روز از این قانون استفاده می‌کنم و به دفعات بسیار به حفظ تاهل، کسب‌وکار و روابطم کمک کرده است.

قانون دلفین آبی

قانون دلفین آبی راه‌حلی برای «مساله خرس سفید» است که در روان‌شناسی به عنوان نظریه پردازش متناقض شناخته می‌شود. این مساله که از سوی دنیل وگنر، روان‌شناس دانش‌آموخته هاروارد، معرفی شده است، به جمله‌ای از فئودور داستایفسکی، نویسنده روس، اشاره می‌کند:

سعی کن خودت را برای این کار آماده کنی: به یک خرس قطبی فکر نکن و اینجاست که خواهید دید آن چیز لعنتی هر لحظه به ذهنت می‌آید.

روان‌شناسان با گذشت زمان دریافتند یکی از بهترین راه‌حل‌های مساله خرس سفید، جایگزین کردن فکرهای ناخواسته با فکرهای مطلوب است. من این فکرهای مطلوب را «دلفین‌های آبی» نامیدم.

برای مثال اگر پیش از یک ارائه بزرگ مضطرب می‌شوید، می‌توانید افکار ناراحت‌کننده را با فکرهای انگیزشی جایگزین کنید:

خرس سفید: «من خیلی مضطربم. من خیلی مضطربم. من خیلی مضطربم.»

دلفین آبی: «من خیلی هیجان‌زده‌ام. من به حد کفایت آماده‌ام. عالی پیش می‌رود.»

قانون سکوت عجیب

قانون سکوت عجیب به این شرح است: وقتی با سوال سختی مواجه می‌شوید، به جای پاسخ دادن، مکث کرده و عمیقاً به نحوه پاسخ خود فکر کنید.

این مکث کوتاه نیست. ممکن است پاسخ شما ۱۰ یا حتی ۱۵ ثانیه (یا حتی بیشتر) طول بکشد. چنین کاری در ابتدا و زمانی که به آن عادت ندارید، عجیب به نظر می‌رسد.

اما وقتی به آن عادت کردید، قانون سکوت عجیب به شما کمک می‌کند تا پاسخ ارائه‌شده از بادامه مغز را کنار بگذارید و از بخش‌های بیشتری از مغز خود استفاده کنید. خواهید دید که پاسخ‌هایتان نسبت به اولین چیزی که به ذهنتان می‌رسد یا تنها گفتن چیزی که شنونده مایل به شنیدن آن است، عمیق‌تر خواهد بود.

قانون تام هنکس

تام هنکس، بازیگر معروف، در یک مصاحبه گفته بود یکی از مهم‌ترین درس‌های دوران فعالیتش این بود که باید در گفتن یک کلمه مهم استاد شود: «نه.»

او توضیح داد: «با بله گفتن، شما باید فقط کار کنید. نه گفتن یعنی شما نوع داستانی که می‌خواستید بگویید و نوع شخصیتی که می‌خواهید بازی کنید را انتخاب کرده‌اید.»

نه گفتن باعث شد تا هنکس به نقش‌های جدی‌تری برسد و در نتیجه روی کاری که باعث شادی و رضایت او می‌شد تمرکز کند.

همین داستان ما را به «قانون تام هنکس» می‌رساند که می‌گوید:

هر وقت به چیزی که واقعاً نمی‌خواهید بله بگویید، در واقع به چیزهایی که واقعاً می‌خواهید نه گفته‌اید.

از آنجا که به‌سادگی و در شرایط خاص ممکن است به هر چیزی پاسخ مثبت دهید، این قانون اهمیت زیادی دارد. اگر از قانون تام هنکس استفاده کنید، قدرت پیدا می‌کنید تا به چیزهایی که با اصول و اهدافتان سازگار نیست پاسخ منفی دهید و در نتیجه زمان بیشتری به کارهای هم‌راستا با اصول و اهدافتان اختصاص دهید.

پرسش طلایی

پرسش طلایی در واقع پنج پرسش در یک پرسش است. وقتی در لحظه تصمیم‌گیری احساس می‌کنید که احساسات بر شما غلبه کرده است، از خودتان بپرسید:

حسم پس از

◀ یک روز

◀ یک هفته

◀ یک ماه

◀ یک سال

◀ یا پنج سال

در این باره چیست؟

اهمیت این سوال در آن است که ما انسان‌ها گاه وسوسه می‌شویم بر اساس احساسات لحظه‌ای، تصمیمات بلندمدت بگیریم.

این پرسش طلایی با ارائه دیدگاهی که



نمایی از آینده را به همراه دارد، باعث می‌شود تصمیماتی بگیرید که در آینده از آنها پشیمان نشوید.

مخالفت و تعهد

«مخالفت و تعهد» به عنوان یکی از اصول مدیریتی شهرت دارد: بر اساس این اصل، در زمان تصمیم‌گیری باید به تشویق بحث آزاد و سالم بپردازید.

اما هرگاه تصمیمی گرفته شد، همه حتی در صورت مخالفت هم باید به اجرای تصمیم «متعهد» شوند. همه باید به طور کامل از تصمیم حمایت و به بهترین شکل برای موفقیت آن تلاش کنند. دیگر نباید از شکایت، تضعیف مخفیانه تصمیم یا امید به شکست آن خبری در میان باشد.

قانون «مخالفت و تعهد» باعث تقویت روابط شما می‌شود زیرا شما تمام خود را برای افراد معتمدتان می‌گذارید و آنها هم همین کار را برای شما انجام می‌دهند.

قانون سپاسگزاری

متأسفانه بیشتر مدیران و رهبران به اصلاح اشتباهات افراد عادت دارند اما هیچ‌وقت در ازای کار درست از آنها تقدیر نمی‌کنند.

قانون سپاسگزاری عکس چنین کاری را توصیه می‌کند:

روی کاری که فرد به درستی انجام می‌دهد تمرکز کنید و به طور مشخص و خالصانه از آنها به خاطر اقدامات مثبت‌شان تشکر کنید.

با این کار افرادتان ترغیب می‌شوند تا به رفتار مثبت خود ادامه دهند. شما با چنین کاری اعتماد و امنیت روانی می‌سازید و حتی این کار باعث می‌شود فرد در زمان نیاز، انتقاد سازنده را نیز بهتر بپذیرد (قانون بعدی در این باره بیشتر توضیح می‌دهد).

نقد را به سازندگی تبدیل کن

شنیدن جمله «می‌خواهم بازخورد بدهم» لرزه به اندام بیشتر افراد می‌اندازد. اما نباید این‌گونه باشد.

در واقع سه تغییر کوچک می‌تواند نحوه پذیرش بازخورد را به طور کامل متحول کند:

اول از همه باید حتماً از فرد تقدیر و در مواقع مناسب به او کمک کنید (نه تنها به عنوان پوششی برای ارائه بازخورد). سپس وقتی زمان یک بازخورد سازنده فرا رسید، به جای انتقاد مستقیم به صورت یک سوال و مثل اجازه گرفتن آن را با فرد در میان بگذارید.

می‌توانم پیشنهادی بدهم؟

با دنبال کردن این مراحل، میل به شنیدن حرف‌هایتان در فرد مقابل بیشتر می‌شود، زیرا به جای یک چیز مضر، آن را صحبتی مفید قلمداد می‌کند.

قانون پکت شیر

قانون پکت شیر هم بر اساس مساله‌ای در روان‌شناسی است: مردی دائم از همسر خود ناراحت می‌شود زیرا همسرش فراموش می‌کند شیر را دوباره در یخچال بگذارد و وقتی که او می‌خواهد صبحانه‌اش را بخورد، شیر گرم شده است.

در اینجا مرد قربانی پدیده‌ای است که در روان‌شناسی به آن «پرتوقعی» گفته می‌شود. وقتی مرد دائم توقع دارد که واقعیت جور دیگری باشد، گرفتار رنجی بی‌هوده می‌شود.

بنابراین قانون پکت شیر می‌گوید: به جای سر و کله زدن با چیزی که نمی‌توانید تغییر دهید، روی آنچه تغییرپذیر است تمرکز کنید.

تراپیست این مرد باید به او بیاموزد که به جای تمرکز کردن روی تغییر رفتار همسر خود، به دنبال راه‌حل دیگری برای مساله باشد و برای مثال دو پکت شیر بخرد.

با دنبال کردن این قانون می‌توانید عجز و رخوت خود را به افکار و اقدامات خلاق تبدیل و رو به جلو حرکت کنید.

قانون اول کمک کنید

قانون اول کمک کردن ساده است: اگر شرایط دشواری دارید و متوجه شرایط سخت در فرد دیگری هم می‌شوید، ابتدا سعی

کنید کمک کنید.

این قانون عاقلانه به نظر نمی‌رسد، زیرا زمانی که در شرایط سختی هستید، مایلید روی خودتان تمرکز کنید؛ شاید کمک کردن به فرد دیگری طاقت‌فرسا باشد.

اما وقتی اول از همه به دیگران کمک کنید، دو اتفاق جالب رخ می‌دهد:

۱. حس خوبی پیدا می‌کنید. این کار احساسات منفی را به چیز مثبتی تبدیل می‌کند.
۲. معمولاً فرد مقابل لطف شما را جبران می‌کند. بیشتر مواقع با یک تشکر و گاهی هم با کمک به شما.

اگر خانه یا محیط کار شما از همدلی تهی شود، همه در این چرخه تنها به خودشان فکر می‌کنند. اما اگر از قانون اول کمک کردن پیروی کنید، دیگران هم دنباله‌رو شما می‌شوند. به این صورت فرهنگی بر اساس اعتماد و کار تیمی شکل می‌گیرد.

پس به یاد داشته باشید: هیجان‌ها فوق‌العاده هستند. هیجان‌ها ما را به انسان تبدیل می‌کنند. اما همان‌ها هم ممکن است باعث کارها یا گفته‌هایی شوند که بعداً از آنها پشیمان می‌شویم.

با استفاده از قدرت چارچوب‌ها، به جای اینکه احساسات شما را کنترل کنند، این شما هستید که کنترل آنها را در اختیار می‌گیرید. پس برای اینکه احساسات برای شما کار کنند و نه شما برای آنها، از قوانین هوش هیجانی استفاده کنید

نویسنده: جاستین باریسو

ترجمه: مهدی جعفری

منبع: اینک

احیای کسب و کار چگونه با کاهش اصطکاک سازمانی رخ می‌دهد از گل‌ولای تا موفقیت



۱. بار هزینه‌ای گل‌ولای محاسبه هزینه‌های پنهان اجازه دادن به استمرار ناکارآمدی‌ها

کارهای فرمالیته اداری، چرند، اصطکاک- هر اسمی که رویش بگذارید- در نهایت به یک چیز می‌رسید: گل‌ولای. گل‌ولای سازمانی- عبارتی که ریچارد تالر، برنده نوبل، و کاس سانستاین، استاد حقوق در هاروارد، رواج دادند- شامل ناکارآمدی‌های بوروکراتیک و موانع غیرضروری در سازمان می‌شود که سرعت تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد، نوآوری را دشوار می‌کند و جلوی سازندگی بیشتر را می‌گیرد. گل‌ولای با روش‌های ظاهراً نامحسوس به شرکت نفوذ می‌کند. گل‌ولای همان فرایند تابید پیچیده‌ای است که حتی برای تصمیم‌های کوچک به چند لایه امضا نیاز است. گل‌ولای همان زنجیره‌های ایمیل است که به ۱۰ نفر همزمان ارسال

می‌شود و از هزینه کردن برای تحول، بازسازی مدل کسب و کار و غیره جلوگیری می‌کند. مساله این است: بسیاری از کارهایی که مدیران اجرایی ارشد آنها را ناکارآمد می‌خوانند کارهایی هستند که خودشان می‌توانند تغییرشان دهند. به عبارت دیگر، اگر شرکت‌تان در گل‌ولای گیر کرده باشد، این توان را دارید که آن را بیرون بکشید. حتی بهتر از آن، نقاط قوت آشکاری در کاهش اصطکاک وجود دارد. تحقیقات اخیر پی‌دابلیوسی نشان می‌دهد شرکت‌هایی که گل‌ولای را برطرف می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که زیر فشار بوروکراسی خم می‌شوند از موقعیت بهتری برای بازسازی برخوردارند. با این اوصاف، کار حذف موانع را از کجا شروع می‌کنید؟ توصیه می‌کنیم گل‌ولای در دو جبهه مورد توجه قرار گیرد: فرهنگ و فناوری. اینجا توضیح می‌دهیم چگونه باید شروع کرد.

در یک دنیای ایده‌آل، شرکت‌تان مثل یک ماشین روغن‌کاری‌شده عمل می‌کند. اما در واقع، موتور اکثر شرکت‌ها را گل‌ولایی گرفته که مانع از حرکت با سرعت مطلوب می‌شود. آن را گل‌ولای، اصطکاک یا هزینه‌های تراکنش بخوانید. موضوع این است که انجام امور در محل کار- چه وظایف ساده مانند ارسال ایمیل باشند و چه برنامه‌های بزرگ‌تر برای توسعه رویکرد مولد هوش مصنوعی- اغلب بیشتر از اندازه مطلوب طول می‌کشد. اگر بشود این وضعیت را تغییر داد چطور؟ مدیران اجرایی ارشد در نظرسنجی سالانه جهانی از مدیران اجرایی که از سوی پی‌دابلیوسی انجام می‌گیرد گفتند ۴۰ درصد مدت‌زمانی که صرف فعالیت‌هایی مانند ایمیل، جلسه و فرایندهای اداری در سازمان‌شان می‌شود ناکارآمد است. این باعث از دست رفتن پول، روحیه و زمان

می‌دهند مشکلات رایج بین کارمندان سطح پایین‌تر را دور بزنید، مانند کمک اجرایی برای برگزاری جلسه یا رزرو پرواز؟ آیا اصرار می‌کنید که در جلسات تصمیم‌گیری حضور داشته باشید اما وقت این کار را ندارید؟ اگر پاسخ‌تان مثبت (حتی شاید) است، ممکن است به مسمومیت قدرت مبتلا شده باشید.

رابرت ساتون و هاگی رائو در کتاب‌شان با عنوان «پروژه اصطکاک: رهبران باهوش چگونه چیزهای درست را راحت‌تر و چیزهای غلط را سخت‌تر می‌کنند» مفهوم مسمومیت قدرت را معرفی کردند. نویسندگان مذکور اشاره کردند که «مسمومیت قدرت می‌تواند باعث شود رهبران اثر تجمیعی بارهای کوچک (و غیرضروری) روی دوش کارمندان و مشتری‌ها را نبینند- به‌ویژه وقتی مخروط اصطکاک‌شان شامل افراد زیادی می‌شود که می‌توانند در طولانی‌مدت بر آنها تاثیر بگذارند». اصلاح مسیر با حساسی صادقانه به نقش‌تان در شکل‌گیری گل‌ولای شروع می‌شود. امتیازهایی را که ممکن است داشته باشید مرور کنید و امتیازهایی را کنار بگذارید که اساسی نیستند یا اصطکاک غیرضروری با دیگران به وجود می‌آورند. بعد نوبت به این می‌رسد که درک کنید دیگران چگونه شما را می‌بینند. از کارمندان‌تان بازخورد بخواهید تا درک کنید دیگران چه برداشتی از اقدام‌هایتان دارند و چگونه ممکن است بروز اصطکاک شوید. جمع‌آوری این بینش- و انجام خودارزیابی صادقانه- اولین قدم برای تبدیل شدن به بخشی از راه‌حل است.

۲. قدرت دادن به افرادتان

اگر واقعاً می‌خواهید گل‌ولای را کاهش دهید، باید افرادی را توانمند و با آنها تعامل کنید که بیشترین درگیری را با گل‌ولای دارند: کارمندان‌تان. این کار دو جنبه فرهنگی و فناوری دارد. در قسمت فناوری، یکی از روش‌ها برای توانمند کردن کارمندان‌تان این است که «نوآوری به رهبری شهروندان» را تسهیل کنید. در این رویکرد به نیروی کارتان کمک می‌کنید تا مهارت کسب کنند، ایده‌های جدید ارائه دهند و فوراً از این ایده‌ها در کارشان بهره‌جویند. کارمندان به‌این‌ترتیب فرصت‌هایی برای افزایش کارآمدی دارند و می‌توانند راه‌حل‌هایی پیشنهاد دهند و پیاده‌سازی کنند. در قسمت فرهنگی، کار را با تلاشی هماهنگ برای افزایش آگاهی از چالش‌ها و نقاط اصطکاک پیش روی کارمندان شرکت‌تان شروع

می‌خورد. پی‌دابلیوسی قبلاً گزارش داده بود ارتباطی مثبت بین حاشیه سود و حرکت‌های ابداع دوباره وجود دارد؛ مانند شروع روابط راهبردی و توسعه فناوری‌های اختصاصی. حالا تحقیقات بیشتر نشان می‌دهند این ارتباط در میان شرکت‌هایی که کارآمدی زیادی در زمینه زمان دارند قوی‌تر است. به بیان ساده: شرکتی که گل‌ولای سازمانی بیشتری دارد نمی‌تواند به اندازه شرکتی که گل‌ولای سازمانی کمتری دارد کارآمد باشد و مدل کسب‌وکارش را دوباره ابداع کند- حتی اگر هر دو اقدامات یکسانی انجام دهند. تحقیقات پی‌دابلیوسی درباره عوامل متمایزکننده‌ای که شرکت‌هایی با عملکرد بالا را از سایرین تفکیک می‌کنند نشان داد شرکت‌های برتر ۱.۲ برابر بیشتر از هم‌تاهایشان سطح مدل‌های عملیاتی‌شان را ارتقا داده‌اند تا هزینه‌های تراکنش را کاهش دهند- همان کاهش گل‌ولای. یکی از قدم‌هایی که برداشته‌اند این بوده که فناوری قدیمی‌شان را ارتقا دهند تا از ناکارآمدی‌ها بکاهند؛ مانند زمان قطعی برای رفع مشکلات یا چالش‌های یکپارچه شدن با سیستم‌ها یا پلتفرم‌های جدید.

همچنین، این پیشگامان سریع‌تر به بازار می‌رسند، چابک‌تر و نوآورترند و بیش از دو برابر دیگران بالغ بر ۶۰ درصد درآمدشان را از اکوسیستم کسب می‌کنند (و انتظار دارند این رقم در آینده افزایش یابد). خلاصه: شرکت‌هایی که گل‌ولای را کاهش می‌دهند نسبت به شرکت‌هایی که در کل مانده‌اند پیشرفت بیشتری در رسیدن به مقاصدشان دارند.

۳. فرار از گل‌ولای

رسیدگی به ناکارآمدی از طریق فرهنگ و فناوری

مهم است که گل‌ولای را در دو زمینه مد نظر قرار دهیم: فرهنگ و فناوری. اول، باید فرایندها و رفتارهایی- از جمله رفتارهای خودتان- را تغییر دهید که ناکارآمدی‌ها را حفظ می‌کنند. سپس بر حذف نقص‌های فناوری در جریان کاری تمرکز کنید.

۱. بخشی از مشکل نباشید

حتی رهبرانی که نیت خیر دارند ممکن است ناخواسته به گل‌ولای دامن بزنند- صرف نظر از اینکه خودشان عاملش باشند یا از نقاط اصطکاک بی‌خبر باشند که می‌توانند برطرف‌شان کنند. این نکته را در نظر بگیرید: آیا امتیازهای ویژه‌ای دارید که به شما اجازه

می‌شود. گل‌ولای همان روش ریزمدیریتی (micromanagement) است که همیشه روی گروه فشار وارد می‌کند؛ همان راه‌حل فناوری زیادی شخصی‌سازی شده است که نگهداری‌اش سخت است و با سایر سیستم‌ها عملیات مشترک ندارد؛ همان جلساتی است که زیاد برگزار می‌شوند و بر اساس تحقیقات نیروی کار مایکروسافت باعث می‌شوند ۶۸ درصد کارمندان بگویند زمان تمرکز ممتد و کافی در روز کاری ندارند. هیچ‌کس دوست ندارد برای سازمان گل‌ولای بسازد. گل‌ولای اغلب محصول جانبی رشد است. شرکت وقتی پیچیده‌تر و بزرگ‌تر می‌شود، محصولات جانبی بر جای می‌گذارد. اگر این محصولات جانبی مدیریت نشوند، گل‌ولای می‌تواند روحیه، منابع، زمان و پول را هدر دهد. به ساعت‌های از دست‌رفته‌ای فکر کنید که می‌توانستند برای ایجاد تحول در یک مدل عملیاتی حیاتی به کار روند؛ همان ساعت‌هایی که می‌توانستند صرف ایجاد روابط راهبردی، عرضه ابزار دیجیتالی جدید یا ارتقای مهارت‌های کارمندان شوند. به فرصت‌های از دست‌رفته‌ای در زمینه نوآوری و خلاقیت فکر کنید که حاصل بی‌انگیزی کارمندان برای دنبال کردن فرایند پیچیده و طولانی امتحان کردن کارهای جدید هستند. اما «مالیات گل‌ولای» هم داریم: هزینه مالی ناکارآمدی. برآورد محافظه‌کارانه‌مان می‌گوید این مالیات خودکرده حدود ۱۰ هزار میلیارد دلار به سازندگی ضربه می‌زند. اگر این رقم را در مورد کل دنیا به کار ببریم و شرایط اقتصادی مختلف را در نظر بگیریم، به رقم حدود هفت درصد تولید ناخالص داخلی در جهان خواهیم رسید.

۲. فرصت ابداع دوباره

کاهش گل‌ولای به این معنی است که حاشیه سود بیشتر و اکوسیستم‌های کارآمدتر به وجود می‌آید.

در زمانه‌ای که حدود نیمی از مدیران اجرایی ارشد (۴۵ درصد) شرکت‌کننده در نظرسنجی پی‌دابلیوسی نگران‌اند کسب‌وکار جاری‌شان در مسیر کنونی تا ۱۰ سال دیگر منسوخ شود، هر یک ساعت هم ارزشمند است- و ناکارآمدی دردناک. اما از بین بردن گل‌ولای می‌تواند تلاش‌های ابداع دوباره برای آینده را تسهیل کند. تحلیل پیشرفته داده‌های نظرسنجی نشان می‌دهد اقدامات برای ابداع دوباره مدل کسب‌وکار در شرکت‌هایی بیشترین موفقیت را دارند که گل‌ولای کمتری در آنها به چشم



رابرت ساتون: مسمومیت قدرت می‌تواند باعث شود رهبران اثر بارهای کوچک و غیرضروری روی دوش کارمندان و مشتری‌ها را ببینند.

مختلف را مدیریت و یکپارچه سازید. از تجزیه و تحلیل پیش‌بینانه مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل حجم عظیم داده‌ها به صورت بی‌درنگ استفاده کنید. این کار کمک می‌کند تصمیم‌گیری کنش‌گرانه شود، ریسک‌ها کاهش پیدا کنند و از بروز مشکلاتی جلوگیری شود که باعث ایجاد گل‌ولای می‌شوند. از چت‌بات‌ها و دستیارهای مجازی مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده کنید تا به کارمندان کمک کنید به سوال‌های مشتری‌ها رسیدگی کنند و دسترسی راحت‌تری به دانش سازمانی داشته باشند. این کار باعث کاهش نقاط اصطکاک و صرفه‌جویی در زمان می‌شود.

تحلیل داده‌های نظرسنجی از مدیران اجرایی ارشد نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در زمینه کاربرد هوش مصنوعی رتبه بالایی دارند از سطح کارآمدی بالاتری برای رسیدگی به مشکلات فناوری برخوردارند.

این رابطه شاید نشانگر همبستگی باشد و نه رابطه سببی اما انواع هزینه‌ها و مزایای سازندگی هوش مصنوعی در فرایند رفع گل‌ولای را نمایان می‌کند.

گزینه‌ها از بی‌نظمی و عملکرد نادرست

«تنها چیزهایی که خودجوش در سازمان تکامل پیدا می‌کنند عبارت‌اند از بی‌نظمی، اصطکاک و عملکرد غلط.»

گل‌ولای همیشه بد نیست. گاهی اصطکاک می‌تواند مانع از تصمیم‌گیری بد یا اقدام‌های بی‌محابا شود. برای مثال، صنایعی که مقررات سنگینی دارند، مانند سلامت و امور مالی، فرایندهای اداری و شرایط مقرراتی‌ای دارند که شاید گل‌ولای به وجود آورند. اما همین فرایندها و شرایط تضمین می‌کنند که استانداردهای حقوقی و اخلاقی رعایت می‌شوند، از منافع مشتری حفاظت می‌شود و ثبات کلی سیستم حفظ می‌شود. مهم است که رهبران بین اصطکاک خوب-تنش سطحی برای کاهش سرعت زیاد از حد- و گل‌ولای واقعی که مانع از انجام کار می‌شود تمایز قائل شوند. اینکه امور شرکت به اندازه مطلوب‌تان سریع و راحت پیش نمی‌روند می‌تواند کلافه‌کننده باشد. اما گل‌ولای لازم نیست وضعیتی دائمی باشد. رهبران مدیریت ارشد با ورود شخصی می‌توانند به رفع ناکارآمدی‌ها کمک کنند و گروه‌ها و سازمان‌هایشان را در موقعیتی بهتر برای آینده‌ای سازنده‌تر قرار دهند. ۲

منبع: پی‌دابلیوسی

گروه‌های مختلف داده‌ها را به صورت مستقل پردازش می‌کنند و آنها را به اشتراک نمی‌گذارند. این کار به تکرار زحمت، کیفیت نامتوازن و دشواری دسترسی و تحلیل داده در کل سازمان منجر می‌شود. کار را با شناسایی و ترخیص نرم‌افزارهای قدیمی فناوری اطلاعات شروع کنید زیرا این نرم‌افزارها فرایندهایتان را کند می‌کنند. سپس سیستم‌های فنی‌تان را مدرن و کارآمد کنید. تحقیقات پی‌دابلیوسی نشان داده‌اند شرکت‌هایی که بهترین عملکرد را دارند اقدام‌هایی انجام می‌دهند تا با گل‌ولای در این حوزه مبارزه کنند.

وقتی فناوری جدید عرضه می‌کنید، حتماً به کارکنان کمک کنید تا کار با آن را یاد بگیرند. اغلب این مرحله را نادیده می‌گیرند زیرا ممکن است هزینه داشته باشد اما سود آن در بلندمدت زیاد است چون به کارمندان کمک می‌کند از فناوری قدیمی‌تر که گل‌ولای ایجاد می‌کرد فاصله بگیرند و از فناوری جدیدتر و کارآمدتر، سریع‌تر استفاده کنند.

۴. استفاده از هوش مصنوعی

هوش مصنوعی وقتی مسئولانه استفاده می‌شود می‌تواند طیفی از روش‌های نوآورانه را در اختیار سازمان‌ها قرار دهد تا گل‌ولای را کاهش دهند. برخی از کاربردهای هوش مصنوعی را توضیح می‌دهیم.

می‌توانید از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تحلیل جریان‌های کاری و فرایندهای پیچیده استفاده کنید تا گلوگاه‌ها، ناکارآمدی‌ها و زمینه‌های بهبود را شناسایی کنید. سپس از هوش مصنوعی به عنوان راه‌حلی برای اصلاح فرایند بهره بگیرید.

از الگوریتم‌ها استفاده کنید تا مجموعه داده‌های متنوع از منابع، قالب‌ها و سیستم‌های

کنید. این کار می‌تواند شامل صرف زمان برای نظارت بر جریان کاری، دریافت بازخورد و گوش دادن فعال به نگرانی‌های کارمندان باشد. همچنین می‌توانید شخصاً به کارکنان کمک کنید تا مشکلات را برطرف کنند.

اعتماد بین رهبران و نیروی کارشان امری حیاتی برای تأثیر گذاشتن بر تغییر است. کارمندی که احساس امنیت می‌کنند و حرف می‌زنند و به رهبران‌شان اعتماد دارند بیشتر از دیگران مشکلات مربوط به ناکارآمدی‌ها را مطرح می‌کنند و پیشنهادهایی برای بهبود فرایندهای کاری و کاهش گل‌ولای ارائه می‌دهند. شایسته است در ایجاد و حفظ اعتماد گروه‌تان سرمایه‌گذاری زمانی کنید.

در شرکت‌هایی که در آنها کارمندان احساس امنیت نمی‌کنند تا ابراز نگرانی کنند، رهبران باید اعتمادسازی را در اولویت قرار دهند. اعتمادسازی با نمایش همبستگی، اصالت و پایداری واقعی به گوش دادن و ارزش دادن به دیدگاه‌های کارمندان انجام می‌گیرد. می‌توان سازوکارهای رسمی برای تولید و تشخیص ایده پیاده‌سازی کرد، کانال‌هایی برای بازخورد ناشناس به وجود آورد و رفتارهای ارتباطی باز و شفاف را به صورت مستمر مدل‌سازی کرد.

۳. فناوری‌های دردسرساز را بررسی کنید

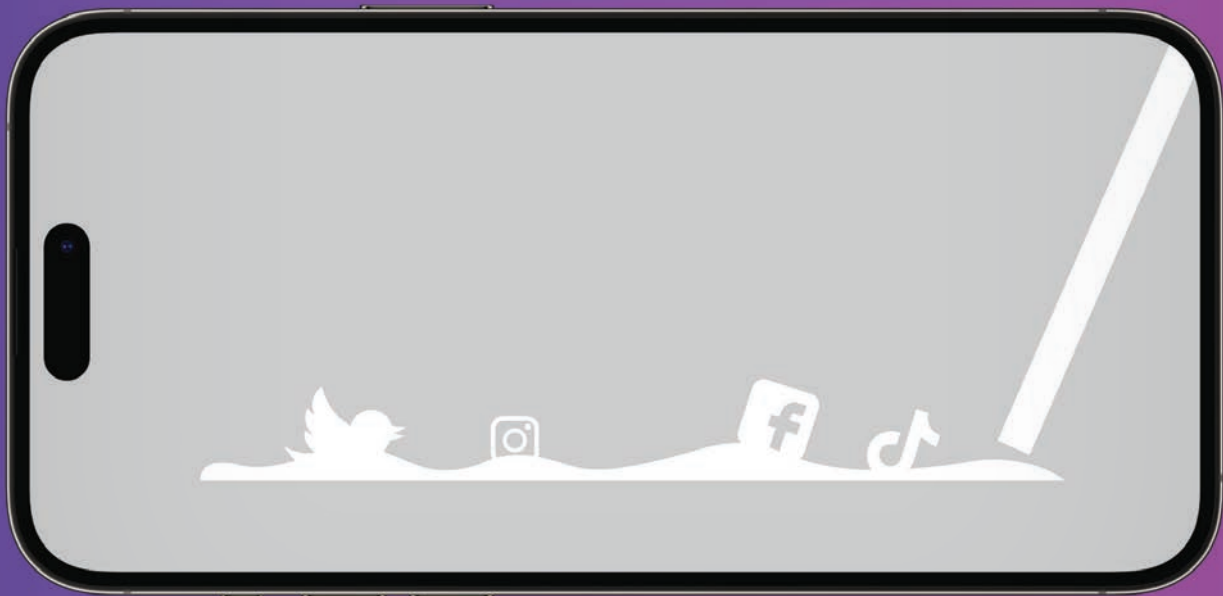
جلسه‌ها، فرایندها و ایمیل‌ها ممکن است منابع رایج گل‌ولای باشند- اما اصطکاک ناشی از فناوری را نادیده نگیرید. برای مثال، سیستم‌های نرم‌افزاری منسوخ که با فناوری‌های جدیدتر سازگار نیستند ممکن است ناکارآمدی‌هایی را پدید آورند، زمان قطعی خدمات برای رفع ابراد را افزایش دهند و یکپارچه‌سازی با سایر سیستم‌ها و پلتفرم‌ها را دشوار کنند. وضعیت انبار داده وقتی پیش می‌آید که دپارتمان‌ها یا



پرونده

پرونده‌ای درباره اعتیاد به اینترنت

همه ما اسکروول می‌کنیم



ما هم در این پرونده سراغ مساله «اعتیاد به اینترنت» رفته‌ایم. در ابتدا خود این عبارت را بررسی کرده‌ایم تا ببینیم واقعاً چقدر مجازیم از «اعتیاد» به فناوری و اینترنت حرف بزنیم و وقتی نحوه و مدت‌زمان استفاده را مد نظر قرار می‌دهیم، کجای طیف هستیم. همچنین نظر متخصصان حوزه فناوری و نیز متخصصان اعصاب و روان را بررسی کرده‌ایم و نگاهی به آمار کشورهای مختلف جهان در استفاده از اینترنت، رایانه و موبایل انداخته‌ایم. در کنار همه اینها، سراغ مساله شبکه‌های اجتماعی، احساس تنهایی و ترس جا ماندن (فومو) رفته‌ایم و در نهایت راه‌حل‌هایی پیشنهاد کرده‌ایم که می‌توانند در حفظ تعادل مان به ما کمک کنند، بی‌آنکه نیاز باشد روش حذف یا اجتناب را پیش بگیریم.

مینا پاکدل

روث در آستانه فضای گرفته‌ای ایستاده که فقط نور آبی صفحه‌نمایش روشنش کرده. صورتش ناتوان و بی‌چاره و مردد است. در مقابل، تمام توجه فریا، دخترش، به صفحه موبایل است. روث این‌پا و آن‌پا می‌کند و در نهایت صدایش سکوت را می‌شکند اما نمی‌تواند فاصله را پر کند. فیلم «من روث هستم» پیچیدگی ارتباط در عصر دیجیتالی را به تصویر می‌کشد، عصری که آدم‌ها را به سرعت و به‌سهولت به هم وصل می‌کند یا می‌تواند از هم جدایشان کند. این فیلم تنها اثری نیست که در دو دهه اخیر به مساله اعتیاد به اینترنت و تاثیر آن بر روابط واقعی و زندگی پرداخته. در این سال‌ها ادبیات و سینما هر کدام به سبک‌وسایاق خود سعی کرده‌اند دنیای جدید اینترنتی‌مان را به تصویر بکشند و نشان‌مان دهند که دقیقاً چه شکلی شده‌ایم.



سیر اعتیاد به اینترنت در چند دهه اخیر

روی تاریک وب

اعتیاد به اینترنت در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به عنوان یکی از رفتارهای اعتیادآور پدیدار شد اما اعتیاد به اینترنت چیست و چگونه تشخیص داده می‌شود؟

تا سال ۲۰۱۸، تعریف یا تشخیص رسمی برای اعتیاد به اینترنت وجود نداشته است. یکی از اولین تلاش‌ها برای تعریف اختلال اعتیاد به اینترنت در سال ۱۹۹۸ از سوی دکتر جان‌تان کندل انجام گرفت. کندل این اختلال را چنین توضیح می‌دهد: «وابستگی روانی به اینترنت صرف نظر از نوع فعالیتی که شروع شده است». اختلال گیمینگ اینترنتی به عنوان زیرمجموعه اعتیاد به اینترنت، برای اولین بار با نام اختلالی بالقوه در پنجمین ویرایش آیین‌نامه تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM V) ذکر شد. این آیین‌نامه، اعتیاد به بازی را وضعیتی توصیف می‌کند که باید تحقیقات بیشتری درباره‌اش انجام شود تا به عنوان اختلال رسمی طبقه‌بندی شود. مباحث زیادی حول تعریف و دسته‌بندی اعتیاد به اینترنت مطرح می‌شود اما برخی از محققان پیشنهادهای خودشان را ارائه کرده‌اند. استارسویک در مقاله‌اش در سال ۲۰۱۷ نتیجه گرفت عبارت چتری «اعتیاد به اینترنت» زیادی گسترده است و تفاوت‌های مهم بین انواع فعالیت‌ها را نادیده می‌گیرد. استارسویک اختلال گیمینگ اینترنتی و اعتیاد به اینترنت را دو مقوله جداگانه به شمار آورد.

نورثراپ در سال ۲۰۱۵ عبارت اعتیاد به اینترنت را از نظر ساختاری مشکل‌ساز تلقی کرد زیرا اینترنت صرفاً واسطه‌ای است که اعتیاد را تسهیل می‌کند و فرایندهای خاص اعتیاد را توصیف نمی‌کند. نورثراپ آزمون اعتیاد به فرایند اینترنت (IPAT) را توسعه داد. این ابزار غربالگری از دسته‌بندی وسیع اعتیاد اینترنت استفاده می‌کند: بازی‌های ویدئویی آنلاین، شبکه‌های اجتماعی، فعالیت جنسی آنلاین، مرور وب.

اما هنگام در نظر گرفتن این دسته‌بندی‌ها نباید نقش اینترنت به عنوان یک پدیده را دست‌کم گرفت. اینترنت عناصر تشدیدکننده را به فرایند اعتیادی اضافه می‌کند که در دنیای آنالوگ واقعی وجود نداشت؛ مانند سهولت دسترسی، دسترسی پذیری دائمی، ناشناسی و

اینترنت هم بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کرد و در دسترس قرار می‌گرفت. ارائه‌دهنده‌های خدمات اینترنتی مانند AOL روش‌های ساده‌ای برای آنلاین شدن و مرور وب ارائه کردند. فعالیت‌های ساده شبکه اجتماعی مانند چت‌روم‌های آنلاین و دسترسی به ایمیل گسترش پیدا کردند. اینترنت از طریق وب و با استفاده از مودم دایال‌آپ در دسترس قرار می‌گرفت. این روش باعث شد کامپیوتر خانوادگی در محیط عمومی خانه قرار بگیرد، مثلاً در آشپزخانه، و به صورت اشتراکی مورد استفاده‌ی اعضای خانواده قرار بگیرد.

دهه ۲۰۰۰- موبایل‌ها ارزان می‌شوند

شروع هزاره سوم با پیدایش موبایل ارزان و ابتدایی رقم خورد. مالکیت موبایل در طول این دهه به صورت موازی با بهبود سخت‌افزار و دسترسی به اینترنت گسترش یافت. البته سرعت اتصال هنوز کند بود.

دهه ۲۰۱۰- تلفن‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی

پیدایش تلفن‌های هوشمند مانند آیفون نقطه عطفی در تاریخ کاربرد اینترنت بود. مردم برای اولین بار دستگاه قابل حمل شخصی داشتند که قدرت و کاربرد کامپیوتر خانگی را با دسترسی دائمی به اینترنت عرضه می‌کرد. مردم می‌توانستند در زمان و مکان مد نظرشان هر فعالیتی در اینترنت را به صورت ناشناس انجام دهند. شبکه‌های اجتماعی بیشتر نفوذ کردند و افراد زیادی در شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک و توئیتر ثبت نام کردند. کاربران به تعامل اجتماعی آنلاین با خانواده و دوستان‌شان پرداختند. گیمرها از این انقلاب عقب نماندند. کنسول‌های بازی مانند پلی‌استیشن ۴ و ایکس‌باکس قدرت پردازش و گرافیک واقع‌گرای چشمگیری ارائه کردند. اضافه شدن اینترنت پرسرعت به کنسول‌ها به گیمرها اجازه داد نبردهای آنلاین را علیه گیمبرهای دیگر به راه بیندازند و همزمان در شبکه اجتماعی با دوستان‌شان گفت‌وگو کنند. ترکیب تجربه غوطه‌ورکننده گیمینگ اینترنتی و تعامل اجباری با رسانه‌های اجتماعی (مفهوم «ترس از دست دادن جدیدترین‌ها») باعث شد رفتارهای اعتیادآوری پدید آید که قبلاً هرگز دیده نشده بود.

حریم، علاوه بر این، آزمون نورثراپ نشان داد بین اعتیاد به اینترنت و سلامت روانی ضعیف نوعی همبستگی وجود دارد.

پیدایش اعتیاد به اینترنت

انواع مختلف اعتیاد به اینترنت را می‌توان حاصل همپوشانی فعالیت اعتیادآور و توسعه فناوری‌ای که این فعالیت را تسهیل می‌کند قلمداد کرد. برای مثال، کنسول‌های بازی‌های ویدئویی در دهه ۸۰ میلادی وجود داشتند اما در دهه ۲۰۱۰ به اینترنت وصل شدند- دو فناوری ترکیب شدند و اعتیادی به نام اختلال گیمینگ اینترنتی پدید آمد.

دهه ۸۰ میلادی- بازی‌های ویدئویی

بازی‌های ویدئویی آرکید مانند Space Pac Man و Invaders در دهه ۸۰ به عموم معرفی شدند و اولین در ژانر خودشان بودند. بازی کردن این دو گرایش‌های اعتیادآور را برمی‌انگیخت اما این گرایش مهار می‌شد زیرا ماشین‌های بازی در فضای عمومی قرار داشتند و بازیکن‌ها باید سکه می‌انداختند تا بازی می‌کردند. این وضعیت باعث می‌شد زمان بازی محدود باشد. در اواسط دهه ۸۰، کنسول‌های ویدئویی مانند آتاری ۲۶۰۰ به بازیکنان امکان دادند نسخه ابتدایی بازی آرکید محبوب‌شان را راحت در خانه خودشان اجرا کنند. نکته مهم این بود که اینترنت هنوز در مراحل اولیه توسعه قرار داشت و بنابراین بازی کنسولی اغلب فعالیتی انفرادی بود. همزمان، سخت‌افزار کامپیوتر و فناوری شبکه تکامل پیدا می‌کردند و هزینه‌شان کاهش می‌یافت. کامپیوترهای شخصی در طول دهه ۸۰ وارد محل کار شدند و برای انجام وظایف اداری مورد استفاده قرار گرفتند. کامپیوتر شخصی در آن دوران برای مصرف خانوادگی زیادی گران بود.

دهه ۹۰ میلادی- کامپیوتر و اینترنت

در طول دهه ۹۰، کامپیوترهای شخصی ارزان‌تر شدند و قدرت‌شان نیز از نظر ظرفیت گرافیکی و سرعت پردازش افزایش یافت. این باعث شد کامپیوترها برای خانواده‌ها جذاب شوند.

نویسنده: جی‌اس هوانان

ترجمه: امین پورحسن

منبع: مدیوم



نگاهی به فرهنگ در جامعه پاسارگرمی

مانشئه‌های فلک‌زده



تد گیویا: سرگرمی هنر را می‌بلعد و حواس پرتی سرگرمی را و در نهایت اعتیاد حواس پرتی را.

رئیس‌جمهور هر سال سخنرانی «وضعیت کشور آمریکا» را ایراد می‌کند اما این سخنرانی خواب‌آور است. کافی است نگاهی به نمایندگان ارزشمندتان ببیندازید که به‌سختی چشم‌هایشان را باز نگه می‌دارند. دلایل این است که همه این چیزها را قبلاً شنیده‌اند. ما هم شنیده‌ایم. تغییر زیادی در سیاست رخ نداده است. قطعاً نامزدها هم تغییر نکرده‌اند. پمپ بنزین محله ما تنوع بیشتری دارد و می‌توانم از میان سه نوع سوخت و پنج نوع طعم مختلف نوشیدنی انتخاب کنم.

بنابراین سیاست را فراموش کنید. همه کنش‌ها حالا در فرهنگ جریان اصلی انجام می‌گیرند که با سرعتی سرسام‌آور تغییر می‌کند. به همین دلیل است که به جای سخنرانی درباره وضعیت کشور به سخنرانی درباره «وضعیت فرهنگ» نیاز داریم.

در واقع، سال ۲۰۲۴ شاید پرشتاب‌ترین و خطرناک‌ترین- دوران تاریخ برای اقتصاد خلاق بوده. و این وضعیت ادامه خواهد یافت صرف نظر از اینکه در ماه نوامبر چه اتفاقی می‌افتد.

بنابراین بیابید بی‌مقدمه شروع کنیم. می‌خواهم به شما بگویم چرا سرگرمی مُرده. و چه چیزی قرار است جای آن را بگیرد. اگر فرهنگ شبیه سیاست بود، دو گزینه داشتید: هنر و سرگرمی. بسیاری از افراد خلاق تصور می‌کنند اینها تنها گزینه‌های موجودند- هم هنرمندان و هم مخاطب را به زحمت می‌اندازند (جایی که هنر شروع می‌شود).

اما کاملاً اشتباه می‌کنند. شاید کار هوشمندانه‌تر این باشد که اقتصاد خلاق را شبیه زنجیره غذایی فرض کنیم. اگر هنرمند باشید- یا اگر تلاش می‌کنید که هنرمند باشید- واقعیت‌تان اغلب چنین حسی دارد.

صنعت سرگرمی تا همین چند سال پیش در حال رشد بود- تا جایی که تلفات جانبی‌اش این بود که همه محصولات هنری یا مستقل یا جایگزین تحت فشار قرار گرفتند.

اما حتی این تصویر نگران‌کننده به اندازه کافی نگران‌کننده نیست. دلایل این است که مهم‌ترین تغییر در حال حاضر را نادیده می‌گیرد.

ما شاهد تولد فرهنگ پاسارگرمی هستیم. و این کمکی به هنر نمی‌کند. در واقع اصلاً به جامعه کمکی نمی‌کند. شرکت‌های سرگرمی در وضعیتی گرفتارند که چند سال پیش کسی پیش‌بینی‌شان نمی‌کرد.

کسب‌وکار فیلم را در نظر بگیرید:

◀ دیزنی در وضعیت بحرانی به سر می‌برد- همه چیز کوچک‌تر می‌شود (غیر از حقوق مدیر اجرایی ارشد).

▶ پارامونت به‌تازگی ۸۰۰ نفر از کارمندان را تعدیل کرد- و می‌خواهد صاحب جدیدی پیدا کند.

▶ یونیورسال حالا فیلم‌ها را صرفاً سه هفته بعد از اکران در سینماها در فضای آنلاین پخش می‌کند.

▶ وارنر بروس در واقع از لغو کردن فیلم‌ها بیشتر از اکران آنها پول درمی‌آورد.

کسب‌وکار تلویزیون نیز در سال ۲۰۲۳ با دیوار سخت برخورد کرد. تعداد داستان‌هایی که در این صنعت نوشته می‌شوند به تدریج کاهش پیدا می‌کند.

موسیقی شاید در بدترین حالت قرار داشته باشد. کافی است حرکت بزرگ سونی در چند روز گذشته را در نظر بگیرید: سرمایه‌گذاری به ارزش ۱.۲ میلیارد دلار در کاتالوگ ترانه‌های مایکل جکسون. هیچ برندی حاضر نیست حتی کسری از این مقدار را روی هنرمندان جدید سرمایه‌گذاری کند.

در واقع، در سال ۲۰۲۴ موسیقیدان‌های مسن ارزش بیشتری از موسیقیدان‌های جوان دارند و مرده‌ها ارزش‌شان از زنده‌ها بیشتر است.

این موضوع سوالی بدیهی را پیش می‌کشد. چگونه ممکن است تقاضا برای سرگرمی جدید کاهش یافته باشد؟ چه چیزی می‌تواند جایگزین سرگرمی شود؟

اما چیزی جایگزینش خواهد شد. این اتفاق همین حالا هم رخ داده است.

زنجیره غذایی فرهنگی در سال ۲۰۲۴ در وضعیتی قرار دارد که در آن سرگرمی هنر را می‌بلعد و «حواس‌پرتی» سرگرمی را.

«حواس‌پرتی» بخشی از اقتصاد فرهنگ است که با بیشترین ضرابه‌نگ رشد می‌کند. می‌توانید نامش را اسکرول کردن یا کشیدن یا تلف کردن وقت یا هر چیز دیگری که می‌خواهید بگذارید؛ اما حواس‌پرتی ارتباطی به هنر یا سرگرمی ندارد و فعالیتی بدون توقف است.

کلید ماجرا این است که هر محرکی تنها چند ثانیه دوام می‌آورد و باید تکرار شود.

حواس‌پرتی کسب‌وکاری بزرگ است و به‌زودی از ترکیب هنر و سرگرمی بزرگ‌تر خواهد شد. همه چیز به تیک‌تاک تبدیل می‌شود- پلتفرمی که اسم مناسبی دارد زیرا این کسب‌وکار بر محرکی استوار است که در عرض چند تیک ساعت باید تکرار شود.

تیک‌تاک با اسکرول سریع ویدئو به سود رسید. و حالا فیس‌بوک- جایی که قبلاً با خانواده و دوستان ارتباط برقرار می‌کردیم- از این رویه تقلید می‌کند. بنابراین خداحافظ



مادر بزرگ و سلام ویدئوهای کوتاه. توییتر هم همین کار را انجام داده. و البته اینستاگرام، یوتیوب و سایرین تلاش می‌کنند با رسانه‌های اجتماعی ثروتمند شوند.

این فراتر صرفاً مد روز سال ۲۰۲۴ است. ممکن است همیشه شود- زیرا بر شیمی بدن استوار است نه مد یا زیبایی‌شناسی.

مغز ما به این لحظه‌های کوتاه حواس پرتی پاداش می‌دهد. دوپامین منتشر می‌شود و این باعث می‌شود احساس خوبی پیدا کنیم. بنابراین دوست داریم محرک را تکرار کنیم. حلقه دوپامین به این شکل عمل می‌کند:

حلقه دوپامین به این شکل عمل می‌کند: محرک باعث حواس پرتی و انتشار دوپامین می‌شود که این در ادامه حس لذت به وجود می‌آورد

محرک باعث حواس پرتی و انتشار دوپامین می‌شود که این در ادامه حس لذت به وجود می‌آورد؛ در ادامه، میل به لذت بیشتر باعث تقویت محرک و در نهایت شکل‌گیری عادت و اعتیاد می‌شود. این الگوی آشنای اعتیاد است. تنها تفاوتش در این است که حالا در مورد فرهنگ و دنیای خلاق به کار می‌رود و بر میلیاردها انسان اعمال می‌شود.

بنابراین باید آن مدل ساده هنر در برابر سرگرمی را کنار بگذارید. و حتی «حواس پرتی» صرفاً یک قدم دیگر در راه هدف واقعی این روزهاست: اعتیاد.

زنجیره غذای فرهنگی در آینده به این شکل خواهد بود که سرگرمی هنر را می‌بلعد و حواس پرتی سرگرمی را و در نهایت اعتیاد حواس پرتی را. پلتفرم‌های تک به شدت از این مدل پیروی می‌کنند تا بر همه ابعاد زندگی‌مان تسلط پیدا کنند.

پلتفرم‌های فناوری صرفاً شبیه خانواده مدیچی در فلورانس دوران رنسانس نیستند؛ یا شبیه سایر حامیان ثروتمند هنر. این پلتفرم‌ها نمی‌خواهند میکال آنژ یا موتزارت بعدی را پیدا کنند. می‌خواهند دنیایی از معتادها بسازند زیرا در این صورت خودشان ساقی مواد خواهند بود.

هدف اعتیاد است؛ علناً این را نمی‌گویند اما نیازی هم به این کار نیست. کافی است نگاهی به کارهایشان بیندازید.

همه چیز طراحی شده تا کاربران در چرخه اعتیاد گرفتار شوند.

▶ پلتفرم‌ها همگی به سمت اسکرول کردن و تماشای ویدئوهای کوتاه حرکت می‌کنند به گونه‌ای که محرک چرخه شوم دوپامین را بهینه می‌کند.

▶ هر چیزی که ممکن است متقاعدتان کند تا پلتفرم را ترک کنید- خبری خاص یا پیوندی با دنیای خارج- به وسیله الگوریتم‌های پلتفرم بی‌رحمانه تنبیه می‌شود. این مسائل شاید بتوانند شما را از وضعیت اعتیاد بیرون بیاورند و این اتفاق نباید رخ دهد.

▶ اما صبر کنید، موضوع فراتر از این است! اپل، فیس‌بوک و دیگران به شما می‌گویند هدست‌های واقعیت مجازی‌شان را بپوشید- جایی که محرک‌ها می‌بلعدتان؛ مانند ماهی کوچکی در زنجیره غذایی. از شما دعوت می‌شود در نقش دریافت‌کننده منفعل تجربه‌های باورپذیر زندگی کنید، مانند برده‌ای در محفظه بهره‌کشی در ماتریکس.

مدیران اجرایی ارشد تک می‌دانند که این کار آسیب می‌زند اما به‌رحال به کارشان ادامه می‌دهند. اسناد داخلی‌ای افشا شد که نشان می‌دهد کاربرد اینستاگرام منجر به بروز افسردگی، اضطراب و افکار خودکشی می‌شود. مارک زاکربرگ همه جزئیات آزاردهنده را پیش از این شنیده. او اهمیت نمی‌دهد. همه مدیران اجرایی ارشد می‌دانند چه خبر است. محصول‌شان هرچه بیشتر استفاده شود، شاخص سلامت روانی‌شان بیشتر افت می‌کند با وجود این به پیشروی سرسختانه ادامه می‌دهند؛ نمی‌خواهند سهم بازار را به سایر اعضای کارتل دوپامین واگذار کنند و تمرکز خاصی بر کودکان دارند. شرکت‌ها چیزی را کشف کرده‌اند که هر توزیع‌کننده مواد مخدری می‌داند: به دام انداختن کاربران وقتی جوان‌اند سود بیشتری دارد.

و هدست‌های واقعیت مجازی مسائل بیشتری را نیز مطرح می‌کنند زیرا سیم‌پیچی مغز کاربران را تغییر می‌دهند. متخصصان همین حالا هم درباره «محرک زدگی» حرف می‌زنند که علائم آن عبارت‌اند از: حالت تهوع، سرگیجه و سردرد. آسیب‌های روانی را تصور کنید.

و فکر کرده‌اید هنرمندان در گذشته روزهای سختی داشتند؟

به هملت نیازی ندارید. عکس همبرگر کافی است. یا ویدئوی کسی که حرکات موزون انجام

می‌دهد یا حیوان خانگی با قیافه بانمک. کاربران به جای تماشای فیلم، وارد دور باطل ویدئوهای ۱۵ ثانیه‌ای می‌شوند. شنوندگان به جای گوش دادن به سمفونی، به ملودی‌های ساده‌ای گوش می‌دهند که معمولاً با یکی از همین ویدئوهای کوتاه همراه می‌شوند. برای یک نوبت مصرف دوپامین کافی است نه بیشتر.

این فرهنگ جدید است. و جالب‌ترین ویژگی‌اش فقدان فرهنگ یا حتی سرگرمی محض است- فعالیت اجباری جای هر دو را می‌گیرد.

بنابراین غافلگیر نشوید وقتی شرکت‌های بزرگ طور دیگری وانمود می‌کنند، کسب‌وکارهای سرگرمی ناگهان از قمار یا سایر فعالیت‌های اعتیادآور استقبال می‌کنند (حالا می‌دانید چرا لیگ فوتبال آمریکایی در لاس‌وگاس برگزار می‌شود؛ نمای عالی برای لحظه حال در فرهنگ‌مان).

همه چیز شبیه بازی شده. همه چیز را می‌توان اسکرول کرد. می‌توانید همه کارها پتان را شبیه‌سازی کنید.

اما این وضعیت چه بلایی سر مغزمان می‌آورد؟ زندگی‌مان؟ آینده‌مان؟

اینجاست که علم واقعاً چهره زشتی پیدا می‌کند. معتادها هرچه بیشتر به این محرک‌ها وابسته شوند، لذتی که دریافت می‌کنند کمتر خواهد شد. این چرخه در نهایت باعث می‌شود لذت تجربه‌ای از دست برود که ظاهراً برای لذت طراحی شده بود.

پارادوکس ماجرا همین‌جاست. چگونه ممکن است دنبال کردن لذت باعث کاهش لذت شود؟ اما مغز ما این‌طور کار می‌کند (شاید مکانیسم دفاعی باشد). معتادها در مرحله‌ای خاص هنوز هم به دنبال محرک می‌گردند اما هدف اصلی‌شان پرهیز از درد محرومیت از دوپامین است.

افرادی که به مُسکن‌ها اعتیاد دارند نیز تجربه مشابهی دارند. وابستگی به افیون بعد از سطحی خاص باعث می‌شود درد بیشتر شود. اگر همین تجربه از طریق تلفن به همه منتقل شود چه اتفاقی می‌افتد؟ دکتر لن لانتر متخصص می‌گوید نتایج فاجعه‌بار است. حتی افرادی که فکر می‌کردند در برابر رفتار اعتیادآور ایمنی دارند در این چرخه نابود می‌شوند:

«یک الگوی خاص و غیرعادی برای فعال‌سازی مغز وجود دارد که در میان مبتلایان به بی‌لذتی مشاهده می‌شود. این الگو یکی از ویژگی‌های



اصلی افسردگی حاد است. الگوی مذکور در افرادی که بی‌لذت نیستند مشاهده نمی‌شود. اغلب وقتی بیماران با افسردگی حاد سراغم می‌آیند می‌گویند: «من نباید افسرده باشم. زندگی خوبی دارم. اگر دوستان یا همکارانم بدانند افسرده‌ام، درک نمی‌کنند یا از دستم عصبانی می‌شوند. فکر می‌کنند از خودم درآورده‌ام. پس چرا خوشحال نیستم؟»

حالا اولین پیامدهای این اثر مرگبار را در مقیاس کلان اجتماعی مشاهده می‌کنیم. حتماً، بپایید اسم رویش بگذاریم؛ چیزی شبیه افسردگی تیک‌تاک یا زامبی‌سازی سیلیکون‌ولی یا هر عنوان مشابه دیگری. واقعیت این است که کاربران می‌توانند احساسش کنند حتی اگر برچسب یا عنوان بیماری نداشته باشند. حتی اگر فن‌سالارها از اعتراف به این موضوع طفره برون‌د مردم احساسش می‌کنند. کافی است به کلماتی توجه کنید که مردم برای توصیف تعاملات سمی آنلاین‌شان از آنها استفاده می‌کنند: اسکرول آزارزانی، ترول، داکسینگ، تحمیق و غیره. این کاری است که در سال ۲۰۲۴ برای خوش گذشتن انجام می‌دهیم. اما خوشبختی نمی‌آورد.

شرکت «گزارش خوشبختی جهان» از ۱۵۰ نفر در ۲۶ کشور نظرسنجی کرد و به این نتیجه رسید که ایالات متحده و سایر جوامع مرفه و پیشرفته از نظر فناوری از افول خوشبختی در میان توده‌ها رنج می‌برند. این چیزی است که اتفاق می‌افتد وقتی بی‌لذتی هر هفته به فروش می‌رسد و پلتفرم‌های فراگیر تک‌بیش‌ازپیش شبیه شرکت‌های بی‌رحمی می‌شوند که از راه سوء‌مصرف افیون ثروتمند شده‌اند.

برخی از شرکت‌ها مردم را با قرص و سوزن گیج می‌کنند اما برخی دیگر این کار را با اپ‌ها و الگوریتم‌ها انجام می‌دهند. اما درهرحال، این وضعیت فقط معتاد تولید می‌کند.

این آینده ویران‌شهری ماست. شباهت زیادی به رمان ۱۹۸۴ اورول ندارد و بیشتر شبیه رمان دنیای قشنگ نو از هاکسلی است.

دکتر آنا لمبک، نویسنده «ملت دوپامین»، گاهی از بیمارهایش درخواست می‌کند به مدت یک ماه «روژه دوپامین» بگیرند: مدت‌زمان کافی برای بازسازی مغز. اما حتی قطع جریان دوپامین به مدت چند دقیقه هم می‌تواند برای افراد درگیر در دور باطل وحشتناک باشد.

لمبک مثال می‌آورد:

«بیمارم سوفی، دانشجوی استنفورد اهل کره جنوبی، برای کمک گرفتن در زمینه افسردگی

اضطراب سراغم آمد. یکی از چیزهای مختلفی که درباره‌اش حرف زدیم این بود که سوفی بخش زیادی از ساعات بیداری‌اش را به نوعی دستگاه وصل است: اینستاگرام، یوتیوب، گوش دادن به پادکست و پلی‌لیست. در جلسه‌ای به او توصیه کردم بدون گوش دادن به چیزی به کلاس بروم و اجازه دهم افکارش به سطح بیایند و بجوشند. بهت‌زده و وحشت‌زده نگاهم کرد. با دهانی باز پرسید: چرا باید این کار را انجام دهم؟»

یک هفته بعد، سوفی برگشت و تجربه جدیدی را گزارش داد: «اولش سخت بود. اما بعد به آن عادت کردم و حتی به‌نوعی خوشم آمد. به‌تدریج متوجه درخت‌ها شدم.»

این نوع روایت‌ها را در گذشته‌های نه‌چندان دور رد می‌کردم و نمی‌توانستم بپذیرم که کسی به اینستاگرام یا تیک‌تاک یا سایر اپ‌های تلفن معتاد شود.

اما حالا نیازی به خیال کردن نیست. هر جا می‌روم معتادها را می‌بینم که چشم‌های غمگینی دارند و به دستگاه‌هایشان وصل‌اند. و حتی حالت چهره‌شان شبیه نشئه‌های فلک‌زده است. این وضعیت واقعی فرهنگ در سال ۲۰۲۴ است.

و موضوع فراتر از صرفاً مشقت‌های هنرمندان یا شرکت‌های رسانه‌ای است. کارتل دوپامین

حالا بدترین مشکلات اجتماعی‌مان را جمع می‌کند، در تحصیلات، محل کار و زندگی خصوصی. اما به‌ندرت چیزی دراین‌باره می‌شنوید زیرا افراد زیادی از این فرهنگ دوپامین پول زیادی درمی‌آورند.

اگر فکر کردید کارتل‌های مواد مخدر ثروتمندند، صبر کنید تا ببینید کارتل دوپامین چقدر پول درمی‌آورد. برای شروع، سقف بازار اپل، متا و غیره را در نظر بگیرید. این شرکت‌ها به اندازه‌ای بزرگ‌اند که متوقف نمی‌شوند.

اما می‌توان رویشان اسم گذاشت و شرم‌زده‌شان کرد. اگر سیاستمدارها این کار انجام نمی‌دهند ما می‌توانیم و باید این کار را بکنیم.

صرفاً حرف زدن درباره کارتل دوپامین قدم روبه‌جلوی بزرگی برای فرهنگ در سال ۲۰۲۴ خواهد بود.

همچنین لطفی به خودتان بکنید و هرازگاهی خودتان را از برق بکشید و به درخت‌ها یا حیوانات خانگی بانمک‌تان نگاه کنید. موجودات در دنیای واقعی ظاهر بهتری نسبت به دنیای هدست دارند ۳

نویسنده: تد جیویا

ترجمه: امین پورحسن

منبع: آنتست بروکر

ظهور فرهنگ دوپامین

فرهنگ سنتی کُند	فرهنگ مدرن سریع	فرهنگ دوپامین
ورزش	بازی کردن	تماشای بازی
روزنامه‌نگاری	روزنامه‌ها	چندرسانه‌ای
ویدئو	فیلم و تلویزیون	ویدئوهای کوتاه
موسیقی	آلبوم‌ها	ترک‌ها
عکس	دیوار گالری	صفحه موبایل
ارتباطات	نامه‌های دست‌نویس	صدا و ایمیل
روابط	نامزدی/ازدواج	آزادی جنسی
		کشییدن عکس به یک سمت در اپلیکیشن
		تیک‌تاک
		تله‌کلیک (کلیک‌بیت)
		اسکرول کردن
		پیغام‌های کوتاه



نگاهی به وضعیت اعتیاد دیجیتالی کشورهای مختلف

غرق در مجازی

آیا تاکنون به این فکر کرده‌اید که مردم جهان چقدر زمان صرف تماشای نمایشگرهایشان می‌کنند؟ یا شما در مقایسه با فردی متوسط چقدر زمان صرف تماشای نمایشگر می‌کنید؟ کدام کشورها بیشترین تعداد معتادان به گیمینگ و تماشای پشت سر هم سریال را دارند؟ مردم کدام نقطه از جهان بیشترین تعداد ویدئو گربه و سایر محتواهای محبوب در تیک‌تاک را تماشا می‌کنند؟

الکترونیکس هاب تصمیم گرفت با جدیدترین تحقیقش درباره عادت‌های جهانی مدت‌زمان تماشای نمایشگر، به همه این سوال‌ها پاسخ دهد. این تحقیق با تکیه بر اطلاعات روزآمد در گزارش چشم‌انداز جهانی سال ۲۰۲۴ دیتا پورتالز دیجیتال نوشته شده و مدت‌زمان تماشای نمایشگر و تعداد دفعات

هیچ کس به اندازه روس‌ها به نمایشگرها خیره نمی‌شود. حدود یک چهارم اوقات بیداری یک روس صرف تماشای نمایشگر می‌شود

کاربرد در هر کشور در سراسر جهان را نشان می‌دهد. اینجا خلاصه‌ای از نتایج را ارائه می‌دهیم.

متوسط تماشای نمایشگر در هر کشور
الکترونیکس هاب تحقیق را با نظر به متوسط درصد ساعات بیداری که مردم در هر کشور صرف تماشای نمایشگرها می‌کنند شروع کرد. مشخص شد که مردم ۶ ساعت از اوقات بیداری‌شان در طول روز را صرف تماشای نوعی نمایشگر می‌کنند؛ از جمله تلویزیون، تلفن همراه و لپ‌تاپ.

آفریقای جنوبی بیشترین اعتیاد را به نمایشگر دارد. شهروندان این کشور به طور متوسط هر روز ۹ ساعت و ۲۴ دقیقه به نمایشگرهایشان خیره می‌شوند؛ که بیشتر از نیمی از زمان بیداری‌شان است.

روندی مشابه در برزیل، فیلیپین و کلمبیا وجود دارد. مدت‌زمان تماشای نمایشگر در هر یک از این کشورها، معادل بیش از نیمی از ساعات کاری سنتی برای انسان است.

ژاپن اغلب رهبری جهانی در زمینه فناوری نوآورانه نمایشگر تلقی می‌شود. بنابراین شگفت‌آور است که این کشور کمترین متوسط مدت‌زمان تماشای نمایشگر را دارد. یک فرد متوسط ژاپنی کمتر از دو ساعت را صرف تماشای نمایشگر می‌کند؛ کمتر از یک چهارم ساعات کاری.

این اتفاق تصادفی نیست. ژاپن فعالانه مدت‌زمان تماشای نمایشگر در بین جوانان را کاهش می‌دهد. این کار از طریق کمپین‌های آگاهی و راهنمای مدرسه برای محدود کردن کاربرد دستگاه در طول کلاس‌ها انجام می‌گیرد ژاپن ممکن است تدابیر سخت‌گیرانه‌تری اتخاذ کند. برای مثال، دولت می‌خواهد ساعت خاموشی برای گیمینگ آنلاین تعیین کند تا فعالیت نمایشگر در اواخر شب کاهش یابد.

کدام کشورها بیشترین زمان را صرف رسانه‌های اجتماعی می‌کنند

اگر داده‌ها را کشور به کشور بررسی کنیم، آفریقای جنوبی در بالای این نمودار قرار می‌گیرد. مردمی که در آفریقای جنوبی زندگی می‌کنند سه ساعت و ۴۱ دقیقه از هر روز را صرف پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، ایکس و تیک‌تاک می‌کنند.

بار دیگر، ژاپن می‌تواند اعلام کند که شهروندانش کمترین اعتیاد را به تلفن و حساب‌های رسانه‌های اجتماعی دارند. ژاپنی‌ها کمتر از ۶ درصد اوقات بیداری‌شان را صرف رسانه‌های اجتماعی می‌کنند.

رویکرد ژاپن برای محدود کردن مدت‌زمان تماشای نمایشگر عاملی بزرگ است اما موضوع شاید بیشتر به سالخورده شدن جمعیت این کشور مربوط باشد. تقریباً ۳۰ درصد ژاپنی‌ها ۶۵ ساله و مسن‌ترند. به عبارت دیگر، ۳۰ درصد جمعیت کشور احتمالاً حتی نمی‌دانند تیک‌تاک چیست

کدام کشورها بیشترین زمان را صرف تماشای تیک‌تاک می‌کنند

طرفداران تیک‌تاک در بریتانیا به طور متوسط روزی ۱۵۴ ویدئوی تیک‌تاک تماشا می‌کنند. بیشتر آمار در کل جهان همین تعداد است.

مردم هلند کمترین آمار را در تماشای تیک‌تاک به صورت روزانه دارند (۱۲۰ ویدئو). شایسته است اشاره کنیم هلند یکی از «هوشمندترین» کشورها در اروپاست؛ سطح سواد پیشرفته بسیار بالا و متوسط ملی امتیاز آی‌کیو ۱۰۳ است. آیا این موضوع تصادفی است؟ ۲۰ دقیقه صرف تماشای ویدئوهای تیک‌تاک کنید تا خودتان متوجه شوید.

متوسط زمان تماشای نمایشگر کامپیوتر در هر کشور

کامپیوتر شخصی و لپ‌تاپ به طور کامل با زندگی روزمره‌مان ادغام شده‌اند. تقریباً همه در دنیای توسعه‌یافته در محل کار یا برای سرگرمی یا انجام کارهای خلاقانه بخش بزرگی از روزشان را با خیره شدن به نمایشگر کامپیوترشان می‌گذرانند. اما هیچ‌کس به اندازه روس‌ها به نمایشگرها خیره نمی‌شود. حدود یک چهارم (چهار ساعت و ۲۹ دقیقه) اوقات بیداری یک روس متوسط صرف تماشای نمایشگر لپ‌تاپ یا کامپیوتر می‌شود.

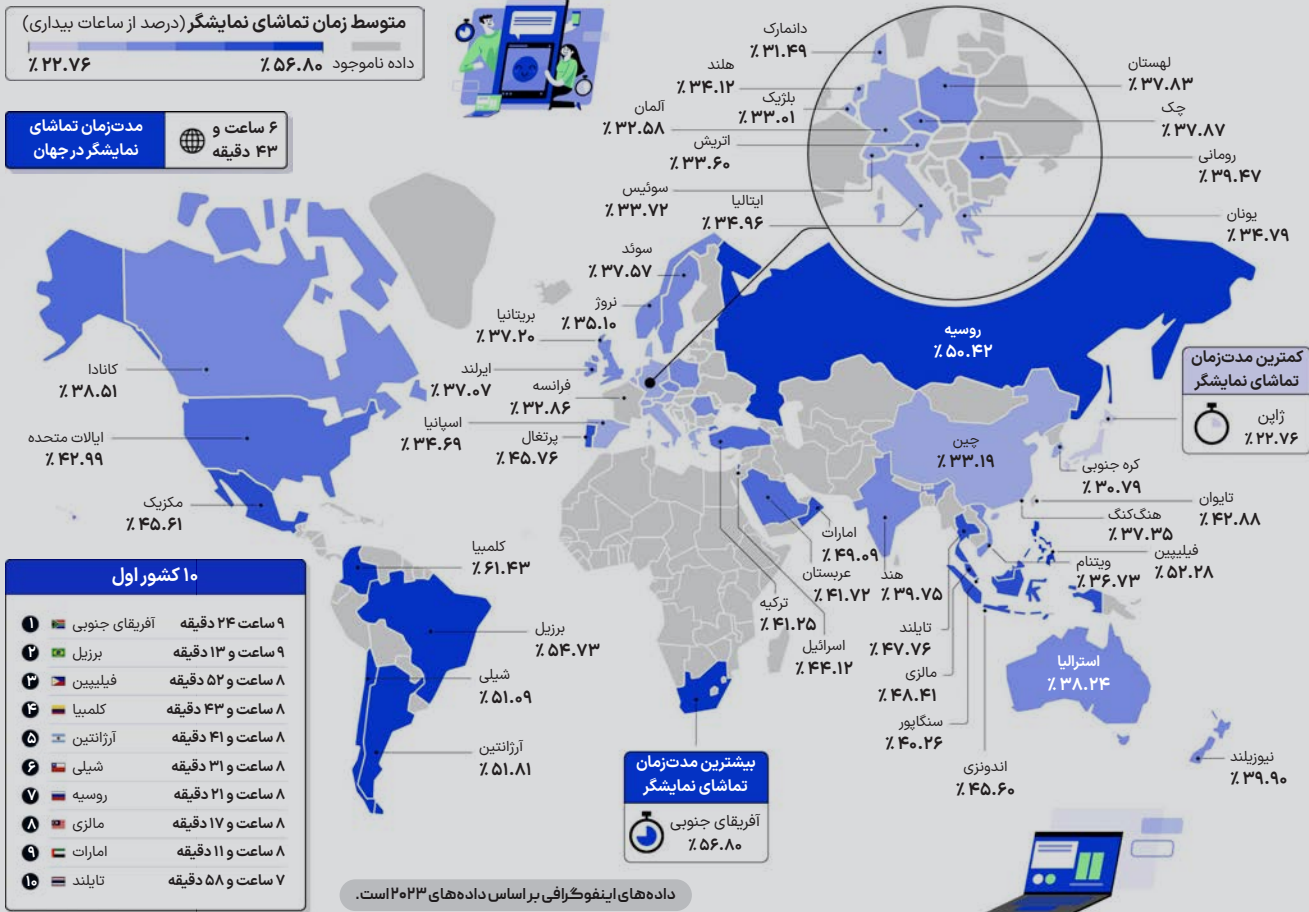
سایر کشورهایی که رتبه بالایی در تماشای نمایشگر کامپیوتر دارند عبارت‌اند از: آرژانتین (چهار ساعت و پنج دقیقه)، پرتغال (سه ساعت و ۵۷ دقیقه) و کلمبیا (سه ساعت و ۵۶ دقیقه).

استرالیا و نیوزیلند دو کشوری هستند که در آنها مردم بیش از یک چهارم زندگی روزانه‌شان را صرف تماشای نمایشگر کامپیوترشان می‌کنند. کره جنوبی، چین و ژاپن غایب‌های جالب توجه در این بخش تحقیق محسوب می‌شوند. هر سه کشور جامعه گیمینگ آنلاین بزرگی دارند. کره جنوبی به‌تنهایی بیش از ۹ هزار اتاق فعال کامپیوتر شخصی و کافه گیمینگ دارد که اکثرشان ۲۴ ساعت هفت روز هفته بازند.

متوسط زمان تماشای نمایشگر (درصد اوقات بیداری)

مدت زمان تماشای نمایشگر در اقتصادهای نوظهور در جنوب شرقی آسیا و آمریکای جنوبی به بالاترین سطح می‌رسد. ساکنان برزیل ۵۴.۷ درصد ساعات بیداری‌شان را صرف تماشای نمایشگر می‌کنند - تقریباً بیشتر از هر کشور دیگری. یک شهروند متوسط آفریقای جنوبی ۵۶.۸ درصد اوقات بیداری‌اش را صرف تماشای نمایشگر می‌کند؛ بیشترین آمار در جهان.

بر اساس گزارش سیستم جهانی ارتباطات موبایل، ۴.۳ میلیارد کاربر فعال تلفن هوشمند در جهان وجود دارند. و درست است که اکثر ساکنان جهان تلفن همراه دارند اما مدت زمان تماشای نمایشگر - در همه دستگاه‌ها - از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اما کدام کشورها بیشترین زمان را صرف تماشای نمایشگر می‌کنند؟



متوسط مدت زمان گیمینگ در جهان

گیمینگ فعالیت آنلاین دیگری است که مشکل اعتیاد در آن افزایش می‌یابد. اعتیاد به گیمینگ معمولاً یک معضل در میان مردان جوان است. این طیف از جمعیت ۹۴ درصد معتادان گیمینگ را تشکیل می‌دهند. مردان در بازه سنی ۱۹ تا ۳۴ در معرض بیشترین ریسک قرار دارند.

پیامدهای این وضعیت می‌تواند مرگبار باشد. یکی از حوادث مشهور به گیمری مربوط می‌شود که بعد از بازی کردن برای مدتی طولانی بدون استراحت ضروری از آمبولی ریه مُرد. آمبولی نتیجه نشستن در یک محل برای مدتی طولانی است و ریسک ایجاد ترومبوز عمیق [لخته‌های خون در رگ] را افزایش می‌دهد.

اعتیاد به تلفن در برزیل و تایلند نیز رواج دارد. هر دو کشور به طور متوسط هر روز بالای ۳۰ درصد اوقات بیداری‌شان را صرف تماشای نمایشگر می‌کنند.

بعد نوبت به فیلیپین می‌رسد که در آن مردم هر روز حدود پنج ساعت و ۲۰ دقیقه با تلفن‌شان وقت می‌گذرانند.

فیلیپینی‌ها جمعیت جوانی دارند و حدود ۲۸ درصد جمعیت این کشور بین ۱۰ تا ۲۴ ساله‌اند. این جمعیت به احتمال زیاد بخش عمده وقتش را صرف تلفن می‌کند. و این به مشکلی واقعی تبدیل می‌شود. یکی از تحقیقات نشان داد ۶۲ درصد نوجوانان فیلیپینی علائمی از وابستگی به تلفن هوشمند دارند.

اعتیاد به تلفن هوشمند در جهان

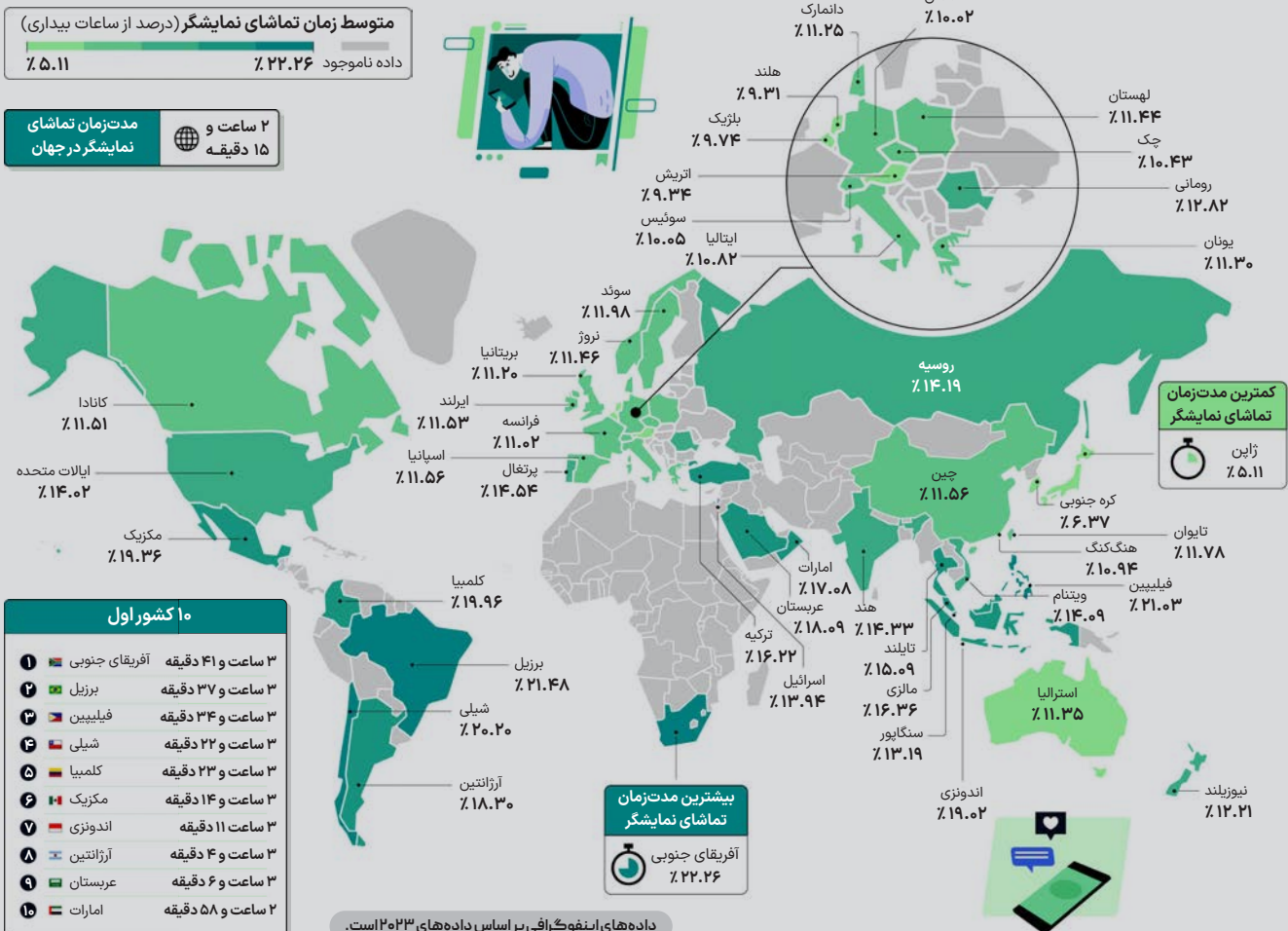
وابستگی به تلفن هوشمند پدیده‌ای واقعی است. حدود ۴۸ درصد مردم اعتراف می‌کنند که احساس می‌کنند به تلفن‌شان معتاد شده‌اند. ۳۰ درصد می‌گویند در مورد دستگاه‌های دستی‌شان نگران یا بسیار نگران‌اند.

این آمار در برخی از کشورها حتی بیشتر هم می‌شود؛ از جمله در آفریقای جنوبی. بر اساس داده‌هایی که در الکترونیکس هاب تحلیل شده، آفریقای جنوبی بزرگ‌ترین مشکل را در زمینه اعتیاد به تلفن هوشمند دارد. یک شهروند متوسط در آفریقای جنوبی، ۴۱.۷۲ درصد اوقات بیداری‌اش را صرف تلفنش می‌کند؛ این آمار نشانگر بیش از پنج ساعت کار با تلفن در هر روز است.

متوسط مدت زمان تماشای رسانه‌های اجتماعی روی نمایشگر (درصد از ساعات بیداری)

می‌دهند. در عین حال، یک شهروند متوسط در ژاپن - که در آن ۲۹.۹ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال دارند و در این زمینه رتبه دوم را در جهان کسب کرده‌اند - صرفاً ۵.۱ درصد از ساعات بیداری‌اش را پای رسانه‌های اجتماعی می‌گذرانند.

کاربرد رسانه‌های اجتماعی در میان اقتصادهای جوان و نوظهور در جنوب شرقی آسیا و آمریکای جنوبی بیشترین رواج را دارد. ساکنان در چهار کشور - شیلی، فیلیپین، برزیل و آفریقای جنوبی - بیش از ۲۰ درصد زندگی بیداری‌شان را به رسانه‌های اجتماعی اختصاص



اما تلویزیون سنتی و پخش خطی برنامه در حال مرگ‌اند. آمار تماشای تلویزیون حتی در آمریکا سقوط کرده - جایی که ارتباطات جمعی و تلویزیون شبکه‌ای خلق شد.

بعد از سال ۲۰۲۳، برای اولین بار، کاربرد تلویزیون کابلی و پخش به زیر ۵۰ درصد از کل سهم تماشای تلویزیون در ایالات متحده رسید؛ آمار تماشای تلویزیون کابلی به ۲۹.۶ درصد و تماشای تلویزیون پخش به ۲۰ درصد سقوط کرد.

نویسنده: عرفان احمد

ترجمه: امین پورحسن

منبع: دیجیتال اینفورمیشن ورلد

کدام کشورها بیشترین زمان را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند؟

این نکته شاید بسیاری از جوانان نسل زد را شگفت‌زده کند اما مردم هنوز تلویزیون تماشا می‌کنند. معنایش این است که ممکن است یک هفته کامل صبر کنند تا قسمت بعدی نمایش محبوب‌شان را تماشا کنند؛ به جای اینکه کل آخر هفته را صرف تماشای پشت سر هم سریال کنند. شگفت‌آور است نه؟ هیچ کشوری بیشتر از ایالات متحده عاشق این شکل سنتی سرگرمی نیست. یک آمریکایی متوسط روزانه چهار ساعت و ۳۹ دقیقه صرف تماشای تلویزیون می‌کند، یا ۲۸.۳۵ درصد اوقات بیداری در روز.

اما هیچ‌یک از این داده‌های اعتیاد در نطرسنجی الکترونیکس هاب بازتاب پیدا نمی‌کنند.

دو کشوری که بیشترین زمان را صرف گیمینگ می‌کنند عبارت‌اند از عربستان و تایلند. گیم‌های این دو کشور روزانه به طور متوسط کمتر از دو ساعت صرف بازی‌های ویدئویی می‌کنند.

نتایج نشان می‌دهد اعتیاد به گیمینگ موضوعی جدی است اما صرفاً بر اقلیتی از گیم‌ها تاثیر می‌گذارد. سایر گیم‌ها به خوبی می‌توانند عادت‌های گیمینگ‌شان را با مسئولیت‌ها و سرگرمی‌های دنیای واقعی تعدیل کنند.



دانشمندان طیف جدیدی از میزان اعتیاد به اینترنت را تعریف کردند

فوج فوج کاربر



استانگل: هرچه جوان تر باشید، احتمال اعتیاد شدن به اینترنت بیشتر است.

این تیم هیچ ارتباطی بین جنسیت و اعتیاد به اینترنت پیدا نکرد. در نهایت محققان با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده، کاربران اینترنت را به پنج دسته مجزا دسته‌بندی کردند.

طیف اعتیاد به اینترنت

پنج گروه تعریف‌شده در طیف اعتیاد به اینترنت عبارت‌اند از:

◀ حدود ۱۵ درصد (۱۴.۸۶ درصد) از کاربران در گروه «کاربران گاه‌به‌گاه» یا Casual Users طبقه‌بندی می‌شوند. این افراد عمدتاً برای انجام کارهای خاص آنلاین می‌شوند و بدون معطلی از سیستم خارج می‌شوند. به گفته محققان، کاربران گاه‌به‌گاه هیچ نشانه‌ای از اعتیاد به اینترنت نشان نمی‌دهند. عموماً سن‌شان بالاتر است و میانگین سنی آنها ۳۳.۴ سال است.

◀ در سطح بعد، ۲۲.۸۶ درصد جزو «کاربران اولیه» یا Initial Users طبقه‌بندی شده‌اند. این افراد اغلب بیشتر از آنچه در ابتدا برنامه‌ریزی کرده بودند، آنلاین می‌شوند. کاربران اولیه با میانگین سنی ۲۶.۱ سال، تا حدودی از کارهای روزمره خود غافل می‌شوند و بدون اینکه بخواهند، زمان بیش‌تری از میزان مورد نظرشان را در اینترنت سپری می‌کنند. اما خود را معتاد نمی‌دانند.

◀ گروه بعدی «آزمایش‌کنندگان» یا Experimenters ۲۱/۹۸ درصد از کاربران اینترنت را تشکیل می‌دهند. این افراد زمانی که به اینترنت متصل نباشند، احساس ناآرامی یا اضطراب می‌کنند. میانگین سنی این گروه بین ۲۲.۸ تا ۲۴.۳ سال است.

◀ در سطح بالاتر، معتادان در مرحله انکار یا Addicts-in-Denial (۱۷.۹۶٪) کاربرانی هستند که رفتارهای اعتیادآور از خود نشان می‌دهند. نمونه‌هایی از این رفتارها برقراری ارتباطات جدید آنلاین و نادیده گرفتن مسئولیت‌های دنیای واقعی به خاطر آنلاین بودن است. با این حال، معتادان در مرحله انکار، که به طور متوسط ۲۴ سال دارند، نمی‌پذیرند که در صورت عدم اتصال به

دانشمندان طیف جدیدی از میزان اعتیاد به اینترنت را تشخیص داده‌اند. این طیف نشان می‌دهد چقدر به اتصال به اینترنت وابسته هستید.

در یک طرف این مقیاس «کاربران گاه‌به‌گاه» قرار دارند که فقط برای کارهای خاص آنلاین می‌شوند و بدون معطلی از سیستم خارج می‌شوند. در مقابل، «معتادان» آشکارا اعتیاد خود به اینترنت را تایید می‌کنند و از تاثیر منفی آن بر زندگی خود آگاه‌اند.

روش‌شناسی و یافته‌های تحقیق

برای توسعه و تعریف طیف اعتیاد به اینترنت، محققان دانشگاه Surrey میزان استفاده از اینترنت را با استفاده از داده‌های ۷۹۶ شرکت‌کننده تجزیه و تحلیل کردند.

این بررسی نشان داد جوانان (۲۴ سال و کمتر) به طور متوسط ۶ ساعت در روز را آنلاین سپری می‌کنند و بیشتر این زمان در تلفن‌های هوشمندشان سپری می‌شود. در همین حال، افرادی که سن بالاتری دارند (بالای ۲۴ سال)، روزانه به طور متوسط ۴.۶ ساعت را آنلاین می‌گذرانند.

اینترنت احساس ناآرامی دارند. ▶ در نهایت معتادان یا Addicts ۲۲.۳۶ درصد از کاربران را شامل می‌شوند. آنها علناً اعتیاد خود به اینترنت را تایید می‌کنند و از تاثیر منفی آن بر زندگی خود آگاه‌اند. معتادان هم به طور متوسط ۲۴ سال دارند و ۱.۶ برابر بیشتر از کاربران گاه‌به‌گاه وقت خود را در اینترنت سپری می‌کنند.

راهکاری برای کاربران معتاد به اینترنت

دکتر بریژیت استانگل (Brigitte Stangl)، نویسنده اصلی این مطالعه، می‌گوید: «هدف اصلی ما این بود که تفاوت بین استفاده از اینترنت به شیوه‌ای مشکل‌ساز و معتاد بودن به آن را روشن کنیم.» او به این نکته هم اشاره کرده که: «ما دریافتیم هرچه جوان‌تر باشید، احتمال معتاد شدن به اینترنت بیشتر است و این تمایل با افزایش سن کاهش می‌یابد.»

از سال ۲۰۱۹، این امکان برای کودکان و بزرگسالان جوان بریتانیایی که به طور جدی به اینترنت یا بازی‌های رایانه‌ای معتاد هستند، فراهم شده که از NHS کمک بگیرند. سایمون استیونز (Simon Stevens) مدیر اجرایی NHS در سال ۲۰۱۹ گفته است: «نیازهای بهداشت و سلامت دائماً در حال تغییر است، به همین دلیل است که NHS هرگز نباید ایستا بماند. این سرویس جدید پاسخی است به یک مشکل در حال ظهور و در واقع درصد کاهش فشارهای فزاینده‌ای است که کودکان و جوانان در سال‌های اخیر در معرض آن قرار دارند.»

با این حال، بر اساس یافته‌ها، محققان خواستار مداخلات متناسب‌تر هستند. دکتر استانگل افزود: «مطالعه ما بر نیاز به مداخلات متناسب با نیاز تاکید می‌کند. به خصوص برای حمایت از افرادی که در مراحل مختلف اعتیاد به اینترنت قرار دارند.»

نویسنده: شیوالی بست

ترجمه: نسرین ابویی

منبع: دلیلی میل

پی‌نوشت: این گزارش در اکتبر ۲۰۲۳ منتشر شده است.



سازوکارهای اعتیادآور رسانه‌های اجتماعی

سرت را بالا بیاور!

تابه حال شده سرتان را از گوشی بالا بیاورید و به این فکر کنید که این ۳۰ دقیقه کجا رفت؟ اگر این طور است، قطعاً تنها نیستید. مومن به عنوان اپ ردیابی زمان که بیش از ۴.۸ میلیون کاربر دارد می‌گوید یک فرد متوسط حدود چهار ساعت از روزش را صرف تلفنش می‌کند. این یعنی یک چهارم زندگی بیداری ما، و بخش عمده این زمان به اپ‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، اینستاگرام و اسنپ‌چت اختصاص می‌یابند.

و در حالی که سخت مشغول صفحه کاربری‌مان هستیم، اتفاق عجیبی در سیلیکون ولی رخ می‌دهد: خودی‌های فناوری شروع کرده‌اند به اعتراض به برخی از محصولاتی که خودشان به تولیدشان کمک کرده‌اند.

چامات پالیهاپیتیا، معاون رئیس سابق بخش رشد کاربر فیس‌بوک، نوامبر ۲۰۱۷ در خلال گفت‌وگویی در مدرسه تحصیلات تکمیلی کسب‌وکار دانشگاه استنفورد گفت: «من احساس گناه شدیدی دارم... فکر می‌کنم ابزاری خلق کرده‌ایم که تاروپود اجتماعی سازوکارهای جامعه را از هم می‌گسلد.» او اضافه کرد خودش به ندرت از فیس‌بوک استفاده می‌کند و اینکه بچه‌هایش «حق ندارند از آن آشغال استفاده کنند».

شان پارکر، مدیر و یکی از اعضای اصلی فیس‌بوک، در همان زمان در رویدادی در فیلادلفیا گفت: «رسانه‌های اجتماعی واقعاً رابطه‌تان با جامعه و یکدیگر را تغییر می‌دهند. شاید تاثیر عجیبی روی کارتان بگذارند. خدا می‌داند چه بلایی سر مغزهای بچه‌هایمان می‌آورد.» هم‌زمان، تیم کوک، مدیر اجرایی اپل، در مورد برادرزاده‌اش گفته است: «مسائلی وجود دارد که اجازه نمی‌دهم... نمی‌خواهم در شبکه‌های اجتماعی باشم.»

با این اوصاف، مدیران اجرایی رسانه‌های اجتماعی چه می‌دانند که ما از آن بی‌خبریم؟ و این افراد از چه حقه‌هایی استفاده می‌کنند تا برای مصرف بیشتر و بیشتر برگردیم؟

قیمت یک لایک

اول باید به یاد داشته باشیم که چرا شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی در وهله اول می‌خواهند

غول رسانه‌های اجتماعی برای تقطیع و تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی بر اساس آنها بهره گرفته‌اند تا گروه خاصی از مشتری‌ها را هدف قرار دهند. و بعد اخبار جدیدی مطرح می‌شود که می‌گوید این داده‌ها ممکن است برای اهداف سیاسی مورد استفاده قرار بگیرند؛ مانند رسوایی کمبریج آنالیتیکا، که در آن گفته می‌شود از داده‌های فیس‌بوک استفاده شد (ظاهراً بدون آگاهی کاربران یا فیس‌بوک) تا تبلیغات هدفمندی در پشتیبانی از دونالد ترامپ منتشر شوند.

شگرد کار

صرف نظر از اینکه این سطح از جمع‌آوری داده را ترسناک یا صرفاً اوج سرمایه‌داری (هر دو) تلقی می‌کنید، این موضوع توضیح می‌دهد چرا شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی می‌کوشند برای حداکثر زمان ممکن و حداکثر دفعات ممکن توجه‌مان را جلب کنند: سود دارد. و برای این کار امکاناتی در اپ‌هایشان قرار می‌دهند که از شیمیایی مغزمان سودجویی می‌کنند. این شگردها به طور مستقیم از کازینوها و ماشین‌های سکه‌خور به عاریت گرفته شده‌اند- ماشین‌های سکه‌خور را جزو اعتیادآورترین ماشین‌هایی به شمار می‌آورند که تاکنون ابداع شده‌اند.

امکانات «بکشید تا رفرش شود» در اکثر اپ‌های رسانه‌های اجتماعی را در نظر بگیرید؛ که در آن نمایشگر را به سمت پایین می‌کشید تا صفحه رفرش شود. این کار نه تنها شبیه کشیدن اهرم ماشین سکه‌خور است، بلکه از مجذوب شدن ما به پیش‌بینی‌ناپذیری بهره می‌گیرد. روان‌شناس‌ها این کار را «تقویت متناوب» می‌نامند (و من آن را «دلیل اینکه با آدم‌های مزخرف دوست می‌شویم» می‌دانم). گاهی وقتی رسانه‌های اجتماعی را تماشا می‌کنیم، چیزی توجه‌مان را جلب می‌کند (پاداش) اما گاهی هیچ چیز جذاب نیست. این پیش‌بینی‌ناپذیری است که باعث می‌شود دوباره برگردیم.

وقت پشت ماشین سکه‌خور قرار می‌گیرید، کازینو می‌خواهد همان‌جا بمانید- به همین دلیل است که کازینوها پنجره و ساعت ندارند. به همین ترتیب، وقتی در چرخه بی‌نهایت اسکرول کردن افتادید، اپ‌های رسانه‌های اجتماعی نمی‌خواهند سرتان را بالا بیاورید. به همین دلیل است که صفحه اول‌شان عمداً طراحی شده‌اند تا بی‌انتها باشند.

آدام آلتر، روان‌شناسی در دانشگاه نیویورک و نویسنده «مقاومت‌ناپذیر: گسترش فناوری اعتیادآور و کسب‌وکار مجذوب کردن ما»،

جذب‌مان کنند. قبل از اجرای کمبریج آنالیتیکا، ارزش بازار فیس‌بوک (شایسته است اشاره کنیم که فیس‌بوک صاحب پلتفرم‌های محبوب رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و واتس‌آپ است) از ۵۰۰ میلیارد دلار عبور کرد. اما همان‌طور که هر فردی که حسابی در فیس‌بوک دارد می‌داند، نیازی نیست برای استفاده از این پلتفرم پول پرداخت کنید. درست در صفحه اول این‌طور نوشته: «رایگان است و همیشه خواهد بود.»

این واقعیت‌ها شاید متناقض به نظر برسند اما این‌طور نیست. استفاده از فیس‌بوک به این دلیل رایگان است که ما مشتری آن نیستیم. به جای ما، مسئولان تبلیغات مشتری رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و آنچه فروخته می‌شود توجه ماست. به این فکر کنید: هرچه زمان بیشتری صرف پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی کنید، فرصت بیشتری به آن پلتفرم‌ها می‌دهید تا به شما تبلیغات نشان دهند. هر دقیقه‌ای که در رسانه اجتماعی می‌گذرانید، دقیقه‌ای است که صرف پول درآوردن برای فردی دیگر می‌شود.

همچنین این دقیقه به صورت داوطلبانه صرف می‌شود و داده‌هایی فراهم می‌کند که می‌توان آنها را جمع‌آوری کرد و فروخت. آنتونیو گارسیا مارتینز، مدیر محصول سابق فیس‌بوک، در خاطراتش به نام «Chaos Monkeys» می‌نویسد فیس‌بوک در واقع «رگولاتور بزرگ‌ترین مخزن داده‌های شخصی بعد از دی‌ان‌ای است». فیس‌بوک علاوه بر اینکه فعالیت‌های ما در خود پلتفرم را ثبت و تحلیل می‌کند، داده‌هایی را درباره بسیاری از فعالیت‌های آنلاین دیگرمان جمع‌آوری می‌کند. فیس‌بوک حتی اطلاعات را از شرکت‌های جمع‌آوری داده مانند Experian خریداری می‌کند تا درباره زندگی آنلاین‌تان اطلاعات کسب کند. این اطلاعات ممکن است شامل درآمد، گردش حساب کارت اعتباری، وام‌های بزرگ، محدودیت کارت اعتباری و اساساً هر خریدی باشد که با کارت انجام داده‌اید.

خود فیس‌بوک «داستان‌های موفقیت» زیادی درباره شرکت‌هایی منتشر کرده که از توانایی این

می‌گوید: «شرکت‌ها به صورت حساب‌شده سرخ‌های توقف را برداشته‌اند- آن لحظات کوتاه مانند رسیدن به انتهای صفحه که نشان می‌دهند شاید بخواهید به کاری دیگر بپردازید. سازندگان اخلاق‌مدار بازی این سرخ‌ها را ارائه می‌دهند و بازی‌هایشان را به فصل تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی باعث می‌شود بازیکن احساس آزادی کند و بازی را در نوبت‌های کوچک اجرا کند و جلسات طولانی نداشته باشد. همین موضوع درباره محصولات فناوری صدق می‌کند. وقتی فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام صفحات اول‌شان را بی‌انتهای می‌کنند، ایجاد نقاط پایانی طبیعی می‌تواند با احترام به کاربران پیشنهاد دهد تا سراغ فعالیت‌های دیگر بروند.»

به عبارت دیگر، مطالب صفحه اول را می‌توان در چند صفحه ارائه کرد؛ درست مثل نتایج جست‌وجوی گوگل. اما در این صورت باید کاری فعال انجام دهید (کلیک کردن برای رفتن به صفحه بعد) تا ادامه دهید- دقیقاً چیزی که طراحان اپ می‌خواهند از آن پرهیز کنند. پلتفرم‌های ویدئو مانند یوتیوب و نت‌فلیکس از همان فن استفاده می‌کنند: در عرض چند ثانیه بعد از پایان ویدئوی قبلی، ویدئو یا قسمت بعدی در صف به صورت خودکار پخش می‌شود. درست است، می‌توانید دکمه توقف را بزنید، اما آیا راحت‌تر نبود به تماشا ادامه می‌دادید؟

اثر دوپامین

بسیاری از این شگردهایی که برای جلب توجه طراحی شده‌اند از دستگاه دوپامین مغز استفاده می‌کنند. دوپامین یک انتقال‌دهنده عصبی است که در بطن همه عادت‌هایمان قرار می‌گیرد. رمسی براون، هم‌بنیان‌گذار و مدیر عملیاتی ارشد در باندلس مایند، استارت‌آپ تک که از دستگاه دوپامین مغز استفاده می‌کند تا ما را به رفتارهایی سوق دهد که دوست داریم داشته باشیم، این‌طور توضیح می‌دهد: «دوپامین ابزار مغزمان برای ثبت این است که چه کارهایی ارزش تکرار دارند. با دوپامین است که از تجربه‌های مثبت‌مان می‌آموزیم.»

این موضوع از لحاظ تکامل اهمیت دارد- دوپامین برای مثال در واکنش به غذا خوردن یا برقراری رابطه جنسی منتشر می‌شود. اما دستگاه دوپامین مغز انسان نمی‌تواند عادت‌های خوب را از عادت‌های بد تفکیک کند؛ عادت‌های خوب مانند غذا خوردن یا پرداختن به موقع اجاره و عادت‌های بد مانند مصرف دخانیات یا مواد مخدر. دوپامین وقتی در واکنش به محرک نامناسب منتشر می‌شود، عادت‌هایی را تقویت

می‌کند که به اعتیاد تبدیل می‌شوند.

این موضوع که آیا می‌توانیم همان‌طور که به موادی مانند الکل یا مواد مخدر معتاد می‌شویم به تلفن همراهمان هم اعتیاد پیدا کنیم، موضوعی مناقشه‌انگیز است. اما نمی‌توان انکار کرد که سازوکار دوپامین در هر دو زمینه نقش دارد. هر گاه رسانه‌های اجتماعی‌مان را تماشا می‌کنیم و چیزی جدید یا هیجان‌انگیز پیدا می‌کنیم (به عبارت دیگر، هر وقت نگاهی به رسانه‌های اجتماعی می‌اندازیم)، مغزمان دوپامین ترشح می‌کند و به ما می‌گوید نگاه کردن به رسانه‌های اجتماعی ارزش تکرار کردن دارد. و وقتی اعلان‌ها و هشدارها را اضافه می‌کنید، طولی نمی‌کشد که مغز شروع می‌کند به انتشار دوپامین صرفاً در انتظار نگاه کردن به رسانه‌های اجتماعی.

محرک‌های دوپامین در هر قسمت از طراحی اپ‌های رسانه‌های اجتماعی تعبیه شده‌اند. دکمه‌های «لایک» هم از میل ما برای تایید اجتماعی بهره می‌گیرند و هم از علاقه‌مان به دیدن «امتیاز». عناصر بازی‌وارسازی (Gamification) مانند امکانات Streaks در اسنپ‌چت- که به صورت عمومی ردیابی می‌کند تا ببیند چند روز پشت سر هم از اپ استفاده کرده‌اید- باعث می‌شوند کاربران احساس کنند هر روز باید اپ‌شان را مرور کنند تا رتبه‌شان بالا نگر داشته شود.

تلفن‌ها و اپ‌هایمان نیز از تکانه‌ها و اضطراب‌های اجتماعی ذاتی سود می‌برند؛ از جمله ترس‌مان از طرد شدن و این تصور که وقتی کسی کاری برایمان انجام داد باید جبران‌ش کنیم. برای مثال، به آن تیک‌هایی فکر کنید که وقتی دوست‌تان پیام‌هایتان را روی فیس‌بوک، واتس‌آپ یا سایر پلتفرم‌ها می‌بیند ظاهر می‌شوند. دوست‌تان می‌داند که آن تیک‌ها را دیده‌اید. حالا فشار اجتماعی ایجاد شده تا دوست‌تان پاسخ دهد. حتی ممکن است ایمیلی دریافت کنید مبنی بر اینکه پیام‌ها و اعلان‌ها را نخوانده‌اید. این موضوع باعث می‌شود احساس کنید باید وارد حساب‌تان شوید تا از اخبار عقب نمانید یا کسی را معطل نگذارید. و بعد آن نقطه‌های کوچک وجود دارند که نشان می‌دهند کسی در حال پاسخ دادن به پیام‌تان است. احتمال اینکه قبل از دیدن پاسخ‌شان تلفن را زمین بگذارید چقدر است؟

وقت تغییر رسیده؟

شکی نیست که این امکانات طراحی‌شده موثرند. اما آنچه برای سود خوب است برای

سلامت روان خوب نیست. مطالعات متعددی نشان داده‌اند استفاده زیاد از رسانه‌های اجتماعی زمینه‌ساز محرومیت از خواب، اضطراب، تنهایی و افسردگی در میان نوجوانان است. با توجه به شگردهایی که در طراحی به کار رفته‌اند، این آمار شاید شگفت‌آور نباشد. الگوی تجاری توجه‌محور پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به این معنی است که اهداف‌شان و اهداف کاربرهایشان ذاتاً متفاوت‌اند. کوین هولش، خالق اپ مومنت، می‌گوید: «رسانه‌های اجتماعی با در نظر گرفتن خوشبختی بلندمدت‌تان طراحی نشده‌اند: طراحی شده‌اند تا همین حالا حداکثر توجه‌تان را جلب کنند.»

تا وقتی پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به پول درآوردن از فروش توجه‌مان ادامه می‌دهند، احتمال کمی برای تغییر داوطلبانه روش‌هایشان وجود دارد. آلتز می‌گوید: «مسابقه تسلیحاتی برای جلب توجه در جریان است. و اگر از همه ابزار موجود برای جذب مشتری استفاده نکنید، عقب می‌مانید. اگر مصرف‌کننده‌ها یا دولت مداخله نکنند و فشار نیاورند، سخت می‌توان تصور کرد شرکت‌ها از حقه‌هایی که باعث جذابیت محصولات‌شان می‌شوند صرف نظر کنند.»

خوشبختانه علائمی از مقاومت دیده می‌شود. در ژانویه ۲۰۱۸، دو سرمایه‌گذار بزرگ اپل نامه‌ای سرگشاده به فیس‌بوک نوشتند و درخواست کردند امکانات بهتری برای کنترل والدین عرضه شود. کمی بعد از آن، گروهی از متخصصان سلامت کودکان از فیس‌بوک تمنا کردند تا پیام‌رسان کودکان را کنار بگذارد- پلتفرم جدید فیس‌بوک که افراد زیر ۱۳ سال را هدف قرار می‌دهد. در ماه فوریه همان سال، گروهی از خودی‌ها و سرمایه‌گذارهای بیدار تک، مرکز فناوری انسانی را راه‌اندازی کرده‌اند. این مرکز سازمانی است که به طرفداری از- و لابی برای- طراحی اخلاقی‌تر اختصاص دارد.

اگر این تلاش‌ها موفق باشند، آهسته خواهند بود. اما در عین حال، کارهایی وجود دارند که می‌توانیم و باید- انجام دهیم تا رابطه سالم‌تری با دستگاه‌هایمان داشته باشیم. پالیهایپیتیا به مخاطبان‌ش در استنفورد گفت: «اگر به هیولا غذا بدهید، شما را نابود خواهد کرد. اگر با آن مقابله کنید، شانس برای کنترل و مهارش وجود دارد.»

نویسنده: کاترین پرایس

ترجمه: امین پورحسن

منبع: ساینس فوکوس



تنهایی در عصر دیجیتال پارادوکس ارتباط

جمله در کار و خانه می‌شود. با این حال پدیده رایج‌تر دیگری استفاده مشکل‌ساز از اینترنت است که به آن سوءاستفاده از اینترنت گفته می‌شود و بر حیات کاربر تأثیر منفی می‌گذارد. از دهه ۱۹۹۰ بحث بر سر تأثیر مثبت یا زیان استفاده از اینترنت بر حیات اجتماعی و روابط اجتماعی آغاز شده است. اولین مطالعه روی اینترنت و سلامت روان نشان داد افزایش استفاده از اینترنت، کاهش ارتباط کاربر با اعضای خانواده، کوچک‌تر شدن حلقه اجتماعی و افزایش افسردگی و تنهایی را به دنبال دارد. مطالعات بعدی هم نتایج مشابهی را گزارش کردند. اما بازبینی اولیه مورمان مارتین بر تحقیقات این حوزه به دو فرضیه متناقض درباره ارتباط استفاده از اینترنت و تنهایی اشاره می‌کند.

بر اساس فرضیه اول، از آنجا که فرد روی روابط آنلاین سرمایه‌گذاری می‌کند و از روابط واقعی غافل می‌شود، تنهایی را می‌توان نتیجه استفاده بیش از اینترنت دانست. اما بر اساس فرضیه دوم ممکن است افراد تنها برای ارتباط گرفتن، همراهی و عضویت اجتماعی به سمت فعالیت‌های آنلاین کشیده شوند. در این مقاله قرار است با بررسی نوشته‌های مربوط به تنهایی و اینترنت، به این سوال پاسخ دهیم: اینترنت مدرن چه نقشی در تشدید یا کاهش تنهایی دارد؟

تنهایی و اینترنت: جست‌وجویی در داده‌ها

با جست‌وجوی عبارات تنهایی (loneliness) و اینترنت (Internet) به ۷۷ مقاله منتشر شده در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ و ۱۷۷ مقاله مربوط به سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ دست یافتیم. جست‌وجوی دیگری در موضوع انزوای اجتماعی، تنهایی و استفاده از اینترنت در PubMed (آرشیو مقالات پزشکی) هم ۳۹۴ مقاله مربوط به سال‌های ۲۰۱۹ و پس از آن را نمایان کرد.

علت و معلول- مطالعه‌ای مربوط به سال ۲۰۰۹ نیز همانند مورمان مارتین تصریح می‌کند که تنهایی می‌تواند هم علت و هم معلول استفاده مشکل‌ساز از اینترنت باشد. یک بازبینی و تجزیه و تحلیل سیستماتیک در سال ۲۰۲۱ نیز به ارتباط محدودی بین اعتیاد به اینترنت و تنهایی اشاره می‌کند که البته بیشتر مطالعات این بررسی مربوط به پیش از همه‌گیری کووید هستند. نولاند و همکارانش نیز پس از تجزیه و تحلیل مقالات مربوط



که در نتیجه برآورده نشدن نیاز ما به تماس و روابط اجتماعی پدید می‌آید. فاکتورهای بسیار ممکن است باعث تشدید تنهایی شوند که از مثال‌های جدید آن کاهش ارتباط اجتماعی پس از همه‌گیری کووید بود. تنهایی به سلامت ضربه می‌زند و استرس را افزایش می‌دهد و به مشکلات سلامت ذهن منجر می‌شود و بر سلامت فیزیکی تأثیرگذار است. استفاده از اینترنت یکی از فاکتورهای مرتبط با تنهایی است. استفاده از اینترنت رفتارهای مختلفی را شامل می‌شود که برخی از آنها مثبت (مثلاً استفاده از اینترنت در آموزش و کار) و بقیه (مثل شبکه‌های اجتماعی، قمار و تماشای محتوای پورنوگرافی)- به‌ویژه در صورت استفاده بیش از حد- همراه با اعتیاد و برای سلامت ما مضر هستند. اعتیاد به معنی استفاده بی‌اراده از اینترنت است و در صورت عدم اتصال به اینترنت با نشانه‌های اعتیاد و ترک همراه و حتی باعث اختلال در فعالیت‌های روزمره از

اینترنت و رسانه‌های مربوطه در آموزش، کار و فراغت نقش مهمی ایفا می‌کنند. می‌شود چنین برداشت کرد که مردم به لطف شبکه اجتماعی روابط بین فردی بهتری دارند و همین تنهایی را کاهش می‌دهد. اما الگوهای ثبت شده از مصرف اینترنت به افزایش تنهایی در اثر این فناوری اشاره دارند. با اینکه در جمعیت‌های مختلف و از لحاظ تناوب و نوع استفاده از اینترنت یافته‌های متفاوتی داریم، اما مطالعاتی که در طول و پیش از همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شده از رابطه بین «اعتیاد به اینترنت» و تنهایی حکایت می‌کنند. برای تشخیص رابطه علت و معلول و اینکه آیا استفاده «متعادل» از اینترنت تأثیر مثبتی بر سلامت می‌گذارد به یک مطالعه درازمدت نیاز است.

تنهایی و رسانه


تنهایی را می‌توان همان احساسی تعریف کرد

ذهنی از جمله اضطراب، استرس و افسردگی دارد.

با این حال تحقیقات ما و همکاران مان نشان می‌دهد ارتباط بین استفاده از اینترنت و تنهایی وابسته به ویژگی‌های نمونه تحقیقاتی است. در یک نظرسنجی از بین ۵۰۰ شرکت‌کننده از کویت و عربستان سعودی مشخص شد تنهایی هم با استفاده مشکل‌ساز از اینترنت و هم ساعات استفاده از اینترنت ارتباط دارد و شرکت‌کنندگان جوان‌تر به تنهایی بیشتری نسبت به مسن‌ترها اشاره می‌کنند و آنهایی که تنهایی بیشتری گزارش کرده‌اند بیشتر اخبار همه‌گیری را از شبکه اجتماعی پیگیری می‌کنند. کیفیت رابطه با فرد یا افرادی که قرنطینه با آنها سپری شد هم با تنهایی ارتباط دارد. به طور خلاصه، مقالات نشان می‌دهند رابطه بین استفاده از اینترنت و تنهایی به ماهیت استفاده از اینترنت و ویژگی‌های کاربر بستگی دارد.

سوال‌های بعدی

با اینکه مقالات بسیاری پیرامون مصرف اینترنت و تنهایی منتشر شده است، به مطالعه بیشتری درباره بسیاری از مشکلات نیاز است. برای مثال، فعالیت‌های مختلف اینترنتی از لحاظ اثرگذاری بر تنهایی تفاوت دارند؟ آیا سواد اینترنتی اثری بر تنهایی دارد؟ آیا با توجه به تفاوت دسترسی و رویکرد فرهنگ‌ها به منابع مختلف اینترنت، تفاوت‌های فرهنگی از اهمیتی برخوردار است؟ چه چیز باعث می‌شود روابط آنلاین کمتر از روابط حضوری رضایت‌بخش باشند؟ و آیا تنهایی باعث استفاده از اینترنت می‌شود و برعکس؟ بیشتر مطالعات به رابطه علت و معلولی بین استفاده از اینترنت و تنهایی اشاره نمی‌کنند بلکه حاکی از یک ارتباط دوسویه هستند. علاوه بر این، ممکن است انزوای اجتماعی دوران همه‌گیری به ابهاماتی در رابطه بین مصرف اینترنت و تنهایی بر اساس تحقیقات آن دوران دامن زده باشد.

از لحاظ اخلاقی هم می‌توان گفت جلوگیری از تنهایی و استفاده درست از اینترنت هر دو موضوعات مهمی هستند و به رهنمودهای بیشتر نیاز دارند. ماهیت اطلاعات وابسته به یافته‌های تحقیقی است و به وضوح می‌توان گفت پیش از ارائه رهنمود باید مشکلات بسیاری را برطرف کرد 

نویسنده: اندرو پی اسمیت

ترجمه: مهدی جعفری

منبع: ای‌ام‌رای ژرنال آف اتیکس

تنهایی بیشتر شده است. طبق گزارشی که طبق یک نظرسنجی در ایتالیا بود، بزرگسالان در طول دوران قرنطینه در مقایسه با پیش از همه‌گیری ساعات‌های بیشتری را به شبکه اجتماعی اختصاص می‌دادند و احساس تنهایی همراه با استفاده بیش از حد شبکه اجتماعی و اضطراب را تجربه کرده‌اند. این یافته‌ها با یک نظرسنجی از بزرگسالان چینی در مورد استفاده از وی‌چت همخوانی دارد. با این حال مطالعه‌ای روی بزرگسالان میانسال و مسن انگلستان به تأثیر مثبت استفاده از اینترنت بر حس تنهایی اشاره می‌کند. بر اساس این مطالعه، آنهایی که در طول قرنطینه بیش از یک بار در روز برای ارتباط از اینترنت استفاده می‌کردند، کمتر از آنهایی که یک بار در هفته این کار را انجام می‌دادند احساس تنهایی را تجربه کرده‌اند.

تنهایی در میان سالمندان و به‌ویژه آنهایی که به مشکلات فیزیکی دچار بودند و امکان استفاده یا دسترسی به این فناوری برای تعامل آنلاین را نداشتند در طول دوران همه‌گیری افزایش یافت. احساس تنهایی با افزایش سن بیشتر می‌شود و در بین بزرگسالان مسن‌تر، تنهایی و انزوای اجتماعی با اضطراب، افسردگی، خطر مرگ و کاهش عملکرد ذهن همراه است. با اینکه در دوران همه‌گیری استفاده از اینترنت باعث جلوگیری از تنهایی در بین سالمندان یک شهر مسن در تایوان شد اما مطالعه‌ای روی اعتیاد سالمندان چین به اینترنت در دوران همه‌گیری با نتیجه عکس همراه بود و نشان داد با افزایش تعامل در جهان واقعی که احساس تنهایی را در بین سالمندان کاهش می‌دهد، می‌توان از اعتیاد به اینترنت جلوگیری کرد.

در دوران همه‌گیری، تنهایی و اثر آن بر سلامت ذهن در بین کودکان و نوجوانان نیز افزایش یافت و کودکان و نوجوانانی که پیشتر به مشکلات سلامت ذهن مبتلا بودند، به افسردگی و اضطراب مبتلا شدند یا این حس در آنها تشدید شد. همچنین در میان نوجوانان تنها احتمال استفاده از شبکه اجتماعی به عنوان جایگزین روابط اجتماعی واقعی بیشتر شده است. مطالعه‌ای در دوران همه‌گیری روی نوجوانان ترکیه نشان داد تنهایی باعث افزایش اعتیاد به اینترنت می‌شود و مطالعات دیگری نیز به افزایش رفتارهای اعتیادگونه اینترنتی در دوران همه‌گیری اشاره می‌کردند که بر کاربران جوان و نوجوان اینترنت تأثیر منفی می‌گذارد. در این گروه از کاربران اینترنت، تنهایی و انزوای اجتماعی رابطه مستقیم با مشکلات سلامت

به رابطه بین استفاده از اینترنت و تنهایی نتیجه گرفتند وقتی اینترنت برای تسهیل روابط موجود اجتماعی و ساخت روابط جدید اجتماعی استفاده شود، ابزار ارزشمندی برای کاهش تنهایی است (فرضیه شبیه‌سازی)، اما وقتی برای فرار از جهان اجتماعی و جدایی از روابط اجتماعی استفاده شود، احساس تنهایی را تشدید می‌کند (فرضیه جایگزینی). بر اساس فرضیه جابه‌جایی، افراد تنهایی که از اینترنت برای فرار از روابط اجتماعی استفاده می‌کنند احتمالاً زمان اختصاص یافته به رابطه آنلاین را کاهش می‌دهند و برای تقویت روابط موجود و برقراری روابط جدید، نیازمند حمایت روانی هستند تا مصرف اینترنت خود را مدیریت کنند.

گروه‌های خاص - چندین مقاله در سال‌های پس از ۲۰۱۰ بر گروه‌های خاص مثل سالمندان، کودکان یا نوجوانان تمرکز دارند. نتایج مربوط به سالمندان نشان می‌دهد فناوری ارتباطات ممکن است برای برخی افراد (مثلاً افرادی که سواد کامپیوتری خوبی دارند) مفید باشد، اما برای همه این‌طور نیست. تحقیقات آینده باید بر آنهایی تمرکز کند که بیشترین نفع را از این فناوری می‌برند.

انزوای برآمده از همه‌گیری کووید-۱۹ قرنطینه و اجبار به دورکاری و ارتباط دورادور باعث شد استفاده از اینترنت در دوران همه‌گیری افزایش چشمگیری پیدا کند و به تبع آن تأثیرات مخربش بر سلامت ذهن مردم نیز افزایش یافت. شاید در دوران انزوای اجتماعی حباب‌های هویتی شبکه اجتماعی منابعی را برای تعامل فراهم کنند، اما این منابع نمی‌توانند ناراحتی روانی افراد تنها را تسکین دهند و در بین نوجوانانی که به اختلال‌های یادگیری دچارند، افزایش دوستی‌های مجازی احتمال تنهایی را بالا می‌برد. حتی اگر دوستی‌های مجازی باعث شوند برخی از افراد در نبود روابط نزدیک و فیزیکی احساس تنهایی کمتری داشته باشند، دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد بسیاری از روابط آنلاین کمی بیشتر از دوستی‌های ساده مجازی هستند. نحوه استفاده از اینترنت می‌تواند حس انزوا را تشدید کند و حس انزوای اجتماعی رابطه مثبتی با استفاده مشکل‌ساز از شبکه اجتماعی دارد. اگرچه روابط حضوری همچنان بهترین استراتژی برای مبارزه با حس انزواست، اما گاه در جوامع مجازی هم می‌توان از حمایت لازم برخوردار شد.

بنا بر تحقیقات، در دوران همه‌گیری سطح



متخصصان درباره استفاده مداوم از فناوری‌های دیجیتالی چه می‌گویند

این غول به چراغ برنمی‌گردد

چنین داستان‌هایی به این دلیل رضایت‌بخش است که شما در آخر می‌گویید: «چه بی‌شخصیت‌هایی. اگر فکر می‌کنید اینها خوب نیست، چرا آن را ادامه می‌دهید؟» اما افرادی مثل جaron لنیر را نیز داریم که می‌گوید: «همین حالا شبکه اجتماعی را ترک کن؛ برای تو بد است.» اما این کار از لحاظ هم غیرمسئولانه است - به روشنی میلیاردها انسان قرار نیست شبکه اجتماعی را ترک کنند زیرا این فناوری به ابزار مهم ارتباطی آنها تبدیل شده است. هسته اصلی ارتباط آنها با جهان است و این روزها در بخش زیادی از کار و بازی‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند. می‌خواهم به لنیر بگویم فکر بهتری بکنند. قرار نیست این غول را دوباره به چراغ برگردانیم. خیلی از ویژگی‌های آن خوب است. کسی پیشنهاد نمی‌کند آن را به طور کامل خاموش کنیم.

سوال اصلی اینجاست که مشکلات واقعی چیست و ما چطور آنها را برطرف کنیم؟ چطور می‌توان از تأثیرات خطرناک آن جلوگیری کرد؟ خواستار کدام آثار مثبت آن هستیم؟

نیر ایال، مولف کتاب **قلاب: چگونه محصولات عادت‌ساز خلق کنیم (Hooked: How to Build Habit-Forming Products)**

۹۰ درصد از کسانی که ماری جوانا می‌کشند، به آن معتاد نمی‌شوند. اما مساله اینجاست که به هر حال برخی افراد از آن سوءاستفاده می‌کنند؛ اگر چیزی به اندازه کافی خوب و جذاب باشد، اعتیاد برخی از افراد به آن اجتناب‌ناپذیر است. ما باید آسیب را برطرف کنیم - مساله خود فناوری نیست، بلکه آسیب آن است. من از شرکت‌ها می‌خواهم تا معتادها را شناسایی و به آنها کمک کنند.

شرکت‌های زیادی محصولات اعتیادآور می‌سازند. خبر خوب اینکه این شرکت‌ها میزان استفاده شما از محصولات‌شان را می‌دانند. پس اگر بخواهند می‌توانند نگاهی به فعالیت شما بیندازند و بگویند: «بین اگر ۳۰ ساعت در هفته، ۴۰ ساعت در هفته، از این محصول استفاده کنی، ما پیام می‌دهیم و می‌گوییم، سلام می‌خواهی در نظارت بر رفتار به تو کمک کنیم؟ الگوی رفتاری شما شبیه به کسی است که با اعتیاد دست‌وپنجه نرم می‌کند.»^۱

نویسنده: برایان رزینیک

منبع: ووکس

پی‌نوشت: در ترجمه این گزارش نظر سه متخصص انتخاب شده است.

به‌علاوه، خطرات این مداخله به‌ندرت از سوی شرکت‌هایی که انواع روزافزونی از فناوری‌های «بهداشت و سلامت» را ارائه می‌کنند، مد نظر قرار می‌گیرد. برای مثال، شرکت‌ها ممکن است با تغییر الگوهای خواب، حس و حال یا تغذیه، ناخواسته به آنها آسیب برسانند.

در صنعت درمان، پزشک بیشتر اوقات از مداخله‌هایی که بیمار را در روند تصمیم‌گیری دخیل نمی‌داند اجتناب می‌کند. پزشک‌ها در عوض سعی دارند به درک و تصمیم فردی بیمار احترام بگذارند و آن را تقویت کنند. ما باید راهی پیدا کنیم تا در فناوری‌های بهداشت و سلامت هم این رابطه را برقرار کنیم.

هرگونه برداشت یا مداخله با هدف تغییر رفتار کاربر، باید کاملاً شفاف باشد و در شرایط ایده‌آل هدف نقد یک کمیته اخلاقی قرار گیرد. با این کار احتمال پیامدهای ناخواسته به حداقل می‌رسد (برای مثال، افزایش استرس، اضطراب یا حتی خطر اعتیاد رفتاری).

ایتان زاگرمین، مدیر مرکز **Civic Media** دانشگاه MIT

جمعی از مردم همواره در مواجهه با هر فناوری جدیدی می‌گویند: «این اعتیادآور است و جامعه‌ای که ما می‌شناسیم را نابود می‌کند.» همیشه بخشی از این نگرانی‌ها واقعی هستند و بسیاری از آنها هم از یک وحشت اخلاقی نشأت می‌گیرند.

یکی از راه‌های تشخیص وحشت اخلاقی، تمرکز آنها بر کودکان یا گرایش جنسی است. پس وقتی کسی را می‌بینید که از یک نسل سردرگم صحبت می‌کند، یا می‌گوید بلوتوث باعث شده جوانان با نرخ بی‌سابقه‌ای روابط جنسی داشته باشند، اینها نشان می‌دهد مساله در اینجا بیشتر از نگرانی در مورد چیزهای واقعی، یک وحشت اخلاقی است.

تا آنجا که من می‌دانم، والدین در سلیکون ولی به یک جنون نمایشی دچارند. همه به دنبال فضل‌فروشی هستند. من پدر یا مادر بهتری هستم، زیرا محدودیت‌های دیوانه‌واری برای خانواده‌ام در نظر می‌گیرم. [ممنوعیت استفاده از گوشی] چنین چیزی به نظر می‌رسد.

شرکت‌هایی مثل گوگل، فیس‌بوک، توئیتر، اپل و حتی رسانه Vox (اگر بخواهیم کاملاً صادق باشیم) برای جلب توجه شما رقابت می‌کنند. آنها در این رقابت ماهرانه می‌دانند با فشردن کدام دکمه روان‌شناختی شما را دوباره به سمت خود بازگردانند. امروزه بسیاری از کودکان آمریکایی در ۱۰ سالگی صاحب گوشی می‌شوند و این دستگاه حواس‌پرت‌کن را همیشه در جیب خود حمل می‌کنند. هرچه بیشتر به اقتصاد توجه خود می‌گیریم، ترس از آسیب بیشتر می‌شود. اگر حواس‌پرتی‌های دائم دیجیتال واقعاً عملکرد ذهنی ما را تضعیف می‌کنند و بسیاری از ما پریشان‌خیال‌تر، دچار خلأهای حافظه و مضطرب‌تر شده‌ایم، یعنی در حال تجربه یک تحول بزرگ در نحوه فکر انسان هستیم. یا شاید هم مثل مردمی که در گذشته از فناوری‌هایی همچون نشر یا رادیو هراس داشتند، بیش از حد واکنش نشان داده‌ایم؟ پاسخ‌های این سوال را به هیچ عنوان نمی‌توان مطمئن یا حتی منسجم دانست. چیزهای زیادی از ارتباط بین استفاده از رسانه و سلامت مغز کودکان و بزرگسالان نمی‌دانیم. برای مثال شواهد موجود درباره حافظه و چندوظیفگی به رابطه منفی اشاره می‌کنند، اما همچنان نمی‌توان یک رابطه علت و معلولی مطمئن ترسیم کرد. در ادامه نظر سه متخصص را درباره این مساله می‌خوانیم.

کریستوفر بر، فیلسوف علوم شناختی و پژوهشگر در موسسه اینترنت آکسفورد

ما با استفاده مداوم از فناوری‌های دیجیتال به سیستم‌های هوشمند اجازه می‌دهیم تا بیشتر و بیشتر در مورد ویژگی‌های روانی ما یاد بگیرند، آموخته‌هایی که دقت و اعتبارشان متفاوت است. برای مثال، شتاب‌سنج (accelerometer) گوشی هوشمند ما را می‌توان برای استنباط سطح استرس در محل کار استفاده کرد، یا تجزیه و تحلیل خودکار روی الگوهای بیانی ما می‌تواند افسردگی‌مان را تشخیص دهد.

اما نگرانی من از این است که کاربران به‌ندرت از این کاربرد داده‌هایشان مطلع هستند.



آیا کاربرد نمایشگر بر مهارت‌های تفکرمان تاثیر می‌گذارد؟ چه کسی مغز ما دزدید؟

دشووارتر شود. بنابراین سخت می‌توان تشخیص داد کاربرد نمایشگر چه زمانی به مشکل تبدیل می‌شود.

توضیح دوم اینکه افرادی که کارکرد شناختی ضعیف‌تری دارند (مانند افرادی که کنترل کمتری بر خودشان دارند) به احتمال بیشتری درگیر کاربرد ناهنجار نمایشگر می‌شوند.

این وضعیت می‌تواند نتیجه انواع سرخ‌های اعتیادآوری باشد که طراحی شده‌اند تا ما را پای نمایشگرهایمان بنشانند. مباران شدن با این مسائل باعث می‌شود متوقف کردن کاربرد نمایشگر دشوارتر شود.

تحقیقات ظاهراً این توضیح را تایید نمی‌کنند و نشان می‌دهند کارکرد شناختی در نتیجه کاربرد ناهنجار نمایشگر تضعیف می‌شود اما هنوز هم نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم.

توجه سنگ بنای کارهای روزانه است. افرادی که ضعف توجه دارند شاید نتوانند در محیط‌هایی مانند محل کار یا کلاس درس که محرک کمتری دارند حضور پیدا کنند. ممکن است در چنین محیط‌هایی به کاربرد نمایشگر گرایش پیدا کنند.

به همین طریق، افرادی که کنترل کمتری بر خودشان دارند به سختی می‌توانند کاربرد نمایشگر را تعدیل کنند. این موضوع ممکن است باعث شود این افراد در وهله اول به رفتارهای مربوط به کاربرد مشکل‌ساز نمایشگر گرایش پیدا کنند.

چه کسی مسئول است؟

تحقیقات نشان می‌دهند افرادی که عملکرد شناختی ضعیفی دارند اغلب از توان لازم برای کاهش زمان استفاده از نمایشگر محروم‌اند.

بسیاری از کاربرانی که نمایشگر را به صورت ناهنجار به کار می‌برند جوان‌اند؛ به‌ویژه پسرهایی که درگیر گیمینگ اینترنتی می‌شوند و دخترهایی که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. نورودایورس‌ها یا افرادی که تفاوت‌های عصبی دارند نیز در معرض ریسک بیشتر قرار دارند.

یکی از مسیرهای پیش رو این است که سیاست‌های دسترسی آزاد به داده‌های شرکت‌های تک تشویق شوند تا محققان بتوانند به طور عمیق‌تری به تحقیق درباره کاربرد نمایشگر و تاثیر آن بر افراد بپردازند.

نویسنده: وین واربرتن

منبع: دکانوریشن

فراتحلیلی درباره ۳۴ تحقیقی انجام دادیم که انواع مختلف کاربرد نمایشگر را بررسی کرده‌اند (از جمله گیمینگ، مرور اینترنت، کاربرد تلفن هوشمند و کاربرد رسانه‌های اجتماعی). همچنین عملکرد شناختی افراد مبتلا به اختلال کاربرد نمایشگر را با عملکرد شناختی افراد سالم مقایسه کردیم.

تفاوت‌ها در کارکرد شناختی

در این مطالعات علمی که به‌دقت بازنگری شده‌اند، افرادی که از کاربرد ناهنجار نمایشگر رنج می‌برند اغلب عملکرد شناختی ضعیف‌تری نسبت به دیگران دارند. توجه بخشی از قوه شناخت است که بیشترین ضربه را می‌بیند؛ به‌ویژه توجه مستمر که به معنی توانایی حفظ تمرکز بر محرکی ثابت برای دوره‌ای طولانی است.

«کارکرد اجرایی» دومین تفاوت بزرگ بین دو گروه از افراد مورد مقایسه بود- به‌ویژه کنترل تکانه‌ها که به معنی کنترل واکنش‌های خودکار است. جالب است که نوع فعالیت نمایشگر تفاوتی در نتایج پدید نیاورده است. این روند همچنین به کودکان محدود نمی‌شود بلکه در میان همه گروه‌های سنی به چشم می‌خورد.

دوروش برای تفسیر نتایج

چرا افرادی که رفتار ناهنجاری در کاربرد نمایشگر دارند کارکرد شناختی ضعیف‌تری دارند؟

توضیح اول این است که کاربرد ناهنجار نمایشگر در واقع منجر به تضعیف کارکرد شناختی می‌شود؛ از جمله تضعیف مهارت‌های توجه (البته به مطالعات آزمایشی و طولی بیشتری برای تایید این رابطه سببی نیاز داریم) اگر این برداشت صحیح باشد، تضعیف قوه شناخت شاید حاصل مباران دائمی با الگوریتم‌ها و امکاناتی است که طراحی شده‌اند تا توجه‌مان را جلب کنند. کاربرد نمایشگر تمرکزمان را به بیرون پرت می‌کند و بنابراین ممکن است توانایی ذاتی فرد برای تمرکز در طول زمان را تضعیف کند.

مهم است که بدانیم ضعف توجه باعث می‌شود کنار گذاشتن رفتارهای اعتیادآور

پیوندی آشکار بین کاربرد ناهنجار نمایشگر و کاهش سطح عملکرد شناختی وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند قبل از طرفداری از مدت‌زمان بیشتر تماشای نمایشگر باید هوشیار باشیم و نمایشگرها را وارد ابعاد بیشتری از زندگی‌مان نکنیم.

سهم بالای جوانان

در سال ۲۰۲۰، موسسه آموزش گونسی UNSW در گزارشی به آماری نگران‌کننده اشاره کرد: حدود ۸۴ درصد از دبیران استرالیایی معتقدند فناوری‌های دیجیتالی عامل حواس‌پرتی در محیط یادگیری هستند. گزارش سال ۲۰۲۱ کامن‌سنس مدیا تخمین می‌زند که نونهالان به‌طور متوسط پنج ساعت و ۳۳ دقیقه از سرگرمی مبتنی بر نمایشگر استفاده می‌کنند درحالی‌که نوجوانان آمار چشمگیر هشت ساعت و ۳۹ دقیقه را ثبت کرده‌اند. افزایش ناگهانی کاربرد نمایشگر باعث شده برخی افراد از جمله کودکان، نوجوانان و بزرگسالان به نمایشگر اعتیاد پیدا کنند.

«کاربرد ناهنجار نمایشگر» چیست؟

تاثیر نمایشگرها روی توانایی‌های شناختی‌مان- یعنی مهارت‌های تفکر مانند توجه، حافظه، زبان و حل مساله- مناقشات زیادی برانگیخته است.

از یک طرف، برخی محققان و گزارشگران ادعا می‌کنند کاربرد نمایشگر می‌تواند آثار منفی داشته باشد؛ مانند مشکلات سلامت، کاهش بازه توجه و ایجاد اختلال در رشد.

از طرف دیگر، مدارس بیش از پیش از فناوری برای تقویت مشارکت دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. شرکت‌های تک نیز محصولاتشان را ابزاری معرفی می‌کنند که به شما کمک می‌کنند مهارت‌های حل مساله و حافظه را بهبود دهید. تحقیق اخیر ما تلاشی برای درک پیامدهای شناختی «رفتارهای مربوط به کاربرد ناهنجار نمایشگر» بود. این دسته از رفتارها در دسرساز است و شاید نشانگر وابستگی به نمایشگر باشد. استفاده از نمایشگر ادامه پیدا می‌کند حتی وقتی آسیب‌زاست.



کریستوفر فرگوسن روان‌شناس می‌گوید در تاثیر فناوری بر مغز اغراق شده است

اینترنت هروئین و شیشه نیست

اعتیاد به فناوری شایع نیست

افرادی که درباره اعتیاد به فناوری حرف می‌زنند اغلب می‌گویند از دست تلفن هوشمند کلافه‌اند یا درک نمی‌کنند چرا بچه‌ها این همه بازی می‌کنند. اما این اعتیاد واقعی نیست و بازی کردن با گوشی تداخل جدی‌ای با سایر فعالیت‌های زندگی مانند مدرسه، کار یا روابط اجتماعی ایجاد نمی‌کند.

تحقیقات خود من نشان داده سه درصد گیمرها- یا کمتر- مشکلات رفتاری پیدا می‌کنند؛ مانند نادیده گرفتن تکالیف مدرسه تا جایی که نمره‌ها آسیب ببینند. بسیاری از این مشکلات خفیف‌اند و به مرور زمان التیام پیدا می‌کنند.

اعتیاد به فناوری بیماری روانی نیست

در این لحظه، هیچ تشخیص روان‌پزشکی رسمی‌ای درباره اعتیاد به فناوری وجود ندارد. وضعیت ممکن است تغییر کند: سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده قصد دارد «اختلال گیمنگ» را در ویرایش بعدی مجموعه بین‌المللی بیماری‌ها بگنجد.

اما این پیشنهاد بسیار مناقشه‌انگیز است. من یکی از ۲۸ محقق هستم که به سازمان بهداشت جهانی نامه نوشتند و اعتراض کردند که این تصمیم زیاد علمی نیست. سازمان بهداشت جهانی ظاهراً تحقیقاتی را نادیده گرفت که می‌گویند «اختلال گیمنگ» بیشتر شبیه علائم سایر مشکلات سلامت روانی مانند افسردگی است و یک اختلال مستقل به شمار نمی‌رود.

امسال واحد فناوری و روان‌شناسی رسانه در انجمن روان‌شناسی آمریکا که من عضوی از آن هستم نیز بیانیه‌ای منتشر کرد و از تصمیم سازمان بهداشت جهانی انتقاد کرد. یونیسف به عنوان سازمان خواهر سازمان بهداشت جهانی نیز درخواست کرد از عبارت «اعتیاد» برای توصیف کاربرد نمایشگر از سوی کودکان استفاده نشود.

حتی اگر مناقشه را کنار بگذاریم، متوجه شده‌ام داده‌های موجود نشان نمی‌دهند که اعتیاد به فناوری یک بیماری مستقل است. برای مثال، آکسفورد تحقیقی انجام داده که نشان می‌دهد افرادی که گفته می‌شود «اعتیاد به بازی» دارند، دچار مشکلات روان‌شناختی بیشتری نسبت به دیگران نیستند. تحقیقات دیگری نشان می‌دهد مشکلات مربوط به زیاده‌روی در کاربرد فناوری معمولاً خفیف‌تر از بیماری‌های روانی هستند و در واقع بدون درمان خودشان از بین می‌روند.

فناوری، بازی‌های ویدئویی و اعتیاد انجام داده‌ام. معتقدم اکثر این ادعاهای رعب‌آور درباره فناوری بی‌ارزش‌اند. چند افسانه درباره اعتیاد به فناوری رواج دارد که شایسته است با تحقیقات واقعی ردشان کنیم.

فناوری ماده مخدر نیست

برخی صاحب‌نظران ادعا کرده‌اند استفاده از فناوری همان مراکز لذتی را در مغز فعال می‌کند که کوکائین، هروئین یا شیشه آنها را فعال می‌کنند. این ادعا به طور مبهمی حقیقت دارد اما واکنش مغز به تجربه‌های لذت‌بخش صرفاً به چیزهای ناسالم محدود نمی‌شود.

هر چیزی که سرگرم‌کننده است منجر به انتشار بیشتر دوپامین در «مدارهای لذت» مغز می‌شود مثلاً شنا کردن، خواندن کتابی خوب، گفت‌وگوی خوب، غذا خوردن یا برقراری رابطه جنسی. استفاده از فناوری باعث ترشح دوپامین می‌شود؛ مانند سایر فعالیت‌های عادی و سرگرم‌کننده: حدود ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بالاتر از سطوح عادی.

برعکس، کوکائین دوپامین را ۳۵۰ درصد افزایش می‌دهد. این آمار برای شیشه به رقم خیره‌کننده یک هزار و ۲۰۰ درصد می‌رسد. علاوه بر این، شواهد اخیر نشان داده‌اند شیوه دریافت دوپامین در افرادی که اختلال استفاده بیش از حد کامپیوتر دارند و افرادی که مشکل سوءمصرف مواد مخدر دارند متفاوت است. اما معتقدم افرادی که ادعا می‌کنند واکنش مغز به بازی‌های ویدئویی و مواد مخدر یکسان است می‌کوشند قطره‌ای را که از شیر آب می‌چکد آبشار بنامند.

مقایسه اعتیاد به فناوری و سوءمصرف مواد به وسیله مطالعات عکسبرداری از مغز نیز انجام می‌گیرد. البته این مطالعات گاهی غیرقابل اطمینان بوده‌اند و نتوانسته‌اند ادعای نویسندگان‌شان را ثابت کنند. مطالعات عکسبرداری جدید نیز ادعاهای قبلی مبنی بر حساسیت‌زدایی بازی‌های خشونت‌آمیز از مغز جوانان را رد کردند؛ ادعا می‌شد این وضعیت باعث می‌شود کودکان ارتباط هیجانی کمتری با رنج دیگران برقرار کنند.



کریستوفر فرگوسن: شواهد چندانی در دست نیست تا نشان دهد فناوری بیشتر از فعالیت‌های لذت‌بخش دیگر باعث زیاده روی می‌شود.

مردم درباره آثار روانی مدت‌زمان تماشای نمایشگر چقدر باید نگران باشند؟ برقراری تعادل بین کاربرد فناوری و سایر جنبه‌های زندگی روزمره منطقی به نظر می‌رسد اما توصیه‌های متضاد زیادی درباره این تعادل وجود دارد. بخش عمده بحث حول مبارزه با «اعتیاد» به فناوری چارچوب‌بندی می‌شود. اما از نظر من این وضعیت شبیه وحشت اخلاقی است که باعث می‌شود ادعاهای ترسناکی بر مبنای داده‌های ضعیف مطرح شود.

برای مثال، در آوریل ۲۰۱۸، برنامه «America Inside Out» کتی کوریک، خبرنگار تلویزیون، بر آثار فناوری بر مغز مردم تمرکز کرد. این قسمت با حضور هم‌بنیان‌گذار کسب‌وکاری اجرا شد که به درمان اعتیاد به فناوری می‌پردازد. مهمان برنامه اعتیاد به فناوری را با اعتیاد به کوکائین و سایر مواد مخدر مقایسه کرد. این برنامه همچنین این‌طور القا کرد که کاربرد فناوری ممکن است باعث بروز بیماری‌های زوال حافظه مانند آلزایمر شود. سایر صاحب‌نظران مانند ژان تونگ روان‌شناس تلفن‌های هوشمند را به خودکشی نوجوانان ربط داده‌اند.

من روان‌شناسی هستم که با نوجوانان و خانواده‌ها کار می‌کنم و تحقیقاتی درباره کاربرد

چگونه ترس از جا ماندن را به لذت تبدیل کنیم

گزیت در تحقیقات خود متوجه شد، آنهایی که به صورت هدفمند ارتباط خود را با شبکه اجتماعی قطع می‌کنند در مقایسه با آنهایی که خودشان تصمیم نمی‌گیرند سلامت روانی بالاتری دارند.

نه بگویید و مرزبندی کنید: مرزبندی در تمامی جوانب زندگی از جمله حضور در مراسم‌ها و فعالیت‌های مختلف اهمیت دارد.

سوزان آلبرز، تاکید می‌کند: «نه گفتن مشکلی ندارد. نیازی نیست از تصمیم خود دفاع کنید یا توضیح بدهید.»

از مکانیسم‌های مقابله‌ای استفاده کنید: برخی از استراتژی‌های رفتاری با دور کردن وسوسه‌ها می‌توانند به کاهش استفاده از شبکه اجتماعی کمک کنند.

استفاده از قابلیت‌هایی مثل حالت تمرکز (focus) یا مزاحم نشو (DnD)، بی‌صدا کردن افراد، خاموش کردن هشدارها، در نظر گرفتن محدودیت‌های زمانی برای برخی اپلیکیشن‌ها یا خاموش کردن دستگاه در شب.

حواس‌تان به شبکه‌های اجتماعی باشد: همان‌طور که پیشتر اشاره کردیم، لذت جا ماندن به معنی حذف کامل شبکه اجتماعی نیست، بلکه به گفته بری، باید بیشتر مراقب استفاده خود باشید و «هنگام تماشای محتواهای مختلف به احساسات‌تان توجه کنید و مفید و مضر آن را در نظر بگیرید.»

حواس‌تان به توجه بیش از حد به دیگران باشد: Gazit با اشاره به اینکه همه باید زمانی را به «توجه به زندگی خود» اختصاص دهند ادامه می‌دهد: «بیشتر اوقات ما بیش از حد به زندگی دیگران توجه می‌کنیم.» **به خودتان یادآور شوید که تنها نیستید:** جا ماندن برای همه رخ می‌دهد و تقریباً همه ترس از جا ماندن را تجربه کرده‌اند.

از کارهایی که انجام می‌دهید مثل کتاب خواندن، وقت گذراندن با خانواده یا حتی زمان تنهایی خود لذت ببرید ②

نویسنده: بروک اشتاینبرگ

منبع: نیویورک‌پست

پی‌نوشت: این مطلب خلاصه شده است.

زمان آن رسیده تا «ترس از جا ماندن» (FOMO) را کنار بگذاریم و به استقبال «لذت از جا ماندن» (JOMO) برویم. بسیاری از مردم با ترس از جا ماندن یا FOMO آشنایی نزدیکی دارند و اینکه دوستان‌شان بدون آنها خوش بگذرانند- در یک دورهمی شام، بیرون رفتن یا یکی از بهترین کنسرت‌های شهر- نگران‌شان می‌کند.

سابقه FOMO به مدت‌ها پیش از پیدایش شبکه اجتماعی بازمی‌گردد، اما امروزه می‌توانیم گزیده‌های زندگی مردم را داخل دست‌مان و معمولاً در لحظه تماشا کنیم، که شاید یک حس تنهایی و طرد شدگی فوری در ما برانگیزد.

Tali Gazit استاد یار علوم اطلاعات به واشینگتن‌پست می‌گوید: «ما بیشتر در معرض مردمی که نمی‌شناسیم قرار داریم، کسانی که واقعاً داستان‌شان را نمی‌دانیم. ما با پیچیدگی‌های زندگی آنها آشنایی نداریم و همه چیز در تجربه‌های زندگی دیگران فوق‌العاده به نظر می‌رسد.»

اما جا ماندن لزوماً قرار نیست باعث ایجاد احساسات منفی شود؛ می‌تواند اتفاقی برای شاد بودن باشد. با بازاریابی ایده FOMO و تبدیل آن به احساس JOMO، می‌توانید کاری را که واقعاً به آن علاقه دارید انتخاب کنید و کمتر نگران دیگران باشید.

طبق اعلام کلینیک Cleveland، لذت از جا ماندن علاوه بر شادی با چند فایده ذهنی مثل افزایش بهره‌وری و تمرکز، افزایش مشارکت در روابط و بهبود سلامت احساسی و فیزیکی همراه است.

شبکه اجتماعی با وجود نقاب‌هایی که دارد امکان برقراری ارتباط را برای مردم فراهم می‌کند و این مساله برای سلامت ذهن ما مفید است.

کریس بری، استاد روان‌شناسی دانشگاه ایالت واشینگتن، به WaPo می‌گوید استقبال از جا ماندن به معنی قطع روابط یا انزوای فردی نیست. در عوض به قطع خودخواسته ارتباط و تخصیص زمانی به بازیابی انرژی اشاره می‌کند. حال چگونه می‌توان لذت از جا ماندن را به زندگی اضافه کرد؟ چند مثال:

با برنامه‌ریزی اتصال خود را قطع کنید: به گفته WaPo، ارادی کردن لذت از جا ماندن اهمیت کلیدی دارد.

کوچکی از افرادی باشیم که زیاده‌روی می‌کنند. نگرانی‌هایمان درباره اعتیاد به فناوری کاملاً هم بیراه نیستند اما شواهد موجود نشان می‌دهند ادعا درباره بحران یا مقایسه با مواد مخدر کاملاً بی‌اساس است ③

نویسنده: کریستوفر فرگوسن

منبع: کوارتر

پی‌نوشت: این گزارش در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است.

فناوری عامل بروز «اعتیاد به فناوری» نیست

بسیاری از مباحث مربوط به اعتیاد به فناوری ادعا می‌کنند که خود فناوری افراد را مجذوب می‌کند و به مغزهای عادی آسیب می‌زند. اما تحقیقات من نشان می‌دهد اعتیاد به فناوری عموماً بخشی از علائم اختلال‌های بنیادین دیگر مانند افسردگی، اضطراب و مشکلات توجه است. مردم تصور نمی‌کنند افراد افسرده‌ای که کل روز را می‌خواهند به تخت اعتیاد دارند.

این موضوع اهمیت خاصی دارد زیرا در تعیین افرادی که به درمان نیاز دارند و شرایط این کار مطرح می‌شود. تلاش برای درمان «اعتیاد به فناوری» ممکن است در نهایت به درمان یکی از علائم منجر شود و مشکل واقعی دست‌نخورده باقی بماند.

فناوری به خودی خود اعتیادآور نیست

شکی نیست که برخی افراد در انجام طیف وسیعی از فعالیت‌ها زیاده‌روی می‌کنند. این فعالیت‌ها شامل کاربرد فناوری می‌شوند اما سایر اقدامات مانند تمرین، غذا خوردن، رابطه جنسی، کار، مذهب و خرید را نیز پوشش می‌دهند. مقاله‌های پژوهشی‌ای درباره اعتیاد به رقص تهیه شده است. اما تعداد اندکی از این موارد تشخیص رسمی دارند. شواهد چندانی در دست نیست تا نشان دهد فناوری بیشتر از فعالیت‌های لذت‌بخش دیگر باعث زیاده‌روی می‌شود.

فناوری منجر به خودکشی نمی‌شود

برخی کارشناسان‌ها اشاره کرده‌اند اخیراً خودکشی در میان دختران نوجوانی که شواهدی مبنی بر مشکلات فناوری داشتند افزایش یافته است. اما نرخ خودکشی تقریباً در بین همه گروه‌های سنی افزایش یافته؛ به‌ویژه بزرگسالان میانسال در یک دوره ۱۷ساله از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۶. این افزایش ظاهراً در سال ۲۰۰۸ شکل گرفت- در دوران فروپاشی مالی- و بعد از آن بدتر شده است. این وضعیت نشان می‌دهد نمایشگرها عامل بروز خودکشی در میان نوجوانان نیستند زیرا نرخ خودکشی در میان بزرگسالان میانسال بسیار بیشتر است. ظاهراً مشکل بزرگ‌تری در جامعه وجود دارد. فناوری‌هراس‌ها حواس مردم عادی و مقامات سلامتی را از شناسایی و درمان این مشکل بزرگ‌تر پرت می‌کنند.

مقاله جدیدی ادعا کرد استفاده از نمایشگر با افسردگی و خودکشی نوجوانان ارتباط دارد. اما محقق دیگری که به همان داده‌ها دسترسی

دارد نشان داد این تاثیر بیشتر از ارتباط بین خوردن سیب‌زمینی و خودکشی نیست. مشکل این است: محققان گاهی ادعاهای ترسناکی را بر اساس داده‌های کوچکی مطرح می‌کنند که اغلب از نظر آماری ناهنجارند و آثار واقعی نیستند. شکی نیست که مشکلات واقعی‌ای در ارتباط با فناوری وجود دارد؛ مانند حریم خصوصی. و مردم باید بین کاربرد فناوری و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تعادل برقرار کنند. همچنین شایسته است مراقب درصد بسیار



برنامه ۱۲ قدم برای ترک اعتیاد به اینترنت

خط پایان

«سلام، من، سارا، یک معتاد به اینترنت و تکنولوژی هستم.»

این جمله آغاز یک جلسه در بعدازظهر چهارشنبه بود، جلسه‌ای که ۱۸ نفر به طور بی‌صدا در یک تماس زوم دور هم جمع شدند. متن نوشته‌ها در جعبه‌های ویدئویی کوچک هر یک از این آدم‌ها نشان می‌داد از مکان‌هایی دور از هم مانند اورگان، هند و نامیبیا آمده‌اند. سارا و سایر شرکت‌کنندگان بخشی از یک انجمن در حال رشد به نام معتادان به اینترنت و تکنولوژی ناشناس (ITAA) هستند، یک برنامه ۱۲ مرحله‌ای که بر اساس اصول الکی‌های ناشناس (AA) است و ابزارها و پشتیبانی برای مقابله با استفاده وسواسی از اینترنت را فراهم می‌کند. این برنامه در سال ۲۰۱۷ با چند گروه بنیان‌گذار در ایالات متحده آغاز به کار کرد و به سرعت رشد کرده است؛ اکنون هزاران عضو در سراسر جهان، با برگزاری بیش از ۱۰۰ جلسه آنلاین و حضوری به هفت زبان مختلف دارد.

از زمانی که انجمن الکی‌های ناشناس در سال ۱۹۳۵ تاسیس شد، ۱۲ قدم آن برای اعتیادها و رفتارهای وسواسی دیگر از جمله پرخوری، ولخرجی و قمار تعریف شده است. اکنون این برنامه سنتی که بر پایه‌ی پرهیز از مواد مخدر بوده، به اصطلاح برای یک مواد (دراگ) جدید انتخاب شده، یعنی تلفن‌های همراه ما.

در جلسات، شرکت‌کنندگان ITAA که احساس می‌کنند استفاده‌ی آنها از تکنولوژی به سمت تخریب رفته، تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند و از یکدیگر در تعیین مرزهای سالم حمایت می‌کنند.

مشکلات آنها از خرید آنلاین و اسکرول وسواسی در شبکه‌های اجتماعی تا اعتیاد به بازی‌های ویدئویی و تماشای مکرر برنامه‌های تلویزیونی متغیر است. برای اکثر آنها هدف پرهیز نیست، بلکه امکان مدیریت کردن است. آبری، یکی از اعضای ITAA، می‌گوید وقتی ۹ ماه پیش در اولین جلسه شرکت کرد، بیش از ۱۲ ساعت در روز را صرف چرخیدن بین برنامه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی، ارسال پست‌ها

و چک کردن وسواسی لایک‌ها و تعاملات با محتوای خود می‌کرد. عادات آنلاین او بر روابطش تأثیر می‌گذاشت و انجام کار ثابت را برایش دشوار می‌کرد.

او می‌گوید: «مثل اعتیاد به قمار یا یک ماشین بازی به نظر می‌رسید، زیرا دائماً صفحاتم را به‌روزسانی می‌کردم، نمی‌توانستم جلوی خودم را بگیرم. هر روز به خودم می‌گفتم: "باشه، فردا تمومش می‌کنم." اما نمی‌توانستم. این اعتیاد داشت مرا می‌کشت.»

تعیین مرزها

اعتیاد به اینترنت و فناوری در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5)، طبقه‌بندی استاندارد اختلالات روانی که متخصصان سلامت روان در ایالات متحده به کار می‌گیرند، به رسمیت شناخته نشده است. اما تحقیقات به طور فزاینده‌ای نشان می‌دهد شباهت‌هایی با اختلالات شناخته‌شده‌تر، مثل اعتیاد به الکل، دارد.

یک مطالعه در سال ۲۰۱۲ روی دانشجویان وابسته به تلفن همراه، تغییرات ساختاری در مغز را که مشابه آنچه در مغز افراد معتاد به مواد مخدر مشاهده شده پیگیری کرد. متخصصان برجسته اعتیاد گفته‌اند چرخه‌ی دوپامینی که با استفاده از شبکه‌های اجتماعی آغاز می‌شود، مشابه آن چیزی است که در مصرف‌کنندگان مواد مخدر دیده می‌شود. یک مطالعه در سال ۲۰۱۶ روی افرادی که از اعتیاد به بازی‌های ویدئویی رنج می‌بردند، نشان داد واکنش‌های عصبی آنها به محرک‌های بازی مشابه واکنش‌های عصبی افراد معتاد به مواد مخدر هنگام تجربه هوس‌های جسمی است.

برخلاف اختلالات سوءمصرف مواد، وابستگی به اینترنت و بازی نوعی اعتیاد «رفتاری» تلقی می‌شود. تنها اعتیاد رفتاری که از سوی DSM-5 به رسمیت شناخته شده اختلال قمار است که در سال ۱۹۸۰ اضافه شد. لورنس واینستین، مدیر ارشد پزشکی در مرکز اعتیاد آمریکا، می‌گوید چنین اعتیادهای رفتاری یا «فرایندی» شباهت‌هایی به اعتیادهای شیمیایی

دارند. او توضیح می‌دهد: «اعتیادهای فرایندی مرکز پاداش مغز را به روشی مشابه مواد فعال می‌کند، اما به جای اینکه یک ماده سطح دوپامین را افزایش دهد، این افزایش ناشی از آن رفتار خاص است. لذت حاصل از آن رفتار باعث می‌شود فرد در آینده دوباره درگیرش شود.»

بسیاری از افراد، هم محققان و هم کسانی که تحت تأثیر اعتیاد به اینترنت قرار دارند، تجربه‌ای شبیه به اختلالات مصرف مواد مخدر را از سر می‌گذرانند که DSM-5 آن را با «اختلال در کنترل، وابستگی فیزیکی، مشکلات اجتماعی و مصرف پرخطر» توصیف می‌کند.

اوبری می‌گوید استفاده وسواس گونه او از رسانه‌های اجتماعی «زندگی‌اش را می‌گیرد». او اکنون در جلسات روزانه شرکت می‌کند و خود را نسبت به اعتیاد به اینترنت هوشیار می‌داند؛ به این معنی که به قوانین خودتحمیلی برای استفاده مسئولانه وفادار مانده است. او اکنون می‌تواند یک شغل تمام‌وقت در زمینه مورد علاقه‌اش داشته باشد که از قضا شامل پست‌هایی در رسانه‌های اجتماعی می‌شود.

در حالی که سازمان‌هایی مانند انجمن معتادان و الکی‌های ناشناس مبتنی بر چارچوبی برای پرهیز از خودداری می‌شوند که فرد یا مشروب می‌نوشد یا نمی‌نوشد، برنامه‌هایی مانند ITAA ظریف‌تر هستند و هر یک از اعضا تعریف خود را از هوشیاری تعیین می‌کنند.

برای آبری، "خط پایانی" اصطلاح برنامه برای یک مرز سخت که نقض آن بازگشت به اعتیاد محسوب می‌شود- چک کردن لایک‌ها در شبکه‌های اجتماعی، اسکرول کردن فید یا تماشای استوری‌های اینستاگرام است. "خطوط میانی" رفتارهایی هستند که ممکن است محرک باشند و باید با احتیاط با آنها برخورد شود. آبری هنوز هم از اینترنت برای پست‌های مرتبط با کار استفاده می‌کند، در حالی که با یک اسپانسر در برنامه که او را مسئول نگه می‌دارد، در ارتباط است.

او می‌گوید: «این برنامه ابزارهایی در اختیار من قرار داده است که با آن می‌توانم استفاده



که مشکل من را درک می‌کنند و مرا می‌پذیرند قبول کنم.»

استیون می‌گوید او به تناقضی که در پیدا کردن این همه پشتیبانی برای اعتیادش به اینترنت در اتاق‌های ملاقات آنلاین وجود دارد، پی برده است. مطمئناً در این برنامه افرادی هستند که ترجیح می‌دهند فقط حضوری ملاقات کنند. اما از بسیاری جهات، پیدا کردن کمک آنلاین برای او برخی از اصول اساسی برنامه ITAA را تقویت کرد.

او در آخر می‌گوید: «مساله حذف کردن تکنولوژی نیست، تکنولوژی در بسیاری مواقع واقعاً فوق‌العاده است. مساله یادگیری این است که چه چیزی برای ما شخصاً سالم و ناسالم است. قطعاً امکان‌پذیر است که از اینترنت در اینترنت بهبود پیدا کنیم.»

نویسنده: کری پائول
ترجمه: مونا میرزایی

منبع: دگاردین

× تمامی نام‌های اعضای ITAA در این داستان تغییر کرده‌اند تا بر اساس سنت‌های این سازمان، ناشناس بمانند.

اعتیاد نیستند؛ اما اغلب ارزان‌ترین و در دسترس‌ترین‌اند. استیون، یکی از اعضای موسس ITAA، می‌گوید ۶ سال پیش زمانی که تقریباً تمام ساعات بیداری خود را صرف بازی، مرور رسانه‌های اجتماعی و پخش محتوای آنلاین، از پادکست‌ها گرفته تا برنامه‌های تلویزیونی می‌کرد، به «خط پایان» خود رسید. او که ناامید شده و به حد خودکشی رسیده بود، برای کمک در اینترنت جست‌وجو کرد، اما به جز امکانات گران‌قیمت توان بخشی به منابع کمی در ایالات متحده دست یافت.

طبق اطلاعات سایت راهنمای مراکز اعتیاد آمریکا، هزینه درمان بستری برای اعتیاد به مواد مخدر و الکل از پنج هزار تا ۸۰ هزار دلار در ایالات متحده متغیر است. سامرلند، یک کمپ سم‌زدایی دیجیتالی که برای کودکان طراحی شده است، بابت یک استراحت هفت هفته‌ای نزدیک به ۱۲ هزار دلار هزینه دربر دارد. ReSTART، یک مرکز ترک اعتیاد اینترنتی برای بزرگسالان، ۱۸ هزار دلار در ماه دریافت می‌کند. «از آنجا که همه همیشه از صفحه‌نمایش استفاده می‌کنند، سخت است که درک درستی از سالم بودن یا نبودن استیون، یکی از اعضای موسس ITAA، داشته باشیم.»

ITAA و سایر برنامه‌های ۱۲ مرحله‌ای، در عین حال، کاملاً رایگان هستند. استیون می‌گوید کمبود منابع برای افرادی مانند او نشان می‌دهد اعتیاد به اینترنت درک نادرست است، زیرا منابع کمی برای تحقیقات آن اختصاص داده شده است. او توضیح می‌دهد: «دقیقاً مانند اعتیادهای معمولی است، با این تفاوت که دارو دوپامین است. اما از آنجا که همه همیشه از صفحه‌نمایش استفاده می‌کنند، بسیار عادی است و درک واضح از سالم بودن یا نبودن آن سخت است. من فکر نمی‌کنم جامعه ما دوست داشته باشد ماهیت واقعی این موضوع را تشخیص دهد که صفحه‌نمایش چقدر می‌تواند مضر باشد.»

استیون می‌گوید ابتدا از شرکت در یک برنامه ۱۲ مرحله‌ای می‌ترسید، زیرا تمرکز آن بر یافتن یک «قدرت بالاتر» بود. انتقاد رایجی از الکی‌های گمنام، اما در نهایت دریافت که این برنامه رابطه او را با الحاد تقویت می‌کند.

او ادامه می‌دهد: «از نظر من، بخش بسیار مهمی از ملحد بودن، تعهد به حقیقت است. من متوجه شدم این یک توهم است که باور کنم می‌توانم اعتیادم را کنترل کنم- فکر می‌کنم می‌توانم از یک بیماری عصبی پیشی بگیرم. من یاد گرفتم که حمایت قضاوت‌ناپذیر را از افرادی

از اینترنت خود را به گونه‌ای هدایت کنم که با ارزش‌های من همسو باشد. پرهیز کامل دشوار است، بنابراین شما واقعاً در تلاش هستید رابطه سالم‌تری با اینترنت و فناوری کشف کنید. این در مورد یافتن حمایت برای پرهیز از رفتارهایی است که واقعاً خارج از کنترل من است.»

«دیگر یک رویکرد به یک اندازه، مناسب برای همه نیست»

مطالعات نشان می‌دهد که انجمن الکی‌های ناشناس موثرترین راه برای بهبودی مبتنی بر پرهیز از اعتیاد است و این برنامه برای مدت طولانی استاندارد طلایی روند بهبود در پزشکی بوده است. اما همان‌طور که روش‌هایی مانند کاهش آسیب- که به دنبال به حداقل رساندن آثار منفی مصرف مواد به جای ریشه‌کن کردن آن است- محبوبیت پیدا می‌کند، کارشناسان می‌گویند درک روزافزونی وجود دارد که افراد مختلف ممکن است به منابع متفاوتی نیاز داشته باشند.

امیلی برنر، پزشک خانواده اهل مینه‌سوتا که در زمینه درمان اعتیاد کار می‌کند، می‌گوید: «ما دیگر نیازی به یک رویکرد یک‌اندازه مناسب برای همه نداریم، که درمان اعتیاد در گذشته به این شکل بوده است. متداول‌ترین روشی که در حال حاضر رواج دارد، ارزیابی فردی و مطابقت با آن چیزی است که برای هر بیمار بهترین است.»

با این حال، اکثر متخصصان اعتیاد موافق‌اند که حمایت جامعه برای بهبود ضروری است. جدا از انجمن الکی‌های گمنام و سایر برنامه‌های ۱۲ مرحله‌ای، گروه‌های جایگزین از جمله Smart Recovery، Recovery و Celebrate Recovery محبوبیت پیدا کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: «این برنامه‌های ۱۲ مرحله‌ای و غیر ۱۲ مرحله‌ای، ساختاری ارائه و مسیری را به سوی بهبود پایدار شرح می‌دهند. با شرم و بدنای مبارزه می‌کنند و با دیگرانی که تمایل مشابهی برای ترک یک رفتار اعتیادآور خاص دارند، ارتباط برقرار می‌کنند.» آماندا لی جیوردانو، استاد مشاوره اعتیاد در دانشگاه جورجیا می‌گوید، اغلب اوقات برنامه‌های حمایت از همتایان همراه با مشاوره فردی یا گروهی یک رویکرد بهینه برای درمان اعتیادهای رفتاری است.

اعضای ITAA همچنین به سرعت می‌گویند برنامه‌های ۱۲ مرحله‌ای تنها راه‌هایی از



فناوری‌هایی که کمک می‌کنند بر اعتیادتان چیره شوید

کلید گذراندن زمان کمتر با تلفن همراه چیست؟

دستگاه‌ها سیستم‌هایی هستند که از سوی متخصصان مهندسی شده‌اند تا به صورت متناوب پاداش دهند و از رفتار اعتیادگونه بهره‌برداری کنند. خوشبختانه جایگزین‌هایی وجود دارد.

ماشین پیش‌نویس اول

از نظر آدام لیب که مهندس دانش‌آموخته ام‌آی‌تی است و یک شرکت کوچک دستگاه مصرف‌کننده در دیترویت تاسیس کرده، جرقه آنچه می‌توان ماشین تایپ دیجیتالی نامید از گفت‌وگو با یک دوست پدید آمد.

این دوست از شگردی برای نوشتن پیش‌نویس‌های اول استفاده می‌کرد که در درس نگارش تحصیلات تکمیلی آنها را آموخته بود: از نرم‌افزاری استفاده کرد که کلید بک‌اسپیس را در کامپیوتر غیرفعال کرد و او را داشت تا ادامه دهد و بعداً ویرایش کند.

این لحظه کشف در سال ۲۰۱۶ وقتی به اوج رسید که آستروهاوس، شرکت متعلق به لیب، اولین محصولش به نام Freewrite را عرضه کرد. این محصول یک صفحه‌کلید مکانیکی به شکل جعبه است که از نمایشگری با جوهر الکترونیکی بهره می‌گیرد. می‌توانید پیش‌نویس‌هایتان را روی ابر آپلود کنید تا بعداً روی کامپیوتری واقعی آنها را ویرایش کنید و همین.

آستروهاوس بعد از آن دو ماشین تایپ دیجیتالی دیگر را نیز عرضه کرده که طراحی خوبی دارند، نسبتاً گران‌اند و واکنش‌های متناقض به بار آورده‌اند. بسیاری از مشتری‌ها ماشین‌های تایپ دیجیتالی را دوست دارند اما منتقدان تک اغلب از چنین ماشین‌هایی بیزارند دقیقاً به خاطر فقدان امکاناتی که لیب عمداً حذف‌شان کرده است.

از هر سه مدل Freewrite از جمله آلفا استفاده کرده‌ام و می‌توانم بفهمم برای چه مردم درک نمی‌کنند که چرا باید ۳۴۹ تا ۶۴۹ دلار بابت دستگاهی پرداخت کنند که توانایی‌اش در حد Selectric آی‌بی‌ام در دهه ۶۰ میلادی است. اما وقتی مساله نوشتن یا یادداشت برداشتن بدون حواس‌پرتی مطرح

هوشمند ساده است که به قول یوهان هاری، برای «شورشیان توجه» جذابیت دارد. این موبایل هوشمند قصد دارد زمان و توجه ما را از دستگاه‌ها، سرویس‌ها و شرکت‌های فناوری پس بگیرد.

ابعاد لایت آیفون ۲ برابر با ابعاد یک بسته کارت بازی است و از نمایشگر سیاه‌وسفید با جوهر الکترونیکی مانند کیندل آمازون استفاده می‌کند. لایت آیفون می‌تواند متن بفرستد، تماس بگیرد، به تقویم دسترسی پیدا کند، دستورات نوبتی بدهد، پادکست و موسیقی پخش کند. و همین. لایت آیفون غیر از برنامه‌های خودش به هیچ اپ‌استوری دسترسی ندارد و تعداد انگشت‌شماری اپ دارد. این موبایل به صورت آزمایشی در مدرسه‌ای شبانه‌روزی در ماساچوست مورد استفاده قرار گرفت و با موفقیت از حواس‌پرتی دانش‌آموزان کاست. هیچ آماری درباره افرادی که به مینی‌مالیسم دیجیتالی گرایش دارند وجود ندارد اما ظاهراً این جنبش در حال پا گرفتن است. محققان، تراپیست‌ها و جراح‌های عمومی آمریکایی هشدار می‌دهند که عادت‌های ما ممکن است به همه‌چیز آسیب بزنند، از توانایی‌مان در خوابیدن تا سلامت روان‌مان.

اگر زمین گذاشتن دستگاه‌هایمان ساده بود، اکثرمان قبلاً انجامش داده بودیم. نظرسنجی جدیدی که دانشگاه کمبریج انجام داده نشان می‌دهد حدود نیمی از نوجوانان احساس می‌کنند به رسانه‌های اجتماعی اعتیاد دارند. در سال ۲۰۲۲، حدود ۶ نفر از هر ۱۰ آمریکایی به مسئولان نظرسنجی گالوپ گفته‌اند در استفاده از تلفن‌شان زیاده‌روی می‌کنند.

شرکت‌های بیگ‌تک به نحوی به ما کمک می‌کنند تا زمانی را که با دستگاه‌هایمان گذرانده‌ایم ردیابی کنیم. اپل در سال ۲۰۱۸ تنظیمات Screen Time را اضافه کرد و گوگل، فیس‌بوک و اینستاگرام از ابزار مشابهی رونمایی کردند. این نوع ابزار می‌تواند برای برخی افراد کارساز باشد. اما برای بسیاری از ما، صرفاً باعث می‌شود بار دیگر شرمند شویم که نمی‌توانیم دستگاه‌هایمان را زمین بگذاریم. درهرحال، این

اگر ثروت این باشد که زمان و آزادی انتخاب چگونه گذراندن آن را داشته باشید، با این حساب کارلوس آپاریجیو، کارمند ریموت ۲۴ ساله‌ای که در ال‌پاسوی تگزاس زندگی می‌کند، ثروتمند است.

کارلوس به طرز رشک‌برانگیزی بین کار و زندگی خانگی تعادل برقرار می‌کند و با وجود این همکاری‌اش از سازنده بودنش تمجید می‌کند. با دوستان و خانواده احساس حضور می‌کند و زمان زیادی را بیرون از خانه می‌گذراند. اما همیشه این‌طور نبوده. در روزهای نه‌چندان دور، کارلوس حتی نمی‌توانست با سگش راه برود بدون اینکه احساس کسالت کند، آیفونش را دربی‌آورد و شروع کند به اسکرول کردن.

تلاش برای تبدیل داشته‌هایمان به چاقوی همه‌کاره باعث شده مینی‌مالیسم دیجیتالی ضروری به نظر بیاید

این مدیر حسابداری سازمانی ناسودبر که برای اهداف سیاسی پول جمع می‌کند می‌گوید: «مغز تغییر کرده بود تا دیگر در لحظه حاضر نباشد- مثل این بود که باید همیشه حواسم پرت می‌شد. و این را دوست نداشتم.»

رابطه ناراحت با دستگاه‌مان باعث می‌شود افراد زیادی مانند کارلوس به مینی‌مالیسم دیجیتالی گرایش پیدا کنند و صرفاً به دستگاه‌هایی مراجعه کنند که حواس‌مان را طوری پرت نمی‌کنند که نتوانیم در برابرش مقاومت کنیم. سازندگان این دستگاه‌ها هنوز هم کم‌تعدادند اما بازار دست‌نخورده‌ای پیدا کرده‌اند که در آن می‌توانند به افرادی خدمت کنند که می‌خواهند از فناوری ساده‌تر و کم‌امکانات‌تر استفاده کنند و به سازندگی و شادی بیشتری برسند.

کارلوس به همراه همسرش از لایت آیفون ۲ استفاده کردند. لایت آیفون ۲ یک تلفن

می‌شود، هیچ چیز نمی‌تواند جای دستگاهی را بگیرد که نمی‌تواند حواس‌تان را پرت کند.

تلفن‌های غیرهوشمند

دیزی کریگ‌باوم و ویل استالتر صاحبان کسب‌وکار خاص خرده‌فروشی تلفن هستند. این خرده‌فروشی که در لس‌آنجلس مستقر است Dumbwireless نام دارد و شرکتی غیرعادی و شاید منحصر به فرد است. این خرده‌فروشی فقط تلفن‌های غیرهوشمند می‌فروشد؛ غیر از یک مدل فوق هوشمند به نام جلی از Unihertz.

این کسب‌وکار از تجربه خود استالتر در زمینه اعتیاد به فناوری زاده شد. توییت‌راپ محبوبش بود. می‌گوید: «دلیلش را نمی‌دانم اما همیشه به دنبال اخبار بودم و احساس می‌کردم می‌خواهم دیدگاهم را بیان کنم. همه وقت و انرژی‌ام را تلف می‌کردم.»

استالتر بعد از اینکه به تلفن غیرهوشمند علاقه پیدا کرد، متوجه شد می‌تواند کسب‌وکاری راه بیندازد و در آن به دیگران کمک کند تا تصمیم بگیرند چه دستگاهی نیازهایشان را برطرف می‌کند و کارکردهای بسیار کمتری نسبت به تلفن‌های هوشمند رایج دارد. استالتر لایت آیفون ۲ را به اکثر کاربران توصیه می‌کند اما Dumbwireless دستگاه‌های دیگری نیز عرضه می‌کند؛ از جمله Punkt Tronics از یک شرکت تلفن مینی‌مال سوئیسی.

برای افرادی که می‌خواهند اصطکاک خوب بیشتری به تجربه تلفن هوشمندشان اضافه کنند، محصول Unpluq Tag وجود دارد که از سوی آپلاک، استارت‌آپی در روتردام، عرضه شده. یک برچسب زرد با ابعاد دو و نیم سانتی‌متر مربع وجود دارد که با تلفن‌تان روی آن می‌نیزد تا دسترسی به وب‌سایت‌ها و اپ‌های مد نظرتان را قفل یا باز کند. کاربران قبل از اینکه بیرون بروند یا فعالیتی انجام دهند می‌توانند برچسب را در خانه یا قسمت دیگری از خانه‌ها کنند تا تلفن‌شان غیرهوشمند شود.

می‌توان از تلفن‌های غیرهوشمند به عنوان دستگاه‌های ثانویه استفاده کرد؛ مثلاً وقتی فرد می‌خواهد حواس‌پرتی را به حداقل برساند. جفری استراپک، متخصص دانشجو در مدرسه‌ای خصوصی در بالتیمور، یک تلفن ساده و دست‌دوم نوکیا از سمساری خرید و آن را به سیم‌کارت از پیش پرداخت‌شده وصل کرد. وقتی می‌خواهد در دسترس باشد اما حواسش پرت نشود، گزینه تمرکز برای راندگی را روی آیفونش فعال می‌کند. پیامی را که به

صورت خودکار به هر کسی که تلاش می‌کند پیام بفرستد یا تماس بگیرد می‌فرستد، شخصی‌سازی می‌کند تا شامل شماره تلفن ساده‌اش باشد.

این کیندل والدین‌تان نیست

روشی دیگر برای سازنده بودن اما پرت نشدن حواس این است که از تبلت جوهر الکترونیکی استفاده کنید. آمازون سال گذشته سرانجام کیندلی منتشر کرد که می‌توانید با آن یادداشت بردارید: کیندل اسکرایب. اما این محصول از بسیاری لحاظ کمترین توانایی و کمترین جذابیت را در میان هم‌رده‌هایش دارد. Remarkable 2، که سال‌هاست از آن برای خواندن و علامت گذاشتن روی فایل‌های پی‌دی‌اف استفاده می‌کنیم، دستگاهی بزرگ‌تر با نرم‌افزاری چشم‌نوازتر است.

برخی از جدیدترین نسل‌های این دستگاه‌ها حتی نسخه قابل قبولی از نمایش رنگی دارند اما طول عمر باتری همه آنها طولانی‌تر است. از طرف دیگر، رفرش نمایشگر آهسته‌تر است زیرا این یکی از ویژگی‌های جوهر الکترونیکی به شمار می‌رود. تعداد محدودی از تبلت‌های جوهر الکترونیکی به اندازه کافی قدرتمندند تا بتوانند نقش یک لپ‌تاپ بدون حواس‌پرتی را ایفا کنند؛ مانند Boox Tab Ultra C Pro که می‌توانید آن را به صفحه‌کلید و ترک‌پد اختصاصی وصل کنید. چنین دستگاهی برای مطالعه، یادداشت‌برداری، ویرایش اسناد و حتی مرور کردن وب مناسب است اما برای کارهایی که به توجه نیاز دارند مناسب نیست؛ مانند تماشای ویدئو یا اسکرول کردن رسانه‌های اجتماعی.

راه‌حل ساخت آمیش

جف شلدون کسب‌وکاری کوچک در ناحیه روستایی پنسیلوانیا دارد که تجهیزات جانبی برای میز کار می‌فروشد. این تجهیزات جانبی بسیار باکیفیت و دست‌سازند. شلدون همه راه‌حل‌های تک را برای سازماندهی لیست‌های شخصی و کاری‌اش امتحان کرد و همه راه‌حل‌ها مشکل‌شان یکی بود: هیچ‌کدام کارآمدی بیشتری در انجام کارها نداشتند. شلدون در طول چند سال سیستم ساده‌تر و ملموس‌تری را توسعه داد که از کارت‌های شاخص استفاده می‌کند- نوعی نسخه تقلیل‌یافته «دفتر وقایع روزانه» که برخی از بزرگان سازنده آن را پیشنهاد می‌دهند. شلدون در ادامه این محصول را به جعبه‌ای تبدیل و روی یک استارتر منتشر کرد. بیش از ۴۵۰ هزار پیش‌سفارش برای این

محصول ثبت شد. جعبه از چوب گردو ساخته شده و نقش محافظ و پایه را برای کارت‌های دست‌ساز ایفا می‌کند. این کارت‌ها نیز از سوی صنعت‌گران آمیش (Amish) و منونیت [فرقه‌های مسیحی] در همان نزدیکی‌ها به صورت دست‌ساز ساخته می‌شوند.

جداسازی خدمات تلفن هوشمند

از زمان عرضه آیفون، گرایش لوازم الکترونیکی مصرف‌کننده این بوده که همه دستگاه‌ها قدرتمندتر شوند. حالا تلفن‌های هوشمندی داریم که خم می‌شوند تا نقش تبلت را ایفا کنند. تبلت‌ها از هر نظر تلفن‌های بزرگ محسوب می‌شوند. و لپ‌تاپ‌ها سعی می‌کنند از این دو عقب نمانند.

این تلاش برای تبدیل همه داشته‌هایمان به چاقوی همه‌کاره باعث شده مینی‌مالیسم دیجیتالی هم ضروری و هم به طرز متناقض‌نمایی راحت‌تر از همیشه باشد. بسیاری از افرادی که مخاطب گفت‌وگوی من در این مقاله بودند از تلفن غیر هوشمندشان استفاده می‌کنند تا ارتباطشان با مردم را حفظ کنند و یک تبلت، لپ‌تاپ یا تلفن هوشمند بدون سیم‌کارت دارند تا کارهای دیگری را انجام دهند که فقط آن دستگاه‌ها می‌توانند انجام دهند. برای مثال، فردی که در سان‌فرانسیسکو زندگی می‌کند گفت وقتی نیاز دارد با اوپر تماس بگیرد، با آیفونش این کار را می‌کند. و پنیرفروشی در کارولینای جنوبی گفت حضور مغازه‌اش در رسانه‌های اجتماعی را صرفاً روی آیفون متصل به وای‌فای مدیریت می‌کند و این موبایل را نیز در محل کار جا می‌گذارد. این پارادوکس مینی‌مالیست‌های دیجیتالی امروز است: افراد زیادی در واقع از فناوری بیشتری استفاده می‌کنند تا کاری انجام دهند که دیگران صرفاً با تلفن و لپ‌تاپ انجامش می‌دهند. اما این افراد می‌گویند مزایای این ابزار اختصاصی برای کارهای مجزا ارزشش را دارد.

کارلوس می‌گوید: «هدف من همیشه این بود که اگر با کامپیوترم هستم، صرفاً می‌خواهم درس بخوانم یا کار کنم. و در نهایت می‌دانید، متوجه شدم که استرس کمتر و وقت بیشتری برای خانواده‌ام دارم.»

نویسنده: کریستوفر میمز

ترجمه: امین پورحسن

منبع: وال استریت ژورنال

پی‌نوشت: این گزارش در ژانویه ۲۰۲۴ منتشر شده است.



اینجا انتظار معنایی ندارد
پهنای باند اختصاصی رسپینا

www.respina.net | 021 92 00 00 00

بانک آینده
AYANDEH BANK



یه کارت جدید رو کن!



abankapp.ir



نیوزباکس ابزار شنیدن شبکه‌های اجتماعی

- دریافت تمام پست‌ها و خبرهای مربوط به برند شما
- از شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های خبری
- دارای بسته‌های متنوع عضویت بر اساس نیاز شما
- دارای نسخه وب اپلیکیشن



برای ثبت‌نام و یک هفته استفاده رایگان به سایت نیوزباکس

مراجعه کنید: www.newsbox.ir



با نیوزباکس بشنوید و به موقع پاسخ دهید.

نیوزباکس
newsbox.ir

ابزار شنیدن شبکه‌های اجتماعی

TOSAN Anniversary 25th

به ساز در پیوستگی و به کار در جریان باشیم
ساز و کار حرکت رودی پرتلاطم که نمی‌ایستد



۲۵ سال پیش در مسیری که برای رسیدن به اهدافمان انتخاب کردیم از سرچشمه جریان گرفتیم و در کنار شما به جریان توقفناپذیری بدل شدیم که موانع، دلیلی برای تغییر آن هستند نه توقف‌اش. بعد از سال‌ها، حال به یاد خودمان و شما می‌آوریم، جایی که ایستاده‌ایم حاصل قدم‌های کوچک و بزرگی است که با هم برداشتیم و با صبوری، تکتک‌شان را جشن گرفتیم. می‌دانیم مسیری پشت سر ماست که از جریان پرتلاطم ما هموار شده و مسیری پیش روی ماست که گذار از آن بدون همراهی شما ممکن نخواهد بود.

شما، دلیل پیوستگی این جریان ۲۵ ساله هستید.

حسیت درد تازگی آن ابر سیلد؟!!

توسعه یکپارچه زیرساخت سازمانی با سرویس‌های ابری آروان کلاود

www.nobitex.ir

android

ios



 NOBITEX

مورد اعتمادترین پلتفرم مبادله‌ی رمزارز در ایران



کسب و کار شما

در خیابان های شهر!

Location
Based
Advertisement

جریان دیجیتال

تبلیغات مبتنی بر مکان ایرانسل (LBA)
راهکار نوین تبلیغات شما
Your new advertising solution



Business.irancell.ir
EB@mtnirancell.ir